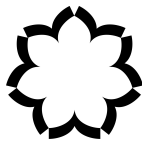


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تجلی هویت ایرانی در نیویورک

دکتر محمود احمدی نژاد

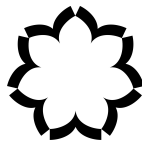


نشر جمهور

مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری

تهران ۱۳۸۶

سرشناسه	: احمدی نژاد، محمود. ۱۳۳۴
عنوان و نام پدیدآور	: تجلی هویت ایرانی در نیویورک / محمود احمدی نژاد.
وضعیت ویراست	: ویراست دوم
مشخصات نشر	: تهران: ریاست جمهوری، مرکز پژوهش و اسناد، نشر جمهور ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری	: ۲۲۲ ص. مصور(رنگی)؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.
فروست	: نشر جمهور: ۱. سیاسی؛ ۱
شابک	: ۱۴۵۰۰ ریال 978-964-04-1185-8
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
یادداشت	: ص.ع. به انگلیسی: Manifestation Of the Iranian identity in New York.
یادداشت	: چاپ دوم
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: احمدی نژاد، محمود. ۱۳۳۴ -- سفرها-- ایالات متحده-- نیویورک.
موضوع	: احمدی نژاد، محمود. ۱۳۳۴ -- پیام‌ها و سخنرانی‌ها.
موضوع	: رؤسای جمهوری-- ایران.
موضوع	: ایران-- سیاست و حکومت-- ۱۳۸۴
شناسه افزوده	: ایران، ریاست جمهوری-مرکز پژوهش و اسناد. نشر جمهور.
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۶ ۳ت ۱۷۲۳/الف DSR
رده بندی دیویی	: ۹۵۵ /۰۸۴۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۱۵۰۵۵۲



نشر جمهور

تجلی هویت ایرانی در نیویورک

ناشر: نشر جمهور (مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری)

شمارگان: ۱۰/۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، مهرماه ۱۳۸۶ (ده هزار نسخه)

نوبت چاپ: دوم، دی ماه ۱۳۸۶ (ده هزار نسخه)

قیمت: با جلد شومیز ۱۴۵۰ تومان

با جلد گالینگور ۲۲۵۰ تومان

شابک: 978-964-04-1185-8

نشانی: تهران، خیابان جمهوری، خیابان دانشگاه جنوبی، پلاک ۱۸۷، تلفن: ۶۶۴۱۹۲۳۷

E-mail: RDC@GOVIR.IR

(روی جلد: نمایی بیرونی دانشگاه کلمبیا هنگام سخنرانی دکتر احمدی نژاد)

فهرست

- ۵ ۱. پیشگفتار (آغازی بر یک پایان)
- ۱۵ ۲. نبرد متافیزیکی در کلمبیا
- ۳۱ ۳. داوری عقل و تردید در سیاست
- ۴۵ ۴. غروب امپراتورها و طلوع مصلح کل
- ۶۳ ۵. اعتلای میراث و هویت ایرانی
- ۸۳ ۶. سیاست سلطه در ترازوی نقد
- ۱۰۷ ۷. تبلیغات و حقیقت
- ۱۲۵ ۸. اعتلای اسلام و انحطاط ایدئولوژیهای مدرن
- ۱۴۳ ۹. جهان در تمنای توحید

- ۱۴۹ ۱۰. عیسیای مسیح با موعود امم خواهد آمد
- ۱۵۹ ۱۱. سفسطه و حقیقت
- ۱۹۷ ۱۲. اخلاق و سیاست
- ۲۰۷ ۱۳. جهان در آستانهٔ تحول
- ۲۱۹ ۱۴. عکسها
- ۲۲۶ ۱۵. نمایه

آغازی بر یک پایان

ما اکنون در متن حماسهٔ ایرانیان در دانشگاه آمریکایی کلمبیا و نیویورک هستیم و به تمام ابعاد و دستاوردهای حرکت نمایندهٔ ملت بزرگ ایران در این شهر پر هیاهو و به خصوص دانشگاه کلمبیا وقوف و آگاهی نیافته‌ایم. مدتی پس از این رخداد تاریخی در خواهیم یافت که عمق ماجرا چه بوده و چه آثاری را برای ایرانیان و دیپلماسی ایرانی به همراه داشته است. چه اینکه آدمی در متن حادثه از کشف تمام وجوه آن قاصر است و بعضاً با حب و بغض بدان می‌نگرد. آینده به این سخن گواهی خواهد داد، اما به دور از خودشیفتگیها و خود بسندگیهای مرسوم به اجمال باید گفت، حاصل رویارویی فکری کلمبیا سرآغازی برای ایران و ملت‌های آزادی‌خواه و پایانی برای آمریکا و قدرتهای تمامیت‌خواه در عرصهٔ بین‌المللی خواهد شد.

در بررسیهای اولیه، دو رخداد تاریخی در مقیاسی شگفت‌آور توجه جهانیان را در یک سال گذشته (۱۳۸۵ هـ ش/ ۲۰۰۴ م) به خود معطوف کرده است. جنگ ۳۳ روزهٔ رژیم صهیونیستی علیه مقاومت اسلامی لبنان و رویارویی فکری ایرانیان با دولت آمریکا در دانشگاه کلمبیا دو حادثهٔ اعجاب‌انگیز یاد شده به شمار می‌آیند. بنا بود از نیل تا فرات به تصرف صهیونیسم جهانی درآید! اما شنی تانکهای میرکاوا در همان مارون‌الرأس بر گل ماند و قدرت امپراتور رسانه‌ای نظام سلطهٔ جهانی، در تسخیر افکار

عمومی جهانیان در مانده شد و حتی در استیلا کامل بر روح شهروندان نیویورکی نیز ناکام ماند. در عوض قلب و روح جهانیان از مارون‌الرأس تا دانشگاه کلمبیا معطوف و متوجه پیامهای فطرت‌گرایانه انقلاب اسلامی گردید و به سخنی دیگر، جزوی از اعماق استراتژیک گفتار حق و جهان اسلام شد.

با اینکه دو نبرد ۳۳ روزه مقاومت اسلامی و رویارویی فرهنگی در کلمبیا، یکی فیزیکی و قسم اخیر آن متافیزیکی است، اما از حیث ماهیت در نتایج به یکدیگر شباهت تام دارند. ماهیت جنگ ۳۳ روزه، جنگ علیه آزادی، شرف و استقلال بود. آمریکا، اسرائیل، فرانسه و ... در یک سو، اما حزب الله و ملت‌های آزادی خواهی همچون لبنان، فلسطین، ایران، سوریه و ... سوی دیگر صحنه نبرد بودند. اندکی پس از نبرد، عملیات روانی در رسانه‌های منطقه و جهان علیه حزب الله سازماندهی شد. آن‌ها تروریست و مسئول خرابی کشور و نیز مسبب بی‌خانمانی مردم و البته عامل وضع بد اقتصادی معرفی شدند. از دیگر سو، احزاب وابسته و غیرملی دل‌ملت لبنان را خالی کرده و سعی می‌نمودند رشته‌های همبستگی ملی را در برابر دشمن پاره کنند. تماس‌های پنهان، حاکی از آن بود که برخی بر آن شدند تا مقاومت ملی از سلاح خلع شود. حضور پی‌درپی سیاستمداران غربی هم، در پشت جبهه حزب الله برخوردار از پیام‌های معنادار برای درهم شکستن مقاومت بود.

با این وصف، مدیریت مقاومت اسلامی در نبرد ۳۳ روزه لبنان با مدیریت حماسه نیویورک از حیث هوشمندی، تدبیر، شجاعت، استقامت و قدرت ابتکار عمل دو پدیده نزدیک به هم به شمار آمده و از حیث تبیینی در یک تبار و شجره‌شناسی گفتمانی طیف‌بندی می‌شوند.

در نبرد متافیزیکی کلمبیا، اولاً همانند دو سفر گذشته نماینده ایران و

هیئت همراه به مجمع عمومی، رسانه‌های نظام سلطه پیشاپیش در راه‌اندازی جنگ روانی علیه ایرانیان تلاش‌های بی‌حدّ و حصری سامان دادند. گو اینکه آن‌ها مسئول پروژه‌های بزرگ علیه ایرانیان در سطح جامعه جهانی و در نبردهای چندلایه و پیچیده رسانه‌ای و جنگ‌های کم‌شدت بودند، دروغ‌های بزرگی که قبلاً از سوی استالین، هیتلر و نیز به وسیله خود سیاستمداران امریکایی در جنگ با عراق به کار گرفته شده بود. آن‌ها پس از اتخاذ استراتژی دروغ‌های بزرگ درباره ملت ایران و فراوانی القای آن از طریق رسانه‌های جهانی سومین حضور نماینده ملت ایران در مقر سازمان ملل و طرح سخنرانی رئیس‌جمهور در دانشگاه کلمبیا را که به دعوت رسمی آن دانشگاه از سوی دکتر احمدی‌نژاد مورد پذیرش واقع شده بود، آماج نبردهای رسانه‌ای خویش قرار دادند. القای ضرورت عدم پذیرش هیئت ایرانی در جغرافیای آمریکا، ادّعای لغو سخنرانی نماینده ملت ایران در سالن اجلاس، تکرار عدم پذیرش طرح پرسش و پاسخ مناظره‌های دکتر احمدی‌نژاد با بوش از سوی کاخ سفید، ممانعت از حضور رئیس‌جمهور در محل حادثه ۱۱ سپتامبر و تلاش برای لغو دعوت رسمی دانشگاه کلمبیا از رئیس‌جمهور ایران، جزو محورهای ضد ایرانی عملیات روانی دشمن پس از ملاحظه عزم دولت و ملت ایران برای حضور مؤثر و حتمی در اجلاس یاد شده و دانشگاه کلمبیا بود تا همه چیز متوجه صحنه اصلی نبرد فرهنگی ایران و آمریکا در دانشگاه کلمبیا گردد، آری! صحنه نبرد به گونه‌ای آرایش و هدف‌گذاری شده بود تا ابهت و هویت ملی ایرانیان با اندک حجمه آنها فرو پاشد! و این چنین بود که این آوردگاه به تمامیت حضور ایران و آمریکا در رسانه‌های جهان تبدیل شد. مکانی که اگر چه ممکن بود برخی منتقدان دولت بوش هم حضور داشته باشند، لکن اخبار، حوادث و بازتاب‌های بعدی مؤید آن است که سازمان‌های مختلف

امنیتی، سیاسی و رسانه‌ای آمریکا پیشاپیش دانشگاه کلمبیا را برای نبردی ضداسلامی و ضدایرانی مطابق میل خویش آراسته و تدارک کرده بودند. فراخوانی رئیس دانشگاه از سوی مراکزی خاص در آمریکا، پیش فروش بلیتهای سالن اجلاس، نصب ویدئو پروجکشنهای متعدد در محوطه دانشگاه برای جلب اذهان تمامی افراد، گسیل کردن صهیونیستهای نژادپرست به سمت دانشگاه، کاربست جلوه‌های ویژه روان‌کاوانه ضد مخاطب در جایگاه سخنرانی و قرائت بیانیه تند سیاسی و نیز دشنام به نماینده ملت بزرگ ایران از سوی میزبان رسمی، علی‌الظاهر این نبرد فکری را، قبل از آغاز به نفع جبهه آمریکاییها مغلوب کرده بود و این چنین همه چیز برای گشایش عقده‌ها و کینه‌های فروخورده سیاستمداران آمریکایی فراهم می‌شد و لحظه‌ها و ساعات انتقام تاریخی آن‌ها از ایرانیان فرا رسیده بود.

پروژه جنجال و آشوب گروه فشار مستقر در مجاورت دانشگاه به فرماندهی یکی از مقامات ارشد رژیم صهیونیستی (وزیر خارجه رژیم اشغالگر قدس خانم تسی‌بی لیونی) با پوشش رسانه‌ای پی‌درپی و پخش مستقیم گستره تحرکات ضد ایرانی این نیروهای ویژه برای مردم آمریکا، منطقه و جهان نیز مؤید آن بود که علی‌الظاهر «خط دوم» جبهه ایران نیز سقوط کرده است!

از نظر بررسی آثار و پیامدهای رسانه‌ای و ارزیابی ویژگی جنگهای نرم و کم‌شدت در رویارویی فرهنگی کلمبیا، می‌توان گفت اندکی اما پس از آغاز نبرد «کلمات» و «پیامها» در کلمبیا، و به‌رغم میل سیاستمداران نظام سلطه، عمق استراتژیک انقلاب اسلامی بیش از گذشته فزونی یافته و قابلیت دسترسی و اعتبار گفتمانی آن مسجّل تر گردید. گو اینکه در این آیند و روند متانت و هویت اسلامی - ایرانی تجلی بیشتری یافته و چشمها و اذهان را معطوف خویش ساخت. این بیان البته، نافی بسیاری از افتخارات

ملّی گذشته نمی‌باشد. چه، این افتخار ملّی مسبوق به افتخارات و اعتلاهای ما قبل خویش است. اما به دلیل روایت سیراستکمالی در فلسفه تاریخ و سنتهای اسلامی، این تجربه را که خود محصول تجارب گذشته است، ممتاز می‌نماید، زیرا به روایت صاحبان و مالکان رسانه‌های مسلط جهانی، «نبرد بیانی» و رویارویی هویت ایرانی و منش آمریکایی در کلمبیا، بالغ بر پانصد میلیون بیننده و شنونده داشته که تقریباً همه آن‌ها در تحلیل خویش از نبرد کلمبیا، طرف آمریکایی را دارای «مشکل زبانی»، «عقده‌های بیانی» و «خودبرتر بینی هویتی» و البته مغلوب این جنگ، و طرف ایرانی را برخوردار از «گشایش زبانی»، «پویایی هویت» و «انسجام زبانی» و فاتح میدان ارزیابی کرده‌اند. آری! با اینکه آن‌ها مکر و خدعه کرده بودند، امّا خود مصداق «و مکروا و مکرالله و الله خیر الماکرین» شدند؛ زیرا خود در دام گسترانیده خویش صید شدند، اما ساز و کار فنی و تکنیکی و تکنولوژیکی بلاغت و رسایی گفتار حقیقت‌محور ایران اسلامی را فراهم کرده و موجبات پیروزی ملت بزرگ ایران را در نبردی بزرگ فراهم نمودند که جهانیان به رأی العین شاهد آن بودند.

لذا می‌توان گفت، این فتح‌الفتوح رسانه‌ای و گفتاری مؤید آن است که ایرانیان به مدد ایمان دینی و اعتماد ملّی به تکنیکهای پیشرفته و تکامل یافته‌تر از مقاطع قبلی در تاریخ معاصر خویش دست یافته و در حال پیمایش سیر استعلایی و متکامل تحولات پیش روی خویش در چشم‌انداز انقلاب اسلامی می‌باشند. گو اینکه ایرانیان از عصر صفویه تاکنون؛ از نهضت مردمی ضد استعماری میرزای بزرگ شیرازی گرفته تا نهضت مشروطه، از مدرس تا کاشانی و از نهضت ملّی نفت تا نهضت ملّی هسته‌ای و از پانزده خرداد ۴۲ تا پیروزی نهضت و نیز از جنگهای اول و دوم ایران و روس تا نبردهای فاو در دفاع مقدس سرشار از تجربه‌ها و آموخته‌های

اجتماعی، سیاسی و دفاعی رو به تکامل هستند. از حیث تقریب ذهنی، فی‌المثل، همان‌گونه که می‌دانیم، فتح‌الفتوح فاو از درخشان‌ترین جلوه‌های جهادی تاریخ معاصر و از درخشان‌ترین آیین رزمندگی ایرانیان به شمار می‌آید، مع‌الوصف ایرانیان در مقطع کنونی به مدد فتوحات ماقبل و ثروت عظیم و هویت‌ساز در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و دفاع مقدس، این بار اما در «نبرد کلام محور» خویش در رویارویی فرهنگی کلمبیا، ساحتی دیگر از تجلی هویت اسلامی و ملی را متبلور نموده‌اند که تشخیص استعلایی هویت اسلامی-ایرانی را در پی داشته است.

در فتح‌الفتوح فاو راهکارهای علوم طبیعی و علوم نظامی غلبه داشت، اما در اینجا علوم انسانی و پیچیدگی‌های غیرقابل پیش‌بینی حکم می‌راند. نخبگان ایرانی فتح‌الفتوح فاو به‌رغم متصّف بودن به صفات عرفانی و آراستگی به معنویت، برای مسخّر کردن زمین در عملیات آبی-خاکی والفجر ۸، علاوه بر کاربست اصول پیش‌دستانه غافلگیری و جانفشانی‌ها به اندازه‌گیری جریان جزر و مدّ آب تا ۴۰ سال قبل مبادرت کردند، که امری کم‌نظیر در تاریخ نبردهای جهانی است. در کلمبیا اما تجلی هویت ایرانی به گونه‌ای دیگر رقم خورد. چه اینکه در اینجا وضع متفاوت‌تر از گذشته بود.

در اینجا رفتارهای میزبان هرگز قابل پیش‌بینی نبود، حتی اگر خود ایشان نیز از میهمان، دعوت کرده باشند. همان‌گونه که ترسیم شد، علی‌الظاهر همه چیز علیه ایرانی‌ها سازماندهی شده بود، هوچی‌گری اولیه رسانه‌ها و دشنام رئیس دانشگاه در نبرد بیانی و متافیزیکی کلمبیا، همان اصل غافلگیری در نبردهای فیزیکی بود که علیه ایرانیان تدارک گردید.

بیانیه سراسر غرض‌آلود رئیس دانشگاه، همان آتش تهیه پرحجم قبل از تک اصلی دشمن بود که «خط حدّ» ایرانی‌ها را در هم کوبیده بود.

برخی از سیگنالهای صادره از پشت جبهه هم برای دشمن جالب توجه و غنیمت بود!، به‌رغم اینکه رئیس‌جمهور مستظهر به پشتوانه و قدرت منبعث از خاستگاههای هویت اسلامی و ملی و نیز دعای خیر آحاد ایرانیان و مسلمانان بود، اما باید گفت سیگنالهای معدود و پراکنده از داخل که البته در عرف امنیت ملی، نوعی کدهای اطلاعاتی ارائه شده به دشمن به شمار می‌رفت نیز مزید بر جنگ روانی دشمن جریان داشت. اینکه رئیس‌جمهور بهتر است از عزیمت به نیویورک خودداری کند! و اینکه سفر کاری رئیس‌جمهور به آنجا به ضرر ایرانیان و لغو آن سرشار از منفعت برای آنهاست! علاوه بر نقض همبستگی ملی، چیزی جز خالی کردن دل سربازان خط مقدم کشور و نماینده اصلی ملت در نیویورک نبوده و نیست. این در وضعیتی است که بدانیم، رژیم صهیونیستی هم، از یکی از اضلاع جبهه ایرانیان در حال ورود به «خط یک» ایرانیها در کلمبیا بود.

لذا می‌توان گفت همه چیز گویای جریان داشتن نبردی حقیقی، کلام محور، کم‌شدت، نرم و متافیزیکی اما به مراتب دشوارتر از جنگهای پرشدت، سخت و فیزیکی بود که در نیویورک به وقوع می‌پیوست. آن هم از نوع برون‌مرزی!، یعنی جبهه‌ای که برای ایرانیان تکیه‌گاه و عقبه‌ای فیزیکی نداشت. نبردی حقیقی اما بدون شلیک حتی یک گلوله و نپریدن یک جنگنده، جنگی که پیروزی و شکست آن این بار اما نه پشت خاکریزها، که در نبرد گفتارها متعین بود. گو اینکه، اکنون، زمانه نبردهای دیجیتالی است و حتی آثار کشنده و مخرب پیچیده‌ترین جنگ‌افزارهای فیزیکی نیز به مدد رایانه‌ها و رسانه‌ها، سیاستهایی تمیز و بهداشتی تصویر می‌شوند و از این حیث عصر کنونی به زمانه جنگهای پست مدرن موسوم شده است. اما این از سنتهای جاریه الهی است که گفتار حق در زمانه فرادستی تکنیکها

و تکنولوژی هم سیطره خواهد یافت و از حصر و حبس ماده و مادیات عبور خواهد کرد. لذا همان‌طور که در به‌هم‌ریختگی و از جا در رفتگی سازمان گروه‌های غواص در فتح‌الفتوح فاو، همه اذهان، نگاهها و ذکرها متوجه حضرت فاطمه زهرا(س) و آیه مبارکه «وجعلنا...» بود و لاجرم به گشایش و فتح سنگرهای کلیدی جهان می‌انجامید، در نبرد بیانی نیویورک نیز علاوه بر تدبیر، حکمت و هوشمندی نماینده فهم ملت کهن و بزرگ ایران، دعای فرج مصلح کل، چشمها و گوشها را مستعد شنیدن گفتار حق کرد، دعایی که عقده‌ها را می‌گشاید و التهاب و جزر و مد‌های سیاست و عملیاتهای روانی دشمن را دفع می‌کند، حتی اگر قرار باشد در شهر پرآوازه صهیونیست نشینی همانند نیویورک در ایالات متحده آمریکا در حال نبرد بیانی و مناظره فرهنگی باشی!

اکنون دیگر شهروندان دهکده جهانی همانند عصر حجاز به حرفهای سران قریش گوش فرا نمی‌دهند و هنگام مواجهه با نمایندگان ملت بزرگ ایران، پنبه از گوش خارج می‌سازند. به یاد آورید! روزگاری که ابوجهل و ابوسفیان صحنه گردانی رسانه‌ای جبهه مقابل پیامبر را به عهده داشتند و طرح و تاکتیک پنبه در گوش کردن را به عنوان یک پروژه، برای شنیدن کلام اسلام به اعراب بادیه‌نشین توصیه می‌کردند. اما اعراب پس از مدتی دریافتند که بنا به قضاوت عقل باید پنبه از گوش خویش برکشند و ... اینک آمریکاییها شنیدند آنچه را نباید می‌شنیدند! و این سرآغاز فصلی جدید از نافرمانی مدنی در آمریکاست که ممکن است سبب تحولات مختلفی در نظم و انتظام دهکده جهانی هم به شمار رود. چه اینکه جوانان آمریکایی پس از این، به دوره بادیه‌نشینی جاهلی و مدرن خویش باز نخواهند گشت. لذا شاید بتوان گفت دولت آمریکا از این پس، بیش از این که منتظر انقلابهای رنگین و مخملین برای فروپاشی و سرنگونی سایر دولتهای ملی

در دیگر کشورهای جهان باشد، یکی از رنگین‌ترین آن‌ها و شاید خونین‌ترینش را به دلیل ناهم‌زبانی سیاستمداران با ملت آمریکا در نیویورک و واشنگتن به انتظار خواهد نشست. اگرچه دیرزمانی است که جهانیان پس از فروپاشی کمونیسم، اضمحلال «لیبرال دموکراسی» را به انتظار نشسته‌اند، اما اقدام تاریخی نماینده ملت بزرگ ایران در نبرد بیانی و متافیزیکی کلمبیا که مستظهر به مدنیّت کهن، آرمانهای بنیانگذار جمهوری اسلامی و نیز تدبیر حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی است، این فروپاشی را به ساعت صفر نزدیک‌تر کرده است.

در پایان اضافه می‌کند، نسخ «چاپ اول» اثر پیش روی که در کمتر از یک ماه به اتمام رسید، ما را بر آن داشت تا در پاسخ به درخواستهای متعدد باقی مانده بسیاری از مشتاقان اعتلای ایران اسلامی در داخل کشور، کتاب تجلی هویت ایرانی در نیویورک را، با اندکی اضافات به ویرایش دوم بسپاریم. علاوه بر این تلاش خواهیم کرد تا در آینده‌ای نزدیک، درخواستهای متعدد شهروندان آمریکایی و اروپایی و کثیری از مردمان علاقه‌مند به اسلام و ایران در کشورهای منطقه را که با ارتباط پیگیر و مستمر خویش با سایت اینترنتی ریاست محترم جمهوری خواستار انتشار مجموعه سخنرانیهای جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد در دانشگاه کلمبیا و دیگر مجامع آمریکا هستند، بی‌پاسخ نگذاشته تا ان‌شاءالله با ترجمه این اثر سهمی ولو اندک در تبلور روح حقیقت بین‌طالبان گفتار حق داشته باشیم.

سیزدهم آبان ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و شش

معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی

مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری

نبرد متافیزیکی اشاره:

در کلمبیا^۱ پاسخ رئیس‌جمهور به سخنان اهانت آمیز

رئیس دانشگاه کلمبیا:

این رسم میهمان نوازی نیست! قرائت بیانیه پیش از سخنان من توهین به شعور دانشجویان است.

پیش از شروع سخنرانی رئیس‌جمهور در دانشگاه کلمبیا «لی بولینگر»، رئیس دانشگاه در روشی نامتعارف و غیر اخلاقی سخنان گستاخانه و توهین آمیزی علیه رئیس‌جمهور و مواضع جمهوری اسلامی ایران طرح کرد و دکتر محمود احمدی نژاد در واکنش به این سخنان اهانت آمیز با آرامی و لبخند، ادعای مطرح شده توسط «لی بولینگر» را بیانیه سیاسی دانست و گفت: رسم میهمان نوازی ایرانیان این گونه نیست که علیه میهمان سخنانی گفته شود.

رئیس‌جمهور تصریح کرد: من یک دانشگاهی هستم که صرفاً درباره برخی مباحث تاریخی سؤالاتی را مطرح کرده‌ام. آیا پاسخ به این سؤالات باید توهین، تهمت و سخنان منفی باشد. بهتر این بود که به شعور

۱. گزارشی از سخنرانی رئیس دانشگاه کلمبیا و پاسخهای رئیس جمهوری اسلامی ایران

و آگاهی دانشجویان احترام گذارده می‌شد و این بیانیه سیاسی خوانده نمی‌شد.

دکتر احمدی نژاد اضافه کرد: از دو سال پیش سؤالاتی را به عنوان یک استاد دانشگاه دربارهٔ یک واقعهٔ تاریخی مطرح کردم، ولی به جای آنکه به سؤالات مطرح شده، پاسخ داده شود، یک سری توهین و تهمت علیه من مطرح شد. متأسفانه، این کار از طرف کسانی صورت می‌گیرد که خود را معتقد به آزادی بیان و اطلاعات می‌دانند.

رئیس‌جمهور موضوع فلسطین را یک زخم کهنهٔ شصت ساله دانست و اظهار داشت: شصت سال است که مردم این کشور آواره شده‌اند، شصت سال است که مردم را کشته‌اند و شصت سال است که روزانه درگیری و ترور وجود دارد.

دکتر احمدی نژاد اظهار داشت: شصت سال است که زنان و کودکان بی‌گناه فلسطینی را با بالگرد و هواپیما می‌کشند و خانه‌های آنان را بر سرشان خراب می‌کنند و شصت سال است که امنیت خاورمیانه به خطر افتاده و شصت سال است که شعار توسعه طلبی از نیل تا فرات توسط گروه‌های مشخصی در آن قسمت از جهان داده می‌شود.

وی خطاب به دانشجویان و دانشگاهیان حاضر در جلسه گفت: به عنوان یک دانشگاهی و از منظر آکادمیک دو سؤال از شما دارم و شما قاضی باشید و

بگویید که آیا پاسخ به این سؤالات باید توهین، تهمت و صحبت‌های منفی باشد یا اینکه باید با این دو سؤال برخوردی منطقی داشت و به آن پاسخ داد.

دکتر احمدی نژاد تأکید کرد: مانند شما و هر دانشگاهی دیگر من تا جواب این سؤال را پیدا نکنم، آرام نخواهم نشست. بنابراین منتظر پاسخهای منطقی به جای توهین هستم.

رئیس‌جمهور افزود: سؤال اول این است، اگر هولوکاست واقعیت عصر ماست و اتفاق افتاده، چرا اجازه نمی‌دهند در این زمینه تحقیق علمی انجام شود تا به این مسئله از یک منظر دیگر هم نگاه شود؟

وی اظهار داشت: دوست ما (رئیس دانشگاه کلمبیا) به سال ۱۹۳۰ اشاره و مبدأ این واقعه را در این سال ذکر کرد، اما به نظر من هولوکاست در زمان جنگ جهانی دوم و بعد از ۱۹۳۰ و در ۱۹۴۰ رخ داد، پس باید این وقایع را دقیقاً بررسی کنیم.

دکتر احمدی نژاد با تأکید بر اینکه بسیاری از محققین می‌خواهند درباره این مسئله تحقیق مستقلی انجام دهند، خاطر نشان کرد: چرا این اجازه به اندیشمندان داده نمی‌شود و آن‌ها را در زندان می‌اندازند؟ در حال حاضر یک سری از استادان اروپایی برای اینکه درباره هولوکاست از یک نظرگاه دیگر مطلب نوشته و برخی از نکات آن را زیر سؤال

برده‌اند، به زندان افتاده‌اند.

رئیس‌جمهور تأکید کرد: چرا نباید اندیشمندان اجازه هرگونه تحقیق در این مورد را داشته باشند؟ به من گفته‌اند که به اندازه کافی در این باره تحقیق شده است. سؤال این است که چرا وقتی در خصوص مباحثی همچون آزادی، دموکراسی و مفاهیمی مانند خدا، مذهب و حتی فیزیک یا شیمی که به اندازه کافی مورد تحقیق قرار گرفته است، باز هم به تحقیق ادامه می‌دهیم و از آن حمایت می‌کنیم، اما از تحقیق درباره یک واقعه تاریخی که ریشه بسیاری از فجایع سنگین در این منطقه و این عصر شده، ممانعت به عمل می‌آید.

رئیس‌جمهور سؤال دوم را این‌گونه مطرح کرد: اگر این یک واقعه تاریخی است و واقعاً رخ داده، چرا مردم فلسطین باید بهای آن را بپردازند. این مسئله در اروپا رخ داد و مردم فلسطین هیچ نقشی در آن نداشتند؛ پس چرا مردم فلسطین باید بهای واقعه‌ای را بدهند که هیچ نقشی در آن نداشتند؟

دکتر احمدی نژاد یادآور شد: مردم فلسطین هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند. آن‌ها هیچ نقشی در جنگ جهانی دوم نداشتند، آن‌ها با مردم یهودی و مسیحی در صلح زندگی می‌کردند و مشکلی با هم نداشتند. امروزه یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در بسیاری از نقاط جهان در کنار هم زندگی می‌کنند و مشکلی هم

ندارند، ولی چرا پنج میلیون مردم بی‌گناه فلسطین باید شصت سال آواره و به دیگر کشورها پناهنده شوند؟ آیا این یک جنایت نیست؟ آیا سؤال کردن درباره این جنایات باید جنایت محسوب شود؟ چرا یک دانشگاهی مانند من به دلیل این سؤالها باید هدف توهین قرار بگیرد؟ آیا این است معنای آزادی و آزادی اندیشه؟

رئیس‌جمهور همچنين در پاسخ به ادعای رئیس دانشگاه کلمبیا درباره برنامه هسته‌ای کشورمان گفت: ما کشوری هستیم که از ۳۳ سال پیش عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستیم. اساسنامه این آژانس به اعضا صریحاً اجازه می‌دهد که فناوری صلح‌آمیز سوخت هسته‌ای را داشته باشند. این مسئله در اساسنامه صریحاً و بدون قید و شرط ذکر شده است و به هیچ بهانه‌ای نمی‌توان آن را نقض کرد.

وی افزود: البته آژانس مسئول بازرسی است. ما هم یکی از کشورهاییم که بیشترین همکاری را با آژانس داشته‌ایم و تأسیسات کشورمان، ساعتها، هفته‌ها و روزهای بسیار مورد بازرسی آژانس قرار گرفته است. گزارشهای آژانس نیز نشان داده که فعالیتهای ایران کاملاً صلح‌آمیز بوده و هیچ انحرافی نداشته است و در کل همکاری ایران را مثبت ارزیابی کرده‌اند.

رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه دو یا سه قدرت

خودخواه می‌خواهند حق ملت ایران را بگیرند،
خاطر نشان کرد: آن‌ها می‌خواهند این تخصص را به
صورت انحصاری در اختیار خود داشته و دیگران
محتاج آنان باشند.



بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم عجل لوليک الفرج و العافیة و النصر و اجعلنا من خیر اعوانه و
انصاره و المستشهدین بین یدیه^۱

فطرت بشر کاشف حقیقت و ضامن سعادت

رئیس محترم و دانشگاهیان عزیز، استادان و دانشجویان!

ابتدا سلام عرض می‌کنم و خداوند عزیز و حکیم را شاکرم که توفیق
حضور در یک محیط علمی و در جمع جویندگان حقیقت و پژوهشگران
عرصه علم و معرفت را عنایت فرمود.

می‌خواهم در این جلسه ارزشمند درباره ارزش علم و عالم با شما
سخن بگویم.

استادان و علما، چراغهای فروزانی هستند که هرکدام در عرصه،
نورافشانی و وادیهای تاریک و مبهم را روشن می‌کنند و بشر را از سردرگمی
و جهل نجات می‌دهند.

کلیدهای فهم واقعیت‌های جهان در دست دانش پژوهان و معرفت‌جویان
است.

عرصه‌های کشف نشده و عوالم ناپیدا و علوم دست نیافته اندازه ندارد

۱. سخنرانی آقای دکتر احمدی نژاد رئیس جمهوری اسلامی ایران در دانشگاه کلمبیا، ۷/۲/۱۳۸۶

و پنجره‌های بسته با مجاهدت و تلاش عالمان به سوی حقایق گشوده می‌گردد. با هر تلاش دریچه‌ای باز می‌شود و حقیقتی مکشوف می‌گردد. در هر زمان که شأن رفیع علم و معرفت محفوظ مانده و عالمان و محققان با احترام و تکریم مواجه بوده‌اند، بشر گامهای بلندی در تعالی و کمال مادی و معنوی برداشته و بالعکس در هر دوره که علم و عالم مغضوب و منفور بوده‌اند، آن دوره در تاریخ بشر، تاریک بوده و بشریت در زندان جهل و غفلت خود محبوس مانده است.

اگر فطرت بشر که رمز تداوم حقیقت‌جویی و تلاش برای کشف حقایق است نبود، انسان در اسارت جهل باقی می‌ماند و راههای سعادت بشر مفتوح نمی‌شد. فطرت ودیعه ماندگار خداوند تعالی در نهاد انسان است؛ همان خدایی که بشریت را به جهان آورد و معرفت را اولین و بزرگ‌ترین هدیه خویش به او معرفی کرد تا بشر بتواند او را بشناسد.

پیام انبیای الهی، ضامن رهایی انسان از جهل

در داستان حضرت آدم(ع) محاجه‌ای بین ملائکه و خداوند در گرفت. آنان بشر را موجودی سفاک و ماجراجو پنداشتند و به خداوند اعتراض کردند، پاسخ این بود: من می‌دانم چیزی را که شما نمی‌دانید. آن گاه خداوند حقایق عالم را به آدم آموخت و او به فرمان خدا آنان را بر ملائکه عرضه کرد.

آنان از درک حقایق عاجز ماندند و سپس خداوند فرمود: نگفتم من عالم غیب آسمانها و زمین هستم؟ این چنین بود که آدم مسجود ملائکه شد.

در مأموریت همه انبیای الهی سخن اول تلاوت آیات و نشانه‌های حق و تعلیم کتاب و حکمت همراه با تزکیه و پاکی بوده است و در مورد

حضرت عیسی (ع) آمده است: «ويعلمه الكتاب و الحكمة و التوراة و الانجيل و رسولاً الى بنى اسرائيل انى قد جئتكم بأية من ربكم». ^۱ یعنی به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد و او (پیامبر) به سوی بنی اسرائیل است؛ به راستی که من از جانب خدا نشانه‌ای آورده‌ام. در قرآن کریم سوره علق اولین کلامی که بر پیامبر اسلام نازل شد دستور به خواندن بود.

اقراً باسم ربك الذى خلق (بخوان به نام پروردگارت که خلق کرد) و در ادامه فرمود: اقرأ و ربك الاكرم (بخوان به نام پروردگارت که گرامی‌ترین است) الذى علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم (او که با قلم آموخت و آموخت به انسان آنچه را نمی دانست).

ملاحظه می فرمایید که در چند آیه‌ای که اول بار بر پیامبر اسلام نازل شد، بحث از قرائت، تعلیم و قلم است و این آیات خداوند را به عنوان معلم انسان معرفی می کند، معلمی که به انسان هر چه را نمی دانست، آموخت.

در بیانی دیگر، رسالت پیامبر اسلام را این طور بیان می فرماید که او کسی است که از بین مردم عامی پیامبری را از خودشان برانگیخت تا آنان را از آلودگیهای فکری، اعتقادی و اخلاقی پاک کند و به آنان کتاب و حکمت پیاموزد.

تمام سخن و پیام انبیای الهی عبور دادن انسان از تاریکیهای جهل، غفلت، خرافه، اخلاق ناصواب و اندیشه‌های نادرست به سوی علم، معرفت، نور و اخلاق صحیح است.

علم را به نور، معنا و تعریف کرده‌اند، علم یعنی روشنایی و علم حقیقی علمی است که بشر را از گمراهی نجات دهد و نافع به حال او باشد.

۱. سوره آل عمران، آیات ۴۸ و ۴۹.

در یکی از تعابیر بلند آمده است که علم نوری است که خداوند در قلب کسانی که بخواهد می افکند. در این بیان علم هدیه ای الهی و قلب، جایگاه این هدیه معرفی شده است.

اگر قبول کنیم که علم به مفهوم نور است، آن گاه دایره آن از حوزه علوم تجربی فراتر می رود و هر حقیقت پیدا و پنهانی را شامل می شود.

محصور بودن در علوم تجربی، ستم به گستره وسیع علم

یکی از ستمهای بزرگ به علم، محدود کردن دایره آن به علوم تجربی بوده است. در حالی که گستره علم بسیار وسیع تر است. حقایق عالم محدود به حقایق مادی نیست و ماده سایه ای از حقیقت بالاتر است و خلقت مادی تنها یک طبقه از خلقت عالم است. انسان نمونه ای از خلقت است که جمع ماده و روح است و روح و جوهر انسانی بر مادیت و جسم او غلبه دارد.

نکته بسیار مهم دیگر ارتباط علم با پاکیزگی روح، جان، اخلاق و رفتار است. در تعلیمات انبیای الهی یک حقیقت همواره باید مقارن و مصاحب علم باشد و آن پاکی روح و اخلاق نیکو است.

علم و معرفت با معنای وسیعی که گفتم یک حقیقت زلال و پاک است. علم روشنایی است، کشف است و آن عالم و پژوهشگری می تواند به این حقیقت دسترسی یابد که او هم پاک و زلال باشد و اندیشه های غلط، اوهام و خرافات یا وابستگیهای مادی و خودخواهیها مانع او از ادراک و پذیرش حقایقی که کشف می شوند، نگردد.

دوستان عزیز، فرهیختگان، حضار محترم!

علم و معرفت آفاتی نیز دارد. شاید بزرگ ترین آفت آموختن و یاددادن

و اندیشه و تحقیق، خودخواهیها و آلودگیها و وابستگیهای مادی و منافع شخصی باشد.

دل بستگیهای مادی، انسان را در نقطهٔ مقابل حقایق عالم قرار می‌دهد، انسان آلوده و وابسته در پذیرش حقیقت مقاومت می‌کند. حتی اگر آن را پذیرفت، در برابر آن تمکین و از آن تبعیت نمی‌کند.

بسیارند عالمانی که حقایق را می‌دانند، اما به آن ایمان نمی‌آورند و خودخواهیها اجازه نمی‌دهد حقیقت را قبول کنند.

آیا کسانی که در طول تاریخ بشریت، جنگها را تحمیل کرده‌اند، از درک این حقیقت که جان، مال، ناموس، سرزمین و حقوق انسانها محترم است، عاجز بوده‌اند یا اینکه می‌دانسته‌اند، اما به آن ایمان نیاورده و در برابر آن تمکین نمی‌کردند.

تا قلب انسان خالی از کینه، حسد و خودخواهی نشود، در برابر حقیقت، روشنایی و علم تمکین نمی‌کند.

آفات قرار گرفتن علم عالمان در خدمت ظالمان

علم نوری است که حامل آن باید پاک و منزّه باشد. اگر بشریت به بالاترین علوم مادی و معنوی دسترسی پیدا کند، اما علما و دانشمندان پاکیزه نباشند، آن را در خدمت بشریت قرار نخواهند داد. آن‌گاه ممکن است چند حالت اتفاق بیفتد.

- تنها بخشی از حقایق را که به نفع آنان است، در اختیار مردم قرار دهند و بخشهایی از آن را کتمان کنند. چنان‌که حتی بعضی از علمای ادیان الهی در گذشته چنین کردند و متأسفانه، امروز نیز برخی از پژوهشگران و دانشمندان حقایقی را از مردم پنهان می‌کنند.

- علم و عالم در خدمت منافع شخصی، گروهی و حزبی قرار گیرد.

مع الأسف در جهان امروز قدرتمندان زورگو بسیاری از عالمان و علوم مختلف را در اختیار خویش گرفته‌اند تا ملتها را چپاول کنند و همه فرصتها را در انحصار خود بگیرند. شما می‌بینید؛ با استفاده از ابزار و شیوه‌های علمی ملتها را فریب می‌دهند. اقدامات خود را توجیه می‌کنند، برای آنان دشمنان فرضی و فضای ناامنی و ترس ایجاد می‌کنند تا به نام مبارزه با ناامنی و تروریسم همه امور را تحت کنترل خود بگیرند.

آزادیهای فردی و اجتماعی ملت خود را نیز نقض می‌کنند و حتی به حریم خصوصی افراد هم احترام نمی‌گذارند، تلفنها را شنود و رفت و آمدها را کنترل و ناامنی روانی ایجاد می‌کنند و با استفاده از چنین فضایی اقدامات جنگ‌طلبانه خود را در نقاط مختلف دنیا توجیه می‌کنند.

- با استفاده از شیوه‌ها و برنامه‌ریزیهای علمی و دقیق، فرهنگهای بومی را که حاصل هزاران سال تلاش، تعامل و خلاقیت و هنرورزی ملتهاست، مورد حمله قرار می‌دهند.

- تلاش می‌کنند با نابودی آن، مردم را بی‌هویت و رابطه آنان را با تاریخ و ارزشهای خود قطع نمایند. با القاء خصولتها و روشهایی که ملتها را به ذلت تقلید و مصرف‌گرایی، سلطه‌پذیری، ترس، احساس حقارت و ناتوانی می‌کشاند، زمینه را برای به یغما بردن منابع مادی و معنوی آنان فراهم می‌کنند.

- ساخت بمبها و سلاحهای مخرب اتمی، میکروبی و شیمیایی نتیجه دیگری از دست اندازی قدرتهای بزرگ به ساحت علم و تحقیق است. اگر نبود همکاری برخی از عالمان و محققان، نسلهای مختلف بمبهای اتمی و میکروبی، شیمیایی و نوترونی تولید نمی‌شد.

آیا سلاحهای مزبور برای دفاع از امنیت جهانی است؟ برافراشتن چتر تهدید دائمی اتمی چه دستاوردی برای بشریت دارد؟ اگر جنگ اتمی بین

قدرتها رخ دهد، چه فاجعه بشری اتفاق خواهد افتاد؟ آثار تشعشعات بمبهای ناکازاکی و هیروشیما در نسلهای جدید مردم آن مناطق هم دیده می شود و معلوم نیست تا چند نسل دیگر ادامه خواهد داشت. آثار تشعشعات اورانیوم ضعیف شده مصرفی در ابتدای جنگ در عراق روی مردم می تواند محل مطالعه و تحقیق باشد. این فجایع بشری وقتی اتفاق می افتد که علم عالمان در خدمت ظالمان قرار گیرد.

ضرورت استخدام علم برای خدمت به بشریت

دانشگاهیان محترم!

خداوند، پاکان، پیامبران و صالحان را شایسته دریافت علم و معرفت قرار داد، چون می دانست علم هم نور و هدایت و ابزار خدمت به بشریت است و هم می تواند حجاب و سلاحی علیه بشریت باشد، از این رو سفارش فرمود که آموختن با پاکی و صداقت همنشین باشد. در رسالت پیامبران، هم پالایش و تزکیه و زدودن خودخواهیها و دنیاطلبیها و هم تبلیغ کتاب و علم و حکمت را قرار داد. اگر علم و پاکی با هم قرین شود، هم عالم، علم را بهتر دریافت می کند و هم مردم از علم او به درستی منتفع می شوند.

اگر تاریخ را ملاحظه کنید، هرچه خوبی و خیر به بشریت رسیده است، از ناحیه عالمان پاکیزه است؛ همانها که علم و معرفت خویش را در خدمت بشریت قرار داده اند و هدف آنان روشن کردن راه و کشف حقایق و کمک به سعادت و کمال بشریت بوده است. این عالمان هر چه در علم جلوتر رفته اند، نسبت به مردم تواضع بیشتری داشته و از اخلاق نیکوتری برخوردار بوده اند.

معمولاً علمای پاک اخلاق و پاک رفتار، رهبران فکری، معلمان اخلاق

و مصلحان بشر نیز بوده‌اند. همهٔ مصلحان بشریت ابتدا عالمان و معلمان خوبی بوده‌اند. در روایتی از بزرگان دینی آمده است: آن هنگام که عالم فاسد شود، عالم به فساد کشیده می‌شود و اگر عالم صالح باشد، عالم درست می‌شود.

علم در پیچه‌ای به سوی خدا و میوهٔ آن عمل است. عالمان باید در قبال علم خود احساس مسئولیت کنند. عالمان بی‌عمل مانند درختان بی‌ثمر هستند، عالمان حقیقی در برابر نابسامانیها، رنجها و بی‌عدالتیها ساکت نمی‌نشینند و علم خود را ظاهر، و مردم را آگاه می‌سازند.

عالمان در برابر ستمگران و زورگویان به پا می‌خیزند و اجازه نمی‌دهند جاهلان دروغ بگویند و مردم را فریب دهند و حقوق آنان را ضایع کنند. ساحت علم یک ساحت قدسی و الهی و علم امانت خداوند جهان است. ورود ناپاکان به این عرصه، ظلم به بشریت است.

قدرتمندان زورگو هم علم را به نفع مطامع خود مصادره می‌کنند و هم با زورگویی اجازه نمی‌دهند عالمان و اندیشمندان وارد عرصه‌هایی شوند که کشف حقایق در آن عرصه‌ها موجب رسوایی آنان می‌شود. این شرم‌آور است که قوانینی تصویب می‌شود که طبق آن، تحقیق در مورد برخی وقایع تاریخی ممنوع می‌شود و محققینی که در آن عرصه‌ها وارد شوند مجرم شناخته و به تحمیل زندان یا پرداخت جریمه محکوم می‌گردند.

پرسش و علت‌جویی، همراه ابدی بشریت

بزرگ‌ترین و واضح‌ترین حقیقت جهان، خداست. همهٔ عالم و هر چه در آن است، نشانهٔ اوست و درعین حال، باب تحقیق و مطالعه در اصل وجود خداوند همچنان باز است و کسی را به جرم مطالعه و تحقیق در بود و نبود خدا محاکمه و زندانی نمی‌کنند و چه بسیار کسانی که با مطالعه و

تحقیق به خدای بزرگ ایمان می‌آورند.

در معارف اسلامی آمده است که شک، مقدمهٔ یقین است، مشروط بر اینکه انسان در آن متوقف نماند. لذا چه اشکالی دارد که اجازه دهند در وقایع تاریخی هم تحقیق و مطالعه شود تا ابعاد وقایع شفاف‌تر شود. خصلت علت‌جویی و سؤال کردن تا ابد همراه بشر خواهد بود، چرا که در غیر این صورت، کمال و پیشرفتی حاصل نخواهد شد. تأسف دیگر از ایجاد انحصار توسط برخی قدرتهای بزرگ در ساحت علم و حتی مخالفت با پیشرفتهای علمی دیگران است.

این هم از عجایب عصر ماست که برخی قدرتهای بزرگ نمی‌خواهند شاهد پیشرفت ملت‌های دیگر باشند و با هزار بهانه، تهمت و فشار سیاسی و اقتصادی، مانع توسعهٔ علمی دیگران می‌شوند، همهٔ این‌ها ناشی از دوری آنان از ارزشهای انسانی و اخلاقی و مکتب انبیاء الهی است. آنان برای خدمت به بشریت تربیت نشده‌اند.

ملازمة علم با اخلاق و تزکیه

علما و اندیشمندان محترم!

خلاصهٔ کلام اینکه علم و معرفت بالاترین هدیه خداوند به بشر است و فطرت کمال‌طلبی و حق‌جویی بشر همیشه او را در تکاپوی علم‌آموزی و کشف حقایق نگه داشته است.

علم باید با اخلاق و تزکیه همراه باشد تا هم عالم و محقق به درستی آن را دریافت کند و هم بشریت به خوبی و به درستی از آن استفاده کند، عالمان پاکیزه نه فقط چراغهای هدایت، بلکه مصلحان بشری نیز هستند. نباید اجازه داده شود قدرتمندان زورگو به ساحت علم دست‌اندازی کنند، علوم را مصادره و در خدمت مطامع خود علیه بشریت به کار گیرند

و یا اینکه عرصه‌های تحقیق را محصور و محدود کنند.
ساخت علم، ساحتی قدسی است که باید پاکیزه بماند، خداوند بر همه
حقایق آگاه است و عالم و معلم و محقق را دوست دارد.
به امید روزی که عالمان صالح، حاکمان جهان باشند و مصلح کل که
عالم الهی و صالح است به همراه مسیح بر جهان حکومت کنند.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

داوری عقل و تردید در سیاست^۱

رئیس جمهوری اسلامی ایران پس از سخنرانی در جمع دانشگاهیان دانشگاه کلمبیا، به پرسشهای آنان به طور صریح و مستدل پاسخ داد.

دانشجویی از دکتر محمود احمدی نژاد سؤال کرد: «آقای رئیس جمهور، اظهارات شما امروز و در گذشته سؤالات بسیاری را ایجاد کرده است. از جمله اینکه آیا دولت شما یا خود شما به دنبال نابودی اسرائیل به عنوان یک دولت یهودی هستید؟» که رئیس جمهور پاسخ داد: ما همه ملتها را دوست داریم، ما با تمامی یهودیان دوست هستیم. یهودیان در ایران با صلح و امنیت زندگی می کنند. باید متوجه باشید که مطابق قانون و قانون اساسی کشور ما، به ازای هر ۱۵۰ هزار نفر جمعیت یک نماینده برای مجلس انتخاب می شود، اما جامعه یهودی که تعداد آنها در ایران یک پنجم این رقم است، یک نماینده مستقل در مجلس دارند، بنابراین پیشنهاد ما برای مسئله فلسطین، پیشنهادی انسانی و دموکراتیک است. دکتر احمدی نژاد گفت: آنچه ما می گوئیم، حل این مشکل شصت ساله است. ما باید به مردم فلسطین اجازه

۱. گزارشی از پرسش و پاسخ دکتر احمدی نژاد با استادان و دانشجویان دانشگاه کلمبیا،

بدهیم تا خود برای آینده خود تصمیم بگیرند و این کاملاً بر اساس منشور سازمان ملل و اصول بنیادی آن است. رئیس جمهور با بیان اینکه ما باید به یهودیان، مسلمانان و مسیحیان فلسطین اجازه بدهیم تا خود از طریق یک همه‌پرسی آزاد برای سرنوشت خود تصمیم بگیرند و هر چه آن‌ها به عنوان یک ملت تصمیم بگیرند، باید محترم شمرده شود و همگان بپذیرند، تأکید کرد: هیچ‌کس نباید در امور ملت فلسطین دخالت کند و هیچ‌کس نباید تخم اختلاف بکارد، نباید دهها میلیارد دلار تجهیزات و اسلحه به یک گروه در آنجا بدهد.

دکتر احمدی نژاد که اظهاراتش با کف زدن‌ها و تشویق ممتد حاضران توأم بود، تصریح کرد: ما می‌گوییم که ملت فلسطین خود باید برای آینده‌اش تصمیم بگیرد و حق تعیین سرنوشت خود را داشته باشند و این چیزی است که ملت ایران خواستار آن است.

پس از اظهارات رئیس جمهور، یکی از حاضران پرسید: «ما می‌خواهیم پاسخ واضح به این سؤال را بشنویم؛ آیا شما یا دولت شما نابودی اسرائیل به عنوان یک دولت یهودی را دنبال می‌کنند؟ اگر ممکن است به صورت بله یا خیر جواب بدهید.» که دکتر احمدی نژاد خاطر نشان کرد: شما سؤال کردید، ولی می‌خواهید پاسخ را آن طور که می‌خواهید، بشنوید. این آزادی دسترسی به اطلاعات نیست.

رئیس جمهور که این جمله‌اش باعث تشویق حاضران شد، گفت: من تنها موضع خود را می‌گویم و از شما می‌پرسم

آیا مسئله فلسطین یک مسئله بین‌المللی مهم است یا خیر؟ لطفاً جواب بله یا خیر بدهید؟ که سؤال‌کننده نیز جواب داد: بله! سپس دکتر احمدی نژاد گفت: از همکاری شما متشکرم. ما این مشکل را که شصت سال ادامه داشته است، پذیرفتیم و حال هر کس راه حلی دارد و راه حل ما انجام همه‌پرسی آزاد است. اگر این همه‌پرسی انجام شود، نتایج آن را خواهید دید. اجازه بدهید که مردم فلسطین به صورت آزادانه تصمیم بگیرند که برای آینده خود چه می‌خواهند بکنند. بعد آنچه شما در نظر دارید، رخ خواهد داد و انجام می‌شود.

ملت ایران قربانی تروریسم

دکتر احمدی نژاد در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه «چرا دولت شما به تروریستها کمک می‌کند؟ آیا دست از این کار برمی‌دارید و اجازه می‌دهید که ناظران بین‌المللی این مسئله را تأیید کنند؟»، اظهار داشت: سؤالی از شما دارم. اگر کسی بیاید و در نزدیکی شما بمب منفجر کند و رئیس‌جمهور و اعضای دولت را تهدید کند و اعضای سنا و کنگره را بکشد، با آن‌ها چه رفتاری دارید؟ آیا به آن‌ها جایزه می‌دهید یا اینکه به آن‌ها نام تروریست می‌دهید؟ واضح است که آن‌ها را تروریست خطاب می‌کنید.

رئیس‌جمهور خاطرنشان کرد: دوستان عزیز! ملت ایران قربانی تروریسم شده است. ۲۶ سال قبل در محلی که من کار می‌کنم - خیلی نزدیک به محلی که من کار می‌کنم - یک گروه تروریست، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر منتخب

مردم را با بمب کشتند و آنها را به خاکستر تبدیل کردند. یک ماه قبل از آن تاریخ نیز در یک عملیات تروریستی دیگر ۷۲ نفر از اعضای مجلس و بالاترین مقامات کشور شامل چهار وزیر و هشت معاون وزیر در اثر این عملیات تروریستی تکه تکه شدند. ظرف شش ماه چهار هزار نفر از مردم ایران جان خود را به دلیل عملیات تروریستی از دست دادند و ترور شدند. همه اینها توسط یک گروه تروریستی انجام شد و متأسفانه، این گروه امروز در کشور شما تحت حمایت دولت آمریکا فعالیت می‌کند و به صورت آزادانه اعلامیه پخش می‌کند و اردوگاه آنها در عراق در حمایت دولت آمریکا است.

دکتر احمدی نژاد با بیان اینکه ملت ایران در اثر فعالیتهای تروریستی صدمه دیده و ما اولین کشوری هستیم که به تروریسم اعتراض و نیاز به جنگ با تروریسم را مطرح کرده‌ایم، تصریح کرد: ما باید ریشه‌های تروریسم را مشخص کنیم و علل ریشه‌ای آن را ریشه‌کن کنیم. ما در خاورمیانه زندگی می‌کنیم و برای ما کاملاً واضح است که چه قدرتهایی تروریسم را ایجاد می‌کنند و از آنها حمایت کرده و تأمین مالی می‌کنند. ملت ما در تاریخ همیشه دست دوستی به سوی کشورهای دیگر دراز کرده است. ما کشوری با فرهنگ هستیم. ما نیازی به تروریسم نداریم، چرا که خود قربانی تروریسم هستیم.

بطلان نظریه توقف تحقیق در چیستی هولوکاست

رئیس جمهور سپس در پاسخ به این مطلب که «یک سری سؤال در رابطه با هولوکاست مطرح شده، مبنی بر اینکه از زمان ۱۹۴۰ در اثر اقدامات دولت نازی این واقعیتها مستند شده است. چرا شما تقاضای تحقیق بیشتر را در این مورد دارید؟ به نظر می‌رسد که دلیلی برای این کار نباشد، مگر این که سؤالی درباره اصل این واقعیت مطرح باشد. آیا می‌توانید بگویید چرا این تحقیق لازم است؟»، گفت: از سؤال شما متشکرم، من یک دانشگاهی هستم. آیا می‌توان چنین بیان کرد که تحقیق درباره یک پدیده برای همیشه به پایان رسیده است؟ آیا می‌توانیم کتابها را برای همیشه درباره یک واقعه تاریخی ببندیم؟ نظریات متفاوتی با هر تحقیق بروز پیدا می‌کند. با متوقف کردن تحقیق در حقیقت پیشرفت علم و دانش را متوقف می‌کنیم.

دکتر احمدی نژاد با اشاره به اینکه شما نباید این سؤال را از من بکنید. شما باید از خود پرسید که چرا فکر می‌کنید که این قابل سؤال است و آیا شما می‌خواهید جلوی پیشرفت علم و دانش را بگیرید؟ افزود: آیا در علم فیزیک چیز مطلق وجود دارد؟ ما اصولی در ریاضیات داریم که بیش از ۸۰۰ سال است که به عنوان مطلق پذیرفته شده‌اند، ولی علوم جدید برخی از این مطلقها را رد کرده و منطقیهای جدید برای ریاضیات به وجود آمده است. بنابراین، ما باید به محققین و دانشمندان اجازه بدهیم هر پدیده‌ای را مورد تحقیق قرار دهند. چرا باید آنها را متوقف کنیم؟

رئیس جمهور خاطر نشان کرد: من در سؤال خودم فرض را بر این گذاشته‌ام که این واقعه «هولوکاست» رخ داده است، با چنین فرضی سؤال این است که چرا مردم فلسطین باید بهای آن را پردازند؟ این سؤال جدی است و این مسئله دو بُعد دارد.

در این لحظه مجری برنامه گفت: برای تحقیقات علمی حداقل یک پایه وجود دارد. بنابراین، تقاضای تحقیق در مورد حقایقی که مشخص هستند، نشان می‌دهد که انکار آنچه در اروپا رخ داده، مطرح است.

دکتر احمدی نژاد در پاسخ اظهار داشت: شما آزاد هستید آنچه می‌خواهید، از صحبت‌های من برداشت کنید، ولی آنچه من به وضوح می‌گویم، این است که در اولین سؤال، من در واقع حق محققین اروپا را مطرح می‌کنم و در زمینه علوم و تحقیقات سؤال می‌کنم که در آن هیچ چیزی مطلق نیست و در مورد هیچ چیزی به اندازه کافی تحقیقی انجام نشده است، حتی در فیزیک هم این گونه نیست.

رئیس جمهور افزود: تحقیقاتی که درباره فیزیک انجام شده، بیش از تحقیقات درباره هولوکاست است، ولی هنوز هم به تحقیق در علم فیزیک ادامه می‌دهیم، چه اشکالی دارد که در خصوص هولوکاست هم این کار انجام شود؟ این چیزی است که افکار عمومی خواهان آن است. اندیشمندان و محققین علاقه‌مند هستند که به یک مسئله از دیدگاه‌های مختلف نگاه کنند، به‌ویژه به این مسئله که اساس بسیاری از تحولات سیاسی در خاورمیانه ظرف شصت سال گذشته

بوده است.

رئیس‌جمهور اظهار داشت: چرا آن را کاملاً متوقف کنیم؟ شما باید دلیل موجهی برای آن داشته باشید و این واقعیت که به اندازه کافی در این زمینه تحقیق شده، توجیه کافی برای من نیست.

منزلت و تشخص زنان در ایران

از دکتر احمدی نژاد سؤال شد: «زنان ایران از حقوق اولیه بشر محروم هستند، چرا این‌گونه است؟ و چرا در ایران اعدام وجود دارد؟» که رئیس‌جمهور پاسخ داد: آزادی در ایران آزادی حقیقی است، مردم ایران آزاد هستند و زنان در ایران بالاترین سطح آزادی را دارند، دو نفر از معاونین رئیس‌جمهور زن هستند. در سطوح بالای تخصصی در مجلس و دولت و در دانشگاهها نیز زنان حضور فعال دارند. در زمینه بیوتکنولوژی و سایر زمینه‌های فناوری، صدها زن دانشمند فعالانه مشغول کار می‌باشند.

دکتر احمدی نژاد با بیان اینکه ملت ما آزاد است و بالاترین سطح شرکت‌کننده را در انتخابات دارند و ۸۰ تا ۹۰ درصد در انتخابات شرکت می‌کنند که نیمی از آنان زن هستند، بنابراین اینکه ادعا شود زنان ما آزاد نیستند، واقعیت ندارد، تأکید کرد: این منصفانه نیست وقتی که یک دولت با دولت دیگر مخالف باشد، یک سری دروغ را علیه آن منتشر کند تا واقعیت را طور دیگری نشان دهد.

رئیس‌جمهور درباره بخش دوم سؤال نیز گفت: در مورد

اعدامها هم دو سؤال مطرح است. اگر شخصی مواد مخدر وارد کشور کند و جوانان ایران، ترکیه، اروپا و آمریکا را از بین ببرد، آیا به آنان جایزه می‌دهید؟ مجازات کسانی که جان صدها میلیون جوان را در جهان از بین می‌برند، چگونه باید باشد؟ آیا شما در آمریکا مجازات مرگ ندارید؟ قطعاً دارید.

دکتر احمدی نژاد افزود: در ایران هم مجازات مرگ برای کسانی که مواد مخدر قاچاق می‌کنند و به حقوق مردم تجاوز می‌کنند، وجود دارد. اگر کسی با سلاح به خانه‌ای وارد شود و عده‌ای را بکشد و برای اخذ پول گروگانگیری کند، در آمریکا با آنان چگونه رفتار می‌کنید؟ آیا به آنان جایزه می‌دهید؟ آیا یک پزشک می‌تواند به میکروبها اجازه دهد تمامی کشور را آلوده کنند؟

رئیس‌جمهور اظهار داشت: در کشور ما قانون حاکم است. کسانی که حقوق مردم را با اسلحه زیر پا بگذارند، آدم‌کشی کنند، ناامنی ایجاد کنند و مواد مخدر بفروشند یا آن را در سطح وسیع توزیع کنند، به مرگ محکوم می‌شوند. دکتر احمدی نژاد با بیان اینکه در مورد زنان شاید فکر می‌کنید که زن بودن یک جرم است، تأکید کرد: زن بودن یک جرم نیست، زنان بهترین مخلوقات خداوند هستند، آنان مظهر مهربانی و زیبایی هستند که خداوند به آنان داده است، آنان در ایران مورد احترام هستند. در ایران هر خانواده ایرانی که صاحب فرزند دختری می‌شود،* ابرابر خوشحال‌تر از این می‌شود که صاحب پسر شود.

رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه زنان در ایران بیش از مردان مورد احترام هستند، گفت: آنان از بسیاری از مسئولیتهای قانونی که به دوش مردان است، معاف هستند. آنان مادران آینده هستند، در فرهنگ ایرانی مردان، پسران و دختران همیشه بر دست مادرانشان بوسه می‌زنند که نشان از احترام آنان برای زنان است و ما به این فرهنگ افتخار می‌کنیم.

ضرورت پژوهش در ماهیت ۱۱ سپتامبر

دانشجویی از رئیس‌جمهوری پرسید: از دیدار امروز در دانشگاه کلمبیا امیدوارید چه نتیجه‌ای بگیرید؟ و در مورد اینکه اجازه دیدار از محل تراژدی ۱۱ سپتامبر به شما داده نشد، چه نظری دارید؟ که دکتر احمدی نژاد گفت: من میهمان شما هستم، از من دعوت رسمی شد که به دانشگاه کلمبیا بیایم، ولی می‌خواهم مطلبی را بگویم. وقتی در ایران ما کسی را به عنوان میهمان دعوت می‌کنیم، به او احترام می‌گذاریم و این رسم ماست و می‌دانم که مردم آمریکا هم همین رسم را دارند.

رئیس‌جمهور افزود: سال گذشته می‌خواستم به محل تراژدی ۱۱ سپتامبر بروم و به قربانیان آن ادای احترام و با خانواده‌های قربانیان ابراز همدردی کنم، ولی برنامه‌ها طول کشید و تا نیمه شب درگیر مذاکرات و ملاقاتها بودیم و دیدار از این محل مشکل شد. به دوستان گفتم که سال بعد این را در برنامه‌ریزی بگنجانند تا به قربانیان این حادثه ادای

احترام کنم.

دکتر احمدی نژاد گفت: متأسفانه، بعضی از گروهها نسبت به این موضوع واکنش شدید و بسیار بدی نشان دادند. آیا این بد نیست که از ادای احترام به خانواده‌های قربانیان این تراژدی جلوگیری کنند؟ فردی گفت که این اهانت است و من گفتم که این ادای احترام من را می‌رساند. چرا این‌گونه فکر می‌کنید؟

رئیس‌جمهور افزود: با این شیوه چگونه انتظار دارید جهان و امور آن را اداره کنید؟ فکر نمی‌کنید که بسیاری از مشکلات جهان به خاطر همین نحوه برخورد با مسائل است. این روش بدبینانه نسبت به بسیاری از مردم به خاطر خودخواهی و خودبینی است که باید کنار گذاشته شود و به همه احترام بگذاریم تا فضای دوستانه رشد کند و همه ملت‌ها بتوانند با هم گفتگو کنند و به سمت صلح پیش بروند.

دکتر احمدی نژاد با بیان اینکه می‌خواستم درباره تراژدی ۱۱ سپتامبر با خبرنگاران صحبت کنم، این واقعه بزرگی بود که وقایع بسیاری بعد از آن رخ داد. پس از ۱۱ سپتامبر، افغانستان و بعد عراق اشغال شد. شش سال است که منطقه ما دچار ناامنی، ترور و ترس شده است، تصریح کرد: اگر ریشه‌های ۱۱ سپتامبر به دقت بررسی شود و اینکه چرا این حادثه اتفاق افتاد و چه شرایطی منجر به آن شد و چه کسانی دقیقاً در آن دست داشتند، همه متوجه خواهند شد که چگونه می‌توان جلو بحران عراق را گرفت و مشکل افغانستان و عراق را حل کرد.

ملازمه عقب ماندگی فکری و مجهز شدن به بمب اتمی

رئیس جمهور در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه «چرا دولت شما می خواهد اورانیومی را که برای ساختن تسلیحات هسته‌ای استفاده می شود، غنی کند؟ آیا دست از این کار بر می دارید؟» خاطر نشان کرد: اول اینکه در برنامه هسته‌ای کاملاً در چارچوب قانون حرکت می کنیم. دوم اینکه ما تحت بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستیم و سوم اینکه این برنامه کاملاً صلح آمیز است. فناوری غنی سازی اورانیوم که در دست داریم، تنها برای غنی سازی زیر پنج درصد است، اورانیوم زیر پنج درصد هم تنها می تواند برای سوخت استفاده شود.

دکتر احمدی نژاد با اشاره به اینکه گزارشهای مکرر آژانس به وضوح گواه این است که جمهوری اسلامی ایران از برنامه صلح آمیز هسته‌ای هیچ گونه تخطی نداشته است، تأکید کرد: همه می دانیم که پرونده هسته‌ای ایران یک مسئله سیاسی است و این مسئله حقوقی نیست.

رئیس جمهور اظهار داشت: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعالیت‌های صلح آمیز ایران را تأیید کرده است و تنها دو یا سه قدرت هستند که فکر می کنند حق دارند علم و دانش را به صورت انحصاری در اختیار خود داشته باشند. آن‌ها انتظار دارند که دولت و ملت ایران دست نیاز به سوی آن‌ها دراز کرده و از آن‌ها سوخت هسته‌ای طلب کند و دانشی را که خود دارند از دیگران دریافت کنند و البته این کشورها پس

از مدتی از ارایه آن خودداری خواهند کرد.
 دکتر احمدی نژاد که اظهاراتش با تشویق حاضران تأیید می‌شد، افزود: بنابراین، ما می‌دانیم که چه می‌خواهیم. شما که نسل پنجم بمبهای اتمی را تولید کرده و در حال آزمایش آن هستید، چه حقی دارید که اهداف صلح‌آمیز هسته‌ای دیگران برای تولید انرژی را زیر سؤال ببرید؟
 رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه ما به تسلیحات هسته‌ای اعتقاد نداریم، زیرا سلاح هسته‌ای برخلاف اصول انسانی است، گفت: اجازه بدهید یک شوخی با شما داشته باشم، هر سیاستمداری که دنبال تسلیحات هسته‌ای باشد، از نظر سیاسی دچار عقب ماندگی ذهنی است.
 پس از این اظهارات، حاضران در این نشست با کف زدن اظهارات رئیس‌جمهور را تأیید کردند.

احترام متقابل پیش‌نیاز مذاکره سیاسی

در ادامه این جلسه از دکتر احمدی نژاد سؤال شد: «آیا ایران آماده گفتگو با دولت آمریکا است؟ از این گفتگو امید دارد که چه حاصل شود؟ چگونه مشکلات بین دولتهای آمریکا و ایران حل می‌شود؟» که رئیس‌جمهور گفت: ما از اول اعلام کرده‌ایم که آماده مذاکره با همه کشورهای با در نظر گرفتن احترام متقابل هستیم. ۲۸ سال قبل وقتی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، ما دیکتاتوری مورد حمایت غرب را کنار زدیم و دموکراسی و آزادی را به دست آوردیم. در آن زمان تنها ایجاد رابطه با رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی و

رژیم نژاد پرست صهیونیستی مستثنی بود که اکنون آپارتاید از بین رفته است.

دکتر احمدی نژاد با اشاره به اینکه ما خواهان روابط دوستانه و برادرانه هستیم و ملت با فرهنگ و با تمدن ایران اسلامی همواره خواهان گفتگو و مذاکره بوده است، خاطر نشان کرد: ما به مذاکره و گفتگو معتقدیم و همه مسائل را می توان به آسانی حل کرد، نیازی به تهدید نیست، نیازی به اسلحه و بمب نیست و اگر گفتگو کنیم، نیازی به درگیری نخواهد بود. ما منطق روشنی در این مورد داریم.

رئیس جمهور با تأکید بر اینکه نحوه اداره جهان زیر سؤال است و معتقدیم روش کنونی منجر به صلح و امنیت در جهان نمی شود و راه‌حلهایی که ما داریم، بر اساس ارزشها و روابط انسانی بین کشورهاست، تصریح کرد: ما آماده مذاکره با همه دولت‌ها هستیم، ولی تحت شرایطی که احترام متقابل برای هر دو طرف باشد. دیدید برای کمک به امنیت عراق سه بار با آمریکاییها صحبت کردیم و سال قبل، پیش از اینکه به نیویورک بیایم، اعلام آمادگی کردم که در سازمان ملل با رئیس جمهور آمریکا درباره مسائل مهم بین‌المللی مناظره انجام شود.

ضرورت التزام عملی آمریکا به اصلاح رفتار مقابل ایران
دکتر احمدی نژاد افزود: دولت آمریکا باید حقوق مردم ایران را به رسمیت بشناسد و به تمامیت ارضی کشورها بگذارد. ۲۸ سال است که آن‌ها مدام ما را تهدید کرده، به ما

توهین نموده و از پیشرفتهای علمی ما جلوگیری کرده‌اند. شما می‌دانید که صدام دیکتاتور، توسط دولت آمریکا و دولتهای اروپایی در حمله به ایران حمایت شد. او هشت سال جنگ جنایتکارانه را ادامه داد و ۲۰۰ هزار ایرانی جان خود را در این جنگ از دست دادند و ۶۰۰ هزار نفر نیز مجروح شدند. او از سلاحهای شیمیایی استفاده کرد و هزاران ایرانی قربانی سلاحهای شیمیایی شدند. از آن زمان ما تحت تبلیغات مختلف، محاصره اقتصادی، تحریمهای اقتصادی و سیاسی بوده‌ایم، چرا؟ برای اینکه از دست یک دیکتاتور آزاد شده‌ایم و برای اینکه آزادی و دموکراسی برای خود می‌خواهیم.

رئیس‌جمهور با دعوت از استادان و دانشجویان دانشگاه کلمبیا برای حضور در ایران گفت: همین جا از همه استادان و دانشجویان دعوت می‌کنم که به ایران بیایند و با دانشجویان صحبت کنند. استادان و دانشجویان می‌توانند به هر دانشگاه یا انجمن دانشجویی که بخواهند بروند. بیش از ۴۰۰ دانشگاه در کشور ما وجود دارد که می‌توانید انتخاب کنید. ما به شما تریبون صحبت داده و صد درصد احترام می‌گذاریم. از دانشجویان می‌خواهیم که بیایند و به حرفهای شما گوش دهند. در حال حاضر روزانه صدها گردهمایی شبیه به این در دانشگاههای ما برگزار می‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و السلام و الصلوة على
سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين
اللهم عجل لوليک الفرج و العافية و النصر و اجعلنا
من خير انصاره و اعوانه و المستشهدين بين يديه

غروب امپراتورها
و طلوع مصلح
کل^۱

رئیس محترم، هیئت‌های محترم نمایندگی، خانمها و آقایان!
از اینکه توانستم بار دیگر در این مجمع مهم جهانی شرکت کنم،
خوشحالم و خدای بزرگ را سپاسگزارم.

چالش‌های مهم جهان: ریشه‌ها و چشم‌اندازها

در فضای پر التهاب کنونی و غلبه فریادها، تهدیدها و تنشها و در دورانی که تدابیر قدرتهای بزرگ از حل مشکلات ناتوان، عدم اعتماد در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روز افزون و امنیت روانی جوامع، تحت هجوم سنگین طراحیهای تبلیغاتی و سیاسی مخدوش و ناامیدی از اثر بخشی سیاستها و اقدامات سازمانهای بین‌المللی در برقراری صلح و امنیت پایدار و صیانت از حقوق ملتها رو به گسترش است، قصد دارم به برخی چالش‌های مهم و اصلی امروز جهان و علل و ریشه‌های آن اشاره و راههای برون رفت از آنها را بررسی نمایم.

از ضرورت اصلاح وضع موجود و چشم انداز امید بخش و روشن آینده، دوران تجلی همهٔ زیباییها، عشقها و کرامتها، برپایی عدالت و شکوفایی همهٔ استعدادهای الهی انسان و حاکمیت خداپرستی و تحقق وعدهٔ خداوند حکیم با شما سخن بگویم. سپس موضوع هسته‌ای ایران را به عنوان یک واقعیت و آزمایشگاه سنجش صداقتها و کارآمدها و ایستادگیها و پیروزیها در معرض قضاوت شما قرار دهم و در پایان پیشنهادهای خود را ارائه نمایم.

دوستان و همکاران گرامی!

می دانید که بشریت، امروز با چالشهای مهم، متعدد و متنوعی مواجه است که به برخی از آن‌ها اشاره می کنم:

۱. تلاش سازمان یافته برای فروپاشی خانواده و کاهش منزلت زن

خانواده مقدس‌ترین و با ارزش‌ترین بنیاد انسانی است که به منزلهٔ کانون پاک‌ترین عشقها و محبت متقابل مادران، پدران و فرزندان و محیط امن برای تربیت نسلهای بشری و بستر شکوفایی عاطفه‌ها و استعدادها، همواره مورد احترام همهٔ اقوام و ادیان و فرهنگها بوده است.

امروز شاهد یک هجمهٔ سازمان یافته از ناحیه دشمنان انسانیت و چپاولگران اقتصادی برای فروپاشی این نهاد اصیل هستیم که با ترویج لابیگری و خشونت و شکستن حریمهای عفت و پاکدامنی درصدد انجام آن هستند.

وجود ارزشمند زن به عنوان مظهر جمال الهی و نقطهٔ جوشش محبت، عاطفه و پاکی، در دهه‌های اخیر دستخوش سوء استفادهٔ گستردهٔ اصحاب قدرت، رسانه و ثروت شده است. در برخی از جوامع، این وجود عزیز را

در حد ابزار تبلیغاتی ساقط کرده‌اند و همه پرده‌های عفت و حریم زیباییها و پاکیها را شکسته‌اند.

این یک خیانت بزرگ به جامعه بشری و نسلهای متوالی و ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به پایه انسجام اجتماعی یعنی خانواده است.

۲. نقض گسترده حقوق بشر، توسعه تروریسم و اشغالگری

امروزه متأسفانه حقوق بشر به طور وسیع توسط برخی قدرتها به ویژه از ناحیه مدعیان انحصاری آن مورد تعرض قرار می‌گیرد. برپایی زندانهای مخفی، ربایش افراد و محاکمه و مجازات مخفیانه و بدون رعایت معیارهای دادرسی، شنود گسترده مکالمات، بازگشایی نامه‌ها و احضارهای مکرر به مراکز پلیسی و امنیتی به امری عادی بدل شده است. با اعلام نظر دانشمندان و مورخان در موضوعات مهم جهانی مخالفت و آنان را محاکمه و زندانی می‌کنند.

به بهانه‌های گوناگون کشورها را اشغال و نا امنی و اختلاف ایجاد می‌کنند و همینها را بهانه استمرار اشغالگری قرار می‌دهند. بیش از شصت سال سرزمین فلسطین به عنوان جبران خسارتی که در جنگ در سرزمین اروپا دیده‌اند، در اشغال رژیم غیر قانونی صهیونیستی است، مردم آن آواره یا تحت فشارهای سنگین نظامی و تحریمهای اقتصادی یا در زندانهای مخوف‌اند. اشغالگران حمایت و تمجید می‌شوند و مردم مظلوم مورد هجوم سیاسی، نظامی و تبلیغاتی قرار می‌گیرند. به جرم آزادی خواهی آب و برق و دارو را بر مردم فلسطین و در شهر و دیار خودشان می‌بندند و با دولت برآمده از رأی آنها مخالفت می‌کنند.

جریانات تروریستی زیر سایه سیاستمداران و نظامیان قدرتهای بزرگ سازمان می‌یابند و به جان و مال ملتها تعرض می‌کنند. با اعلام قبلی،

صهیونیستهای بی‌فرهنگ، مردم را در خانه و شهرشان ترور می‌کنند و تروریست‌ها مدال صلح می‌گیرند و حمایت می‌شوند. از طرف دیگر، عده‌ای از مردم یهودی را با تبلیغات دروغ و به بهانه رفاه، شغل و غذا از نقاط مختلف دنیا آواره و در سرزمین اشغالی فلسطین اسکان می‌دهند و آنان را تحت سخت‌ترین محدودیتها، فشار روانی و تهدید دائمی نگه می‌دارند، از بازگشت آنان به وطن اصلی‌شان جلوگیری می‌کنند و با زور و تبلیغ آنان را وادار به کینه‌ورزی نسبت به مردم بومی فلسطین می‌کنند.

سرزمین عراق به بهانه اسقاط دیکتاتور و کشف سلاح کشتار جمعی اشغال می‌شود. دیکتاتور عراق که زمانی طولانی مورد حمایت همین اشغالگران بود، می‌رود و سلاحی کشف نمی‌شود، ولی اشغالگری به بهانه‌های گوناگون همچنان ادامه می‌یابد. هر روز مردم کشته، زخمی و آواره می‌شوند و اشغالگران نه تنها پاسخگو و شرم‌منده نیستند، بلکه در گزارشی، ایجاد بازار فروش سلاح را به عنوان دستاورد لشکرکشی خود معرفی می‌کنند. حتی با قانون اساسی، مجلس و دولت برآمده از رأی مردم عراق نیز مقابله و مخالفت می‌کنند و در عین حال شجاعت پذیرش و اعلام شکست قطعی خود و خروج از عراق را نیز ندارند.

متأسفانه، شاهد این واقعیت تلخ هستیم که برخی قدرتها جز برای خود و حزب و گروهشان برای هیچ انسان و ملتی ارزش قائل نیستند. از نظر آنان حقوق بشر، برابر با درآمدها و منافع کمپانیهای آنان و دوستانشان است. حقوق و حیثیت مردم آمریکا نیز قربانی خود خواهیهای برخی قدرتمندان است.

۳. هجمه به فرهنگهای بومی و تحقیر ارزشهای ملتها

فرهنگ، نماد هویت و رمز ماندگاری ملتها و اساس تعامل آنان با

دیگران است. در یک حرکت سازمان یافته، فرهنگهای بومی که پیام آور یکتا پرستی، عشق و برادری‌اند، مورد هجوم گسترده تخریبی قرار می‌گیرند، سنتها و ارزشهای ملی تحقیر و خودباوری و شخصیت ملتها مورد توهین و تمسخر قرار می‌گیرد. هدف از این، ترویج روحیه تقلید، مصرف‌گرایی، دوری از خدا و ارزشهای انسانی و شکستن مقاومت ملتها و چپاول منابع آنان توسط قدرتهای بزرگ است.

۴. گستره فقر، بی‌سوادی و محرومیت از بهداشت و فاصله فقیر و غنی در

جهان

در حالی که بخش مهمی از منابع طبیعی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین با تسلط سیاسی و اقتصادی برخی قدرتها به یغما می‌رود، وضعیت فقر و محرومیت بسیار هشدار دهنده است. به برخی آمارهای منتشر شده توسط سازمان ملل متحد توجه کنید:

— روزانه حدود ۸۰۰ میلیون نفر گرسنه سر بر بالین می‌گذارند و حدود ۹۸۰ میلیون نفر در فقر مطلق‌اند؛ یعنی روزانه کمتر از یک دلار قدرت خرید دارند.

— مردم ۳۱ کشور (۹ درصد جمعیت جهان) دارای طول عمر متوسط ۴۶ سال یعنی ۳۲ سال کمتر از متوسط کشورهای برخوردار هستند.
— نسبت برخورداری بین غنی و فقیر در برخی نقاط به ۴۰ برابر رسیده است.

— در بسیاری از کشورها، اکثریت مردم از آموزش و تعلیم و تربیت محروم‌اند.

— در کشورهای در حال توسعه از هر یکصد هزار مادر، در هنگام زایمان ۴۵۰ نفر می‌میرند. این نسبت در کشورهای برخوردار ۷ است و

نسبت کودکانی که در هنگام تولد می‌میرند ۵۹ در برابر ۶ است. — یک سوم مرگ و میر در جهان (روزانه ۵۰ هزار نفر) ناشی از عوامل مربوط به فقر است. گمان می‌کنم همین اعداد و ارقام گویای واقعیت بسیار تأسف بار حاکم بر مناسبات اقتصادی در جهان است.

۵. نادیده گرفتن ارزشهای متعالی و ترویج فریب و دروغ

برخی قدرتها تمام ارزشهای بشری نظیر صداقت، پاکی و امانتداری را برای پیشبرد اهداف خود قربانی می‌کنند. تردید و فریب کاری را در مناسبات بین دولتها و بین مردم رواج می‌دهند. آشکارا دروغ می‌گویند، تهمت می‌زنند، برخلاف قانون عمل می‌کنند و فضای اعتماد و دوستی را به شدت تخریب می‌کنند. آنان رسماً اخلاق و ارزشهای متعالی را از مناسبات کنار گذاشته‌اند و خودخواهی، برتری‌جویی، کینه‌ورزی و تحمیل را جایگزین عدالت، احترام به دیگران، عشق، محبت و صداقت کرده‌اند. اینان همه خویها و زیباییهای زندگی را فدای مطامع خود می‌کنند.

۶. نقض قوانین و حقوق بین الملل و نادیده گرفتن تعهدات

برخی از کسانی که خود واضع قوانین بین المللی هستند، آشکارا و به راحتی آن را نقض و سیاست تبعیض آلود و دوگانه اعمال می‌کنند. قانون خلع سلاح اتمی را وضع می‌کنند، ولی هر روز نسلهای جدیدی از آن را آزمایش و انبارها را پر می‌کنند. منشور ملل متحد را تنظیم کرده‌اند، ولی حق استقلال و حاکمیت بر سرنوشت ملتها را محترم نمی‌شمارند. قراردادهای رسمی خود را به راحتی و با تغییر سیاست زیر پا می‌گذارند. به قوانین مربوط به حفظ محیط زیست تن نمی‌دهند. بیشترین تخلف از

قوانین توسط چند قدرت جهانی انجام می‌شود.

۷. گسترش سایه تهدید و مسابقه تسلیحاتی

برخی قدرتها در مناسبات جهانی و هر کجا که منطق آنان در می‌ماند، به راحتی از زبان تهدید استفاده می‌کنند. رقابت سنگین تسلیحاتی سایه تهدید را بر جهان می‌گستراند. مردم اروپا که قربانی دو جنگ بزرگ و چند جنگ دیگر خانمانسوز و چند دهه جنگ سرد در قرن گذشته بودند، امروز نیز زیر سایه تهدید زندگی می‌کنند و منافع، امنیت و سرزمین آنان در سایه مسابقه تحمیلی از سوی برخی قدرتها در خطر قرار می‌گیرد.

یک قدرت زورگو به خود حق می‌دهد که با استقرار سامانه موشکی، زندگی را به کام مردم یک قاره تلخ کند و زمینه ساز رقابت تسلیحاتی گردد.

برخی حاکمان به ظاهر قدرتمند که تصور می‌کنند وسیله اقتداری در اختیار دارند، بی‌صبرانه و در هر موضعی و هر زمانی از زبان تهدید استفاده می‌کنند و به این ترتیب سایه ناامنی را بر مردم، ملتها و مناطق می‌افکنند.

۸. ناتوانی سازو کارهای بین‌المللی برای رفع این چالشها و برپایی صلح و

امنیت پایدار

آشکارا مشاهده می‌شود که سازمانها و سازوکارهای موجود فاقد ظرفیت و توانمندی لازم برای حل مشکلات، رفع چالشها و تنظیم عادلانه مناسبات و برقراری صلح و برادری و امنیت هستند. کمتر دولت و ملتی است که برای احقاق حقوق یا دفاع از استقلال، تمامیت ارضی و منافع ملی خود امیدی به این سازوکارها داشته باشد.

دوستان و همکاران صمیمی!

چالشها بیش از این است و می دانم اگر هریک از شما در این موضع سخن می گفتید، موارد فراوان دیگری را ذکر می کردید، لیکن به همین بسنده می کنم.

ملازمه نابسامانیهای کنونی با قدرت فاتحان جنگ دوم جهانی

اینک سؤال مهم و تعیین کننده این است که ریشه این چالشها و نابسامانیها چیست و در کجاست؟

در یک ارزیابی علمی و دقیق، ریشه این وضعیت در دو عامل اساسی خلاصه می شود. بدون تردید، عامل اول را باید در مناسبات برآمده از جنگ دوم جهانی جستجو کرد. آنجا که برخی قدرتهای پیروز، نقشه سلطه بر جهان را ترسیم و سیاستهای خود را نه بر اساس عدالت، بلکه بر اساس تضمین منافع پیروزمندان در برابر شکست خوردگان تنظیم کردند. از این رو سازوکارهای برآمده از این رویکردها و سیاستها نیز شصت سال است که از حل عادلانه مسائل جهانی عاجز است.

برخی قدرتهای بزرگ همچنان رفتار پیروزمندان در جنگ جهانی را دارند و سایر دولتها و ملتها، حتی آنان را که در جنگ هیچ مشارکت و دخالتی نداشته اند، شکست خوردگان جنگ به حساب می آورند و از موضع ارباب و رعیتی، ملتها را تحقیر و از آنان باج خواهی می کنند. برای خودشان حقوق برتر قائل اند و در برابر هیچ سازمان و مرجع بین المللی پاسخگو نیستند.

ناکارآمدی شورای امنیت در تأدیه حقوق ملتها

همکاران، جناب رئیس، خانمها و آقایان!

در میان همه سازمانهای ناکارآمد، متأسفانه شورای امنیت سازمان ملل

در صدر قرار دارد.

شرایطی ایجاد کرده‌اند که برخی قدرتها با حق ویژه و انحصاری در شورای امنیت، چه شاکی باشند چه متهم، همزمان دادستان، قاضی و مجری حکم هم هستند. بسیار طبیعی است که کشورها و ملت‌های مورد تعرض آنان امید نداشته باشند از طریق آن شورا حقوق خود را تأدیه کنند.

بشریت شاهد بود که متأسفانه، در تمام جنگ‌های طولانی نظیر جنگ کره و ویتنام، جنگ صهیونیستها علیه فلسطینیان و لبنان، جنگ صدام علیه ملت ایران و جنگ‌های نژادی در اروپا و آفریقا همواره برخی از قدرتهای عضو در شورای امنیت در یک طرف مخاصمه بوده‌اند یا از یک طرف که غالباً متجاوز بوده است یا از اصل مخاصمه حمایت کرده‌اند.

عراق را ببینید، ابتدا سرزمین را اشغال و سپس از شورای امنیت تقاضای مجوز کردند. شورایی که همین اشغالگران با حق وتو در آن حضور دارند. مردم عراق باید از چه کسی و به کجا شکایت کنند و امید احقاق حق خود را داشته باشند؟

در لبنان دیدیم که برخی قدرتها مدت سی و سه روز شورای امنیت را، به امید غلبه رژیم صهیونیستی، از تصمیم‌گیری بازداشتند و زمانی که از پیروزی آن رژیم اشغالگر مأیوس شدند، اجازه دادند قطعنامه آتش بس صادر شود. در حالی که وظیفه اصلی شورای امنیت، جلوگیری از گسترش نزاع، برقراری آتش بس و متعاقب آن صلح و امنیت است. مردم لبنان باید به چه کسی و کدام سازمان شکایت کنند؟

عالیجنابان، خانمها و آقایان!

حضور برخی قدرتهای انحصار طلب، شورا را از انجام وظایف اصلی خود یعنی پاسداری از صلح و امنیت بر پایه عدالت بازداشته است. اعتبار شورا مخدوش و کارایی آن در دفاع از حقوق اعضای سازمان ملل از بین

رفته است. بسیاری از ملتها اعتماد خود را به این شورا از دست داده‌اند. برخی دیگر از ساز و کارها مثل ساز و کارهای پولی و بانکی نیز وضعیت مشابهی داشته و به ابزار تحمیل خواسته برخی قدرتها تبدیل شده‌اند.

روشن است که این ساز و کارها توان پاسخگویی به نیازهای امروز و حل چالشها و برقراری مناسبات عادلانه و پایدار را ندارند.

بازگشت به ارزشهای الهی تنها راه اصلاح پایدار

باز بدون تردید عامل دوم و مهم‌تر، روی گردانی برخی از قدرتهای بزرگ از اخلاق، ارزشهای الهی و آیین پیامبران و نادیده گرفتن دستورهای خدای حکیم و همچنین حاکمیت انسانهای ناصالح است. افراد ناصالحی که نمی‌توانند خود را اداره و کنترل کنند، چگونه می‌توانند بر بشریت حکومت و امور انسانها را اصلاح کنند؟

متأسفانه، آنان خود را به جای خدا قرار داده‌اند. تابع هوسهای خود هستند و همه چیز را برای خودشان می‌خواهند. برای آنان کرامت انسانی، جان و مال و سرزمین دیگران اعتباری ندارد.

قرنهاست بشر زخم عمیق برخی قدرتهای ناصالح را بر تن خسته خود دارد و همین امروز نیز ریشه اصلی مشکلات جهان، بی‌اعتنایی به ارزشها و اخلاق و مدیریت انسانهای خودخواه و ناشایسته است.

دوستان، خانمها، آقایان!

تنها راه اصلاح پایدار، بازگشت به تعلیمات انبیای الهی، یکتا پرستی، احترام به کرامت انسانها و جاری شدن عشق و محبت در همه تعاملات، مناسبات و قوانین و سپس اصلاح ساختارها بر همین اساس است.

ضرورت تشکیل جبهه همبستگی برای صلح و ارتقای مجمع عمومی سازمان ملل برای تحقق این هدف از همگان دعوت می‌کنم تا جبهه برادری، دوستی و صلح پایدار برپایه خدایپرستی و عدالت را تحت عنوان «همبستگی برای صلح» تشکیل دهیم و از تجاوزها و خودخواهیها جلوگیری و فرهنگ محبت و عدالت را ترویج کنیم و اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با کمک همه دولتها و ملت‌های مستقل، صلح طلب و عدالت خواه در این مسیر حرکت خواهد کرد.

خدا پرستی، عدالت و عشق به انسانها باید بر همه ارکان سازمان ملل حاکم شود و این سازمان باید مرجع عدالت محوری باشد که هر عضو آن از حمایت‌های معنوی و حقوقی برابر با دیگران برخوردار باشد.

مجمع عمومی به نمایندگی از جامعه بین‌المللی باید به عنوان اصلی‌ترین رکن این سازمان شناخته شود تا به دور از فشارها و تهدیدهای قدرتهای بزرگ نسبت به اصلاح ساختارهای سازمان ملل اقدام کند و به ویژه شورای امنیت را از وضعیت موجود تغییر دهد و ساختار جدیدی مبتنی بر عدالت و دموکراسی برای آن تعریف نماید تا بتواند پاسخگوی نیازهای موجود و حل چالشها و برقراری ثبات و امنیت پایدار باشد.

ضرورت بازخوانی «حق» و «تکلیف» در پرونده هسته‌ای ایران

جناب رئیس، عالی جنابان!

موضوع هسته‌ای ایران یک نمونه آشکار از عملکرد این ساز و کارها و اندیشه حاکم بر آنان است.

همه می‌دانید، ایران عضو رسمی آژانس و پایبند قوانین و مقررات آن است و بیشترین همکاری را در تمام زمینه‌ها داشته است. همه فعالیت‌های

ایران صلح‌آمیز و کاملاً شفاف بوده است.

طبق اساسنامه، هر عضو آژانس حقوق و تکالیفی دارد. مکلف است در مسیر صلح‌آمیز حرکت و تحت نظر آژانس دیگر اعضا را برای بهره‌مندی از چرخه تولید سوخت یاری کند و حق دارد که از حمایت آژانس برخوردار باشد و طبق قوانین با کمک سایر اعضا و آژانس چرخه تولید سوخت را در اختیار بگیرد.

ایران تاکنون همه تکالیف خود را به‌جا آورده است، ولی از حق کمکهای فنی سایرین و آژانس و در مقاطعی از حمایت آژانس نیز بی‌بهره بوده است. حدود پنج سال برخی از همان قدرتهایی که ذکر کردم، با فشار سنگین بر آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای تلاش کردند از بهره‌مندی ملت ایران از حقوق خود جلوگیری کنند.

موضوع هسته‌ای را از مسیر قانونی خارج و با فضاسازی سیاسی از همه توان خود برای تحمیل خواسته‌هایشان بهره بردند. دولت ایران برای اعتماد سازی، تمام راهها را طی کرد، ولی آنان به چیزی جز توقف کامل همه تحقیقات و فعالیتها و حتی رشته‌های دانشگاهی و محروم کردن ملت ایران از همه حقوق خود قانع نبودند، تا جایی که حتی مراکزی که جزء چرخه تولید سوخت و نیازمند نظارت آژانس نبود نیز تعطیل شد.

پس از سه سال مذاکره و تلاش برای اعتماد سازی، ملت ایران به این باور قطعی رسید که دغدغه این قدرتها انحراف احتمالی فعالیتهای هسته‌ای ایران نیست، بلکه این بهانه‌ای برای جلوگیری از پیشرفت علمی اوست و اگر روند ادامه یابد تا بیست سال بعد هم احتمال برخورداری از حقوقش وجود ندارد.

به همین دلیل تصمیم گرفت کار را از همان مسیر درست حقوقی یعنی آژانس دنبال کند و تحمیل‌های سیاسی و غیرقانونی قدرتهای زیاده‌خواه را

کنار بگذارد.

شناخته شدن کشور ایران به عنوان دارندهٔ چرخهٔ تولید صنعتی سوخت هسته‌ای در مدت دو سال اخیر بارها و بارها ملت ایران به واسطهٔ سوء استفادهٔ قدرتها از شورای امنیت مورد اتهام و حتی تهدید نظامی و تحریمهای غیرقانونی قرار گرفت، ولی به لطف ایمان به خدا و وحدت ملی، گام به گام جلو رفت و اینک کشور ایران به عنوان دارندهٔ چرخهٔ تولید صنعتی سوخت هسته‌ای با کاربرد صلح آمیز شناخته شده است. متأسفانه، شورای امنیت در این موضوع بسیار روشن حقوقی تحت تأثیر فشار برخی قدرتهای زورگو نتوانست عدالت را برپا دارد و از حقوق ملت ایران پاسداری کند. خوشبختانه، اخیراً آژانس مجدداً درصدد بازیابی نقش قانونی خود یعنی حمایت از حقوق اعضا در کنار نظارت بر فعالیتهای برآمده است. ما این را رویکرد درست و عملکرد صحیح این سازمان ارزیابی می‌کنیم. قبلاً، به طور غیر قانونی بر سیاسی کردن موضوع هسته‌ای ملت ایران اصرار داشتند، ولی امروز به لطف ایستادگی ملت ایران، کار به آژانس برگشته و من رسماً اعلام می‌کنم که از نظر ما موضوع هسته‌ای ایران خاتمه یافته و به یک امر عادی در آژانس بدل شده است.

امروز سؤالهای مهم و فراوانی دربارهٔ فعالیتهای هسته‌ای برخی از همین قدرتها در آژانس مطرح است که باید بررسی شود. البته ملت ایران همواره آمادهٔ گفتگوی سازنده با همگان بوده و خواهد بود.

می‌خواهم از همهٔ دولتها و ملت‌هایی که در این دورهٔ سخت، از حقوق قانونی ملت و سرزمین من حمایت کرده‌اند و از کشورهای عضو جنبش عدم تعهد و دیگر دوستان در شورای امنیت و شورای حکام و از کارشناسان قانونمدار و متعهد آژانس و از مدیرکل آن به خاطر ایستادگی بر قانون

تشکر کنم و اعلام کنم که برخلاف قدرتهای انحصار طلب، ملت ایران آماده است طبق تکالیف اساسنامه آژانس و زیر نظر این سازمان تجربیات خود را در قالب برنامه آموزشی در اختیار دیگر اعضا قرار دهد.

ضرورت عبرت‌گیری سازمانهای جهانی در مقابل بیداری ملتها

اینک خطاب به کسانی که حدود پنج سال مزاحم ملت ایران شدند، به مردم با فرهنگ و تمدن ساز سرزمینم توهین کردند و اتهامها زدند، نصیحت می‌کنم که؛ از تاریخ و اقدامات اخیر خود عبرت بگیرند. با ملت بزرگ ایران بسیار بد رفتاری کردند، ولی توجه کنند که با دیگر اعضای سازمانهای بین‌المللی چنین نکنند. آبروی سازمانهای جهانی را قربانی خواسته‌های خود نکنند. امروز ملتها بیدارند و می‌ایستند. شما خودتان را اصلاح کنید، دنیا اصلاح می‌شود.

بشارتی از قرآن؛ غروب امپراتورها و طلوع مصلح کل

ملتها خوب‌اند و می‌توانند با هم در صلح و صفا زندگی کنند. آن‌ها بکوشند به ملت‌های خودشان خدمت کنند، دیگران نیازی به آن‌ها ندارند. آیا وقت آن نرسیده‌است که آن‌ها از مسیر خودخواهی و تبعیت از شیطان به مسیر خداپرستی برگردند؟
آیا دوست ندارند که از آلودگیها پاک شوند، تسلیم امر خدا شوند و به او ایمان بیاورند؟

ایمان به خدا یعنی ایمان به صداقت، پاکی، عدالت و عشق به دیگران. آنان بدانند که از پاکی، صداقت، عدالت، دوست داشتن و احترام به کرامت انسانها ضرر نمی‌کنند و مطمئن باشند نزد ملتها این ارزشها زیباتر و پسندیده‌تر است.

این دعوت همه پیامبران الهی از حضرت آدم(ع) تا نوح(ع) و ابراهیم(ع)، موسی کلیم الله(ع)، عیسی روح الله(ع) و حضرت محمد رسول الله(ص) است.

اگر دعوت را اجابت کنند، نجات می‌یابند و اگر اجابت نکنند، به سرنوشت گذشتگان دچار می‌شوند.

قرآن کریم می‌فرماید: «و هر کس دعوت حق را اجابت نکند، خدا را در زمین ناتوان نمی‌کند و برای او یاورانی جز خدا نخواهد بود و او در گمراهی آشکار است.»

آنان هیچ چیز از خود ندارند و نمی‌توانند از سیطره حکومت و اراده خدا فرار کنند.

در این اجتماع مهم باید این سخن خدای بزرگ در قرآن کریم را به آنان یادآور شد که:

«آیا به قدرتها و دولتهای قبل از خود نمی‌نگرند؟ اگر گذشتگان صاحب چیزی بودند، آن را نگه می‌داشتند و اجازه نمی‌دادند شما جایگزین آنان شوید. خدا به واسطه گناهانشان آنان را نابود کرد و کسی در برابر خدا از آنان حفاظت نکرد.»

آنان بدانند راه و رسم و اندیشه مبتنی بر بی عدالتی و ظلم از بین خواهد رفت. آیا نشانه‌های بیداری و مقاومت مبتنی بر خداپرستی، انسان دوستی و عدالت طلبی ملتها را نمی‌بینند؟ آیا متوجه نیستند که غروب امپراتوری‌ها نزدیک است؟

امیدوارم این دعوت پاسخ عملی داشته باشد.

عالی جنابان!

ملتها و دولتها مجبور نیستند که تابع بی عدالتی برخی قدرتها باشند. آنان به دلایلی که ذکر شد، شایستگی رهبری و تدبیر امور جهان را از

دست داده‌اند. من رسماً اعلام می‌کنم که دوران مناسبات برخاسته از جنگ دوم جهانی و دوران اندیشه‌های مادی مبتنی بر خودخواهی و سیطره‌طلبی پایان یافته است.

آغاز دوران گرایش به توحید، مهرورزی، عدالت و صلح طلبی بشر از یک گردنه سنگین تاریخی عبور کرده‌است و دوران گرایش به توحید، پاکی، مهرورزی، احترام به دیگران، عدالت و صلح طلبی واقعی آغاز شده است.

وعدۀ الهی است که حق پیروز است و زمین به انسانهای صالح به ارث خواهد رسید. ای آزادگان، مؤمنان و مردم جهان به خدا امیدوار باشید و ای تشنگان ارزشهای متعالی در هر کجا که هستید، بکوشید تا با خدمت به انسانها و عدالت خواهی، فرصت تحقق این وعدۀ بزرگ الهی را فراهم کنید. دوران تاریکیها پایان می‌پذیرد، اسیران به خانه‌های خود برمی‌گردند، سرزمینهای اشغالی آزاد می‌گردد، فلسطین و عراق از سلطۀ اشغالگران آزاد می‌شود و مردم اروپا و آمریکا از فشار صهیونیستها رهایی خواهند یافت. دولتهای مهربان و دوستدار انسانها جایگزین دولتهای خشن و زورگو خواهند شد. کرامت انسانی اعاده می‌گردد. عطر دل انگیز عدالت منتشر خواهد شد و مردم با محبت و برادری در کنار یکدیگر زندگی خواهند کرد. تلاش در این راه و برای حاکمیت انسانهای صالح و انسان صالح کامل، آخرین برگزیده خدا و موعود امم، در حقیقت مرهم نهایی زخمها و حلال همه مشکلات و برپا کننده عشق، زیبایی، عدالت و حیات سعادت‌مند در همه دنیا است. همین اعتقاد و تلاش، رمز وحدت و تعامل سازنده بین ملتها و دولتها و آحاد جامعه بشری و همه عدالتخواهان واقعی است. بدون تردید، موعود امم و مصلح کل و نجات بخش نهایی و آخرین

پیک آسمانی، به همراه حضرت مسیح و سایر مصلحان، می آید و همراه همه خدایرستان، عدالت طلبان و مهرورزان، آینده درخشان را برپا و جهان را پر از عدل و زیبایی خواهد کرد. این وعده خداست و وعده خدا تخلف نمی پذیرد. بیایید ما هم سهمی در تحقق این همه شکوه و زیبایی داشته باشیم. به امید آینده روشن بشری و طلوع صبح رهایی و آزادی همه انسانها و محو مظاهر ظلم، نفرت و خشونت و حاکمیت کامل عشق و محبت در سراسر جهان؛ آینده ای که آن را نزدیک می بینیم.

والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته

اعتلای میراث و
هویت ایرانی^۱

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر واجعلنا
من خیر اعوانه وانصاره والمستشهدین بین یدیه

مجامع ایرانیان سرشار از نشاط و خویبها

خدا را سپاسگزارم و از صمیم دل خوشحالم، که یک بار دیگر این توفیق را عنایت کرد به نیویورک بیایم و با هموطنان عزیز ایرانی ملاقات بکنیم.

بگذارید همین ابتدای کار آن احساسم را به شما بگویم، معمولاً ما در این سفرها که می‌رویم، کارهای ما بسیار بسیار فشرده است. همین الان بیش از ۲۴ ساعت است که ما تقریباً سرپا هستیم؛ یعنی از قبل از اذان به وقت تهران تا الان، اما در این سفرها، خب کار و بحث هست، می‌دانید، سفرهای دیپلماتیک و بحثها و سر و کله زدن با بعضیها که حالا عده‌ای از آن‌ها خوب‌اند و عده‌ای از آن‌ها باید خیلی فشار بیاوری تا مطلب به سرشان فرو برود.

آنجا که مایه آرامش است و یک جا همه خستگیها را از تن آدم بیرون می‌برد، جلسه دیدار با ایرانیان عزیز است.

هر جا که می‌رویم، در هر کشوری، وقتی که با ایرانیان ملاقات می‌کنیم،

۱. سخنرانی در دیدار با ایرانیان مقیم آمریکا (نیویورک) ۱۳۸۶/۷/۱

می‌بینیم آنجا یک پارچه شور و نشاط و همدلی، پاکی، همت، اراده و بلندنظری، انسانیت و همه‌خوبیها زیر یک سقف جمع می‌شود. وقتی که انسان این همه عظمت را می‌بیند، هم افتخار می‌کند و هم خدا را شکر می‌کند که قطره‌ای از اقیانوس بیکران ملت عزیز ایران است.

می‌خواهم صحبت‌های من طولانی نباشد که شما خسته نشوید. طبیعی است وقتی ما همدیگر را می‌بینیم، حرف‌های فراوانی برای گفتن داریم، به خصوص درباره‌ی ایران عزیزمان، که قلب تک تک ما به عشق او می‌تپد و همه‌همتهای ما برای آبادانی او صرف می‌شود.

خدا را سپاس می‌گویم که ملاقات امسال ما را در ماه مبارک رمضان قرار داد. ماه رمضان ماه خوبیها و زیباییها، عشقها و محبتها، پاکيها و طهارتهاست؛ ماهی است که درهای رحمت خدا باز می‌شود، همین طور باران رحمت به سوی موحدان و انسانهای خوب می‌بارد.

من خدا را سپاسگزارم که این دیدار را در ماه مبارک رمضان قرار داد. ماه رمضان هم ماه پاکی درونی و هم پاکی اجتماعی است، ماه رفع کدورتها، صلح، دوستی، ماه افطاری دادن، محبت کردنها، بزرگواری کردنها و دور هم جمع شدن، ذکر خدا گفتن، قرآن تلاوت کردن و عبادت کردن است. خدا را سپاسگزارم که در این ماه توفیق دیدار با شما نصیب شد.

من می‌خواهم یک مطلب درباره‌ی ایران و ویژگیهای ایران زمین عرض کنم و یک مطلب درباره‌ی اوضاع امروز داخل ایران و کارهایی که می‌شود، یک مطلب کوتاهی هم راجع به موضوع هسته‌ای برایتان بگویم و دست آخر هم یک سفارشی به هموطنان عزیزم داشته باشم.

ایران کانون جوشش فرهنگ و تمدن

اما درباره‌ی ایران، شما می‌دانید، این‌ها را می‌خواهم بگویم که همه‌دنیای

بداند، گرچه همهٔ انسانهای منصف دنیا و آنهایی که آشنا به تاریخ‌اند، آنهایی که علم و اندیشه‌شان عمیق است، این حرفها را می‌دانند. دنیا بداند ایران همواره کانون جوشش فرهنگ و تمدن بوده است.

بروید به تاریخ نگاه کنید. هر ملتی و هر کشوری با یک ویژگی شناخته می‌شود. وقتی به ملت ایران می‌رسیم، ویژگی ممتاز و برجستهٔ ملت ایران، فرهنگی بودن، انسان دوست بودن، عاقل بودن و با تدبیر بودن است. این ویژگی برجستهٔ ملت ماست که در تاریخ می‌درخشد.

ملت ایران قریب هفت هزار سال سابقه تمدنی دارد. وقتی این هفت هزار سال را مطالعه می‌کنیم، ویژگیهای بسیار برجسته‌ای که همهٔ آنها ریشهٔ فرهنگی دارد، به چشم می‌خورد.

یکی از زیباترین ویژگیهای ملت ایران این است که در طول تاریخ ملت ایران همواره موحد بوده است.

حتی در این کاوشهای باستان‌شناسی بسیار گسترده، یک نشانه هم پیدا نشده است که ملت ایران در طول تاریخش راهی غیر از یکتاپرستی را دنبال کرده باشد.

ویژگی دیگر ملت ایران این بوده که همیشه کمال‌جو بوده، ملتی بوده که در یک جا نایستاده، هر برشی که از تاریخ پر افتخار ملت ایران می‌زنیم، می‌بینیم در آن مقطع، هر شرایط سیاسی حاکم بوده، ملت ما، ملت کمال‌جویی بوده، یعنی همیشه بهترینها را انتخاب کرده و همیشه به سمت جلو و به سمت قله‌های تعالی حرکت کرده، هیچ وقت ما سراغ نداریم که ملت ایران درجا زده باشد. یا یک چیز بهتر را رها کرده باشد و چیز بدتری را انتخاب کرده باشد.

از ویژگیهای دیگر ملت ایران این است که همیشه حقیقت‌جو و حق‌طلب بوده است. ما در تاریخ سراغ نداریم که یک کسی آمده باشد یک حرف

روشن و حقی زده باشد و ملت ایران در مقابل او مقاومت کرده باشد. اصلاً چنین چیزی وجود ندارد.

ملت ایران همواره در مقابل سخن حق و سخن درست خاضع بوده و آن را می پذیرفته، شما شنیده اید ما تنها ملتی هستیم که با اشتیاق وقتی دعوت اسلام آمد، خود ملت ایران اسلام را پذیرفت، والا هیچ کس قادر نبود، هیچ امری را به ملت ایران تحمیل کند، چرا؟ چون ملت ایران حق طلب است، یک حقیقت را ببیند، می پذیرد، استدلال درستی را ببیند، می پذیرد. ملت ایران تنها ملتی است که با اینکه قلبش ملامت از عشق به ایران است، اما این عشق سوزان مانع این نمی شود که چشمش را به روی حقایق ببندد و اگر کسی کلام حقی، حرف درستی و ایده روشنی داشت، او را کنار بزند، این جزء ویژگیهای ممتاز ملت ایران است.

ایران کشور میراث فرهنگی

از ویژگیهای دیگر فرهنگ سازی است. امروز بحث میراث فرهنگی در جوامع و این ها، بحث بسیار مهمی است، بیایم ایران و تاریخ ایران را ورق بزنیم، قطعه قطعه خاک زیبا و گلستان ایران را ورق بزنیم، و جب به و جب ایران سرشار از میراث غنی فرهنگی است.

شما می دانید، بالاخره بنده شاید تنها کسی هستم که به همه جای ایران سفر کرده ام. تمام شهرستانهای ایران را دیده ام، تاریخ تمام بخشها، شهرستانها و مناطق ایران را مطالعه کرده ام، به طور قاطع می توانم به شما بگویم، در حدود ۳۶۰ شهرستان و بیش از ۱۰۰۰ بخش ما حتی یک بخش و یک شهرستان پیدا نمی شود - وقتی مطالعه می کنیم - که دارای یک میراث غنی فرهنگی نباشد.

آن قدر آثار فرهنگی ایران فراوان است که ما نمی توانیم به آن برسیم.

در بعضی کشورها می‌رویم، بالاخره یک ساختمان یا معماری‌ای دارند که ارزشمند است، اما آن چنان قابلی هم نیست. آن قدر به آن رسیده‌اند، پرداخته‌اند، توریست می‌برند، برایش جزوه چاپ کرده‌اند، فیلم درست کرده‌اند، مقاله می‌نویسند، کاتالوگ درست کرده‌اند، اما در روستاهای دورمان می‌بینیم چند تا از این‌ها بسیار غنی‌تر، زیباتر، انسانی‌تر، مردم دارند داخل آن زندگی می‌کنند. الان سازمان میراث فرهنگی ما با همه‌ی توان دارد این‌ها را شناسایی و ثبت می‌کند و ثبت جهانی می‌دهد. در عرض دو سه سال تعداد میراث فرهنگی ما از بیست هزار گذشت. میراثی که هر کدامش یک ارزش تاریخی و قابل عرضه به همه‌ی دنیا است. این سابقه‌ی ایران است.

حالا یک شوخی کنم با بعضیها که می‌خواهند از ملت ایران انتقام بکشند؛ می‌دانند در مقابل همبستگی، ایمان و اراده‌ی ملت ایران نمی‌توانند بایستند. با تحریف تاریخ می‌خواهند از تاریخ ملت ایران انتقام بگیرند. من با یکی از دوستان شوخی کردم، این فیلمی که ساخته بودند که از ملت ایران عقده‌گشایی کرده‌اند، در آن آمده بود که در زمان داریوش کبیر ما بیست و هفت کشور از حاکمیت ایران تبعیت می‌کردند. من در یک جلسه‌ای گفتم، اشتباه می‌کنید، حق ایران را ضایع کردید. آن موقعی که تاریخ را می‌خواندیم و مستند است، ۴۲ ملیت از ملت ایران تبعیت می‌کردند نه ۲۷ ملت.

البته این نبوده که ایران با زور بمب اتم و موشک، تهدید و ... این به خاطر فرهنگ غنی و متعالی ایران بوده، جامعه‌ی ایرانی آن قدر پیشرفته، متعالی، منضبط، و انسانی زندگی می‌کرده که تبعیت از فرهنگ ایران برای دیگران یک افتخار بوده، این نبوده به زور ایرانیها بروند و بگویند شما باید از ما تبعیت کنید. نه خیر. درست است که ایران همیشه یک کشور مقتدر بوده، اما در تاریخ ایران، ما حتی یک صحنه سراغ نداریم که بعضی

حکومتهایی که ملت ایران هم خیلی دل خوشی از آن‌ها ندارد، آن‌ها رفته باشند تجاوز و سرکوب کرده باشند.

چنین چیزی نداریم. حتی آنجایی که دشمن و سرکشها را دفع می‌کردند، حاکمیت ایران در مرز فلات ایران می‌ایستاده، عقب‌تر نمی‌رفته، می‌رفته متجاوز را سرکوب می‌کرده، همان متجاوز را همانجا می‌نشانده و می‌گفته حکومت را ادامه بده اما دیگر در سرت خیال تجاوز به ایران را راه نده! دنیا می‌داند و بداند سهم ملت ایران در علم، هنر، اندیشه، فرهنگ و ارزشهای انسانی سهم بسیار ممتاز و یگانه‌ای است. کدام ملتی هست که در هر بخش علمی وارد می‌شویم، صدها دانشمند درجه‌یک را معرفی بکند؟ در ریاضیات بهترین دانشمندان تاریخ بشر متعلق به ایران‌اند. در پزشکی بهترین دانشمندان متعلق به ایران‌اند. در هیئت و نجوم و ستاره شناسی متعلق به ایران‌اند ۴۰۰ سال ۵۰۰ سال قبل از آن موقعی که در بعضی از کشورها گالیله را به جرم اینکه گفت زمین گرد است و می‌چرخد تا پای گیوتین بردند، برای دانشمندان ایرانی حرکت زمین، کروی بودن زمین، چرخش زمین، یک مسئله بسیار عادی بود.

در هنر و ادبیات که اصلاً کی می‌تواند با ملت ایران همپایی بکند. و هنرمندان و نویسندگان و شعرای بزرگ ایران افتخار همه بشریت‌اند. ملت ایران همیشه یک ملت فرهنگی بوده است. ملت ایران همواره دوستدار سایر ملتها بوده است.

امروز هم همین‌طور است. شما هر جای دنیا بروید، می‌بینید ایرانیهایی که آنجا زندگی می‌کنند، منشأ خیر، لطف و دوستی‌اند و هر جا ایرانیها می‌روند و در هر جامعه‌ای خودشان را به سرعت بالا می‌کشند. در کار صنعتی وارد می‌شوند موفق‌اند، در کار علمی، تجاری، فرهنگی و حتی در کار سیاسی هم که وارد می‌شوند، موفق‌اند. ما الان می‌بینیم. اصلاً کجا

ایرانیها آزارشان به کسی رسیده است؟ ایرانیان در طول تاریخ هیچ گاه قصد تجاوز نداشته‌اند و آزار و اذیتشان به کسی نرسیده است، اما تاریخ شاهد است، هرکس اراده کرده است حقوق ملت ایران را ضایع بکند، ملت مقتدر ایران داغ ننگ را بر پیشانی او چسبانده است.

ایران کشور دوستیها و پیشرفتهای بزرگ علمی

ملت ایران همواره صلح طلب و طرفدار صلح و امنیت در جهان بوده، اصلاً پیام ملت ایران، پیام صلح، دوستی است. فرهنگ ملت ایران، فرهنگ صلح، دوستی و برادری است، اما تاریخ بارها تجربه کرده است که این ملت ممکن است از خیلی چیزها بگذرد، اما از حقوق اساسی خود، از سرزمین و منافع ملی خود حتی سرسوزنی عقب نشینی نخواهد کرد.

حالا بگذارید یکی دو کلمه راجع به ایران بگویم. البته شما خبر دارید، اما می‌خواهم بگویم که دنیا هم بداند، امروز به لطف خدا، قطار پیشرفت ایران روی ریل صحیح، با سرعت روز افزون در حال حرکت است.

یک ماه قبل من رفتم از یک مرکز تحقیقاتی بیوتکنولوژی که روی سلولهای بنیادین و در موضوع ژنتیک کار می‌کنند، دیدار کردم. بعضیها را نمی‌توانیم امروز بیان کنیم. می‌دانید که در دنیا عده ای هستند که مخالف پیشرفت ملتها هستند و اگر بفهمند ملتی پیشرفت کرده، به عکس ملت ایران‌اند، به جای اینکه خوشحال بشوند عصبانی می‌شوند، خودشان را دچار زحمت و اذیت می‌کنند.

به شما بگویم به لطف خدا دانشمندان ما در بسیاری از زمینه‌ها از جمله زمینه‌های ژنتیک و بیوتکنولوژی، سلولهای بنیادین، الان دستاوردهایی دارند که منحصر به فرد است و دستاوردهایی دارند که فقط دو سه کشور این‌ها را در دنیا دارد و دستاوردهایی دارند که حداکثر ۱۸ کشور به آنها

دسترسی پیدا کرده و هر روز یک کشف جدید.
در نانوتکنولوژی، هوا فضا، شیمی و فیزیک هم همین طور است. شما
الان آمارها را ببینید، هر سال مقالات علمی که دانشمندان ایرانی می دهند
در دنیا، با سرعت تصاعد هندسی دارد بالا می رود.

سازماندهی انقلاب اقتصادی در کشور

در بخشهای دیگر هم همین طور است. امروز سیاستهای اصل ۴۴
ابلاغ شده، ما به سرعت در حال سازماندهی و مقدمه سازی یک انقلاب
اقتصادی در کشور هستیم. همه ملت دست به دست هم بدهند با یک
تلاش ملی و عمومی ان شاء الله ایران عزیز را بسازیم که شایسته نام ملت
ایران بشود.

من نمی خواهم روی اینها زیاد سر شما را درد بیاورم. من یادم هست،
ما سال ۵۴، ۵۵ دانشجو بودیم برای بازدید از روستاهای دور و مناطق
محروم می رفتیم. از ۶۵ هزار روستای کشور حتی ۵ هزار روستا هم آب،
برق، راه و ... نداشتند، اما به سرعت الان آبادانی دارد به اعماق کشور
می رود.

همه روستاهای بالای ۲۰ خانوار ما الان دارای برق اند، ۹۵ درصد آب
دارند، راه که همه دارند الحمدلله. الان در روستاهای ما خطوط تلفن،
شبکه اطلاعاتی رفته، بعضیها در خانه هایشان دستگاه رایانه گذاشته اند و با
دنیا ارتباط الکترونیکی برقرار می کنند. گرچه هنوز تا رسیدن به قله راه
طولانی در پیش داریم. اما سرعتمان بسیار بالاست.

من می دانم که همه شما از شنیدن اخبار پیشرفت ایران با همه وجود
خوشحال می شوید. در بخش انرژی، نفت، صنعت، بعضی ها که می آیند
تبلیغات غیرواقعی می کنند، بدانند همین امروز میزان تقاضای سرمایه گذاران

خارجی برای سرمایه‌گذاری در ایران روز افزون است. شش ماهه اول امسال به اندازه کل سال گذشته، کل سال گذشته چهار برابر سال قبل و سال قبل دو برابر سال قبل تر تقاضای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران داریم و همین مقدار داخلی.

من نمی‌خواهم در این زمینه زیاد شما را معطل کنم. ان شاء الله نمایندگی هم که خانه شماس، باید به طور مرتب اخبار ایران را در اختیار هموطنان عزیز قرار بدهد. اگر هموطنانی می‌خواهند ارتباطی با کشور داشته باشند، خودشان کاری بکنند، یا کشور باید کاری برای هموطنان عزیزمان در خارج از کشور انجام بدهد، باید به طور پیوسته ارتباط برقرار باشد و حتماً آقای خزایی جلسات مفصلی در طول سال باید با شما داشته باشند.

فتح قله‌های هسته‌ای از سوی نخبگان ایرانی

اجازه بدهید یک جمله هم درباره هسته‌ای عرض کنم و دو درخواست از شما و نمایندگی در پایان داشته باشم.

سال گذشته یادتان هست که اینجا در موضوع هسته‌ای با هم صحبت کردیم. یکی از قله‌هایی که امروز ملت ایران به آن دسترسی پیدا کرده، فنآوری تولید سوخت هسته‌ای برای مصارف صلح آمیز است.

شما سابقه آن را دارید، من وارد نمی‌شوم. اما همین مقدار بدانید. ملت ایران و دانشمندان ما بدون کوچک‌ترین کمک خارجی و در وضعیتی که در مقابل ما مانع درست می‌کردند، فشار سیاسی، تحریم فنآوری و تکنولوژی، تحریم اقتصادی و انواع مختلف تحریم بود، جوانان و دانشمندان ما به قله هسته‌ای دسترسی پیدا کردند.

عده‌ای در دنیا هستند که چند ویژگی دارند؛ اولاً انحصار طلب هستند،

دوست دارند همه خوبیها، همه علمها، و ثروتها در اختیار آنها باشد. دومین ویژگی آنها این است که خیلی خودخواه هستند و خیال می‌کنند رئیس دنیا هستند. خیال می‌کنند این سقف آسمان باز شده فقط این‌ها پایین افتاده‌اند و خودشان را برتر از دیگران می‌دانند، برای دیگران حق پیشرفت، زندگی، رفاه و علم قائل نیستند. این‌ها می‌خواهند در اختیار خودشان باشد و اگر دیگران نیاز پیدا کردند، بیاوند دستهایشان را جلوی این‌ها دراز کنند، التماس کنند، بعد این‌ها هم قطره قطره و با تحمیل سیاسی به این‌ها بفروشند.

طبیعی است که با پیشرفت ملت ما مخالف اند. سال گذشته هم من گفتم. اینکه می‌گویند بمب اتم و فلان خودشان هم می‌دانند دروغ می‌گویند. گزارشهای آژانس هم که هست، هر بار که گزارش می‌دهند، می‌گویند ما هیچ انحرافی ندیده‌ایم. هیچ اثری از انحراف ندیده‌ایم. فعالیتهای ایران صلح آمیز و در مسیر قانون بوده است.

بدانید بیشترین همکاری را ما با آژانس کرده‌ایم، چون ما ملتی هستیم که در مقابل قانون مقاومت نمی‌کنیم. می‌گوییم قانون، بسیار خوب، البته یک حاشیه‌ای به آن می‌زنیم که آن را خواهیم گفت. ما تابع قانونیم، بیشترین همکاریها، و بازرسیها را با آژانس ما انجام داده‌ایم، برای اینکه ما ریگی در کفشهایمان نیست. ما می‌خواهیم درست کار کنیم و انرژی صلح آمیز هسته‌ای را در خدمت پیشرفت ملتمان قرار دهیم. حرفهایمان را راحت می‌زنیم. ما با کسی رودربایستی نداریم. وقتی که ما موشک شهاب ۳ را ساختیم علنی آمدیم و گفتیم ما یک موشک ساختیم که می‌تواند این قدر را بزند.

ما رودربایستی نداریم. همه چیزمان رو است. حالا در پرانتز بگویم. یک خبرنگاری پیروز از همین جا با ما موریت آمده بود که مرا عصبانی

کند، مرتب توهین می‌کرد، یک جا گفت: تعهد می‌دهی که شما بمب اتمی نسازید.

من گفتم آنهایی که بمب اتم می‌سازند و بمب اتم دارند، این‌ها از نظر سیاسی عقب افتاده‌های روزگار ما هستند. گفتم آخر الان حیف پول نیست که آدم بدهد بمب اتم بسازد. به درد چه می‌خورد؟ اگر بمب اتم در شرایط امروز جهان به درد بخور بود، اتحاد شوروی را حفظ می‌کرد، اتحاد شوروی چند هزار کلاهک اتمی داشت، اما کلاهک اتمی نتوانست از فروپاشی اش جلوگیری بکند.

الان آنهایی که راه افتاده‌اند و چند هزار کیلومتر در عراق رفته‌اند همه‌شان بمب اتم دارند، این بمب اتم نتوانست آن‌ها را از باتلاق عراق نجات بدهد؟ نتوانست نجات بدهد. به چه دردی می‌خورد. پول مردمشان را خرج بمبهای نسل چهارم و پنجم می‌کنند و مرتب انبار می‌کنند. این پول را بیاورند چهل میلیون فقیر در این کشور هست، به فقرای این کشور برسند، اگر دنبال رأی و انتخابات هم هستند، بالاخره چهل میلیون رأی هم، چهل میلیون رأی است دیگر، به این‌ها برسید، به نفع شماست.

شکست جنگ روانی علیه ایرانیان

آن‌ها خودشان هم می‌دانند که ملت ایران نیازی به بمب اتم ندارد، اما چرا آن قدر مخالف‌اند و پافشاری و لجاجت می‌کنند که حاضر هستند آبروی خودشان، شعارهای خودشان و حتی سازمانهای بین‌المللی که خودشان درست کرده‌اند که به وسیله آن سازمان‌ها بر دنیا حکومت کنند، آبروی آن سازمانها را هم دارند می‌برند. چرا؟ علت آن یک جمله بیشتر نیست. من خدمتتان عرض می‌کنم. البته شما هم می‌دانید.

عزیزان! علتش به همان ویژگیهای ایران برمی‌گردد. آن‌ها می‌دانند اگر

در دنیا منتشر شود که علی رغم محاصره اقتصادی، فشار سیاسی، تحریمات، ملت بزرگ ایران توانست به قلۀ انرژی هسته‌ای دسترسی پیدا کند، تاریخ ایران زنده می‌شود و به سرعت ایران به عنوان الگوی همه ملت‌ها انتخاب خواهد شد.

آن‌ها از این می‌ترسند، والا این‌ها هر کدامشان چند هزار کلاهک، موشک و ... دارند. من دیدم، آقا فکر کرده یک چیزی پیدا کرده، مثلاً حالا خیلی کشف کرده، آمده گفته است، بله با این دستگاههایی که ایرانیها گذاشته‌اند ظرف یک سال می‌توانند یک عدد بمب بسازند. بابا! ملت ایران وقتی این مردم را دارد که تک تک آن‌ها یک قلۀ آتشفشانی از عشق، کار، همت و شجاعت است، دیگر بمب می‌خواهد چه کار؟

الان کجای کار هستیم؟ این سر و صداها را نبینید. این عصبانیتها برای این است که در مقابل ملت ما کم آورده‌اند. این‌ها دو سه سال است مرتب فریاد می‌زنند حمله می‌کنیم، حمله نظامی می‌کنیم. ساعت ۴ صبح روز ۱۳ فروردین می‌خواهیم ۱۲۰ نقطه ایران را بمباران کنیم.

دو سال است همواره جنگ روانی، ما آنیم که اگر تصمیم بگیریم، چه خواهیم کرد. مرتب دارند رجزخوانی می‌کنند. من می‌خواهم خدمت شما بگویم. این رجزخوانیها به خصوص این حنجره درانیهای این چند روزه به خاطر این است که فهمیده‌اند دیگر در مقابل ملت ایران دستشان به جایی بند نیست.

بگذارید بعضی خاطرات را بگویم. این‌ها آمدند گفتند اگر شما بخواهید تأسیسات هسته‌ای تان را راه بیندازید، حمله نظامی می‌کنیم. شما می‌دانید تأسیسات اصفهان اصلاً جزو پادگانها و مقررات آژانس هم نیست، آن قدر این‌ها پررویی کرده بودند، به ملت ما تحمیل کردند که آن را تعطیل کنند. آن اواخر رسماً این‌ها را تقاضا کردند.

گفتند تمام رشته های دانشگاهی فیزیک و شیمی و مکانیک را که به گونه ای در خدمت انرژی هسته ای است هم باید تعطیل کنید. بعد از طرف ما به آن ها گفته بودند ما می خواهیم تحقیقات کنیم، ما می خواهیم ۲۰ سانتریفیوژ، داشته باشیم و کار تحقیقاتی کنیم. گفته بودند شما برای اینکه ۲۰ سانتریفیوژ داشته باشید، باید بیایید ۱۰ سال با ما مذاکره کنید تا بعداً شاید ما اجازه بدهیم شما ۲۰ سانتریفیوژ داشته باشید.

ملت ایران دید که این ها دروغ می گویند که می گویند ما می خواهیم اعتماد پیدا کنیم. این ها مثل اینکه یک نقشه ای دارند، می خواهند قدم به قدم ملت ایران را از حقوقش محروم کنند. بعد هم در جلسات به ما گفتند ما اصلاً قبول نداریم که شما انرژی هسته ای داشته باشید. ما با اجازه شما گفتیم: شما چه کاره هستید که قبول نداشته باشید؟

بالاخره ملت ایران تصمیم گرفت کار را راه بیندازد. وقتی اصفهان را که جزو چرخه سوخت نبود، می خواستیم راه بیندازیم. گفتند حمله می کنیم، می زنی، داغان می کنیم، گفتیم بسیار خوب، ما باز می کنیم، بینیم شما چکار می توانید بکنید.

آنجا را باز کردیم، دوباره سر و صداها و فریادها. گفتند اگر متوقف نکنید، ما شما را محکوم می کنیم، می بریم در شورای امنیت. گفتیم بسیار خوب، شما از دستتان آن برمی آید. شما آن کار را بکنید، بلافاصله ما هم یک چرخه ۱۶۴ تایی راه می اندازیم که بچرخد و تولید کند.

آن ها کار خودشان را کردند، ما ۱۶۴ تایی را راه انداختیم. قطعنامه صادر کردند، دو ماه مهلت دادند، گفتند اگر این را تعطیل نکنید، شما را محکوم می کنیم، تحریم می کنیم. گفتیم بسیار خوب، شما کار خودتان را بکنید، ما هم کار خودمان را می کنیم. بالاخره هرکس هر کاری که بلد است می کند، شما کار خودتان را کار خودمان. آن ها قطعنامه دادند که بله

مثلاً فلان افراد را در کشورمان راه نمی دهیم، فلان کالا را به ایران نمی دهیم. فلان کار را اجازه نمی دهیم بشود.

گفتیم بسیار خوب، شما کی این‌ها را اجازه داده بودید؟ شما الان ۲۷ سال ۲۸ سال است که قطعاً هواپیمای مسافربری به ما نمی دهید که تمام مقررات جهانی می گوید که باید بدهید. شما چه داده‌اید که حالا می خواهید جلویش را بگیرید.

آن‌ها هر قطعنامه‌ای که صادر کردند، ما یک قدم جلو رفتیم. تا جایی که امروز چرخه تولید صنعتی سوخت در کشور ما به فضل خدا فعال است و دارد کار می کند.

در این فاصله خیلی حرف‌ها به ما زده‌اند. جالب بود چند بار به ما گفتند که ما فکر می کردیم اگر شما را تهدید کنیم، اگر بگوییم می بریم شورای امنیت، اگر تحریم کنیم، شما حتماً تسلیم می شوید. ما هم در هر مرحله به آن‌ها می گفتیم شما اشتباه می کنید. این‌ها یک چیزی قبلاً دیده بودند، خیال می کردند همان طور است. ببینید، یک آژانسی در دنیا تأسیس شده ۵ - ۱۴۴ کشور در آن عضوند و ما هم عضو آن هستیم. این آژانس یک اساسنامه دارد، این اساسنامه می گوید: اولاً همه اعضا حق دارند خودشان چرخه کامل سوخت را داشته باشند. ثانیاً هیچ عاملی حتی بازرسیها حتی شورای حکام نمی تواند یک عضو را از داشتن چرخه سوخت هسته‌ای محروم کند. سوم، همه اعضا باید به یکدیگر برای به دست آوردن چرخه سوخت کمک کنند و خود آژانس هم باید کمک بکند.

در مقابل اعضا چه کار باید بکنند؟ باید مقررات آژانس را رعایت کنند و از مسیر صلح آمیز منحرف نشوند.

من به شما می گویم، دنیا هم بداند. ملت ایران تا امروز همه تکالیفش را انجام داده است، اما سرسوزنی از حقوق خودش که کمک دیگران است،

بهره‌ای نبرده است.

ملت ایران طلبکار این‌هاست. این‌ها آمده‌اند مسیر را منحرف کرده‌اند. اعضای آژانس یک کار حقوقی با آژانس دارند. خاصیت آژانس این است که بیاید نظارت کند، سؤال کند و اعضا هم جواب بدهند. یعنی چه می‌بریم شورای امنیت؟ یعنی چه تحریم می‌کنیم؟ به چه دلیل؟ این بر می‌گردد به همان روحیاتی که اول گفتیم؛ روحیه خودخواهی، انحصارطلبی، زیاده‌طلبی، اینکه خودشان را برتر و آقا می‌دانند، به آن روحیه برمی‌گردد.

یک مدت طولانی ما را معطل کردند. الان به لطف خدا و به لطف ایستادگی شما، یادتان باشد ایستادگی شما مثال زدنی است. من یک گزارش محرمانه از یکی عناصر پشت پرده همین آمریکا خواندم. به رئیس‌جمهورشان نوشته بود که در این قضیه هسته‌ای با ایرانیان درگیر نشو. مقابل انرژی هسته‌ای ایرانیها ایستادگی نکن. نمی‌توانید کاری جلو ببرید.

بعد استدلال کرده و از بعضی از ایرانیها که ساکن اینجا هستند اسم برده بود. که شاید کسی اسم آن‌ها را بشنود، خیال کند آن‌ها به وطنشان علاقه چندانی ندارند. اما این آقا برای رئیس‌جمهورشان نوشته بود که فلانی اشتباه نکنی! ایران امروز ۷۰ میلیون انسان متحد است.

بعد گفته بود من با فلان آقا، همان آقای که مشخصاتش را گفتم، رفتم صحبت کردم، او به من گفته جلوی ایرانیها نایستید، اگر سر قضیه هسته‌ای شما بخواهید با ایرانیها هر جور تقابل و برابری کنید، من ایرانی از اینجا می‌روم آنجا و در مقابل شما با قدرت می‌ایستم.

امروز به لطف این همبستگی، ایمان، و به لطف خدا موضوع دوباره به آژانس برگشته و آژانس دارد نقش خودش را پیدا می‌کند، این‌ها قبلاً به آژانس تحمیل کردند و فشار آوردند و آژانس را کنار زدند. آژانس آمده و

نقش خودش را پیدا کرده است.

ما می‌گوییم همین درست است و کار در همین مسیر باید برود و این عصبانیت این روزهایشان برای این است، می‌بینند که موضوع دیگر از دست آن‌ها دررفته، آژانس آمده گزارش قانونی تهیه کرده که همه کارهای ایران، کارهای درستی است. چون نمی‌توانند از مسیر قانونی و حقوقی و درست کاری انجام بدهند، تلافی آن را سر حنجره‌شان در می‌آورند. مرتب فریاد می‌زنند، داد می‌زنند و تهدید می‌کنند، ولی بدانند که در این مرحله هم به لطف خدا هیچ کاری نمی‌توانند علیه ملت ایران انجام بدهند.

ایرانیان خارج از کشور، سفرای فرهنگی ملت ایران

باید وحدت‌مان را حفظ کنیم. جمله آخر من این است. عزیزان من! سال قبل هم گفتم، هر ایرانی در هر کجای دنیا هست، سفیر فرهنگ ملت ایران است؛ همه، تک تک ایرانیها از کوچک و بزرگ برای ملت ایران عزیزند. آن‌ها که شصت سال قبل رفته، الان بچه‌هایش شاید فارسی بلد نیستند، آن‌ها هم برای ما عزیزند تا آن کسی که الان رفته یا هر موقع دیگری که علاقه‌مند باشد، هر نقطه دنیا را برای کار و علم آموزی و فعالیت انتخاب کند. همه شان عزیزند. تک تک شما سفیر فرهنگ ملت ایران اید. باید هم بسته باشید. باید با هم و متحد باشید. پشتیبان هم باشید. متشکل باشید چه اشکالی دارد تجار ایرانی ساکن این کشور با هم یک انجمن قوی داشته باشند، همدیگر را پشتیبانی کنند و ایران عزیز را هم پشتیبانی کنند؟ پزشکان ما همین طور، مهندسی ما همین طور. آنهایی که شغل آزاد دارند، همین طور. فرهنگیهایمان همین طور. به نظر شما اشکالی دارد؟ با هم باشید، متشکل داشته باشید، بنشینید، فکر کنید. برای دنیا فکر کنید و برای ایران عزیز هم فکر کنید. این توانمندی در شما هست. دولت هم در خدمت

شماست. نمایندگی باید در خدمت ایرانیها باشد و از تک تک ایرانیها و تمام فعالیتهای مثبت ایرانیان عزیز پشتیبانی بکند.

شما می‌دانید، ما در اصلاح ساختارهای کشور سی و پنج شش تا شورای عالی بود که همه را رئیس‌جمهور باید شرکت می‌کرد. ما همه این‌ها را در هم ادغام کردیم. سه یا چهار شورا درآمد، اما به دلیل اهمیت موضوع شورای عالی ایرانیان را مستقل نگه داشتیم و گفتیم این شورا باید با تمام توان برنامه‌ریزی کند، برای خدمت به هم وطنان عزیزی که خارج از کشور زندگی می‌کنند.

جناب آقای مهندس مشایی که معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی هستند، رئیس این شورا و در واقع جانشین رئیس‌جمهور در آنجا هستند. یک سازمان دهی بسیار خوب کردند که بیایند از ایرانیها در همه دنیا هر جا که هستند، پشتیبانی کنند. ایشان هم در این سفر می‌مانند، اینجا یکی دو روز می‌مانند. سعی می‌کنند به جاهای مختلف سفر کنند و جلسات داشته باشند، عزیزانی که ایده و طرح دارند، ایده‌ها و اندیشه‌ها را بدهید.

من می‌دانم این طوری هستید و بالاخره من به عنوان خادم شما چون در تاریخ ثبت می‌شود، باید بگویم، می‌دانم شما این طوری هستید، اما بالاخره شما فکر، اندیشه و توان خود را تقسیم بندی می‌کنید. می‌دانم یک بخشی را مخصوص ایران استشنا کرده‌اید و قرار داده‌اید. بالاخره یک بخشی از شبانه روز را برای ایران بگذاریم و برای اعتلا، افتخار و عظمت ایران، فکر، طراحی و اندیشه کنیم و راه حل بدهیم.

دفترهای نمایندگی، پشتیبان و خانه ایرانیان در خارج از کشور یک سفارشی هم به نمایندگی بکنم، سال قبل هم گفتم، اصلاً ایران یک

خانواده است. ملت ایران یک خانواده است. رئیس و مرئوس، این حرفها اصلاً در ایران بر نمی‌دارد. بنده که عنوان رئیس‌جمهور دارم، افتخارم این است، کوچک ایرانیها و خادم همه ملت ایران هستم.

دفتر نمایندگی مال شماهاست. مال ایران و ایرانیان است، باید خانه ایرانیان و پشتیبان آنان باشد. امیدوارم خبرهای خوبی در این زمینه بشنوم. جمله آخر، در این سفر بعضی از همکاران، ما را همراهی می‌کنند. هستند، در پایان همین جلسه هم در یکی از این اتاقها پیش بینی کرده‌اند، می‌نشینند. اگر کسی کار فوری دارد یا موضوعی دارد که باید حتماً حل بشود، مراجعه کند. خود جناب آقای مشایی هستند، آقای وزیر امور خارجه هستند. معاون ایشان، معاون اقتصادی وزارت خارجه هستند، برای سرمایه‌گذارها، پشتیبانها، رفع‌گیرها، وزیر محترم دادگستری آمده‌اند که اگر کسی کاری، موضوعی و سؤالی دارد، نیاز دارد پشتیبانی قضایی شود چه در اینجا، چه در ایران، ایشان آمده‌اند و هستند. اگر کسی هست، آنجا می‌تواند مراجعه بکند. سردار کارگر (رئیس نظام وظیفه عمومی) آمده‌اند، چون خبر دادند، بعضی جوانهای ما مشکل نظام وظیفه و سربازی دارند. ایشان آمدند همین جا حل کنند، کسانی که مشکل دارند.

زبان فارسی حامل متعالی‌ترین فرهنگ انسانی

در شورای عالی ایرانیان چند تصمیم خوب گرفته شد برای اینکه ارتباطات زیاد باشد. این را یادم رفت بگویم، می‌دانستم شما می‌دانید، بالاخره ته دل شما ایران است، عشق شما، اصلاً ایرانی مگر می‌تواند برود جایی و عشق ایران در دلش نباشد؟ بدانید تنها ملتی هستیم که هر جا که برویم، ۱۲۰ ساله هم که باشیم، آخر عمر وصیت می‌کنیم که من اگر از دنیا رفتم، مرا ببرید در خاک مقدس ایران دفن کنید.

باید ارتباطات با ایران قوی باشد. فرهنگ ایران را باید حفظ کنیم. فرهنگ ایران، فرهنگ تعالی، پاکی، عدالت، خدا پرستی، صلح و برادری است. این را باید حفظ کنید، به خصوص برای بچه‌هایمان. این ارتباط باید برقرار باشد. دیگر طراحی آن با شماهاست. ما کمک می‌کنیم.

ما پارسال از این‌ها خواستیم اجازه بدهند که یک پرواز مستقیم بگذاریم بین تهران و نیویورک که مردم راحت بتوانند بروند و بیایند، این را متأسفانه موافقت نکردند و امیدواریم امسال موافقت بکنند.

درباره زبان فارسی، زبان فارسی حامل زیباترین و متعالی‌ترین ادبیات و فرهنگ انسانی است. این را باید حفظ کنیم، کلاسها را بگذارید. دولت هم کمک می‌کند. اگر بناست استادی بیاید، کلاس ویژه‌ای باشد، نواری بیاید، خود شما ابتکاری بکنید. این باید جاری باشد. این رمز جاودانگی و پایداری، هویت ملی و همبستگی ماست.

از همه شما صمیمانه تشکر می‌کنم. ان شاء الله عبادات شما قبول باشد. ان شاء الله خدای متعال در شب قدر برای شما، ملت ایران و همه بشریت بهترین سرنوشت را رقم بزند و آن سرنوشت پیروزی همه ملت‌ها و رفع زشتیها و بداخلاقیها از جامعه جهانی باشد.

موفق، پیروز و سربلند باشید.

سیاست سلطه در
ترازوی نقد^۱

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر و اجعلنا
من خیر اعوانه و انصاره و المستشهدین بین یدیہ

انسان حامل اندیشه، استدلال و ابتکار

از اینکه خدا این فرصت گفتگو را در اختیار من قرار داد، سپاسگزارم و از همه کسانی که دیدگاههای خود را بیان کردند، تشکر می‌کنم. ۲۳ نفر صحبت کردند، مطمئنم اگر فرصت به اندازه کافی بود، همه دوستان مطالبی برای گفتن داشتند و اگر وقت بیشتری داشتیم، کسانی هم که صحبت کردند، حتماً موضوعات بیشتر و بحثهای بهتری را مطرح می‌کردند. موضوعاتی که مطرح شد، گرچه موارد مشترک هم داشت، اما بسیار متنوع و متعدد بود. به نظر رسید، اگر بخواهیم ریشه برخی اختلاف نظرها و برداشتها را بررسی و پیدا کنیم، باید سراغ مسائل نظری برویم؛ همان طور که آقای مولانا بسیار خوب اشاره کردند، بسیاری از موضوعات از نگاه شما بحث درستی است و از نگاه فرد دیگری بحث غلطی است؛ حتی در یک موضوع واحد، دیدگاههای متفاوت و بعضاً متضاد و متناقض وجود دارد. اگر به علت پردازیم، خود به خود اختلافات هم برطرف خواهد شد.

۱. سخنرانی در دیدار با پژوهشگران سیاسی و اصحاب رسانه (نیویورک)، ۱۳۸۶/۷/۳.

به نظرم اگر این جلسات را مغتنم بشماریم که هست، برخی از موضوعات مبنایی را مورد گفتگو قرار دهیم؛ اگر در مسائل مبنایی اشتراک نظر پیدا شود، آن‌گاه در عمل و مسائل موردی و جزئی خود به خود اتفاق نظر خواهد بود. اشکال و ریشه برخی از مباحث به نوع نگاه به انسان، حقوق انسان، روابط بین انسانها، حقوق اجتماعی انسان و ارزشهای حاکم بر رفتار انسان و جامعه انسانی بر می‌گردد.

من می‌خواهم نگاهی به انسان از دیدگاه خودم داشته باشم. فکر می‌کنم با خیلی از مواردی که مطرح می‌کنم، شما موافقید و در مواردی که اتفاق نظر نداریم، می‌توانیم با گفتگو و استدلال به اتفاق نظر برسیم. باور من این است که خدای بزرگ همه این جهان را برای انسان آفریده است. انسان ارزشمندترین موجود عالم است و اگر انسان نبود، همه خلقت عالم بی‌معنا و مفهوم بود. باید انسان باشد تا از زیباییهای جهان بهره‌بردار، قدرتها و توانمندیهای آن را کشف کند و در خدمت خود بگیرد و خدای متعال همه این جهان را مسخر انسان قرارداد؛ یعنی استعداد تسلط انسان بر جهان را در نهاد او قرار داد؛ ظرفیتهای فکری، اندیشه و خلاقیت و ابتکار را در درون انسان قرارداد. حس کنجکاوی، علاقه به تحقیق و پژوهش در درون انسان باعث شده که انسان تشنه کشف حقایق بشود و در زمینه‌های گوناگون علمی برای تسلط بر طبیعت و کشف حقایق تلاش کند.

باور من این است که همه این آفرینش زمانی معنا پیدا می‌کند که موجودی فهیم، جستجوگر، پراستعداد و کمال‌جو مثل بشر در آن زندگی کند، والا همه این استعدادها از آب، زمین، جنگل و زیباییها مفهومی نداشت.

برپایی عدالت و کمال‌جویی، مهم‌ترین مأموریت انسان

از دید ما انسان مرکز کانون آفرینش است و هر چه هست، برای اوست، اما خدا که همه جهان را در خدمت انسان قرار داده است، برای انسان هم مأموریتی معین کرده است. این طور نیست که خدا انسان را خلق کرده باشد و بدون مأموریت و مسئولیت رها کرده باشد. خدا برای انسان مأموریت‌های مهمی قرار داده است. یکی از مهم‌ترین مأموریت‌ها تلاش انسان برای شناخت استعدادها و شکوفایی و بالندگی آنهاست؛ تلاش برای کمال و نیل به کمال انسانی برای خود و جامعه، تلاش برای آبادانی زمین؛ تلاش برای برپایی عدالت؛ تلاش برای برپایی صلح و دوستی؛ تلاش برای برپایی یک زندگی سعادت‌مند به نفع همه انسانها و بشریت و تلاش برای سازمان دادن یک حرکت رو به کمال که زندگی جاوید و ابدی انسان را می‌سازد.

خدای بزرگ انسان را در انجام این مأموریت تنها نگذاشت. از یک طرف استعدادها و توانمندیهای لازم را در نهاد او قرار داد، از سوی دیگر پیامبران و انسانهای صالح را برای راهنمایی انسان فرستاد. به علاوه در نهاد انسان عقل را قرار داد که معیار تشخیص و سنجش است. راهنمایی پیامبران با کمک عقل، راه درست را در مقابل انسان قرار می‌دهد.

خدای متعال انسان را به عنوان جانشین خود در زمین قرارداد تا انسان با کمک عقل، راهنمایی پیامبران و تلاش و کوشش، صفات و اسماء‌الهی را در زمین متجلی کند؛ علم، حکمت، زیبایی، قدرت و همه استعدادهای الهی را شکوفا سازد. و خدا از انسان خواست که کرامت انسانهای دیگر را محترم بشمارد.

خداوند انسان را مکرم و با کرامت آفریده است. از دید ما انسان محترم است؛ سیاه، سفید، سرخ یا زرد، آسیایی، آفریقایی، اروپایی یا آمریکایی.

خدای متعال در درون انسانها انگیزه حق طلبی، خداطلبی و کمال جویی را هم قرار داد.

درست به همین دلیل است که انسانها، علم، حقیقت، زیبایی، عدالت، همزیستی برادرانه و دوستانه، محبت و عشق و صداقت و پاکی را دوست دارند. آیا کسی هست که از بی عدالتی و ظلم در مورد خودش راضی و خشنود باشد؟ آیا کسی هست که از محبت، مهرورزی و صداقت و پاکی نسبت به خود ناراحت شود؟ بعید می دانم چنین انسانی وجود داشته باشد، چرا که همه از بی عدالتی و ظلم گریزاناند و از محبت، عشق، صداقت و پاکی استقبال می کنند.

انسان موجودی کمال جو، حقیقت طلب و عدالت خواه است و جامعه بشری به دنبال پاکی و صداقت است و البته از این پاکی، صداقت و کمال جویی بهره مند می شود. صلح و امنیت پایدار جز بر پایه عدالت، صداقت و پاکی برقرار نمی شود و همه انسانها از ظلم، تبعیض، جهل و فقر که کرامت، شخصیت و کمال آنها را به خطر می اندازد، ناراحت می شوند. آیا کسی حق دارد اجازه دهد که تحقیر شود، حقوق او پایمال شود و امنیت او به خطر افتد؟ آیا کسی اجازه دارد از سرزمین، خانه و شهر خود دفاع نکند؟ آیا کسی اجازه دارد به دیگران اجازه دهد که مانع پیشرفت، علم آموزی و تکامل او بشوند؟ هرگز! اینها حقوق بشریت و حق انسانهاست.

دوستان من! برپایی عدالت هم حق و هم آرمان بشر است. کرامت انسانها حق آنهاست و حفظ و دفاع از کرامت بشری، دفاع از حقیقت و انسانیت است.

با این مقدمه، می خواهم بسیار کوتاه بار دیگر جایگاه رفیع انسان را یادآوری کنم و بگویم اگر عموم مردم جهان از عدالت حمایت می کنند،

علت آن است که عدالت را آرمان و حق خود می دانند. می دانید که بسیاری از جنگ‌ها، درگیریها و کینه‌ورزیهای امروز ناشی از نادیده گرفتن حقوق انسانهاست. کسانی هستند که بیش از حق خود می خواهند و علاقه‌مندند تأمین منافع خود را در تضییع حقوق دیگران جستجو کنند. ما معتقدیم تمام اختلافها و درگیریها با نگاه عدالت محور، محبت، عشق و توجه به کرامت انسانی قابل حل و فصل است و تمام مشکلات، اختلافها، تنازعات و نابسامانیها ناشی از بی‌عدالتی و ایجاد تنفر و تحقیر انسانهاست.

معیارهای اصلاح و حصول امنیت پایدار

اول: عدالت

به نظر ما در مناسبات انسانی و بین‌المللی چند معیار برای اصلاح وضع و رسیدن به تفاهم و امنیت پایدار مؤثر است. معیار اول عدالت است. عدالت یعنی قانون، حق، علم، صلح، رفاه، احترام، امنیت، عزت و استقلال، حق تعیین سرنوشت و آزادی برای همه.

دوم: عشق و محبت

معیار دوم عشق و محبت است. بدون گسترش عشق و محبت بین انسانها، امکان تفاهم وجود ندارد. تا زمانی که انسانها یکدیگر را دوست نداشته باشند و به یکدیگر عشق نورزند، امکان حل و فصل تخصصها وجود ندارد.

سوم: حفظ حقوق و کرامت انسانی

معیار سوم، حفظ حقوق و کرامت انسانهاست. این سه معیار معیارهایی

فطری، در درون انسانها، خواست بشریت، خداوند و پیامبران الهی است. در نگاه به تاریخ و زندگی خدا پرستان و پیروان ادیان الهی، همه به این سه عنصر و معیار متعهدند؛ بلکه همه انسانها به این معیارها دلبسته و علاقه‌مندند. من فکر می‌کنم اگر بخواهیم دنیایی پر از صلح، امنیت پایدار، رفاه و پیشرفت داشته باشیم، باید به عدالت، عشق، محبت و کرامت انسانی نگاهی دوباره داشته باشیم. مطمئن باشید بدون عدالت امکان تحقق امنیت پایدار وجود نخواهد داشت. ریشه ناامنیها در بی توجهی به همین معیارهاست. من علاقه‌مندم اشاره‌ای به مطالبی که دوستان مطرح کردند، داشته باشم. البته مطالب فراوان و فرصت کم است، اما تلاش می‌کنم به همان ترتیب طرح مطالب، به آن‌ها که به نظر مهم‌تر می‌رسد، اشاره‌ای داشته باشم.

جناب آقای لوئرز فرمودند عده‌ای از موضوع هسته‌ای ایران و مواضع رئیس‌جمهور ایران نسبت به رژیم صهیونیستی، عصبانی هستند. سؤال من این است، چرا عصبانی هستند؟ اگر ما اجازه می‌دهیم دیدگاههای گوناگون مطرح شود، اگر حق اظهار نظر به دیگران می‌دهیم، باید این حوصله و سعه صدر را در خود ایجاد کنیم که حرفهای مخالف خود را هم بشنویم. طبیعی است که دیدگاهها، اندیشه‌ها و حرفهای فراوانی در جهان وجود دارد. من فکر می‌کنم اگر کسی برای دیگران هم حق اظهار نظر قائل باشد، از اظهار نظر آن‌ها عصبانی نمی‌شود. با عصبانیت مشکلی حل نخواهد شد، بلکه با تلاش برای درک و فهم متقابل مسائل حل خواهد شد.

فقدان گوش شنوا در سیاستمداران، مشکل مهم جهان امروز

اینجا لازم است که نکته‌ای را اشاره کنم؛ در این دو سه روز زیاد شنیدم که برخی از خبرنگاران و صاحب نظران، از جمله در دانشگاه کلمبیا، رئیس دانشگاه اعلام کردند که آقای احمدی‌نژاد! ملت آمریکا از حرفها و

سؤالات تو در مورد رژیم صهیونیستی عصبانی است. من فکر می‌کنم در محیط علمی، حرفها و ادعاهای ما باید مستند و دارای مبنای علمی باشد، بهتر این است که از وجهه مردم آمریکا در این زمینه هزینه نکنیم. مردم آمریکا، مردم آمریکا هستند و دیدگاههای خودشان را دارند. ما به عنوان دانشگاهی یا سیاستمدار یا صاحب نظر فقط و فقط باید حرفهای خود را بزنیم.

من فکر می‌کنم همه باید تلاش کنیم که ظرفیت شنیدن نظرهای گوناگون، به خصوص در مراکز علمی، بین سیاستمداران و صاحب نظران ایجاد شود، بخشی از مشکلات امروز جهان ناشی از آن است که تحمل شنیدن وجود ندارد؛ چرا که احترام به دیگران وجود ندارد.

من وقتی روز یکشنبه به نیویورک آمدم، البته از قبل خبر داشتم، وقتی که گزارش رسانه‌ها را به من دادند، مطلع شدم که بعضی از شبکه‌های تلویزیونی به شدت در صدد تخریب فضا، ایجاد فضای منفی و تقابل در مورد حضور من در دانشگاه کلمبیا هستند. بعضی هم به من توصیه کردند که برای جلوگیری از برخورد بهتر است این جلسه لغو شود، اما من ترجیح دادم که به هر ترتیب این جلسه برگزار شود، برای اینکه اگر در دانشگاه که مرکز اندیشه و علم است و باید مرکز آزاد اندیشی باشد، امکان تبادل نظر وجود نداشته باشد، بدانید در هیچ محیط دیگری امکان این کار وجود ندارد. بنابراین ایستادم و شرایط آنجا را تحمل کردم و فکر کردم آن تحمل به ترویج فرهنگ تحمل دیگران کمک می‌کند.

من مثل بسیاری از شما یک معلم دانشگاه هستم و در طول هفته ساعتی را با همکاران، دانشجویان و محافل علمی مشغول گفت و شنود هستم. البته باور من این است که مسئولیت دانشگاه، استادان و مدیران دانشگاه بسیار بسیار سنگین است. همین امروز در دانشگاههای ایران

روزانه دهها و صدها جلسه گفت و شنود برپا می‌شود و تقریباً هیچ کدام منجر به کدورت و کینه‌ورزی نمی‌شود. اگر هم کسان معدودی به دنبال کینه‌ورزی باشند، در اقلیت مطلق اند.

نگاه ناعادلانه قدرتها، مانع فعالیتهای صلح آمیز در ایران

اما درباره موضوع هسته‌ای، فکر می‌کنم عصبانیت از موضوع هسته‌ای ایران هم به همان مسائل قبلی بر می‌گردد. اگر نگاه ما عدالت محور باشد؛ قانون و حق و عدالت برای همه، آن وقت ریشه‌های عصبانیت از بیخ کنده خواهد شد. چرا عصبانیت؟ ایران عضو آژانس است و طبق مقررات آن حق دارد از حقوق خود برخوردار باشد. طبق گزارشهای آژانس نیز هیچ انحرافی در فعالیتهای ایران دیده نشده است. این کمال بی‌عدالتی است کسانی که خود از مسیر صلح آمیز منحرف شده‌اند و قانون منع گسترش سلاحهای هسته‌ای را اجرا نکرده‌اند و سلاحهای هسته‌ای خود را منهدم نکرده‌اند، مانع فعالیت صلح آمیز اعضای آژانس بشوند. این نگاه غیر عدالت محور، ریشه عصبانیت است. اگر نگاه درست شود، عصبانیتی نخواهد بود و زمینه برای تفاهم فراهم است. اصلاً اختلاف و دعوایی نیست. دعوا به خاطر آن است که نگاه، عدالت محور نیست.

فرموده‌اند پنج سال آینده منطقه و جهان را چگونه می‌بینید؟ اجازه بدهید در این مورد من در آخر چند جمله‌ای عرض خواهم کرد.

در مورد رابطه ایران و آمریکا در عراق و نقش هرکدام سؤال کردند. من فکر می‌کنم که اگر در عراق به همین معیارهایی که عرض کردم، پایبند باشیم، همه می‌توانیم نقش مثبت و مشترک ایفا کنیم؛ به حقوق مردم عراق احترام بگذاریم، به حق تعیین سرنوشت، استقلال و تمامیت ارضی عراق احترام بگذاریم. اگر باور کنیم که مردم عراق خود می‌توانند خود را اداره

کنند، آن وقت همه در کنار هم قرار می‌گیریم و دیگر اختلاف و تقابلی نیست؛ همه هم جهت می‌شویم.

گفتگو و اندیشه، کاشف اشتراک ملتها

جناب آقای والش گفتند اختلاف هست، ولی زمینه‌های مشترک هم هست، من قبول دارم، زمینه‌های مشترک همواره بیش از زمینه‌های اختلاف است، اما بعضی اصرار دارند زمینه‌های اختلاف را آن قدر برجسته کنند که زمینه‌های مشترک دیده نشود. من فکر می‌کنم اگر درست گفتگو و اندیشه کنیم، زمینه‌های مشترک بسیار بسیار فراوان است.

باز فرمودند آیا امکان همکاری بالقوه وجود دارد؟ بله، امکان بالقوه همه چیز وجود دارد، بالفعل شدن آن به عملکرد ما بستگی دارد. من فکر می‌کنم اگر نگاهها را مشترک کنیم، همه توانهای ما در راستای یکدیگر و فراینده خواهد بود.

در مورد غنی سازی چند جانبه سؤال فرمودند. دو سال قبل من این پیشنهاد را در جلسه مجمع عمومی مطرح کردم که آن کسانی که نگران هستند از طریق یک کنسرسیوم غنی سازی را انجام بدهیم، اما نپذیرفتند؛ آن‌ها مسیر خود را رفتند و ما مجبور شدیم مسیر مستقل خود را دنبال کنیم.

ما علاقه‌مند بودیم یک بار دیگر تجربه کنیم. شما می‌دانید کشور من در گذشته با دولت آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و کانادا قراردادهای هسته‌ای بسیار مستحکمی را امضا کرده، اما علی‌رغم اینکه بعضی از این دولت‌ها بخشهای فراوانی از هزینه قرارداد و قیمت قرارداد را دریافت کردند. به‌طور یکجانبه قرارداد را لغو کردند و حتی پول ملت ایران را هم مسترد نکردند.

ما با آن پیشنهاد فکر کردیم به طور خوش‌بینانه یک بار دیگر تجربه کنیم، اما کسی استقبال نکرد.

امروز ما با اتکا به توان دانشمندان خودمان چرخه سوخت هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز را در اختیار داریم. دلیلی ندارد که با دیگران مشارکت کنیم. البته علاقه‌مندیم برای توسعه، سرمایه‌گذاری در سایر کشورها و سرمایه‌گذاری متقابل در کشورها به طور دو جانبه همکاری بکنیم. بنابراین ما هنوز پیشنهادهای خوبی برای همکاری روی میز داریم.

جناب آقای مایکل کریچ، مطالب خوبی را مطرح کردند و گفتند بیاییم در خلیج فارس همکاری مثبت داشته باشیم. مطلب درستی است. ما آماده‌ایم. به نظر ما زمینه‌های مثبت همکاری بسیار بسیار بیشتر از زمینه‌های منفی عدم همکاری است.

سؤال کردند آیا می‌شود بدون استیلای هیچ کشوری در خلیج فارس امنیت برقرار شود؟ بله. می‌شود. در یک تلاش همگانی و مشترک. همکاری مشترک امنیتی برای امنیت در خلیج فارس بین کشورهای منطقه. فرمودند نقش ایران چه خواهد بود؟ نقش ایران همواره نقش مثبت و سازنده است. صلح در خلیج فارس و منطقه به نفع ایران و ناامنی در منطقه به ضرر ایران است. ایران امنیت خود را در امنیت منطقه جستجو می‌کند. البته سؤال کردند رابطه ایران و رژیم صهیونیستی چه می‌شود. فکر می‌کنم ارتباطی به خلیج فارس ندارد.

جناب آقای گرانوف فرمودند که ان شاءالله ماه مبارک رمضان کمک کند که مشکلات برطرف بشود. باز گفتند تلاش بکنیم از بروز مشکلات در مرز با عراق جلوگیری شود. الان در مرز عراق و ایران مشکلی وجود ندارد. بخشی از تروریستها از مرزهای جنوب غربی عراق و از غرب عراق وارد می‌شوند. مسیر آن‌ها معلوم است، برای همه معلوم است. همه نیروهایی

که در عراق هستند مسیر حرکت تروریستها را می‌شناسند. ما آمادگی داریم که همه به دولت عراق کمک کنیم برای اینکه امنیت را برقرار بکند و راه را بر تروریستها ببندد. باز فرمودند روابط پارلمانی مثبت خوب است، سوء تفاهماتی وجود دارد. ما از روابط پارلمانی مثبت استقبال می‌کنیم. باز گفتند اگر مردم فلسطین بخواهند دو دولت باشد، آیا شما قبول می‌کنید؟ ما می‌گوییم اجازه بدهید ملت فلسطین خود انتخاب کند. هر انتخابی کرد، همه احترام بگذاریم. کسی تلاش نکند بر تصمیم‌گیری ملت فلسطین اثرگذاری کند. اجازه بدهیم در انتخابی آزاد مردم فلسطینی اعم از مسلمان، یهودی و مسیحی خود انتخاب کنند. فکر می‌کنیم این بهترین راه حل و راه حل انسانی برای حل مشکل شصت ساله است.

جناب آقای آلسیون، فرمودند در این سفر چیزی به دست آورده‌اید که با خود ببرید؟ بله؛ یکی از دستاوردها همین برنامه دانشگاه بود. من فکر می‌کنم این برنامه به توسعه سعه صدر، فرهنگ شنیدن و تحمل دیگران کمک کرد. دو طرف حرفها را شنیدیم و شاید صدها میلیون انسان در جهان هم آن صحنه را دیدند. هزاران دانشجو آمدند، نشستند و حوصله کردند و حرفها را شنیدند. من فکر می‌کنم همین جلسه هم یکی از دستاوردهاست و البته کارهای سازمان ملل جای خود را دارد.

سؤال کردند نظر ایران در مورد عراق چیست؟ از نگاه ما یک عراق مستقل، یکپارچه و قدرتمند به نفع منطقه و امنیت منطقه است. همه باید کمک کنیم استقلال و یکپارچگی عراق حفظ بشود.

باز گفته‌اند اگر آمریکا از عراق خارج بشود، چه خواهد شد؟ ما فکر می‌کنیم اتفاقات خوبی می‌افتد. اولاً مشکلات پیچیده آمریکا در عراق حل می‌شود. همه شما می‌دانید امروز دولت آمریکا در عراق دچار مشکلات بسیار سنگین و پیچیده‌ای است. البته ما فکر می‌کنیم ریشه و علت این

مشکلات به برخی اشتباهات بر می‌گردد. اشتباه در درک مردم عراق و اشتباه در درک شرایط عراق و اشتباه در دریافت قدرت مردم عراق و اشتباه در دریافت بیگانه ستیزی مردم عراق.

فکر می‌کنیم امروز برای رفع این اشتباهات نباید اشتباهات جدیدی اتفاق بیفتد. بالاخره روزی آمریکا باید از عراق خارج بشود. ما فکر می‌کنیم هر چه زودتر، خسارت کمتر خواهد بود و انسانهای کمتری کشته می‌شوند. کینه‌های کمتری به وجود می‌آید و زمینه برای مهرورزی و دوستی بیشتر فراهم است.

ما فکر می‌کنیم مردم عراق قادرند خودشان را اداره کنند. ما فکر می‌کنیم اگر طبق برنامه‌ای مسئولیت امنیت را به دولت عراق منتقل کنیم، دولت عراق قادر است امنیت را برقرار کند.

ما هیچ دلیلی نمی‌بینیم که همه حیثیت آمریکا و ارتش آمریکا و توانمندیهایی که می‌تواند در خدمت پیشرفت عراق باشد، امروز مستهلک می‌شود؛ یعنی هدر می‌رود یا در خدمت تخریب عراق است. ما فکر می‌کنیم با یک تصمیم‌گیری شجاعانه می‌توان شرایط را تغییر داد.

ممکن است کسی تصور کند با خروج نیروهای آمریکایی امنیت کاهش می‌یابد. این تصور اشتباه است و ناشی از تحلیل غلط و اطلاعات نادرست است. بدانید طی چهار سال و نیم بیش از ۶۰۰ هزار نفر در عراق کشته شده‌اند. آیا ناامنی از این بیشتر هم قابل تصور است. بیش از ۳ میلیون نفر آواره شده‌اند. ما فکر می‌کنیم مردم عراق می‌توانند خود را اداره کنند.

سرکار خانم پاتریشیا هانتینگتون گفتند سال گذشته دو هیئت به ایران رفتند و دوستان خوبی پیدا شد. اخیراً روابط سرد شده.

ببینید، ما از روابط بین مردم، دانشگاهیان و اهل نظر استقبال می‌کنیم. سال گذشته وزرات راه ما نامه‌ای به دولت آمریکا نوشت که اجازه بدهید

پرواز مستقیم بین تهران و نیویورک برقرار شود تا علاقه‌مندان بتوانند به راحتی سفر کنند. اما هنوز پاسخی برای این درخواست دریافت نکرده‌اند. ما فکر می‌کنیم می‌شود روابط علمی و فرهنگی را بهتر کرد.

اینکه گفتند طرف ایرانی می‌ترسد، من نمی‌دانم او کیست که می‌ترسد، چون ایرانیها خیلی شجاع‌اند و تجربه تاریخی می‌گویند که ایرانیها نمی‌ترسند. نمونه‌اش همین کسی است که الان با شما صحبت می‌کند.

اما ما آمادگی داریم، من بارها اعلام کرده‌ام که ما از رفت و آمد مردمی استقبال می‌کنیم. حتی ما پذیرفتیم که در یک توافق دو طرفه ویزای ۱۵ روزه بدون محدودیت بدهیم. اگر این پیشنهادها مورد توافق قرار گیرد، ما عمل خواهیم کرد.

سرکار خانم روبین، ایشان فرمودند سؤالات متعددی در مورد شیعه وجود دارد. من فکر می‌کنم هزاران کتاب درباره شیعه هست که شما می‌توانید پاسخ همه سؤالات خودتان را دریافت کنید و اگر سؤالات را به من منتقل کنید من می‌توانم منابع یا افرادی را به شما معرفی کنم که در گفتگو با شما بتوانند سؤالات را پاسخ بدهند.

اما یک سؤالی مطرح کردید که من نفهمیدم این سؤال از کجا آمده است. فرمودید آیا می‌شود از طریق جنگ ظهور حضرت مهدی (ع) را تسریع کرد؟ ما معتقدیم حضرت مهدی می‌آید که جنگی نباشد. که صلح، عدالت و برادری بیاید. ما معتقدیم حضرت مهدی به اتفاق حضرت مسیح خواهد آمد. می‌آیند تا عشق، محبت، صلح و دوستی را برقرار کنند. البته می‌توان از طریق عدالت طلبی، مقاومت در مقابل ظلم و زیاده‌خواهی و از طریق ترویج اندیشه عدالت و محبت و مهرورزی زمینه‌های ظهور را فراهم کرد. بدانید یکی از زمینه‌های ظهور آمادگی بنده و شماسنت. بنده و شما باید عدالت را بخواهیم تا عدالت بیاید. همه این مفاهیم در متن

خودش ضد جنگ و کینه‌ورزی است و عدالت خواهی یعنی از بین بردن ریشه‌ها و زمینه‌های جنگ.

جناب آقای آلترمان گفتند آمریکاییها شما را یعنی بنده را با هیتلر مقایسه می‌کنند. نقش هیتلر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ البته من تذکر دادم، خوب است در اینجا هر کس از طرف خودش سخن بگوید. آمریکا ۳۰۰ میلیون جمعیت دارد. بعید می‌دانم که آقای آلترمان نماینده حتی ده هزار آمریکایی باشند. اما من نقش هیتلر را بسیار منفی و به ضرر بشریت ارزیابی می‌کنم. ضرباتی که هیتلر بر جامعه بشری و پیکره صلح و دوستی زد، ضربات جبران ناپذیری است. جنگی که او برنامه‌ریزی کرد، بیش از ۶۰ میلیون کشته بر جای گذاشت و میلیونها نفر آواره، خانواده‌های فراوانی متلاشی شدند، چهره هیتلر نزد ما یک چهره بسیار سیاه و تاریک است. البته بازیگری هیتلر نتیجه اندیشه‌های هیتلر بود. نتیجه بی‌توجهی به عدالت، حرمت و کرامت انسانها و بی‌توجهی به حقوق ملتها بود. البته سؤالات من درباره رژیم صهیونیستی سؤالات کاملاً علمی است. بنده از موضع یک دانشگاهی دو سؤال مطرح کردم و منتظرم به جای اینکه بعضی از دوستان از پاسخ طفره بروند و بنده را با هیتلر مقایسه کنند که نه قد و هیکل من به هیتلر می‌خورد نه زبان و فرهنگ و جغرافیای من، به این دو سؤال پاسخ روشنی بدهند که ما هم پرونده را مختومه بکنیم.

اما جناب آقای امیراحمدی تحلیلی از مشکل غرب نسبت به ایران کردند. گفتند که انگلیسیها برای تثبیت سیطره خودشان در هند این فرضیه را ترویج کردند که ایران قدرتمند خطرناک است.

البته همه شما می‌دانید این فرض کاملاً غلط است. ایران قدرتمند بسیار مفید است. ایران قدرتمند حافظ امنیت، صلح و برادری است. تاریخ ایران نشان‌دهنده صلح دوستی ملت ایران است. ملت ایران هیچ‌گاه به

کشوری تجاوز نکرده است. حتی در آن فیلم ۳۰۰ که با تحریف تاریخ اصرار داشت از ملت ایران انتقام بگیرد، در آنجا هم نتوانست ملت ایران را حتی با یک سند تجاوز طلب و ضد صلح معرفی کند.

جناب آقای جهان صالحی وضعیت نشریات در ایران را مطرح کردند. البته به شوخی گفتند هر هفته بعضی بسته و بعضی باز می‌شوند. در مقابل تعداد مطبوعاتی که در ایران فعال‌اند، آنهایی که باز یا بسته می‌شوند، تعدادشان بسیار بسیار اندک است.

البته می‌دانید که در کشور ما قانون جاری است و همه در برابر قانون یکسان هستند. در سال گذشته تنها روزنامه متعلق به دولت به دلیل توهین به یکی از اقوام اصیل ایرانی از طریق دادگاه تعطیل شد و بنده به عنوان رئیس دولت هم نتوانستم از روزنامه متعلق به دولت دفاع کنم.

طبیعی است که اگر نشریه‌ای به حوزه شخصی و حرمت و حقوق اجتماعی افراد تجاوز کند، می‌تواند افراد به دادگاه شکایت کنند و دادگاه طبق قانون رسیدگی خواهد کرد. جرم، جرم است. کسی تصور نکند که عده‌ای در مقابل قانون برتر هستند یا مصونیت دارند.

اتفاقاً پای فشاری بر قانون صیانت از آزادی است. آزادی در سایه پافشاری بر قانون به وجود خواهد آمد. آزادی در ولنگاری و بی‌قانونی مساوی است با تسلط قلدرها و گردن‌کشها.

همین امروز برای اینکه شما بدانید روزانه بیش از ۳۰ روزنامه از ناحیه مخالفان پروپاقرص دولت منتشر می‌شود و تمام صفحات آن‌ها از اخبار، تحلیل و حرف علیه دولت است. آزاد هم هستند و از دولت یارانه هم می‌گیرند.

جناب آقای کوک چان گفتند فقط دولت آمریکا با ایران مشکل ندارد. کنگره هم مشکل دارد.

بله، ما هم می‌دانیم که دولت و کنگره آمریکا مشکل دارند. خوب باید مشکل را حل کنند. ما مشکلی نداریم و البته پیشنهاد خیلی خوبی دادند، فرمودند برنامه‌های مشترک مطالعاتی داشته باشیم. فکر می‌کنم پیشنهاد خوبی است، یعنی گام خوبی است و اشاره کردند که ما از کارهای عملیاتی کوچک‌تر شروع کنیم که به نظر من پیشنهاد خوبی است. گفتند به افراد ویزا داده شود، پیشنهاد خوبی است. این را می‌توانیم دو طرفه انجام بدهیم. یادتان باشد سال گذشته دولت آمریکا اعلام کرد ایرانیهایی که می‌خواهند وارد آمریکا بشوند، باید انگشت‌نگاری بشوند، این واقعاً یک توهین بود. بلافاصله مجلس شورای اسلامی به درستی عکس‌العمل نشان داد و گفت مقابله به مثل. ما از نمایندگان مجلس خواهش کردیم که اجازه بدهند دولت ایران فعلاً این مقابله به مثل را اعمال نکند، چون ما فهمیدیم این تصمیم دولت آمریکا از روی عصبانیت است و تصمیمی که از روی عصبانیت گرفته شود، معمولاً تصمیم ناپخته و غلطی است.

جناب آقای پرفسور بولت به خاطر حضور در دانشگاه تشکر کردند. من هم از تشکر شما صمیمانه تشکر می‌کنم. همه ما باید کمک کنیم فضاهای لازم برای تبادل اندیشه‌ها ایجاد بشود.

جناب آقای جانسون پیشنهاد دادند به جای سناریوی جنگ، سناریوی صلح تهیه کنیم. قبول داریم، در مورد جلسات مشترک مذهبی، ما استقبال می‌کنیم. همین فردا من خودم یک جلسه‌ای با صد و چهل پنجاه نفر از شخصیت‌های مذهبی آمریکا دارم؛ از کشیشها و خاخامها. این جلسات می‌تواند بین دانشگاهیان و علمای دینی برقرار بشود. جلسات مشترک با موضوع و چهارچوب مشخص.

جناب آقای گری سیگ گفتند از زمان انقلاب به ایران نرفته‌ام. سؤال من این است، شما مگر با انقلاب ایران مخالف هستید؟ انقلاب ایران چه

مشکلی داشت؟ پس معلوم شد آقای گری سیگ با انقلاب اسلامی مخالف نیستند، علاقه‌مندند که با انقلاب اسلامی همکاری و همراهی داشته باشند. باز گفتند از پیشنهاد رفتن به ایران استقبال می‌کنیم و این خیلی خوب است. بعضی از استادان دانشگاه از دانشگاه‌های گوناگون آمریکا امروز من را دیدند. گفتند ما برای سفر به ایران برنامه تنظیم کرده‌ایم، این خیلی چیز خوبی است و کمک می‌کند. البته گفتند دولت آمریکا همکاری نمی‌کند. من امیدوارم همکاری بکند.

باز آقای گری سیک گفتند دستگیریه‌ها آغاز شده است. چرا؟ خب دو نفر حالا دستگیر شدند. بعضی از آن‌ها آزاد شدند و بعضی هم آزادمی‌شوند. این چه حرفی است که می‌زنیم. چون بعضی دوستان دیگر هم مثل آقای لیتواک گفتند.

من می‌خواهم از شما یک سؤال کنم، می‌دانید چند درصد مردم آمریکا در زندان هستند؟ کسی هست اینجا که بداند؟ آن آماري که من دارم و از مراجع رسمی آمریکایی است ۱/۲ درصد یعنی بیش از سه میلیون آمریکایی در زندان هستند. می‌دانید این نسبت در ایران چقدر است؟ این نسبت در ایران ۰/۲ درصد است. یعنی کمتر از پنج برابر یا یک پنجم به نسبت جمعیت.

آیا در آمریکا افراد بی‌جهت زندانی می‌شوند و ما در ایران می‌توانیم بگوییم آمریکا دارد مردمش را بی‌جهت زندانی می‌کند یا مخالفین را زندانی می‌کند؟ در زندانیان آمریکا از همه اقلشار هستند. کسی نمی‌تواند بگوید که فقط سه میلیون تبهکار در آمریکا هست. این که خیلی بد است. همهٔ اقلشار به دلایل گوناگون هستند. حتی ممکن است یک مأمور پلیس یا یک قاضی در تشخیص خودش اشتباه بکند، این طبیعی است.

همین دو عددی که من خدمت شما دادم، نشان می‌دهد که اصلاً در

ایران تمایل به دستگیری و زندان کردن خیلی کم است. البته مواردی پیش می‌آید که باید ریشه‌هایش را پیدا کنیم.

من می‌خواهم از آقای گری سیک خواهش کنم از نفوذشان در دولت آمریکا استفاده کنند و اجازه بدهند سخنان خانم هاله اسفندیاری از رسانه‌های آمریکایی منتشر بشود. اجازه بدهید خود خانم اسفندیاری اظهار نظر کند. من فکر می‌کنم اگر خود ایشان صحبت بکند بسیاری از مسائل ذهنی شما حل خواهد شد. ایشان بهترین مرجع برای اظهار نظر هستند.

خود ایشان برای ما پیغام دادند که رسانه‌ها حرفهای من را منتشر نکردند، فقط بعضی سایتها و یک روزنامه نوشت. حالا شما که اشکال ندارد این کار را بکنید. ما نسبت به دفاع از شهروندان خودمان از شما اولی هستیم.

جناب آقای گری سیمور گفتند خطر جنگ بین ایران و آمریکا از شش ماه قبل زیادتر شده و در شش ماه آینده بیشتر می‌شود.

من با این تحلیل شما موافق نیستم. من فکر نمی‌کنم خطر جنگ بین ایران و آمریکا زیاد شده است. به چه دلیل؟ چرا؟ مگر جنگ بازچه است که هر کس هر روز می‌خواهد سخنرانی کند، از جنگ سخن بگوید. هر سیاستمداری، در تصمیم‌گیریهایش با مشکل مواجه شد، بگوید من با جنگ حل می‌کنم. سخت‌ترین تصمیم برای یک سیاستمدار تصمیم به جنگ است و علی‌القاعده باید همین باشد. جنگ برای سیاستمدار بدترین تصمیم است.

به چه دلیل؟ کدام مشکل می‌خواهد با جنگ حل بشود؟ اگر دولت آقای بوش در عراق دچار مشکل شده و قادر نیست مشکلات را حل کند، تهدید به جنگ می‌کند؟ به چه دلیل؟

من فکر می‌کنم در آمریکا آن‌قدر سیاستمداران عاقل هستند که مانع

تصمیمات این چنینی می‌شوند. البته می‌دانید که ملت ایران عادت کرده است که همواره برای دفاع از خودش به طور کامل آماده باشد، اما ما از جنگ متنفریم، استقبال هم نمی‌کنیم، اما توانایی دفاع از خود را داریم. من فکر می‌کنم مجموع شرایط منطقه خلاف این مطلب را می‌گوید. ما به سمت جنگ نمی‌رویم. البته آقای بوش علاقه‌مند هستند که یک ضربه‌ای به ایران بزنند، بالاخره یک کاری بکنند، این هم جزو تصمیمات اشتباه است. من فکر می‌کنم این هم اتفاق نخواهد افتاد، برای اینکه معتقدم در آمریکا سیاستمداران عاقل فراوانند و اجازه نخواهند داد که یک مشکل سنگین جدید برای آمریکا ایجاد شود.

گرچه ملت ایران خود را برای هر شرایطی آماده کرده است. اما هم آرزو می‌کنیم هم تلاش می‌کنیم که هرگز چنین اتفاقی به وقوع نپیوندد. ما امروز همه تلاش‌هایمان را داریم می‌کنیم. دیدید که حاضر شدیم سه مرحله با دولت فعلی آمریکا برای کمک به امنیت عراق مذاکره کنیم. در آنجا پیشنهادهای خوبی هم ارائه دادیم. یکی از پیشنهادهای ما این بود که یک کمیته سه جانبه (عراق، آمریکا و ایران) برای کمک به استقرار امنیت در عراق و مبارزه با تروریسم تشکیل بشود، فکر می‌کنیم این پیشنهاد بسیار سازنده است.

ما تلاش‌هایمان را انجام می‌دهیم، اما اگر کسی تصور کند با تهدید به جنگ، ملت ایران از حقوق اصلی خودش عقب‌نشینی می‌کند، این تصور حتماً تصور اشتباهی است. چنین چیزی هیچ‌گاه اتفاق نخواهد افتاد.

دیدید در شرایط بعد از انقلاب ما که ملت ایران هیچ نیروی نظامی سازمان یافته نداشت، در مقابل یک ارتش مجهز که با قدرتهای بزرگ از جمله دولت آمریکا حمایت می‌شد، ایستاد و حتی یک سانتی‌متر از وطن خود را در اشغال نپسندید.

بنابراین، نظر من با جناب آقای گری سیمور متفاوت است. من فکر نمی‌کنم جنگی اتفاق بیفتد.

جناب آقای لیتواک راجع به خانم اسفندیاری سؤال کردند که من پاسخ آن را قبلاً دادم.

جناب آقای مولانا هم اظهار لطف کردند. من فکر می‌کنم بحثهای خوبی را مطرح کردند. امروز در دانشگاهها، در محافل سیاسی و نظری آمریکا و همه جا باید مباحث نظری و پایه مطرح شود. بحث خانواده، انسان، اینها بحثهای پایه‌ای است والا بدانید هر حکومتی و هر اندیشمندی اگر به این مباحث توجه نکند، دوام نخواهد آورد، نمی‌تواند در محیط بین‌المللی ادامه حیات بدهد و سیاستهای او نافذ نخواهد بود و همه جا با بن‌بست مواجه خواهد شد.

البته ما حاضریم کمک بکنیم. می‌دانید ایران به لحاظ کار روی انسان و ارزشهای انسانی سابقه طولانی دارد. ما منابع عظیم و ادبیات بسیار غنی در مباحث پایه، مباحث فلسفی، انسان‌شناسی و اجتماعی داریم.

جناب آقای برن خواستند که اسناد مربوط به اقدامات ایران آزاد بشود.

ما همین کار را می‌کنیم. از طریق وزارت خارجه دائماً اسناد منتشر می‌شود.

اسناد طبقه‌بندی شده طی کتابهایی منتشر می‌شود، تاکنون ده‌ها مجلد

منتشر شده و البته یک مرکز اسناد هم داریم که آن مرکز هم صدها مجلد

الان منتشر کرده است؛ از نهضت ملی شدن نفت و از کودتای ۲۸ مرداد و

قبل از آن، از دوران مشروطیت تا دوران انقلاب اسلامی اسنادش را منتشر

کرده. اگر علاقه‌مند بودید، از طریق نمایندگی این‌ها را می‌توانید دریافت

کنید. موضوعات را منتقل کنید، اسنادش را برایتان خواهند فرستاد.

خانمی صحبت کردند و گفتند برای برقراری گفتگو کمک بکنید که

من پاسخ دادم.

جناب آقای ریچارد ماتسکی توصیه کردند که با ایرانیان در آمریکا در تماس باشیم. توصیه خیلی خوبی است. من دو شب قبل با ایرانیان جلسه داشتم و از آن‌ها خواستم که کار بکنند و ارتباط داشته باشند و به درک بهتر و تفاهم کمک کنند.

جناب آقای مارشال هم در ادامه گفتند که کاری کنیم که بچه‌های ما در آینده زندگی بهتری داشته باشند. استقبال می‌کنیم. هر پیشنهادی که برای آینده بهتر زندگی بشر باشد، ما از آن استقبال می‌کنیم.

خانم باربارا گفتند اجازه بدهید ایرانیان تردد کنند و ایرانیان ساکن آمریکا هم به ایران تردد کنند. خیلیها تردد می‌کنند. در همین سفر آقای کارگر از همکاران من که مسئول نظام وظیفه عمومی هستند، آمدند با ایرانیان زیادی ملاقات کردند، آنهایی که مشکل نظام وظیفه یا گذرنامه داشتند، برای سفر به ایران بسیاری‌اش را حل کردند و بسیاری را هم حل خواهند کرد.

همین الان هم ایرانیان زیادی هر سال به ایران سفر می‌کنند، متأسفانه چون پرواز مستقیم نیست مجبورند هزینه و زمان بیشتری را صرف کنند. تلاش ما این است که این اتفاق بیفتد، پیشنهاد خوبی است.

جناب آقای رویین هم گفتند افراد آزاد شوند. چشم. ما علاقه‌مندیم همه آزاد بشوند. ما دوست داریم اصلاً زندانی وجود نداشته باشد. این نظر شخصی من است.

البته می‌دانید ما مجبوریم. شما هم بعضی وقتها مجبورید. اجازه بدهید برایتان مطلبی را بگویم. شما می‌دانید ایرانیها برای مقابله با جریان قاچاق مواد مخدر تا امروز چند نفر کشته داده‌اند؟ نمی‌دانید. هزاران نفر از نیروهای انتظامی ما برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر کشته شده‌اند، در حالی که می‌دانید مواد مخدر از کشور ما عبور می‌کند، وارد اروپا می‌شود و از آنجا بخشی از آن به آمریکا می‌آید؛ ۳۴۰۰ نفر تا امروز کشته شده‌اند.

اما می‌دانید متأسفانه بعد از حضور نیروهای ائتلاف در افغانستان کشت و برداشت مواد مخدر به سه برابر افزایش پیدا کرده است؟ فکر می‌کنیم این‌ها عددهایی است که ما را متأسف می‌کند و باید ما را به فکر وا دارد که رفتارهایمان را اصلاح کنیم.

جناب آقای روبین فرمودند قبلاً همکاری ایران و آمریکا در افغانستان خوب بود ولی اخیراً آمریکا ایران را متهم کرده و سردار جعفری فرمانده سپاه هم پاسخ داده است.

من فکر می‌کنم اتهامات آمریکا بی‌اساس است. دولت آمریکا نباید شکستهای خودش را به گردن دیگران بیندازد. انسان باید شجاعت داشته باشد و اشتباه خودش را بپذیرد.

سیاستهای دولت آمریکا در افغانستان و عراق اشتباه است. می‌بینید که نتیجه نمی‌دهد، نمی‌شود یک تفنگ و مقداری مواد منفجره بیاوریم در تلویزیون بگوییم این‌ها مال ایران است، به خاطر این‌ها ما شکست خوردیم. این‌ها را که کسی قبول نمی‌کند و سبک هم هست. مگر می‌شود ارتشهای مجهز از چند تا تفنگ و یک مقدار مواد منفجره شکست بخورند؟ این که نیست.

شما می‌دانید بیشترین آسیب را از ناامنی افغانستان ایران متحمل می‌شود. ما برای امنیت در مرزهای شرقی مان، سالانه صدها میلیون دلار هزینه می‌کنیم، چرا ما باید امنیت را بر هم بزنیم؟ ضمن اینکه مردم افغانستان برادران ما هستند، هر نوع ناامنی در افغانستان بلافاصله به ایران منعکس می‌شود.

الان ما داریم کمکهای مالی فراوانی به دولت جناب آقای کرزای می‌کنیم، برای اینکه بتواند افغانستان را بسازد و امنیت را برقرار کند. آنجا راه، راه آهن، بیمارستان مدرسه می‌سازیم. چه دلیلی دارد که ما به ناامنی کمک

کنیم؟

شما یادتان هست، وقتی سازمانهای اطلاعاتی آمریکا یک جریان مسلح را در افغانستان سازماندهی کردند، ما از اول با آن مخالفت کردیم و گفتیم این کار غلط است، این راه حل درستی نیست. رهبری ایران به صراحت اعلام موضع کرد. علتش این است که ما بافت جمعیتی و منطقه و ارتباطات را می‌شناسیم، می‌دانیم بعضی تصمیمات غلط به ضرر کسانی خواهد شد که آن تصمیم را می‌گیرند و به ضرر مردم منطقه می‌شود، باز گوش نکردند. باز آقای روبین فرمودند چطور می‌شود از هر نوع منازعه بین ایران و آمریکا جلوگیری کرد؟ من فکر می‌کنم به حقوق همدیگر احترام بگذاریم. حقوق همدیگر و عدالت را به رسمیت بشناسیم. کسی سعی نکند بر دیگری برتری پیدا کند و بر دیگری مسلط بشود. کسی سعی نکند شخصیت دیگری را پایمال کند. می‌شود، چرا نمی‌شود؟

اصلاً شعار انقلاب اسلامی ما شعار دوستی است. شما می‌دانید یکی از شعارهای امام کبیر ما که رهبر انقلاب بود، این بود که ما آرزو می‌کنیم روزی همهٔ سلاحها و تفنگها به قلم تبدیل بشود و خود ایشان یک دانشمند درجه یک اسلامی بود؛ با دهها کتاب علمی و بیش از شصت سال تدریس در دانشگاه دینی. ایشان آرزو داشت، این محور انقلاب ماست که ما اندیشه، فرهنگ و گفتگو را دوست داریم.

می‌شود زمینه‌های منازعه را از بین برد و همه باید کمک بکنیم که از بین برود.

از اینکه صحبت‌های من طولانی شد، عذر می‌خواهم. فکر کردم باید به نظر تک تک دوستان احترام بگذارم و مروری داشته باشم بر همهٔ حرفهایی که مطرح شد. البته می‌دانید دیر وقت است. من از صبح زود کارهایی شروع می‌شود. از نظرهای شما استفاده کردم، امیدوارم با همین معیارهایی

که عرض کردم و مطمئنم بسیاری از شما این معیارها را قبول دارید، در راههای روشن قدم برداریم و به اصلاح وضع کمک بکنیم.

بدانید هر کدام از ما اگر موفق بشویم، فقط و فقط جلو کشته شدن یک نفر را بگیریم، جلو کشته شدن یک نفر در عراق یا افغانستان را بگیریم، مثل این می ماند که جلو کشته شدن همه بشریت را گرفته باشیم. برای اینکه تک تک انسانها محترم اند.

هر روز افراد دارند کشته می شوند، چرا باید کشته بشوند؟ این سؤال اساسی ماست. به چه دلیل؟ در ازای این کشته شدن چه چیزی گیر بشریت می آید؟ می توانیم کاری کنیم که کسی کشته نشود؛ با اصلاح نگاه، با اصلاح رفتار و عملکردها و ما از اینکه هر کس کشته می شود، به شدت متأثریم. البته برای مردم عراق بیشتر متأثریم، چون آنها در خانه خودشان کشته می شوند، اما برای دیگران هم متأثریم، برای اینکه هیچ علتی برای کشته شدن آنها پیدا نمی کنیم، اینها برای چه باید کشته شوند؟ چرا باید بعضی اشتباهات منجر به کشته شدن انسانها بشود؟ چرا؟

صدها چرا در مقابل ماست. ما فکر می کنیم می توانیم کمک بکنیم، صلح و دوستی باشد و کسی کشته نشود. از همه تان تشکر می کنم.

والسلام علیکم و رحمة الله

تبلیغات و حقیقت^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر واجعلنا من

خیر اعوانه وانصاره والمستشھدین بین یدیه

در آغاز از خدای بزرگ می‌خواهم راهنمایی‌های پیامبران الهی و به کارگیری عقل را زمینه‌ساز زندگی سعادت‌مند و برپایی آن در این جهان قرار دهد. نقش انسان بسیار بسیار مهم است. انسان مرکز و کانون آفرینش است. هرچه هست، برای انسان است. انسان باید با تلاش خود شکوفایی، بالندگی، کمال برای خود و دیگران، آبادانی زمین و عدالت را بر پا کند. از آنجا که چند دقیقه‌ای به خاطر تریکات همکاران در صحن مجمع جلسه دیرتر آغاز شد، سخن مقدماتی را کوتاه می‌کنم و علاقه‌مندم که بیشتر در خدمت شما باشم. با یک جمله عرضم را خاتمه می‌دهم.

دوستان! همه ما برای سعادت جامعه بشری و برپایی زندگی سعادت‌مند مسئولیم. این هدف بزرگ و زیبا نیازمند عزم و تلاش همگانی است. همه باید دست به دست هم بدهیم، با اعتقاد به خدای یگانه و براساس پاک‌ی، عشق و محبت و عدالت روابط را تنظیم کنیم و جامعه سعادت‌مند و حیات طیبه انسانی را بسازیم.

من امیدوارم جلسات، گفتگوها، کار رسانه‌ای، مسئولیتهای اداری و اجتماعی همه این‌ها در راستای تحقق این هدف بزرگ و ارزشمند باشد.

گزارشگر تلویزیون پاکستان:

سؤال من درباره برنامه هسته‌ای است. شما گفتید خوشبختانه آژانس تلاش کرده نقش حقوقی و قانونی و بین‌المللی خودش را دوباره در ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران به دست بیاورد و شما پیشنهاد می‌کنید که آژانس تنها ناجی حقوقی این مسئله باشد و بنابراین نظرتان این است که شورای امنیت در این زمینه نقش ندارد و اگر این طور است، اگر تحریمهایی علیه شما ارائه بشود، ایران چه می‌تواند بکند تا اثر آن تحریمها را کم کند.

رئیس جمهور:

همه تلاشهایمان را خواهیم کرد، برای اینکه تحریمی اتفاق نیفتد، اما بدانید فعالیتهایی که شورای امنیت درباره فعالیتهای هسته‌ای ایران انجام می‌دهد، کاملاً غیر قانونی است. محور سخنرانی من امروز در مجمع همین بود که برخی قدرتهای بزرگ اراده خود را بر شورای امنیت تحمیل می‌کنند، بر خلاف قانون تصمیم می‌گیرند و چون قدرتی در اختیار دارند، تلاش می‌کنند آن را اعمال کنند و برای ما چیز جدیدی نیست.

شما یادتان هست، وقتی صدام به ملت ایران هجوم آورد، همین قدرتها از او حمایت می‌کردند و در شورای امنیت سعی کردند آتش بس تحمیلی را به ملت ایران تحمیل کنند؛ در شرایطی که صدام بخش وسیعی از سرزمین ما را اشغال کرده بود، اصرار کردند که توقف داده بشود.

ما تجربه و سابقه خوبی از این شورای امنیت نداریم. علت هم روشن است. برای اینکه برخی از دولتها که دشمن ملت ما هستند، و در مقابل ملت ما هستند، دارای حق وتو هستند و در شورای امنیت عضو ثابت اند. معلوم است که در چنین شورای امنیتی با چنین ساز و کاری و با دشمنی برخی از اعضای دارای حق وتو، ما نمی‌توانیم امیدوار باشیم که حقوق ما تأمین شود.

راه درست برای ما همکاری با آژانس و مقاومت است. این همان راهی است که ملت ایران انتخاب کرده است و به لطف خدا تا امروز موفق شده است.

گزارشگر تلویزیون اسرائیل:

من پارسال از شما پرسیدم در مورد خواسته شما که اسرائیل از نقشه جهان حذف شود، تصمیم گرفتید جواب بدهید یا نه، ولی بالاخره جواب سؤال من را دادید.

می‌خواهم بدانم با توجه به اینکه در سخنرانی‌تان گفتید که مسئله هسته‌ای الان تمام شده، و در مطبوعات جهانی ما می‌خوانیم که حمله اسرائیل به سوریه علیه تسلیحات هسته‌ای آنجا صورت گرفته که توسط کره شمالی به آن‌ها داده شده بود، آیا فکر می‌کنید که ممکن است همین اتفاق هم در مورد ایران بیفتد، اگر برنامه هسته‌ای را ادامه بدهید؟

(نظر به اینکه جمهوری اسلامی ایران رژیم اسرائیل را غاصب سرزمینهای فلسطین می‌شناسد، رئیس‌جمهور به پرسش گزارشگر تلویزیون این رژیم پاسخ نداده و سکوت کردند.)

گزارشگر:

شما گفته‌اید که خدا از طبیعت و جهان امکاناتی به ما داده است. صحبت از کربن می‌کنم و اینکه بوش خواسته است که گازهای طبیعی که کربن‌زا هستند، از بین بروند. به نظر شما در مقابل تغییرات چه کاری می‌شود انجام داد و ایران در این زمینه چه کاری انجام داده برای جلوگیری از تغییرات اقلیمی ناشی از منوکسیدکربن که صنعت وارد طبیعت و محیط زیست می‌کند؟

رئیس‌جمهور:

اول کاهش مصرف سوخت است. امروز سوخت به طور فزاینده‌ای دارد مصرف می‌شود. روز به روز دارد مصرف سوخت بیشتر می‌شود. می‌بینید که تقاضا برای نفت خام روز افزون است. ما باید هم دستگاهها را اصلاح کنیم و هم برویم به سمت سوختهای جایگزین. این‌ها شدنی است.

به علاوه کشورها متعهد بشوند که استانداردهای لازم را در ساخت دستگاهها و به کارگیری آنها اعمال کنند.

علاوه بر این، اگر کسی منوکسید کربن ایجاد می‌کند یا باعث آلودگی می‌شود، باید موظف شود که معادل آن طبیعت را احیا کند یا دستگاههای تبدیلی بسازد و در کنار دستگاههای اصلی به کار گیرد.

من فکر می‌کنم که آن پیمانی که برای صیانت از محیط زیست تدوین شده است، به اندازه کافی پاسخگوست، اگر همه ما دستورالعملهای آن را رعایت کنیم، می‌توانیم شاهد کاهش آلودگیها در طبیعت باشیم.

گزارشگر:

آمریکا می‌گوید که فقط آمریکا نیست که نگران مسئله هسته‌ای ایران است، برخی از کشورهای عرب همسایه ایران هم نگران برنامه هسته‌ای ایران هستند و آمریکا می‌گوید که آنها اطلاعات ویژه‌ای دارند از یک ایرانی بسیار مهمی، مثلاً وزیر دفاع شما که اخیراً به غرب فرار کرده و گفته اند که مدرک دارند شما تسلیحات مخفی هسته‌ای دارید. ممکن است پاسخ سؤال مرا بدهید؟

رئیس جمهور:

این‌ها بازیهای رسانه‌ای است و سابقه طولانی دارد. هر موقع می‌خواهند یک دروغی را بگویند، می‌گویند فردی که معلوم نیست کیست، فرار کرده است. ما وزیر دفاعی که فرار کرده باشد، نداریم. اصلاً کسی که فرار کرده

باشد، نداریم.

رابطه ما با کشورهای همسایه از جمله کشورهای عربی رابطه بسیار صمیمانه و دوستانه‌ای است. سالهای طولانی باهم زندگی کرده‌ایم. هم‌کیش هستیم. دارای فرهنگ و آداب و رسوم مشترکیم. از این به بعد هم زندگی می‌کنیم.

ایران یک کشور بزرگ است؛ بسیار بزرگ. ما وقتی می‌گوییم که داریم در این مسیر حرکت می‌کنیم، واقعاً داریم در این مسیر حرکت می‌کنیم. اگر بنا بود ایران کار دیگری بکند، در ایران به این بزرگی خیلی کارها می‌شد کرد. ما همه تأسیسات خودمان را در اختیار آژانس قرار دادیم. گفتیم همین است، بسم الله.

همه این قدرتهایی که شما اسم بردید، مطلع‌اند و می‌دانند. شما هم بدانید، موضوع فقط سیاسی است. موضوع حقوقی نیست. هیچ نشانه‌ای دال بر انحراف فعالیت هسته‌ای ایران تاکنون پیدا نشده است و آژانس در گزارش اخیر خودش به صراحت اعلام کرد که هیچ انحرافی نیست و ما می‌توانیم انحراف را راستی آزمایی کنیم.

این یک سند از یک سازمان معتبر بین‌المللی است که مسئول انرژی هسته‌ای است. منتها گفتم که دولت آمریکا از ۲۹ سال قبل در نقطه مقابل ملت ما قرار گرفته است و حرفهای او برای ملت ما اعتبار ندارد.

گزارشگر رادیو فردا:

تشکر می‌کنیم از شما در مورد احترام شما برای مذاکرات مثبت علمی. اما در دانشگاههای ایران استادانی که نقش رهبر را در چهارچوب قانون اساسی زیر سؤال می‌برند، تحت نظارت قرار گرفته‌اند و حتی بعضی از آنها محکوم هم شده‌اند.

دانشجویان دانشگاه امیرکبیر چند ماه پیش از شما انتقاد کردند و به همه آن‌ها به طور فیزیکی حمله شده و حتی تحت تعقیب قانونی قرار گرفته‌اند و گفته‌اند که دیگر اجازه ندارند به دانشگاه بروند.

آقای رئیس جمهور چرا این قدر محدودیت آکادمیک در جمهوری اسلامی وجود دارد؟

رئیس جمهور:

این مطالبی را که گفتید، هیچ کدام واقعیت ندارد. سال گذشته من به دانشگاه رفتم. دو هزار دانشجو در یک سالن تجمع کردند. اکثراً طرفدار رئیس جمهور بودند و به طرفداری از رئیس جمهور شعار می‌دادند و صد نفر هم تلاش کردند با ترقه انداختن و انفجار نارنجک و سر و صدا جلسه رئیس جمهور با دانشجویان را به هم بزنند. من در همان جا اعلام کردم که از هیچ کس شکایتی ندارم و هیچ کدام از آن‌ها تحت تعقیب قرار نگرفته‌اند. من تعجب می‌کنم. همه آن‌ها در دانشگاه دارند فعالیت می‌کنند و بعضی‌هایشان هم روزانه، بلکه هفتگی با من مواجه می‌شوند و احوال‌پرسی هم می‌کنند.

آن اسم‌هایی هم که شما راجع به استادان دانشگاه گفتید، دارند کارشان را می‌کنند. بعضی از این‌ها حتی یک پنجم وظایف قانونی دانشگاهی‌شان را هم انجام نمی‌دهند، اما حقوق‌شان را به طور کامل دریافت می‌کنند. تحت نظارت که همه تحت نظارتیم، شما هم هستید، اما نظارت خدای متعال. خدا بر همه ناظر است، اما اگر فکر می‌کنید برای افراد در ایران به خاطر اظهار نظر محدودیتی ایجاد می‌شود. چنین چیزی نیست.

البته ممکن است بین هر قشری از اقشار جامعه افرادی به خاطر مسائل حقوقی یا قضایی گذرشان به دستگاه قضایی بیفتد. این یک امر طبیعی است. ممکن است یک استاد دانشگاه هم در خیابان تصادف کند و کسی

را مجروح کند. نمی‌توانیم بگوییم چون استاد دانشگاه است، حق آن کسی که مجروح شده باید نادیده گرفته شود. خوشبختانه، در کشور ما قوه قضاییه مستقل است و قوانین را به طور مستقل اعمال می‌کند و رئیس‌جمهور و دیگران هم نمی‌توانند در کار قضایی دخالتی داشته باشند.

گزارشگر فاکس نیوز:

شما در ظاهر حداقل می‌گویید که فردی بسیار مذهبی هستید و از خدا می‌ترسید، ولی وقتی از شما سؤال‌های خاصی می‌پرسم، بعضی را جواب نمی‌دهید و خودتان انتخاب می‌کنید که چه چیزهایی را می‌خواهید جواب دهید، وقتی هم فکر می‌کنید جواب می‌دهید، در واقع جواب نمی‌دهید.

در مورد مسئله اسرائیل می‌پرسم که یکی از اعضای این سازمان است که ظاهراً شما گفته‌اید که باید از بین برود.

آیا واقعاً شما اسرائیل را به عنوان یک کشور به رسمیت می‌شناسید و اگر به رسمیت می‌شناسید، آیا باز می‌خواهید از بین برود، یا اینکه اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسید، و می‌گویید که یک رژیم صهیونیستی است و بنابراین، می‌گویید که باید از بین برود؟ کدام یک از این دو حالت است؟

رئیس‌جمهور:

صحبت ما درباره رژیم صهیونیستی کاملاً روشن است. ما اعتقاد داریم که رژیم صهیونیستی رژیمی اشغالگر و غیرقانونی است. راه حل ما هم راه حل کاملاً انسانی و دموکراتیک است. ما پیشنهاد دادیم که ملت فلسطین حق داشته باشد سرنوشت خودش را تعیین کند و ما اجازه بدهیم که ملت فلسطین در یک فرآیند آزاد سرنوشت خودش را انتخاب کند.

شصت سال است که در آن منطقه هر روز کشتار و مناقشه است و راه

حلهایی که تا امروز ارائه شده، هیچ کدام منجر به حل مسئله نشده است، بلکه مناقشه تشدید شده است. ما فکر می‌کنیم بهترین راه عمل به منشور سازمان ملل متحد است؛ یعنی حق تعیین سرنوشت را به خود مردم فلسطین بسپاریم؛ مردمی که فلسطینی‌اند، چه یهودی، چه مسلمان و چه مسیحی؛ آزادانه انتخاب کنند، هرچه انتخاب کردند، همه احترام بگذارند. دیگران هم دخالت نکنند.

آن بحث محوی که گفتید، بسیار روشن است. من از شما سؤال می‌کنم: الان اتحاد جماهیر شوروی کجاست؟ چه شد؟ چه اتفاقی برای آن افتاد؟ محو شد؟ آیا با جنگ محو شد؟ نه، با انتخاب مردم محو شد. اجازه بدهید ملت فلسطین خودش انتخاب کند.

من تعجب می‌کنم چرا بعضی با انتخاب آزاد مردم فلسطین مخالف‌اند. مردم فلسطین هم یک مردم و یک ملت‌اند. اجازه بدهیم آن‌ها انتخاب کنند، هر انتخابی کردند، همه به انتخاب ملت فلسطین احترام بگذاریم.

گزارشگر:

در مورد نقش ایران در عراق، خیلیها صحبت کرده‌اند در مورد اینکه مأموران امنیتی شما در عراق تلاش می‌کنند که شبه نظامیان عراق به ویژه شیعیان را با سلاح مجهز کنند. ممکن است دیدگاه خود را در این مورد بگویید؟

رئیس‌جمهور:

عراق و ایران دو ملت بزرگ و دوست هستند. دوستی ملت ایران با ملت عراق تاریخی است. پیوندهای بین دو ملت آن قدر گسترده است، که تعداد زیادی از ایرانیان و عراقیها با هم ازدواج کرده‌اند و هر روز ازدواج می‌کنند. سالانه میلیونها نفر از مردم ایران به عراق سفر می‌کنند و همین طور از عراق هم به ایران سفر می‌کنند. ما به لحاظ فرهنگی دارای یک

هویت واحدیم.

ناامنی در عراق بیشترین آسیب را به ایران و ملت ایران وارد می‌کند. بیشترین صدمات ناامنی متوجه ملت ایران است. ما به شدت مخالف ناامنیها هستیم. هرکس که در عراق آسیب می‌بینید، به عنوان جزئی از پیکره ملت ایران و دوستان ملت ایران است. ما خواهان آرامش و امنیت کامل و فوری در عراق هستیم.

البته کسانی که عراق را اشغال کرده‌اند و امروز در مقابل ملت عراق ایستاده‌اند و نمی‌توانند سیاستهای خود را پیش ببرند، به جای درک علت شکست و جبران اشتباهات، دیگران را متهم می‌کنند. این رفتاری است که ما بارها شاهد تکرار آن بوده‌ایم، مسئله جدیدی نیست.

بعضی از قدرتها هر جا که شکست می‌خورند، به جای پذیرش اشتباه، بلافاصله دیگران را متهم می‌کنند. بعد هم می‌آیند یک تفنگ و یک مقدار مواد منفجره جلو دوربین می‌گذارند و می‌گویند ایرانیها با این وسایل ارتش ما را شکست دادند. من فکر می‌کنم این بیشتر توهین به اقتدار ارتش خودشان است. آن‌ها باید متوجه باشند که امروز در مقابل ملت عراق اند.

ما بارها به آن‌ها گفته‌ایم، ملت عراق یک ملت متمدن و با فرهنگ است. ملت عراق به شدت ضد بیگانه و ضد اشغالگر است. اگر آن‌ها بخواهند اشتباهشان را ادامه بدهند، شرایط شان همین خواهد بود و تغییری در وضع آن‌ها ایجاد نمی‌شود.

تنها راه اصلاح این است که آن‌ها اشتباهاتشان را بپذیرند، روش شان را اصلاح کنند، به مردم عراق، به حقوق مردم عراق و استقلال ملت عراق احترام بگذارند. آن وقت می‌بینند که مشکل حل می‌شود. نیازی به متهم کردن دیگران و دروغ پردازی وجود ندارد.

گزارشگر:

دیروز بعد از صحبت‌هایتان و سؤال و جواب با دانشجویان دانشگاه کلمبیا، شما از کسانی که آنجا بودند، از جمله استادان و دانشجویان دعوت کردید که به ایران بیایند، ولی در عین حال وقتی ایرانیانی که اینجا استاد هستند، به ایران می‌روند، به زندان می‌افتند.

با این دو کار مختلفی که شما انجام می‌دهید، فکر می‌کنید چگونه ممکن است این‌ها دعوت شما را بپذیرند؟

بعد گفتید که در ایران هم جنس بازی به عنوان یک پدیده وجود ندارد. من خودم چند نفر را با این خصوصیات در آنجا می‌شناسم.

رئیس جمهور:

می‌خواستم یک شعر ایرانی بخوانم، دیگر به شما احترام گذاشتم. از دانشگاه‌های کشورهای مختلف اتفاقاً از آمریکا هم به ایران سفر می‌کنند، مبادلات علمی می‌کنند و برمی‌گردند. همین بعد از ظهر برخی از استادان دانشگاه هاروارد در همین سازمان ملل به من گفتند که ما برای سفر به ایران برنامه‌ریزی کرده‌ایم، اما می‌خواهم به شما یادآوری کنم: سال گذشته یک استاد کامل دانشگاه صنعتی شریف به همراه همسرش که او هم استاد دانشگاه بود، با دعوت دانشگاه در آمریکا و برای شرکت در یک مجمع علمی سفر کرد و متأسفانه به محض ورود، این دو استاد دانشگاه را دستگیر کردند و به پای آن‌ها زنجیر زدند، در زندانهای انفرادی مورد بازجویی قرار دارند و به آن‌ها توهین کردند و اجازه ندادند که در مجمع علمی شرکت کنند.

بله، ممکن است از هزاران نفری که می‌آیند، یک نفر هم پیدا شود که به دلیل دیگری، پلیس او را دعوت کند و چند روز با او گفتگو کند. اینکه معنایش این نیست که استادان در دانشگاه‌های ایران چه هستند و چه

هستند.

در ایران امروز بیش از ۵۰ هزار استاد دانشگاه داریم. من خودم یک استاد دانشگاه هستم و هزاران دوست و همکار در دانشگاه دارم. خود شما می دانید، که آزادی ای که امروز در ایران هست، اگر نگوییم بی نظیر، کم نظیر است. اظهار نظر در ایران راجع به همه چیز بسیار آزاد است.

اما هم جنس بازی که شما گفتید، من نمی دانم کجاست، نشانی بدهید، ما مطلع بشویم، ببینیم چه اتفاقی در ایران افتاده است؟ اما بدانید این ادعا منطبق بر واقعیت جامعه ایرانی نیست.

رسانه های آمریکایی در ایران فراوان اند، همین پریروز با خود من مصاحبه کردند؛ آزاد آزاد. اما در آمریکا رسانه های ایرانی به هیچ کدام از مسئولین آمریکایی دسترسی ندارند، متأسفم.

گزارشگر CBS:

از گزارش آژانس بین المللی هسته ای صحبت کردید، ولی الان که دارم این گزارش را نگاه می کنم، حرفهای آن ها با صحبت شما فرق دارد. البرادعی گفته که دولت ایران فعالیتهای غنی سازی اورانیوم را تعلیق نکرده و هنوز فعالیتهای آب سنگین همچنان ادامه دارد. خود البرادعی این حرف را می زند. واکنش شما چیست؟ شما گفتید که گزارش آن ها خیلی راضی کننده و قشنگ بوده است. ولی الان متأسفانه می گویند که این برنامه ها مخصوصاً در زمینه آب سنگین خیلی مشکل زاست. نظر شما چیست؟

رئیس جمهور:

من فکر می کنم شما اگر مقررات آژانس را مطالعه کنید، می بینید که هر دوی این فعالیتهای، قانونی است. اصل فعالیت هسته ای همان غنی سازی

است. غنی سازی هم روشهای گوناگون دارد. یکی از طریق سانتریفیوژ است و بعد استفاده‌های گوناگون دارد. راکتور آب سنگین با اورانیوم معمولی هم کار می‌کند؛ یعنی هزینه‌اش کمتر از راکتور آب سبک است. طبق مقررات آژانس ما هم حق داریم از راکتورهای آب سنگین استفاده کنیم و هم آب سبک.

اینکه شورای امنیت گفته تعلیق کنید، ما این را غیرقانونی می‌دانیم و به همین دلیل برای ما اعتبار ندارد. اما زیر نظر آژانس داریم فعالیت می‌کنیم و حق داریم از همه این‌ها برخوردار باشیم.

شما اگر در همان گزارش دقت کنید، مدیر کل این‌ها را به عنوان تخلف یا انحراف از اساسنامه ذکر نکرده‌اند. گزارش داده‌اند فعالیت‌های ایران در این زمینه ادامه دارد.

گزارشگر:

حرفهای امنیتی‌تان را شنیدم و نگرانی امنیتی شما را درک می‌کنم. اما شاید برای ایران بهترین کار این است که از انرژیهای بادی و خورشیدی به جای هسته‌ای استفاده کند و شاید تمیزتر هم باشد و به نفع شما باشد و این فشارهای سیاسی هم نخواهد بود. چرا این کار را نمی‌کنید تا این مسئله بین‌المللی هم حل بشود؟

رئیس‌جمهور:

مثل شما بعضی از همین قدرتهای بزرگ هستند که به ما می‌گویند از انرژی هسته‌ای استفاده نکنید و از سایر انرژیها استفاده کنید. اما خودشان همزمان از انرژی هسته‌ای استفاده می‌کنند و هر روز هم دارند گسترش می‌دهند.

من باید خدمت شما عرض می‌کنم که انرژی هسته‌ای پاک‌ترین و

کم‌هزینه‌ترین انرژی است.

در قیاس با انرژی خورشیدی و بادی، هزینه انرژی خورشیدی و بادی چند برابر انرژی هسته‌ای است. ضمن اینکه ما باید این حق را برای ملتها قائل باشیم که روش زندگی‌شان را خودشان انتخاب کنند و همه بتوانند از انواع گوناگون انرژی استفاده کنند.

گزارشگر:

وقتی شما می‌گویید که پرونده بسته شده است، مشخص کنید ایران هر کاری که خواسته شده، انجام داده است و دیگر چیزی ندارد که ارائه بدهد؟

رئیس جمهور:

ما باید با آژانس انجام بدهیم و داریم انجام می‌دهیم. موضوع انرژی هسته‌ای مربوط به آژانس است. مسئله فنی و حقوقی است. ما همواره وظایف و تکالیف مان را در مورد آژانس انجام داده ایم. الان هم داریم انجام می‌دهیم و اتفاقاً بعضی سؤالاتی که آژانس داشت، توافق کردیم طبق یک برنامه زمان بندی بررسی شود و با هم تفاهم کنیم، بعضی از آن‌ها را هم تفاهم کرده ایم.

اما باید به اطلاع شما برسانم، برخی از همین کشورهایی که مدعی ملت ایران هستند، صدها و دهها سؤال پیچیده از آژانس در مقابل آن‌ها قرار دارد که متأسفانه با زورگویی هیچ کدام را جواب نمی‌دهند.

گزارشگر:

آیا دلیلی هست که فکر کنید آمریکا یا اسرائیل به تسلیحات هسته‌ای ایران حمله کنند؟ فکر می‌کنید برنامه‌ریزی ای شده است و به زودی ممکن است انجام بشود، به خاطر اینکه ایران قبول نکرده که با اعضای شورای امنیت در این

زمینه همکاری کند؟

رئیس جمهور:

اگر نظر شما مبتنی بر علت قانونی باشد، خیر، هیچ علت و دلیلی وجود ندارد. به چه دلیل؟ ما عضو آژانس هستیم، زیر نظر آژانس کار می‌کنیم، طبق قانون کار می‌کنیم و سرسوزنی از حق خودمان بیشتر نمی‌خواهیم، از حق خودمان هم کمتر نمی‌خواهیم.

اگر منظورتان علت قانونی است، هیچ علتی وجود ندارد، اما اگر قانون زورگویان است، بله، این اسمهایی که شما گفتید، خیلی کارها را دلشان می‌خواهد انجام بدهند، مگر نمی‌بینید دارند چه بلایی سر ملت فلسطین می‌آورند؟ مردم فلسطین را درخانه‌های خودشان می‌کشند و به خودشان هم جایزه صلح می‌دهند. بعد به ملت فلسطین می‌گویند تروریست.

ما این‌ها را ارزیابی نمی‌کنیم. البته آن‌ها خیلی دلشان می‌خواهد که به ما آسیب بزنند، اما به لطف خدا قادر نخواهد بود آسیبی به ملت ایران وارد کنند.

گزارشگر صدای آمریکا:

شما امروز از خوبی و همکاری بین ملتها سخن گفتید. چگونه توضیح می‌دهید که پناهندگان افغانی که سه دهه در ایران بوده‌اند و همزبان شما هستند و مذهب شما را دارند، این قدر با آن‌ها بد رفتاری شده است و مثل خارجی با آن‌ها رفتار کرده‌اید؟

نسلی از آن‌ها در ایران به دنیا آمده‌اند، اصلاً به زبان فارسی صحبت می‌کنند و هویت خودشان را از دست داده‌اند و هویت ایرانی گرفته‌اند، ولی نمی‌گذارید به مدرسه بروند. اساسی‌ترین حقوق بشر مثل خریدن خانه، رفتن بچه‌ها به مدرسه و... را از آن‌ها گرفته‌اید. شما حتی زنان پناهنده را تهدید کرده‌اید که

می‌خواهید آن‌ها را به زور برگردانید.

رئیس‌جمهور:

همان آمد و آن قدر ماند که صاحب‌خانه شد! دو و نیم میلیون از هموطنان این خانم، سی سال است که در کشور ما در کمال دوستی و برادری دارند زندگی می‌کنند و به طور کامل تحت حمایت دولت ایران هستند. البته هستند عده‌ی خیلی کمی که به طور غیر قانونی از مرزها عبور می‌کنند و تخلفات انجام می‌دهند و طبیعی است که دولت ایران برای صیانت از دو و نیم میلیون نفر از عزیزان افغانی باید با آن متخلفان اندک برخورد کند. من تعجب می‌کنم، سخنان رسمی مسئولین کشور افغانستان و شخصیت‌های آزاد افغانستان ۱۸۰ درجه با صحبت‌های این خانم که برای آمریکا کار می‌کنند، متفاوت است.

همه‌ی آن‌ها دائماً از خدماتی که دولت ایران به هموطنان ایشان یعنی به عزیزان افغانی ارائه می‌دهد، تشکر می‌کنند، بیانیه می‌دهند، در مصاحبه‌ها، ملاقاتها و اظهارنظرها و جالب است بدانید این دو و نیم میلیون نفر با مردم ما مثل هموطن و دوست در حال زندگی کردن هستند و هیچ کدامشان اعتراض ندارند.

من واقعاً علاقه‌مند هستم که به سؤالات همه‌ی شما پاسخ بدهم، اما بالاخره وقت من محدود است. امکان اینکه بتوانم به همه‌ی سؤالات پاسخ بدهم، وجود ندارد، اما می‌توانم از شما دعوت کنم که به نوبت به ایران تشریف بیاورید.

گزارشگر:

ارزیابی شما از اتفاقی که در دانشگاه کلمبیا افتاد، چه بود؟

همچنین پس از سخنرانی شما در مجمع عمومی صف طولانی برای حمایت

از اظهارات شما تشکیل شد، چه احساسی داشتید؟

رئیس جمهور:

من فکر می‌کنم آن جلسه‌ای که در دانشگاه برگزار شد، به اندازه کافی برای همه گویاست. بالاخره من یک دانشگاهی هستم، به دانشگاه دعوت رسمی شدم و با آن دعوت در دانشگاه حضور پیدا کردم و بنا بود که دیدگاههای خودم را مطرح کنم و به سؤالات دانشجویان پاسخ بدهم. همین اتفاق هم افتاد. خوشبختانه جلسه دیروز با استقبال گسترده دانشجویان مواجه شد، گرچه سالن محل جلسه گنجایش حدود ۱۰۰۰ نفر را داشت، اما بیرون از سالن و در محوطه بیش از ۵ هزار دانشجو مستقیماً جلسه را می‌دیدند و صحبتها را می‌شنیدند. من فکر می‌کنم مسئولین دانشگاه کلمبیا نیازمند این هستند که یک مقدار بیشتر تمرین کنند برای شنیدن دیدگاههای دیگران و حرفهایی را که شاید دوست ندارند، بشنوند.

همه ما باید برای شنیدن حرفهای دیگران تمرین کنیم. البته از دانشجویان عزیز و استادانی که شرکت کردند و با حوصله و دقت حرفها را گوش دادند و البته خودشان تصمیم خواهند گرفتند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

گزارشگر صدای آمریکا:

شما همیشه در صحبتهایتان از احترام به ادیان الهی یاد می‌کنید و این جای احترام و تشکر دارد.

یکی از ادیان الهی که جمعیت پیروانش در ایران بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی ایران را بعد از اهل سنت تشکیل می‌دهد، بهاییان ایران است. نامه‌هایی از دولت به سازمان ملل رسیده، مبتنی بر اینکه تحت پیگرد و شناسایی قرار بگیرند و با آن‌ها برخورد بشود و از ادامه پیشرفت اجتماعی آن‌ها جلوگیری بشود، دانشجویان هم همین طور.

اگر ممکن است به عنوان رئیس جمهور از نظر اختیاراتی که قانون اساسی به شما می دهد، بفرمایید که چگونه این مسئله را پیگیری خواهید کرد و این عدالت و مهرورزی آیا در حق پیروان این ادیان هم اجرا خواهد شد؟
رئیس جمهور:

وقتی ما می گوئیم ادیان الهی، یهودیان پیامبرشان حضرت موسی (ع) است، مسیحیان، پیامبرشان حضرت مسیح (ع) است، مسلمانان هم پیامبر اسلام. ممکن است بفرمایید پیامبر الهی این دینی که فرمودید، چه زمانی مبعوث شده و اسمش چیست؟

موفق باشید.

اعتلای اسلام و بسم الله الرحمن الرحيم
انحطاط ایدئولوژیهای اللهم عجل لولیک الفرج والعافیة والنصر واجعلنا
مدرن^۱ من خیر اعوانه و انصاره والمستشهیدین بین یدیه

خدای بزرگ را سپاسگزارم و از صمیم دل خوشحالم که یک بار دیگر این فرصت را عنایت کرد تا لحظاتی را در خدمت برادران و خواهران عزیزم، مؤمنین، موحدین، عدالت خواهان و پاکان این سرزمین باشم. در ماه مبارک رمضان قرار داریم. ماه رمضان ماه خداست. ماه نزول قرآن است و شبهای قدر که هر یک از هزارماه ارزشمندتر است و سرنوشت بشریت در آن رقم می خورد، در این ماه قرار دارد.

به نظرم ماه مبارک رمضان یک هدیه ویژه از ناحیه خداوند به مؤمنین و موحدین است. می دانید که ماه رمضان به مسلمانها اختصاص ندارد. ماه رمضان ماهی است که درهای رحمت الهی به طور کامل باز است و شیطان در بند است و خداوند پنجره‌ای را به سوی آسمان برای بشریت باز کرده است. همه می توانند از این رحمت و لطف الهی بهره ببرند؛ چرا که خدا، خدای همه است و لطف و رحمت خدا هم برای همه است. گرچه در ماه مبارک رمضان بر مسلمانان روزه واجب شده است و احکام ویژه‌ای جاری است.

۱. سخنرانی در دیدار با علما و روحانیون مسلمان سراسر آمریکا (نیویورک)، ۱۳۸۶/۷/۲

نارضایتی ملتها از وضع موجود جهانی

من می‌خواهم در حضور شما نگاهی به شرایط امروز جهان و مسئولیتهایی که به عهده داریم و در پایان اشاراتی به مطالبی که برادران عزیزمان مطرح کردند، داشته باشم.

الان دنیا در چه وضعیتی است؟ آیا ملتها و مردم از وضعیت موجود رضایت دارند؟ حتی سیاستمداران و قدرتهای حاکم بر جهان از وضعیت امروز دنیا رضایت دارند؟ مردم چه می‌خواهند؟

وقتی به سخنان مردم گوش می‌دهیم، در می‌یابیم که حق طلبی و عدالت جویی محور خواستههای همه مردم است. به شما عرض کنم، بنده به به عنوان برادر کوچک شما به شرق و غرب و جنوب و شمال دنیا سفر کرده‌ام، به خصوص طی دو سال گذشته با بیش از ۲۷ ملت، از ادیان، مذاهب، فرهنگها و فرق گوناگون مستقیماً صحبت کرده‌ام و حرفهای آنها را شنیده‌ام.

در شرق دور با کسانی صحبت کرده‌ام که به ظاهر دارای هیچ مذهبی نیستند و در آمریکای جنوبی، اروپا و آسیا با کسانی صحبت کرده‌ام که مسیحی، یهودی، بودایی و هندو هستند و البته با مسلمانان به طور گسترده. شاید برای شما جالب باشد که بدانید، سخن همه این ملتها یکی است؛ چه کسی که در آفریقا یا آمریکای لاتین زندگی می‌کند چه کسی که در آمریکای شمالی، اروپا و آسیا زندگی می‌کند. حرفها همه یکی است، اما هر کدام به یک زبان، بیان و یک اصطلاح. امروز همه از این وضعیت خسته‌اند. همه دنبال راه جدیدی می‌گردند. همه دنبال عدالت و حق هستند. همه ملتها دنبال صلح پایدار و امنیت پایدار هستند. دنبال احساس امنیت‌اند، احساس امنیتی که پایدار باشد.

این مربوط به کشورهایی که دارای مردم اهل کتاب هستند، نیست.

حتی به نوع حکومتها هم مربوط نیست. امروز ملتها حقیقت آزادی و آزادی واقعی را می‌خواهند. در خود آمریکای شمالی هم وقتی با مردم صحبت می‌کنیم، می‌بینیم نخبگان، هوشمندان و کسانی که جلوتر از بقیه حرکت می‌کنند، امروز به خلاء یک آزادی حقیقی و واقعی پی برده‌اند. شما در همین کشور می‌بینید، آیا واقعاً آزادی وجود دارد؟ آیا مردم از همه حقایق عالم مطلع‌اند؟ آیا اجازه می‌دهند که مردم در جریان مسائل دنیا قرار بگیرند؟

آمریکا؛ زندانی بزرگ در جهان

شما به کشورهای قدرتمند نگاه کنید که در برابر حقوق بشر، آزادی، پاکی و عدالت طلبی چگونه عمل می‌کنند. در همین آمریکا کسانی که مسائل و شرایط را به طور عمیق نگاه می‌کنند، پی می‌برند که در آمریکا یک زندان بزرگ برپا شده است. می‌بینید رسانه‌های وابسته به دولت با منابع سنگین مالی آن چنان مردم را بمباران می‌کنند که اجازه نمی‌دهند سخن جدید یا حقی به گوش مردم برسد.

نمونه‌اش همین مراسم امروز دانشگاه کلمبیا بود. چقدر تلاش کردند که کسی به صحبت جدیدی توجه نکند و برای تحقق این خواست خودشان موازین اخلاقی و حقوقی را هم زیرپا گذاشتند. خودشان میهمان دعوت می‌کنند و خودشان به میهمان هم اهانت می‌کنند و بیانه‌های سیاسی مربوط به گروههای ضد ایران را به نام دانشگاه قرائت می‌کنند. البته آن‌ها می‌دانستند که حرفهایشان تأثیری بر من ندارد. آن‌ها می‌خواستند اجازه ندهند که شنوندگان با حرف جدیدی آشنا بشوند.

یا وضعیت رژیم صهیونیستی را نگاه بکنید. رژیم را با زور اسلحه بر مردم فلسطین تحمیل کردند. قبل از این رژیم مسلمانان، مسیحیان و یهودیان

فلسطینی در کمال برادری با هم زندگی می کردند. تقریباً در گذشته فلسطین نداریم، غیر از سالهای خیلی دور که درگیری قومی یا مذهبی بین فرقه‌های گوناگون اتفاق افتاده باشد. صدها سال بود که این‌ها در کمال برادری زندگی می کردند.

اما آن‌ها آمده‌اند رژیم را که مظهر خودخواهی، تجاوز و کشتار است، بر مسلمانها تحمیل کرده‌اند. برخلاف شعارهایی که می دهند دموکراسی، آزادی و حقوق بشر، رژیم صهیونیستی برای آن‌ها خط قرمز؛ یا به تعبیر دیگر خط رهایی و بی‌قیدی است.

شعار آزادی می دهند، برای همه ملت‌ها خط و نشان می کشند. اگر مثلاً در کشور ما کارمند روزنامه‌ای در خیابان با ماشین کسی را بکشد و پای او به دادگاه باز شود، اینجا حنجره‌های خودشان را پاره می کنند که ای داد در ایران آزادی از بین رفت. اما همینها وقتی به رژیم صهیونیستی می رسند لبهایشان را می دوزند و از جنایات رژیم صهیونیستی حمایت می کنند. دهها هزار کودک و نوجوان فلسطینی در زندانهای مخوف صهیونیستی تحت شکنجه‌اند.

وقتی بحث حقوق بشر می شود، آنجا خط قرمز است. پلیسی در یک کشور اسلامی یا کشور مخالف قدرتهای بزرگ، اگر اشتباهاً دستش به دست شهروندی برخورد بکند، اینجا بیانیه می دهند و تجمع می گذارند و اطلاعیه می دهند و صدها برنامه در رسانه‌ها درست می کنند که ای داد امنیت و حقوق شهروندان از بین رفت. اما در فلسطین مردم را هر روز در خانه‌های خودشان می کشند، با بولدوزر خانه را بر سر زنها و بچه‌های بی گناه خراب می کنند و وقتی جوانها و نوجوانهایی که هیچ چیز ندارند و فریادشان به گوش کسی نمی رسد، از روی ناچاری و برای دفاع از مادر و خواهر و خانواده و سرزمینشان، سنگ را که ابتدایی ترین سلاح است بر

می‌دارند، تروریست و خشونت طلب می‌شوند و آدمکشهای حرفه‌ای جایزه صلح می‌گیرند.

اجازه بدهید برایتان بگویم. در فلسطین دو آوارگی اتفاق افتاده است. دنیا هم بداند. آوارگی اول که بسیار بزرگ و فجیع است، آوارگی مردم فلسطین است. آمدند به زور اسلحه مردم فلسطین را آواره کردند و آوارگی دوم این است که عده‌ای محروم، عده‌ای انسانهای مستضعف را با شعار اعطای رفاه و امنیت از گوشه و کنار دنیا برداشتند، آواره کردند و در سرزمین اشغالی فلسطین اسکان دادند. دو گروه آواره داریم که هر دو باید به خانه و کاشانه خودشان برگردند. آن‌ها شعار شورای امنیت، سازمان ملل و حاکمیت قانون را می‌دهند، اما وقتی نوبت رژیم صهیونیستی می‌رسد، دیگر قطعنامه معنا ندارد. یا اجازه نمی‌دهند که صادر شود یا بعد از صدور، اجازه اجرا نمی‌دهند. دهها قطعنامه علیه این رژیم صادر شده است. اما هیچ‌کدام اجرا نشده است. این‌ها در مقابل این رژیم یا سکوت می‌کنند یا تشویق می‌کنند.

گروگان‌گیری ملتها از سوی شرکتهای اسلحه ساز جهان

آن‌ها می‌گویند با توسعه سلاح هسته‌ای مخالفیم، اما وقتی به رژیم صهیونیستی می‌رسند، آنجا خط قرمز و آزادی مطلق است و از همه کارهای خلاف قانون او حمایت می‌کنند.

من مطمئنم که مردم آمریکا هم با این رفتار قدرتهای بزرگ مخالف‌اند و به محض اینکه در جریان جنایات قرار می‌گیرند بلافاصله در کنار مردم فلسطین‌اند. همه ملتها همین طورند.

سال گذشته در جریان هجوم وحشیانه به لبنان دیدید که همه ملتهای دنیا با مقاومت لبنان اظهار همبستگی کردند. حتی در آرژانتین که از

پایگاههای استیلای صهیونیستهاست، تظاهرات بیش از صد هزار نفری در محکومیت رژیم صهیونیستی و حمایت از ملت فلسطین و لبنان برپا شد. وضعیت فقر را در دنیا ببینید چه بساطی است؟ نزدیک به ۹۰۰ میلیون نفر در دنیا در فقر مطلق اند، یعنی روزانه حداقل یک دلار درآمد دارند؛ یعنی قادر نیستند حتی نان خالی برای خودشان فراهم کنند، اما در عوض شرکت‌های اسلحه‌سازی در این کشور جنگ برپا می‌کنند و به عراق حمله می‌کنند و بعد در گزارش به دولت اعلام می‌کنند که از نقاط موفقیت ما در عراق این است که برای کارخانجات اسلحه‌سازی بازار درست کرده‌ایم. به خاطر نظام ناعادلانه حاکم بر جهان، عده‌ای درآمدهای میلیارد دلاری دارند و عده‌ای حتی روزی یک دلار برای نان خالی در اختیار ندارند. بهداشت، بیمه و رفاه به همین منوال است.

من نمی‌خواهم سر شما را درد بیاورم. از عنایات الهی به انسان عطای کرامت به انسان است. خدا انسانها را با کرامت خلق کرده است. نفس انسانی محترم است. اما شما دنیای امروز را نگاه کنید. توهین به انسانها، تحقیر انسانها، تحقیر ملت‌ها و توهین به ملت‌ها برای قدرت مداران و زورگویان به یک امر عادی تبدیل شده است.

محبت و عشق خواسته انسانهاست. خواسته فطری بشر است. این را خدا در نهاد انسانها قرار داده است. انسان علاقه‌مند است که به دیگران عشق بورزد و دیگران هم به او عشق بورزند. اصلاً جامعه سعادت‌مند بدون عشق متقابل انسانها به یکدیگر برپا نمی‌شود. صلح و عدالت برپا نمی‌شود. اما ببینید چگونه کینه‌ورزی، اختلاف، فاصله و جنگ را بر ملت‌ها تحمیل می‌کنند که من در پایان عرایضم در این رابطه مثالهایی تقدیم شما خواهم کرد.

اشتیاق ملتها به صداقت و فداکاری، ودیعه‌ای فطری

انسانها علاقه‌مند به صداقت، امانت داری و فداکاری‌اند. اما می‌بینید که تمام ارزشهای متعالی بشری و الهی توسط عده‌ای قدرتهای زورگو مورد هجوم است. در مناسبات جهانی صداقت کالایی کمیاب است و اصلاً معنایی ندارد. اگر دیپلمات یا سیاستمداری صداقت به خرج بدهد، او را فاقد دیپلماسی و هوشمندی سیاسی می‌شمارند.

در مقابل هم به عنوان دو سیاستمدار می‌نشینند، هر دو دروغ می‌گویند و هر دو هم می‌دانند که دروغ می‌گویند. به دروغ به هم لبخند می‌زنند و همان موقعی که دارند لبخند می‌زنند، در ذهنشان نقشه نابودی طرف مقابل را می‌کشند. صداقت، امانتداری و فداکاری را تحت هجوم قرار داده‌اند. مردم پاکی را می‌خواهند. طلب پاکی یک امر فطری است. اما ببینید چه می‌کنند. خانواده یک نهاد الهی است. ببینید چه بلایی سر خانواده آورده‌اند. زن یک موجود ارزشمند و هدیه الهی است. مظهر جمال خداست. ببینید چه بلایی بر سر زنها آورده‌اند.

ما فکر می‌کنیم وضعیت امروز جهان بسیار بسیار نابسامان است و هر جای دنیا می‌رویم، ملتها دنبال یک راه جدیدند. به دنبال راه حل درست و اساسی هستند.

اعتقاد من این است که راه حل، بازگشت به تعلیمات انبیای الهی است. بازگشت به خداپرستی، توحید و عدالت است. امروز دلها تشنه معارف نورانی اسلام است.

عنایت کنید اسلام دین همه پیامبران الهی است. همه پیامبران الهی از حضرت ابراهیم(ع) تا حضرت محمد(ص) مسلمان بودند. مسلمان یعنی کسی که تسلیم امر خداست. حضرت ابراهیم(ع) فرمودند خدا ما را مسلمان نامگذاری کرده است. حضرت ابراهیم(ع) مسلمان بود. حضرت موسی(ع)

مسلمان بود. حضرت عیسی (ع) مسلمان بود و پیامبران همه مسلمان بودند. اسلام دین همه پیامبران الهی است و نقطه کمال و قله تعالی ادیان الهی است، یعنی جایی است که بشر به آنجا رسید که خداوند، کمال و تمام دین خود را بر او عرضه کرد.

بنابراین، وقتی ما می‌گوییم اسلام، یعنی حقیقت دین خدا. یعنی تسلیم بودن در برابر امر الهی که در سلسله مراتب پیامبران آمده است تا خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی (ص) و قرآن کتاب او حاوی همه معارف الهی است. صحف ابراهیم، زبور داود، تورات موسی و انجیل عیسی خلاصه در قرآن‌اند و قرآن کامل و اتم و اعم همه کتابهای الهی است، کتاب کامل است، کتاب زندگی و راه زندگی است.

فرارسیدن زمان دعوت و تبلیغ راه انبیاء

عزیزان من! امروز مسئولیتهای ما بسیار بسیار سنگین است. دلها تشنه است و بشر به دنبال راه نورانی است و این راه فقط و فقط در اختیار موحدان، خداپرستان و یگانه پرستان و کسانی است که تسلیم امر خدا هستند.

امروز زمان دعوت، تبلیغ و پاسنگویی به نیازهای بشریت است و بدانید، دنیا هم بداند برای مشکلات امروز بشر هیچ راهی جز راه انبیای الهی وجود ندارد. هیچ راهی جز راه خدا و تسلیم بودن در مقابل امر خدا وجود ندارد. هیچ راهی جز ایمان به خدا و اجرای دستورهای خدا وجود ندارد. همه راهها به جهنم است. همه راهها به تاریکی است. همه راهها به دشمنی و کینه‌ورزی است.

سوسیالیست را ببینید، اگزیستانسیالیسم و لیبرالیسم را ببینید. ایسمها را ببینید بشر را به کجا رسانده‌اند؟ به همین چیزهایی که برایتان عرض کردم،

تازه من در زمان صرفه‌جویی کردم. اگر بخواهیم وضعیت امروز بشر را تفسیر کنیم، باید ماهها شبانه‌روز با هم گفتگو کنیم؛ از ظلمها، جنایتها، ناپاکیها، تجاوزها، تبعیضها، ناصداقتیها، اشغالگریها، کشتارها. در ده دقیقه و نیم ساعت نمی‌شود همه وضعیت امروز جهان را اینجا بیان کرد. من به بعضی از آن‌ها اشاره کردم. هر کدام از این‌ها خودش یک تاریخ است. اگر بخواهیم فلسطین را تشریح کنیم، باید هزاران کتاب بنویسیم، باید هزاران فیلم ساخته بشود و باید هزاران ساعت از جنایتهایی که در آنجا اتفاق می‌افتد، سخن گفته شود.

عزیزان من! امروز زمان دعوت، تبلیغ و معرفی است و اسلام حاوی همه حقایق است. دین کامل است. مخاطب اسلام همه بشریت است. بعضی به گونه‌ای صحبت می‌کنند که اسلام متعلق به مسلمانهاست. نه، خدا اسلام را برای همه بشریت فرستاده است. خدا خواسته است تا همه انسانها تسلیم امر او باشند. خدا خواسته است تا همه انسانها در قله کمال قرار بگیرند و بهترین زندگی را داشته باشند. عدالت، پاکی، عشق و محبت، صلح و امنیت برای همه. این را خدا خواسته است و دستورهای آن را در دین مبین اسلام به طور کامل قرار داده است.

امروز ما باید دعوت کنیم؛ دعوت درست. به خصوص در کشور آمریکا مسئولیت شما بسیار سنگین است. گمان من این است که مردم آمریکا اگر در مقابل سخن حق شما قرار بگیرند، آن را خواهند پذیرفت. اشاره کردند، خود شما هم می‌بینید. گرچه بعضی زمامداران آمریکا با تبلیغات دروغ می‌خواهند یک چهره منحنی و مرتجع و حق‌ناپذیر از مردم آمریکا معرفی کنند؛ جنایت کنند و به نام مردم آمریکا بنویسند؛ دروغ بگویند به نام مردم آمریکا بنویسند؛ بد اخلاقی کنند و به نام مردم آمریکا ثبت کنند. اما مردم آمریکا گرایش به مذهب و خداپرستی دارند و شما باید تلاش بکنید تا

اسلام ناب را که حقیقت یگانه برای همه بشریت است، به همه ملت‌ها به خصوص مردم آمریکا معرفی بکنید.

آینده متعلق به اسلام و یکتاپرستان

من مطمئنم آینده از آن اسلام و یکتاپرستان است. نشانه‌هایش بسیار روشن و پیداست. غیر یکتاپرستان در مدیریت عالم شکست خورده‌اند و قادر نیستند مشکلات امروز بشر را حل کنند. آیا فقر را حل کردند؟ اختلافات را برطرف کردند؟ صلح آوردند، امنیت و رفاه آوردند، چه آوردند؟ فاصله‌ها را برداشتند؟ دوستی آورده‌اند، نیاورده‌اند.

آینده از آن خداپرستان و عدالت طلبان و اسلام ناب محمدی (ص) است. من از همه شما که متعهدانه ایستاده‌اید و از آرمان خداپرستان صیانت می‌کنید، تشکر می‌کنم. من می‌خواهم به برخی از مطالبی که دوستانمان مطرح کردند، اشاره‌ای داشته باشم.

جناب آقای نیهاد، ایشان مطالب بسیار خوبی را مطرح کردند و استفاده کردیم. اما من می‌خواهم دو نکته را خدمت ایشان و شما عرض بکنم. یادتان باشد موضوعی به نام هولوکاست بهانه‌ای شد برای اشغال سرزمین فلسطین. مقدمه‌ای برای آواره کردن بیش از پنج میلیون انسان بی‌گناه شد. بهانه‌ای برای کشتار روزمره مردم فلسطین شد. این مسئله بسیار مهمی است. باید شناخته بشود. چه بود؟ کجا بود؟ ابعادش چه بود؟ چه کسی این کار را کرد؟

برای اطلاع ایشان عرض می‌کنم، دهها کتاب تا امروز توسط محققین و دانشمندان در رد موضوع هولوکاست با سند و مدرک نوشته شده است. البته امروز ما دنبال این نیستیم که در مورد اصل موضوع صحبت کنیم. موضوع هولوکاست که موضوع بسیار مهمی است، ریشه حل مشکل

فلسطین است. اگر بخواهیم پدیده‌ای را برطرف کنیم و مشکلی را حل کنیم، باید علت آن مشکل را برطرف کنیم، و الا راه‌حلی به نتیجه منجر نخواهد شد.

می‌بینید، دهها طرح برای حل مشکل فلسطین ارائه داده‌اند، اما همه با شکست مواجه شده. از این به بعد هم با شکست مواجه خواهد شد. چرا که به ریشه و علت اصلی پدیده فلسطین توجه نمی‌کنند.

اگر به سؤالات بنده پاسخ داده بشود، آن وقت مسئله فلسطین به راحتی قابل حل است. آمدند به بهانه تزییع حقوق عده‌ای یهودی در اروپا و به بهانه کشتار یهودیها در اروپا فلسطین را اشغال کردند و اعاده حق آنها را از جیب ملت فلسطین پرداختند.

اگر معلوم بشود که ماجرای هولوکاست ربطی نداشته است، اصلاً در این ابعادی که مطرح می‌کنند، وجود خارجی نداشته است؛ آن وقت چه خواهد شد؟ ریشه حل مسائل فلسطین برطرف شده است. آن وقت دیگر نمی‌توانند ادعا بکنند حق دارند، مظلوم‌اند و مورد جفا واقع شده بودند و برای جبران ظلمی که در جنگ جهانی دوم به آنها شد، قطعه‌ای از سرزمین فلسطین را به آنها دادند.

شما اهمیت این سؤالات را از عصبانیت صهیونیستها و طرفدارانشان متوجه بشوید. بله، شما هر حرف حقی بزیند، آنها تحریف می‌کنند. بنده دو سؤال مطرح کردم، به عنوان یک مسئول و یک استاد دانشگاه. ببینید تحریف می‌کنند و اتهام می‌زنند. این‌ها کارشان این است؛ *یحرفون الکلم عن مواضعه*! کارشان تحریف‌گری است. حقیقتی در وجودشان نیست. این‌ها صداقت ندارند، کارشان این است که با دروغ، تهمت، تبلیغات حرفها را دگرگون کنند. والا این‌ها به چه دعوت می‌کنند، به حقیقت؟ خیر.

عصبانیت دشمن، نشانه درستی راه

از اینکه دشمن عصبانی می‌شود، نباید ناراحت شویم. خدای متعال خطاب به این‌ها می‌فرماید: **موتوا بغیظکم!** از عصبانیت بمرید. ما از اینکه دشمنان عدالت، خداپرستی، پاکی و صلح از ما عصبانی بشوند، ناراحت نمی‌شویم. اتفاقاً این یکی از نشانه‌های درستی راه است.

اگر بنا باشد شما دعوت به عدالت کنید و به گونه‌ای دعوت کنید که ظالم‌های عالم هم برای شما کف بزنند، معلوم است که آن دعوت به عدالت، دعوت درستی نیست؛ دعوت به پاکی کنید، سردهسته‌های دزدهای عالم هم برای شما هورا بکشند، معلوم است که آنجا اشتباهی اتفاق افتاده است.

بنابراین برادر عزیز! ما باید فشارها را تحمل کنیم. من می‌دانم که فشار خیلی سنگین است، دیده‌ام، لمس کرده‌ام. ما در ایران ۲۹ سال است که فشار را تحمل می‌کنیم، اما باید تحمل کنیم. البته من توصیه‌ی شما را می‌پذیرم. بالاخره ما باید حرف‌های دیگری هم بزنیم.

پیشنهادهایی که دادید، پیشنهادهای خوبی است. باز بحث شیعه و سنی را مطرح کردند. من به شما عرض می‌کنم، حقیقت همه‌ی ادیان الهی یکی است.

امام (ره) فرمودند: اگر پیامبران الهی همه با هم جمع بشوند، اصلاً اختلافی ندارند، همه مصدق یکدیگرند. بین دینداران حقیقی اختلافی نیست. حالا چه برسد برویم داخل یک دین و فرق گوناگون یک دین. اساساً این فرقه‌بندیها کار دشمنان است؛ به خصوص در اوضاع امروز.

در عراق مردم عراق صدها سال با هم زندگی کرده‌اند، هیچ‌گاه بین آن‌ها بحث شیعه و سنی مطرح نبود. با هم ازدواج و معامله می‌کردند، با

هم نماز می خواندند و زندگی می کردند.

از روزی که اشغالگران آمده اند، موضوع شیعه و سنی مطرح شده است. معلوم است که ریشه کجاست. چطور ممکن است دو مسلمان با هم اختلاف کنند؟ چطور ممکن است دو موحد و پیروی انبیای الهی با هم اختلاف کنند؟ مگر در دو حالت؛ یک، دست بیگانه در کار باشد؛ دو، دست هوای نفس و شیطان در کار باشد، و الا به چه دلیل؟ چه اختلافی بین موحدان هست؟ هیچ اختلافی نیست. هر جا اختلاف هست، ریشه اش این دو تاست.

البته برادر عزیزمان پیشنهاد خوبی دادند. گفتند ابتکار عمل داشته باشید تا توطئه های دشمن خنثی بشود. این پیشنهاد بسیار خوبی است. شما هم کمک بدهید، به اتفاق هم ابتکار داشته باشیم تا دشمنان به نتایج دلخواه خودشان نرسند. همین طور بین مسلمانها و مسیحیها، بین مسلمانها و یهودیها. هر کس خداپرست است، باید بنشیند کنار هم و با هم حرف بزنند. خداپرستان با هم دعوا ندارند، مگر اینکه یا دست دشمن در کار باشد یا هوای نفس، والا اختلاف و دعوایی نیست.

البته این اختلاف که من عرض می کنم به معنای تنازع است، نه اختلاف سلیقه و فکر. ظرفیتهای افراد، ظرفیتهای متفاوتی است.

بحث سلاحهای کشتار جمعی را مطرح کردند، ما مخالفیم، قبول نداریم. صریحاً هم اعلام کردیم. من در نطق فردا هم اعلام خواهم کرد.

افول دوران سلاحهای اتمی و آغاز دوره منطق و استدلال

ما مدعی قدرتهای بزرگیم. ما یقۀ آنها را گرفته ایم و می گوئیم باید خلع سلاح بشوید. اینها هستند که با سلاحهای اتمی شان جهان را به آشوب کشیده اند. ما چه نیازی به سلاح اتمی داریم؟ ما منطق، استدلال و

فرهنگ داریم و خوبی انسانها را می‌خواهیم، ما برای همه انسانها احترام قائلیم.

من در مصاحبه با آن خبرنگار گفتم از اینکه در عرض چهار سال و نیم بیش از ۶۰۰ هزار نفر از مردم عراق کشته شده‌اند، ما خیلی متأسفیم. به چه دلیل شما آمدید در عراق و این همه انسان را کشتید؟ چه کسی باید پاسخ بدهد؟ اما به او گفتم ما برای کشته شدن سربازان آمریکایی هم متأسفیم. برای چه این‌ها را به عراق آورده‌اید و چرا آوردید؟ خیلی از این‌ها نمی‌دانند در کجا قرار دارند، در کدام کشور هستند و نمی‌دانند آن کشور در کجای عالم است.

این افراد نیروی دریایی انگلیس که آمدند در آبهای ما و به دست رزمندگان ما اسیر شدند، وقتی با آن‌ها صحبت شد، دیدند این‌ها اصلاً نمی‌دانند کجا هستند، برای چه آمده‌اند و چه باید بکنند.

این ظلم به بشریت است که به خاطر پر کردن جیب برخی کمپانیها جنگ راه بیندازند و بی‌گناهان را به کشتن بدهند. ما متأسفیم، می‌شد این اتفاق نیفتد، و هم مردم عراق کشته نشوند و هم سربازانی که متعلق به این مردم‌اند.

بدانید صدها مادر آمریکایی برای من نامه نوشته‌اند و با من همراهی و همدردی کرده‌اند؛ بعد از آن نامه‌ای که من سال گذشته خطاب به مردم آمریکا دادم. همه آن‌ها سیاستهای دولت آمریکا را محکوم کردند و گفتند این‌ها جوانهای ما را به کشتن داده‌اند. چرا باید این اتفاق بیفتد؟

شعار امام خمینی این بود که آرزو داریم روزی سلاحها به قلم (منطق، اندیشه و فکر) تبدیل بشود. ما نیازی به این حرف‌ها نداریم، چه نیازی داریم؟ مگر آن‌ها که دارند به چه دردشان خورده است. آیا اینها که سلاح اتمی دارند و عراق را اشغال کردند، سلاح اتمی آن‌ها را نجات داد؟ آیا

سلاح اتمی رژیم صهیونیستی را نجات داد؟ سلاح اتمی شوروی سابق او را نجات داد؟

دوران سلاح اتمی به پایان رسیده است. حتی اگر به پایان نرسیده بود، ما با آن مخالفیم. اما انرژی هسته‌ای را لازم داریم. همه لازم دارند. با تبعیض مخالفیم که عده‌ای داشته باشند و عده‌ای محروم باشند و ما موظفیم با تبعیض مقابله کنیم. موظفیم در مقابل زورگویان بایستیم.

اما برادر عزیزمان آقای دکتر ساشا دینا که با زبان فارسی شیرین صحبت کردند و حرف بسیار جالب و درستی بود؛ فرمودند امروز دانشگاهها در آمریکا صحنه واقعی رشد اسلام است.

ما همین امروز نمونه‌اش را در دانشگاه کلمبیا دیدیم. همه صهیونیستها قدریشان را آنجا بسیج کرده بودند برای اینکه پیام حق را خاموش کنند. اما ای کاش در محوطه دانشگاه بودید و می‌دیدید چند هزار دانشجو اجتماع کرده‌اند و به نفع پیام حق شعار می‌دهند و پلاکارد و تابلو نوشته‌اند. آمده بودند برای شنیدن پیام حق و پیام حق را تأیید کردند.

عشق و محبت، محصول توحید و عدالت

دانشگاه، بهترین جای تبلیغ اسلام است، چون اسلام دین علم و اندیشه و منطق و فرهنگ است. ما در خدمت شما هستیم. من همین جا از مسئول نمایندگی و از حاج آقای بحرینی می‌خواهم، دولت هم کمک خواهد کرد و آن مقداری که به عهده ماست، در اختیارتان می‌گذاریم، اگر لازم باشد استادان و اسلام شناسانی، برای معرفی و تبلیغ بیایند. ان شاء الله پشتیبانی خواهیم کرد.

آقای بری هم صحبت‌های بسیار خوبی کردند؛ با یک احساس لطیف و بسیار عمیق و ایمانی، که از ایشان تشکر می‌کنم. بحث عدالت را مطرح

کردند؛ عدالت جهانی و این حرف درستی است. ما باید پرچمدار عدالت باشیم. پیامبران آمده‌اند دو حرف را زده‌اند: *اعبدوا الله*، خدا را بپرستید، *یکتاپرستی*؛ *لیقوم الناس بالقسط*؛ برپایی عدالت. همه ادیان الهی در این دو کلمه خلاصه می‌شوند: پرستش خدا و عدالت. همه خوبیها و زیباییهای عالم در این دو نکته نهفته است و عدالت نتیجه توحید واقعی است. عشق و محبت نتیجه توحید و عدالت است. صلح نتیجه توحید، عدالت، و عشق است. این حرف درستی است.

ما امروز باید پرچمدار عدالت در جهان باشیم و از خودمان شروع کنیم.

البته می‌دانید دشمنان عدالت بسیار خشن و خودخواه‌اند. در طول تاریخ عدالت را بر نمی‌تابیدند. اگر یادتان باشد، وقتی مقاومت کفار و مشرکین در مقابل پیام توحید پیامبر عزیز شکسته شد، به پیامبر عرض کردند بسیار خوب، ما خدای تو را می‌پذیریم به یک شرط. شرط این است که در امور ما دخالت نکنی. دخالت در امور یعنی اجرای عدالت؛ یعنی کاری نداشته باشی که ما در زندگی تبعیض، ظلم، تجاوز و حق‌کشی می‌کنیم، با این‌ها کاری نداشته باش. که پیامبر عزیز ما فرمود: *لا اعد ما تعبدون*؛ آن خدایی که شما می‌خواهید برای خودتان تصویر کنید، خدایی نیست که ظلم را جایز بداند. من از ایشان تشکر می‌کنم و اما جناب آقای بحرینی هم فرمودند که امروز زمینه برای ترویج اندیشه‌های الهی فراهم است. حرف درستی است. من به این حرف باور عمیق دارم. فکر می‌کنم اگر دست به دست هم بدهیم، با برنامه؛ چقدر خوب است که رهبران مسلمانان و تشکله‌ها و سازمانها در آمریکا با هم ارتباط و نشست داشته باشید. اتحادیه و پشتیبانی داشته باشید. اندیشه‌ها و انتشارات را در کنار هم قرار بدهید، اوضاع امروز را تحلیل بکنید، روشهایی را به کار گرفته‌اید،

مورد بررسی قرار بدهید و اصلاح و منتقل بکنید.

در این زمینه خود آقای بحرینی می‌توانند پیشقدم بشوند. نمایندگی هم کمک می‌کند، نشستهای مکرر درباره چگونگی تبلیغ، راههای تبلیغ، روانشناسی و جامعه‌شناسی تبلیغ و... بحث بکنیم و تدوین بکنیم.

تفرقه در ادیان نتیجه عملیات تبلیغاتی

اما در آخر هم صحبت عزیزمان را داشتیم جناب آقای ریاح از فلسطین مظلوم؛ برادر عزیزمان که پیرو حضرت مسیح هستند. بگذارید نکته‌ای را برایتان بگویم. یک گروه از مسیحیها از آمریکا به تهران آمده بودند، با هم بحث می‌کردیم، من خطاب به آنها گفتم: ما همه پیامبران الهی را قبول داریم و بین آنها فرقی قائل نیستیم؛ این کلام خداست. جمله‌ای گفتم که همه متعجب شدند. گفتم الان ما در این اتاق نشسته‌ایم، اگر الان حضرت عیسی‌ای مسیح اینجا ظاهر بشود، ایشان هر دستوری به ما بدهند، ما اطاعت می‌کنیم. برای اینکه پیامبر خداست؛ لافرق بین احد من رسله! حضرت مسیح معصوم بیاید اینجا دستور بدهد، بگوید حرف بزن، چشم؛ ساکت شو، چشم؛ این را بگو، چشم؛ به نماز بایستد، پشت سرش نماز می‌خوانیم. می‌خواهند با تبلیغات فاصله درست کنند. فاصله‌ای نیست و تازه همه ما منتظر موعودیم. بدانید بدون موعود و تحقق وعده آخرین، آفرینش جهان، ارسال و مجاهدت پیامبران بی‌معناست. این همه پیامبران الهی آمده‌اند تا بشر این وضعیت امروز را تجربه کند؟ اینکه خیلی عقب گرد است. این است آن زندگی وعده داده شده؟ خیر.

همه پیامبران آمده‌اند مقدمه تحقق وعده الهی را فراهم کنند. همه آمده‌اند دست بشر را بگیرند و یک قدم به سمت آن قله نورانی جلو ببرند

و اعتقاد ما این است وقتی موعود بیاید، فرزندی از پیامبر گرامی اسلامی بیاید؛ حضرت مسیح(ع) او را همراهی و یاری خواهد کرد و با کمک هم بشریت را نجات خواهند داد.

امروز هم باید کنار هم باشیم. اعتقاد ما این است؛ عقیده به موعود، کار برای زمینه‌سازی به ظهور موعود، بهترین عامل وحدت بین ادیان الهی است، چرا که همه اعتقاد دارند، مسیحی، یهودی و مسلمان، همه به موعود معتقدیم. لازم نیست در مسائل اختلافی با هم اختلاف یا نزاع کنیم. موعود را که همه قبول داریم، بیایید برای موعود کار کنیم و موعود را معرفی کنیم. بیاییم مقدمه ظهور موعود را فراهم کنیم؛ با تبلیغ توحید، عدالت، ایستادگی در مقابل ظلم و با اجرای عدالت. این‌ها کارهایی است که می‌توانیم انجام بدهیم. همه با هم باشیم. برای خدا و برای تحقق وعده خدا و برای اجرای دستورهای خدا.

من از همه شما صمیمانه تشکر می‌کنم و از اینکه حوصله کردید و به عرایض برادر کوچک خودتان توجه کردید، از خدای بزرگ برای شما، برای همه بشریت سلامت و موفقیت مسئلت دارم.

بسم الله الرحمن الرحيم
جهان در تمنای
اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر و اجعلنا
توحید^۱
من خیر اعوانه و انصاره والمستشهادین بین یدیه

فراخوانی توحید و اقامه عدل، مأموریت واحد در فلسفه ارسال رُسل خیلی خوشحالم و خدا را سپاسگزارم که یکبار دیگر فرصت دیدار با شما عزیزان را عنایت کرد. ما قبلاً دو دیدار بسیار خوب با یکدیگر داشتیم. شما می‌دانید که همه پیامبران الهی از حضرت آدم (ع) تا خاتم، حضرت نوح (ع)، فرزندان حضرت نوح (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع) و حضرت محمد رسول الله (ص) از یک نور واحد و دارای یک مأموریت واحد هستند.

آن‌ها آمده‌اند از یک حقیقت روشنی دفاع کنند و دست بشر را بگیرند و از ظلمت به سوی نور هدایت کنند و به یک زندگی سعادت‌مند راهنمایی کنند. همه آن‌ها فریاد توحید و دعوت مردم به پرستش خدای یگانه سردادند. توحید یعنی همه عالم متعلق به خداست. علم او فراگیر است و همه علمها از ناحیه خداوند متعال است. او عالم به غیب و شهادت است. او همه پیدا و پنهان را می‌داند. همه چیز در محضر علم خداست.

توحید یعنی خدا قادر است، قدرت او مطلق و همه قدرتها از آن

۱. سخنرانی در دیدار با خاخامهای یهودی (نیویورک)، ۱۳۸۶/۷/۲

خداست. هیچ کس از خودش چیزی ندارد. توحید یعنی خدا حکیم است و از روی حکمت جهان را تدبیر و مدیریت می‌کند. توحید یعنی خدا منشأ همه عالم است.

پیامبران آمدند بگویند انسان منزلت و کرامت دارد و همه انسانها محترم‌اند. آمدند تا انسان را به مقام خلیفه‌اللهی برسانند. آن‌ها از انسانها خواستند که خداپرستی و عدالت را گسترش بدهند. همه پیامبران انسانها را اولاً به توحید و یگانه پرستی دعوت کردند و بعد به برپایی عدالت.

جنگ و نزاعهای عالم، محصول دوری از توحید و عدالت

این همان چیزی است که بشر به آن نیاز دارد. تمام مشکلات بشر در طول تاریخ به علت دوری از توحید و عدالت است. همه جنگها، کشتارها، ظلمها و تبعیضها به خاطر دوری از توحید و عدالت است. راه حل هم این است که همه به توحید و عدالت برگردند، یعنی همه به دعوت پیامبران، سنت و تعلیمات انبیای الهی برگردیم.

شعار خداپرستان همیشه یک چیز بوده است: توحید، عدالت، کرامت انسانی، برادری، صلح و دوستی. ما خدا را شکر می‌کنیم که امروز به لطف خدا انسانهای صالح و برجسته‌ای هستند که همین پرچم را بلند کرده‌اند؛ در میان پیروان حضرت موسی(ع)، روحانیون محترم، در پیروان حضرت مسیح(ع) و در پیروان حضرت محمد(ص) و همین باعث شده که دنیا ادامه پیدا نکند. اگر انسانهایی که فریاد توحید را سر بدهند، نبودند، سرنوشت بشر مجهول بود.

البته متأسفانه همیشه عده‌ای بودند که در مقابل پیام پیامبران ایستادگی می‌کردند. بعضی از این‌ها موفق شدند پیامبران را از اجرای مسئولیتشان باز بدارند و بعضی از آن‌ها شکست خوردند، اما بعضی از شکست خوردگان

رنگ و لباس عوض کردند.

در طول تاریخ ادیان الهی بیش‌ترین ستم و ضربه را از ناحیه مدعیان دروغین متحمل شده‌اند. کسانی که پیرو حضرت موسی نبودند به دروغ خودشان را یهودی معرفی کردند و کسانی که پیرو حضرت عیسی نبودند و به دروغ خودشان را مسیحی معرفی کردند.

در فرهنگ اسلامی ما به این‌ها منافق خطاب می‌کنیم؛ یعنی در دلشان چیزی است و در زبانشان چیز دیگری است. در دلشان هیچ ایمانی به حضرت موسی و راه حضرت موسی و تورات ندارند، اما در زبان ادعا می‌کنند، این‌ها دروغ می‌گویند.

دوئیت صهیونیسم و یهودیت

من فکر می‌کنم امروز همه دنیا فهمیده است که صهیونیسم با یهود کاملاً متفاوت است. یهود پیروان پیامبر الهی هستند. طرفدار خداپرستی و دوستی و عدالت‌اند، اما صهیونیستها یک گروه سیاسی هستند. آن‌ها از هر فرصتی برای منافع خودشان استفاده می‌کنند. رنجهایی که مردم یهود در جنگ دوم جهانی متحمل شدند دستاویز سوءاستفاده آن‌هاست.

شما اسنادی دارید، ما هم اسنادی داریم که خود صهیونیستها هم در آزار رساندن به مردم یهود شریک بودند. آن‌ها هم با دشمنان یهودیان همکاری می‌کردند، برای اینکه سوءاستفاده سیاسی بکنند و بهانه‌ای پیدا بکنند برای ظلم به ملت فلسطین.

همه دنیا می‌داند و باید بدانند ملت یهود با صهیونیستها متفاوت‌اند. صهیونیستها نه یهودی، نه مسیحی و نه مسلمان هستند. آن‌ها بنده پول، قدرت و ثروت‌اند.

بین پیروان موسی کلیم الله، پیروان عیسی روح الله و پیروان محمد

رسول الله هیچ اختلافی نیست. ما همه با هم برادر هستیم. خدای واحد را می‌پرستیم و از پیامبر الهی تبعیت می‌کنیم. هیچ دلیلی برای اختلاف نداریم و باید در صلح و دوستی با هم زندگی کنیم.

من مطمئن هستم به لطف خدای متعال آن کسانی که به دروغ می‌خواهند بین ادیان فاصله بیندازند، از بین خواهند رفت.

از شما تشکر می‌کنم که پرچم راه درست را بر دست گرفته‌اید و در مقابل دروغ‌گویانی که می‌خواهند بین ادیان دشمنی ایجاد کنند، می‌ایستید و مطمئن هستیم که خدا با ماست.

آینده، از آن ادیان توحیدی

ما داستان شما را به گرمی می‌فشاریم و مطمئن باشید ما با کمک هم و با توکل بر خدا و ایستادگی می‌توانیم از ادیان الهی صیانت کنیم و خدای متعال هم یاری خواهد کرد.

آینده از آن ادیان توحیدی است و دروغ‌گویان خواهند رفت. نشانه‌های اضمحلال آن‌ها پیداست. ما موظف به تبلیغ توحید و دفاع از عدالت، صلح و برادری هستیم. این وظیفهٔ پیروان پیامبران الهی است.

در ایران به همهٔ پیامبران الهی احترام می‌گذارند؛ همان طور که به خوبی اشاره کردند حضرت دانیال نبی مورد توجه مردم است و مزار او دائماً زیارت می‌شود. من خودم بارها مزار ایشان را زیارت کرده‌ام. مردم ما به ایشان متوسل می‌شوند و از او در کارهایشان کمک می‌خواهند و این پیامبر الهی به مردم ما کمک می‌کند.

ما پیامبران را دریچه‌ای به سوی آسمان می‌دانیم و همین طور مزار مردخای در همدان مورد احترام ماست و مردم یهود در ایران با مردم مسلمان در کمال برادری زندگی می‌کنند.

جهان در تمنای توحید/۱۴۷

از هدیه‌ای که دادید، صمیمانه تشکر می‌کنم، از خدای متعال برای شما
طول عمر، صحت و سلامت مسئلت دارم و دنیا بدانند که ما همه با هم
خواهیم بود؛ ان شاء الله.

عیسای مسیح با
موعود امم خواهد
آمد^۱

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر واجعلنا
من خیر اعوانه و انصاره والمستشہدین بین یدیه

حکومت صالحان، وعده‌ای الهی در جهان

بسیار خوشحالم و خدای بزرگ را سپاسگزارم که توفیق دیدار شما دست اندرکاران خداپرستی و دعوت مردم به خیر و نیکی را نصیبم کرد. در دوران رواج هیاهوها و چالشها، حیرتها و گمراهیها، غلبه هوای نفس، خودخواهیها و غرورها، تنشها و جنگها، حسادتها و تفرقه‌ها و چشم‌انداز تیره و تار در برابر بشریت امروز، می‌خواهم از مهم‌ترین مسئله بشر در طول تاریخ، از اراده و لطف و سنتهای الهی، وحدت و تلاش و نیز آینده درخشانی که در انتظارمان است و از حاکمیت زیباییها و خوبیها و از عدالت و مهرورزی با شما سخن بگویم.

دوستان خوب!

می‌دانید که خدای متعال انسان را از روی لطف آفرید و جهان را در خدمت تعالی و کمال او قرار داد. او اراده کرد که انسان را جانشین خود در زمین قرار دهد؛ یعنی انسان نیز مانند خدای یگانه، خیرخواه و مهربان

۱. سخنرانی در جمع رهبران اصحاب کلیسا و شماری از رهبران یهودی (نیویورک)، ۱۳۸۶/۷/۴.

با بندگان خدا، مدافع حق و عدالت، کریم و بخشنده، عاشق خوبیها و زیباییها، مدافع مظلومان و محرومان، صادق، امین، عالم، بینا، شنوا و حکیم باشد و همواره تجلی همه ارزشها، پوینده راه کمال و آبادکننده زمین باشد. خدا از انسان خواست تا با اراده و تلاش خود، مقام جانشینی را در زمین جاری کند و دنیایی پُر از برادری و صلح و عدالت بسازد، تا زمینه ساز تعالی روحی و معنوی او باشد. البته خداوند انسان را تنها و بی یاور رها نکرد.

از یک سو، استعدادها و توانمندیهای فراوان در نهاد او و در جهان هستی مستخر او قرار داد و از سوی دیگر، عقل را به عنوان چراغ راهنما در وجود او به امانت گذاشت، پیامبران الهی و مصلحان را برای هدایت و دستگیری او فرستاد و برپایی حکومت صالحان در زمین را به او وعده داد. عزیزان! جوهر ادیان الهی، واحد و مشترک است و همه پیامبران الهی یک پیام و مأموریت روشن داشتند. خداوند آنان را یکی پس از دیگری و بعد از آزمایشهای بزرگ، با آیات و بینات به سوی بشر فرستاد. همه آنان به دنبال تعلیم و تزکیه و دعوت انسان به خداپرستی و توحید از یک طرف و تشویق و واداشتن او به برپایی مهرورزی و عدالت از طرف دیگر بودند. همه تلاش کردند تا چشم دل و سر انسان را به سوی حقایق باز کنند و نگاه او را به افق بلند جامعه توحیدی و سعادت‌مند معطوف نمایند. بندگی خدا رمز آزادی و فصل مشترک دعوت انبیاست. حضرت آدم ابوالبشر(ع) مأمور به همین کار بود. حضرت نوح پیامبر(ع)، صدها سال در همین مسیر مجاهدت کرد و سختیها و زخم زبانهای جاهلان و اراذل را تحمل کرد. پس از ایشان، فرزندان نوح مأموریت یافتند راه را ادامه دهند تا نوبت به حضرت ابراهیم خلیل رسید. دعوت ابراهیم نیز به خداپرستی، پرهیز از بت پرستی و تبعیت از شیطان و هواهای نفسانی بود. در تورات، انجیل و

قرآن کریم درباره حضرت ابراهیم آیات فراوانی نازل شده است. پس از حضرت ابراهیم، اسماعیل و اسحاق و یعقوب و دیگران برگزیده شدند و همه همین مأموریت را داشتند. این رسالت و این کاروان در تاریخ بشر ادامه راه داد، تا نوبت به حضرت موسی کلیم الله رسید. حضرت موسی به همراه برادرش، هارون، به دستور خدای متعال برای نجات قوم بنی اسرائیل، ابتدا به سوی فرعون رفت که طغیان کرده بود. مأمور شد با کلام نرم با او سخن بگوید و از او دعوت کند که به سوی خدا و پاکی و معنویت بازگردد. او در راه انجام این مأموریت بزرگ، سالها سختی و مرارت را تحمل کرد.

دوستان خوب، موحدان و مؤمنان!

سراسر زندگی حضرت موسی (ع)، دعوت به خدا پرستی، مقابله با سرکشان و ظالمان، دفاع از مظلومان و مبارزه با انحرافات فکری و عقیدتی قوم بنی اسرائیل بود.

بعد از حضرت موسی (ع)، حضرت هارون (ع)، داود (ع)، حضرت سلیمان نبی (ع)، یونس (ع)، طالوت (ع)، یوشع (ع) و دیگران از سوی خدا برگزیده و ارسال شدند و همان راه و روش را ادامه دادند، تا اینکه بعد از قرون، نوبت به حضرت عیسی مسیح (ع) رسید.

راه حضرت عیسی (ع)، همان راه حضرت موسی (ع) و راه همه پیامبران الهی بود. قبل از عیسی، مادرش حضرت مریم (س) از بندگان خوب خدا و پاکیزه و برترین زنان عالم بود. او کسی بود که خدا به او فرمود: «ای مریم، در پیشگاه خدا خشوع و فروتنی و سجده کن و همراه با رکوع کنندگان رکوع کن» و خدا به او بشارت حضرت مسیح (ع) را داد: «ای مریم، خدا به تو بشارت به کلمه‌ای از خود می‌دهد که نامش مسیح، عیسی بن مریم

است که در دنیا و آخرت دارای وجاهت و آبرو و از مقربین درگاه الهی است و در گهواره و در پیری با مردم سخن می‌گوید و از صالحین است». و خداوند به او (حضرت عیسی) «کتاب و حکمت و تورات و انجیل را آموخته است» و «او فرستاده‌ای به سوی بنی اسرائیل است، با معجزات و نشانه‌های آشکار، بیماران را شفا می‌دهد، مردگان را زنده می‌کند و تصدیق‌کننده تورات است.» حضرت عیسی (ع)، عبادت و اطاعت خدا را، صراط مستقیم الهی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «به راستی که خدا پروردگار من و شماست، پس او را عبادت کنید، که این صراط مستقیم است.» عزیزان مؤمن! سراسر زندگی حضرت عیسی (ع) دعوت مردم به خداپرستی، پاکی، مهرورزی، دوری از ظلم و ایستادگی در برابر طغیانگران و هواپرستان بود.

بعد از عیسی -علیه السلام- اوصیایی آمدند و رسالت هدایت بشر به سرمنزل مقصود را دنبال کردند، تا اینکه نوبت به آخرین فرستاده خدا یعنی پیامبر اسلام (ص) رسید.

او نیز همین حقایق را بیان فرمود. او نیز انسانها را به خداپرستی و توحید، تقوی و برپایی عدالت، دفاع از حقیقت، دفاع از مظلومین و محرومین، تفکر و تعقل در آیات الهی، صداقت و امانت، تعلیم و تعلم، تخلیق به اخلاق الهی، رحمت و محبت و خدمت به دیگران و رعایت حقوق هموعان و همکیشان، حفظ کرامت و عزت انسانها و مبارزه با ظلم و ستم فرا می‌خواند.

دوستان و حضار محترم!

ملاحظه می‌فرمایید که بندگی خدا، رمز آزادی و آزادی بشر و فصل مشترک دعوت همه انبیا الهی است. این کلام خدا، فریاد همه پیامبران

الهی است که «ای فرزندان آدم، آیا شما متعهد نشدید که شیطان را عبادت نکنید؟ او دشمن آشکار شماست و اینکه فقط مرا عبادت کنید، این صراط مستقیم است.»

همهٔ خداپرستان عالم باید تابع این فرمان الهی باشند که به حضرت ابراهیم خطاب شده است: «آن هنگام که خداوند به او گفت تسلیم امر خدا باش، او پاسخ داد که من تسلیم امر پروردگار همهٔ جهانیان هستم.»

نور واحد، جوهرهٔ ادیان آسمانی

این جوهرهٔ همهٔ ادیان آسمانی است و ما مسلمانان به همهٔ انبیای الهی مؤمن هستیم، چنانچه خداوند در قرآن کریم به مسلمانان تعلیم فرمود که: «بگویید به خداوند و به آنچه به سوی ما نازل شده است و به آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان او نازل شده است و به آنچه به موسی و عیسی و همهٔ انبیای الهی داده شده است، ایمان آوردم، تفاوتی بین آنان قایل نیستیم و ما تسلیم امر او هستیم.»
و ادامه می‌دهد: «اگر دیگران نیز به آنچه شما ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورند، پس به راستی هدایت شده‌اند.»

عالیجنابان، خانمها و آقایان!

می‌بینیم و می‌دانیم که ادیان الهی، یهودیت، مسیحیت و اسلام از یک منشأ و از یک نور واحد و بر یک پایهٔ روشن و آسمانی و در پی یکدیگر، برای هدایت انسان و تحقق وعده الهی هستند. اما، همواره و در نقطهٔ مقابل حرکت پیامبران الهی، کاروان شیاطین، هواپرستان و ظالمان صف‌آرایی کرده‌اند و در طول تاریخ با استفاده از دروغ، فریب، تفرقه، تجاوز، تحریف و جنایت، مانع رسیدن پیام پیامبران و مصلحان به دل‌های پاک مردم و

هدایت آنان شده‌اند.

سرسلسله این کاروان خبیث، قابیل است و پس از آن، پی در پی بوده‌اند و فرعونیان و نمرودیان، جالوتیان و بت پرستان چه بلاها که بر سر پیامبران و پیروان واقعی آنان نیاوردند. آنان را مسخره و تکذیب کردند، تفرقه ایجاد کردند و اگر توانستند با آنان جنگیدند، آنان را به زندان افکندند، تبعید کردند، قطعه قطعه کردند و کشتند، پیام آنان را تحریف و حرکت را از مسیر حقیقی منحرف کردند و مانع حاکمیت خداپرستان و صالحان در زمین شدند.

آنان تلاش کردند در برابر دعوت به خدا و روش پیامبران، روشها و مکاتبی را در مقابل بشر قرار دهند و با تبلیغات، تحریک هوسها و غرایز حیوانی و فریب و فشار، او را وادار به دوری از حقیقت و پیوستن به دنیاطلبان و دنیاطلبی کنند. آنان همواره سیطره خودخواهان و مدیریت افراد ناصالح و ناپاک را بر بشریت تحمیل کردند.

مدیریت انسانهای ناصالح، نقطه مقابل راه انبیا

دوستان!

امروز نیز گرفتاریهای بشر، حق کشیها، جنگها و اشغالگریها، بی عدالتیها و تهدیدها، ترویج فساد بین جوانان، فقرها و محرومیتها، همه از ناحیه خودخواهان، قدرت طلبان و دنیا پرستان و در نقطه مقابل دعوت تعلیمات انبیای الهی است.

مدیریت انسانهای ناصالح، نقطه مقابل انبیای الهی است و می بینیم که عرصه بر بشریت تنگ شده و آرامش از او سلب شده است. تهدید و تجاوز و دروغ و فقر و حرمان بر بخشهای بزرگی از جهان سایه افکنده است و چشم انداز آینده را تار و تیره کرده است. اینک سؤال مهم این است

که آیا خدا جهان و انسان را برای تجربهٔ چنین سرنوشتی آفرید؟ و آیا وضع موجود، غایت هستی است؟ آیا خدای متعال در این دوران انسان را تنها و بی‌یاور رها کرده است؟

پاسخ کاملاً روشن است. همهٔ انبیای الهی علاوه بر هدایت قوم و مردم زمان خویش، بشریت را به آینده‌ای روشن بشارت داده‌اند؛ آینده‌ای که حاکمیت از آن صالحان است و خداپرستی، محبت و عدالت در جهان جاری خواهد شد. آینده‌ای درخشان که در آن علم حقیقی آشکار می‌شود، عقلها کامل، گوشها شنوا، چشمها بینا و دلها آرام و مؤمن و دستها پاک می‌شود و فقط و فقط خدای یگانه پرستیده می‌شود.

همهٔ انبیای الهی، به روشنی و با پیامی رسا به تحقق آن روز و ظهور حاکم آن روز، یعنی انسان صالح کامل که موعود همه امتهاست، وعده داده‌اند؛ روزی که هدفمندی آفرینش، منوط به تحقق آن است. روزی که معناکننده و تجسم بخش آرمان همهٔ رسولان و پیامبران الهی است. آن روز قطعاً خواهد آمد، روزی که آخرین وصی از آخرین رسول خدا، همراه با عیسای مسیح و با کاروانی از صالحان و مؤمنان خواهد آمد و با کمک خداپرستان و عدالت طلبان، جهان را که پر از ظلم و ستم و تفرقه شده است، پر از عدل و داد و برادری و اتحاد خواهد کرد.

دوستان خوب!

راه حل مشکلات امروز بشریت مثل همیشه تاریخ، تبعیت از پیامبران و راه و رسم آنان است.

قرنها و هم امروز، صاحبان زر و قدرت و تبلیغات، تلاش کرده‌اند ادیان الهی و پیروان واقعی آنان را از مسئولیتهای اجتماعی و سیاست و حکومت برکنار و به عبادات شخصی محدود کنند. مفهوم آزادگی، اخلاق، صداقت،

مبارزه با ظلم و ظالم و دفاع از حقوق انسانها را از حقیقت دین سلب کنند، در حالی که: در اصل عبودیت خدا، نفی عبودیت غیرخدا نهفته است. در اصل بندگی خدا، مخالفت با بندگی شیطان و هوای نفس جاری است. در اصل کرامت انسانی، نفی تحقیر انسانها و نفی ظلم و بی‌عدالتی موج می‌زند.

تاریخ انبیای الهی مشحون از مبارزه با زورگویان، ستمگران و متجاوزین به حقوق انسانها و ملتها و حاکمان ناصالح و هوی‌پرست است.

وظایف مهم پیروان ادیان الهی

دوستان من!

امروز نیز راه روشن است. به نظرم، دو وظیفه و مسئولیت مهم و اساسی بر دوش پیروان واقعی یهودیت، مسیحیت و اسلام نهاده شده است.

وظیفه اول

احیای حقیقت دین الهی و پیراستن آن از پیرایه‌های جهل و خرافه و تعصب و خودخواهی و آزاد ساختن آن از سیطره اندیشه‌های انحرافی است.

دعوت به توحید، عدالت، صداقت، امانت، خدمت به انسانها و مقابله با ظلم و ظالمان و دفاع از مظلومان، وظیفه قطعی و ادامه حرکت انبیای الهی است.

مسجد و کلیسا و کنیسه، قرآن و انجیل و تورات و مسلمان و مسیحی و یهودی نمی‌توانند در برابر مشکلات ناشی از زورگویی و فریب صاحبان قدرت و فساد، تجاوز، جنگ و خونریزی و اشغال، سکوت کنند.

بسیار روشن است که بدون حرکت دینداران واقعی، امید اصلاح وجود

ندارد. امروز، همه باید تلاش کنیم تا مدیریت جوامع در دست صالحان قرار گیرد، امنیت و صلح بر پایه خداپرستی و عدالت برپا و پایدار شود، انسان در پرتو عدالت، عزیز باشد و تحقیر نشود و در سایه خداپرستی به کمال برسد. همه باید تلاش کنیم تا زمینه تحقق آرمان بزرگ الهی و بشری فراهم شود. دعوت به خدا، حقیقت، عدالت و حفظ کرامت انسانی، باید همگانی شود.

وظیفه دوم

مهم تر دعوت به روزی است که در آن هیچ اثری از ظلم و ناامنی در جهان نباشد. دعوت به موعود و زمینه سازی ظهور و حاکمیت او، وظیفه ای همگانی و به ویژه بر عهده علما و مؤمنین و موحدین است. این محکم ترین ریسمان الهی و محور وحدت اصیل بین همه موحدان و پیروان حقیقی تمام انبیای الهی است. همه معتقدیم که اراده خدا بر هر چیز غلبه خواهد کرد، کلام خدا در زمین جاری و کلمه حق بر جهان مسلط خواهد شد. معتقدیم که فرزندى از نسل پیامبر اسلام به همراه حضرت مسیح خواهند آمد و آینده درخشان بشری و حیات طیبه زیبا و نظام عادلانه واحد را برپا خواهند کرد. همه باید در تحقق این کلمه الهی بکوشیم و به لطف و یاری خدا امیدوار باشیم.

مصلح کامل خواهد آمد

دوستان من!

خوشبختانه، جهان در همین مسیر در حرکت است. عدالت و حق مستقر خواهد شد و مصلح کامل و موعود خواهد آمد. طعم شیرین راستی و امانت و معنویت و عدالت و عشق و محبت روح بشر را نوازش خواهد

داد و کامش را شیرین خواهد کرد. همه باید بکوشیم تا سهمی در این واقعیت انکارناپذیر داشته باشیم.

تأکید می‌کنم که بهترین عامل نزدیکی و وحدت ادیان و پیروان آن، اعتقاد به منجی است. تلاش برای شناخت و شناساندن او، مجاهدت برای یاری و زمینه سازی ظهور او و عشق به حاکمیت او، رمز وحدت، حرکت بالنده و نشاط و امیدواری است.

باید عرض کنم که خوشبختانه، امروز دلها روشن شده است و خداخواهی و عدالت طلبی در حال همه گیر شدن است. بشر از وضع ناهنجار حاکم و مدیران ناصالح به ستوه آمده است. مکاتب ساخته دست بشر، به آخر راه و بن بست رسیده‌اند. ملتها در انتظار راهی نو هستند، راهی که بر پایه نور و پاکی و عدالت و خداپرستی بنا شده باشد.

بیایید همه با هم برای این هدف مقدس و الهی گام برداریم و دعوت مردم به او را، که مظهر امید و نشاط و رحمت و عدالت است، محور وحدت همه ملتها قرار دهیم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

سفسطه و حقیقت^۱
گزارشگر:
در واقع شما برای ایران چه می خواهید؟
رئیس جمهور:

بسم الله الرحمن الرحيم. من به مردم آمریکا سلام می کنم و برای مردم آمریکا و همه ملتها از خدا سعادت، سلامتی و موفقیت می خواهم. مشخص است، هرکس برای ملت خودش جز سعادت، پیشرفت، صلح، رفاه و امنیت نمی خواهد. ما هم اینها را برای ملت ایران و همه ملتها می خواهیم.

گزارشگر:
آیا فکر می کنید که رابطه شما با آمریکا از این جهت مهم باشد؟
رئیس جمهور:

بالاخره در بین ملتها اصل بر داشتن رابطه است؛ رابطه بر اساس احترام متقابل و دوستی. این یک اصل است. در شرایط استثنایی ممکن است این اصل مخدوش شود.

ما علاقه مند هستیم با همه ملتها رابطه دوستانه داشته باشیم و این را بارها اعلام کرده ایم و الان هم تقریباً با قریب به اتفاق ملتها رابطه دوستانه داریم. البته از اول اعلام کردیم که یک کشور را به رسمیت نمی شناسیم،

۱. مصاحبه با چارلی رز(شبکه ۱۳ آمریکا) نیویورک، ۱۳۸۶/۷/۲

هرچند دو تا بودند که یکی از آن‌ها باقی مانده است. یکی آپارتاید آفریقای جنوبی بود که الان وجود ندارد، و دومی هم رژیم صهیونیستی است، اما با بقیه ملت‌ها رابطه خوبی داریم.

امروز هم رابطه ما با مردم آمریکا رابطه خوبی است، اما برخی از دولتمردان آمریکا این رابطه خوب را نمی‌پسندند.

گزارشگر:

آیا سیاستمدارانی در ایران هستند که این رابطه را نپسندند؟

رئیس جمهور:

ممکن است باشند.

گزارشگر:

آیا شما می‌خواهید که رابطه خوبی با آمریکا داشته باشید؟

رئیس جمهور:

ما همیشه خواستار رابطه خوب با مردم آمریکا بوده‌ایم و همچنین با دولت آمریکا، اگر براساس احترام به قوانین و پایبندی به قوانین باشد.

گزارشگر:

آیا چنین می‌کنند؟

رئیس جمهور:

ما ندیده‌ایم.

گزارشگر:

از چه نظر؟

رئیس جمهور:

مشخص است، رفتار بخشی از دولتمردان آمریکا، توهین به ملتها، زیاده خواهی و زورگویی است که اینها چیزهای خوبی نیست. آنها به ملت ما احترام نمی گذارند. ۲۸ سال است که دائم توهین می کنند و تلاش می کنند حقوق ملت ما را ضایع کنند. لابد می دانید در ۸ سال جنگ تحمیلی علیه ملت ما، دولت آمریکا کاملاً از صدام حمایت کرد. چرا؟

گزارشگر:

شاید احساس نگرانی از ایران می کردند؛ به هر حال گروگان گیری صورت گرفته بود و مسائلی از این قبیل، اما من می خواهم به آینده بنگرم. می خواهم در مورد خاورمیانه صحبت کنم. آینده خاورمیانه به نظر شما چگونه است و نقش ایران در آن چه خواهد بود؟

رئیس جمهور:

ما فکر می کنیم خاورمیانه هم مثل سایر نقاط دنیا باید در امنیت و آرامش باشد. باید صلح پایدار بین ملتها برقرار باشد. همان طور که در طول قرنهای ملتهای منطقه در دوستی و آرامش با هم زندگی کرده اند، باید همان طور زندگی کنند.

گزارشگر:

هنری کسینجر و برخی از افراد معتقدند ما باید دیدگاه آمریکا و ایران را با هم برای آینده خاورمیانه، مقایسه کنیم و ببینیم کجا با هم اختلاف نظر دارند و می توانند حداقل به نکات مشترکی برسند. آیا این امکان هست که مذاکره و گفتگویی صورت بگیرد؟

رئیس جمهور:

بله، ما در مورد عراق چند مرحله گفتگو کردیم. در مورد افغانستان هم همین اتفاق افتاد. تصور ما این بود که بتوانیم به امنیت در عراق و همین طور حاکمیت مردم سالاری کمک کنیم.

بله، اگر شرایط عادلانه باشد، می شود گفتگو کرد. البته این مستلزم تغییر نگاه برخی از دولتمردان آمریکاست. آن ها باید بپذیرند که مردم خاورمیانه هم انسان هستند و حق حیات دارند، آن ها هم صلح و امنیت می خواهند و حق دارند خود برای خود تصمیم بگیرند.

دولتمردان آمریکا نباید نگاهشان به خاورمیانه، نگاه به نفت باشد. اگر تصور کنند می توانند ملتهای منطقه را سرکوب کنند، اشتباه می کنند.

شما می دانید از روزی که ارتش آمریکا وارد عراق شده است، چند نفر عراقی کشته شده اند؟ آمارها گوناگون است، چیزی حدود ۶۰۰ هزار نفر. این ها همه انسان اند و دوست دارند زندگی کنند.

گزارشگر:

شما می دانید که آمریکا معتقد است که سلاحهایی از ایران به عراق رفته است و آمریکاییها هم زندگی شان را از دست می دهند، اما من می خواهم بدانم از نظر شما آینده عراق باید به کجا برسد تا این وضع خاتمه یابد. تا ۱۶ ماه دیگر ما رئیس جمهور جدیدی خواهیم داشت، اگر در آن زمان سربازان آمریکایی از عراق بیرون بروند، هدف شما برای عراق چیست؟

رئیس جمهور:

ما می گوئیم که اجازه بدهیم خود مردم عراق بر سرنوشت خود حاکم باشند. ملت عراق ملتی بزرگ و دارای سابقه تمدن است. این ها قادر هستند خود را اداره کنند، نیازی به ما یا آمریکا ندارند. اجازه بدهیم خودشان انتخاب کنند، تصمیم بگیرند و دولت خودشان را داشته باشند؛

مثل خیل‌های دیگر.

گزارشگر:

بعضی می‌گویند الان یک جنگ نیابتی در عراق جریان دارد و برخی دارند برای منافع ایران و برخی برای منافع آمریکا می‌جنگند. بنابراین یک جنگ نیابتی است.

رئیس جمهور:

این یکی از همان تحلیل‌های غلط است که صاحبان آن را به تصمیم‌گیری اشتباه می‌اندازد. من فکر می‌کنم با همین تحلیل غلط است که می‌بینیم هر روز وضع پیچیده‌تر می‌شود.

آنجا کسی به نیابت از این ایران نمی‌جنگد. باید بپذیریم که کشوری اشغال شده است و مردم آن کشور حق دارند که به سرنوشت و آینده خود فکر کنند. جز این اشتباه است، اگر کسی خیال کند که در عراق با ایران طرف است.

گزارشگر:

البته آینده جنگ عراق برای شما مهم است.

رئیس جمهور:

بله، مهم است، اما به معنای این نیست که کسی از طرف ما می‌جنگد. حتماً برای ما رابطه با عراق مهم است. برای اینکه ما دو ملتی هستیم که صدها سال با هم زندگی کرده‌ایم و بیشترین روابط عاطفی و فرهنگی را با هم داریم. سالانه میلیون‌ها نفر از عراق به ایران و برعکس سفر می‌کنند. مراکز مذهبی ما در عراق است و بالعکس. ما هم با کردها رابطه خوبی داریم، هم با عربها و هم با ترکمنها. مردم ما با هم ازدواج می‌کنند.

گزارشگر:

آیا شما می‌خواهید دولتی در عراق مستقر شود که نماینده هم شیعیان، هم سنیها و هم کردهای عراق باشد؟ آیا می‌خواهید که دولت آشتی و صلح در عراق برقرار شود؟

رئیس جمهور:

فکر می‌کنم اجازه دهیم مردم عراق خود تصمیم بگیرند، این حق ملت عراق است. همه به هرچه تصمیم گرفتند، احترام می‌گذاریم. ما نباید دخالت کنیم. اشتباه ارتش آمریکا این است که می‌خواهد در امور عراق دخالت کند.

ما فکر می‌کنیم باید برای حضور آمریکا در عراق مأموریت روشنی تعریف شود. من از شما سؤال می‌کنم مأموریت ارتش و دولت آمریکا در عراق چیست؟ چه می‌خواهند بکنند؟ آیا کسی در آمریکا می‌داند؟

گزارشگر:

شما خوب می‌دانید که آمریکا می‌خواهد بین نیروهایی که در عراق با هم می‌جنگند، آشتی صورت گیرد و می‌خواهد نفوذ القاعده در عراق از بین برود. من فکر می‌کنم دولت عراق هم همین را می‌خواهد، چون خود شما گفته‌اید که اگر عراق ثبات نداشته باشد، ایران اولین کشوری است که ضرر آن را می‌بیند؛ اثر منفی جنگ داخلی برای ایران خواهد بود؟

رئیس جمهور:

درست است، اما یادتان باشد که امنیت با جمع کردن سلاح محقق می‌شود، نه با توزیع آن. الان ارتش آمریکا میان قبایل مختلف سلاح توزیع می‌کند، چرا؟

گزارشگر:

شما هم همین کار را می‌کنید.

رئیس جمهور:

ما چه نیازی داریم؟

گزارشگر:

شما این کار را می‌کنید به خاطر منافع تان و می‌خواهید جناحهای خاصی
آمادگی داشته باشند.

رئیس جمهور:

این هم از اشتباهاتی است که دولتمردان آمریکا مکرر مرتکب می‌شوند.
ما تنها چیزی که در عراق می‌خواهیم، امنیت و حاکمیت ملی است.

گزارشگر:

اگر امنیت نباشد؟

رئیس جمهور:

چرا امنیت نیست؟ به خاطر اشغالگری. از روزی که ارتش آمریکا به
عراق آمده است، هر روز وضع امنیت بدتر شده است. البته اخیراً با تلاشهای
دولت عراق وضعیت تا حدودی بهتر شده است.

ما از اول از روند سیاسی در عراق حمایت کردیم. الان هم از روند
توسعه امنیت حمایت می‌کنیم. اصلاً نگاه ما با نگاه دولتمردان آمریکا متفاوت
است. منافع ما در یک عراق مستقل، متحد و قدرتمند است.

گزارشگر:

و آشتی بین سنیها، شیعه و کردها از خشونت ممانعت می‌کند. شما در این
زمینه چه مشارکتی می‌کنید؟

رئیس جمهور:

ما که با همه عراقیها رابطه دوستانه داریم و تشویق می‌کنیم و کمک می‌کنیم. شما نگاه کنید، ما با رئیس‌جمهور عراق که کرد است، رابطه‌ای بسیار دوستانه داریم؛ با رئیس‌مجلس عراق که سنی است، رابطه بسیار خوب داریم و با نخست‌وزیر عراق که شیعه است نیز همچین. من می‌خواهم بگویم که قبل از حضور آمریکا در عراق اصلاً بین مردم عراق چیزی به نام کرد و شیعه و سنی مطرح نبود.

گزارشگر:

این به خاطر صدام بود که قدرت عجیب و غریبی به این گروهها داد، برادران شیعه شما زجر کشیدند.

رئیس جمهور:

این طوری نیست؛ هم سنیها برادر ما هستند و هم شیعه‌ها و هم کردها و ترکمنها. برای ما انسانها مهم هستند. الان در آمریکا مگر بین پروتستانها و کاتولیکها در حکومت دعواست؟

گزارشگر:

مسلمان هم داریم.

رئیس جمهور:

چرا دولت آمریکا تلاش می‌کند در عراق بین شیعه و سنی اختلاف ایجاد کند؟ این سؤال جدی برای ماست؟

گزارشگر:

آنها هم چنین چیزی نمی‌خواهند، می‌خواهند که این گروهها با هم آشتی

کنند، آن‌ها به کمک ایران، عربستان، سوریه و اردن احتیاج دارند تا بتوانند این آشتی را ایجاد کنند.

رئیس جمهور:

این حرف درستی است. من می‌پرسم نقش دولت و ارتش آمریکا چیست؟ آن‌ها چه می‌کنند؟ بالاخره عراق تحت اشغال است. ما اسناد فراوانی داریم که مسئولین آمریکایی در صدد ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی در عراق هستند. اخیراً حتی دولت عراق را تحت فشار شدید قرار دادند.

گزارشگر:

آن‌ها می‌خواهند بین عراقیها و القاعده اختلاف بیندازند؛ شما باید از آن‌ها حمایت کنید.

رئیس جمهور:

اسنادی که ما داریم، غیر از این است. اسناد ما می‌گوید که آن‌ها تلاش دارند بین شیعه و سنی، و حتی بین سنی و سنی و شیعه و شیعه، اختلاف بیندازند. مردم عراق قبل از صدام هم مردم عراق بودند و دوستانه با هم زندگی می‌کردند.

گزارشگر:

البته قبل از صدام، خیلی گذشته است.

رئیس جمهور:

بله، قبل از صدام مردم عراق، مردم عراق بودند. پنج سال پیش هم مردم عراق بودند، اما بحث شیعه و سنی یک سال و نیم است که در عراق ایجاد شده است.

گزارشگر:

شما می‌دانید که در آمریکا صحبت اکثر مردم این است که آمریکا از عراق بیرون بیاید، تا چند ماه دیگر دولت ما عوض می‌شود و رئیس‌جمهور جدیدی سرکار می‌آید. بیشتر مردم معتقدند که آمریکا به طور مقطعی کنار بکشد. این به نفع منافع عراق و به نفع شما هم هست که عراقی با ثبات داشته باشید. آیا کمک می‌کنید یا مشکل ایجاد می‌کنید؟

رئیس‌جمهور:

ما تنها ملتی هستیم در همسایگی عراق که از هر نوع ناامنی در عراق ضرر می‌کنیم، به همین دلایلی که شما گفتید و هم به لحاظ نگاه انسانی ما حتی از اینکه سربازان آمریکایی هم در آنجا کشته می‌شوند، خیلی ناراحت هستیم. قبلاً هم این را اعلام کرده‌ام.

گزارشگر:

آیا ممکن است سلاح‌های شما سبب شود که آن‌ها کشته شوند، شما از این ناراحت هستید؟

رئیس‌جمهور:

من دیدم که آقای بوش بعضی چیزها و عکسها را به تلویزیون آورد و گفت مردم و دولت ایران دارند در عراق ناامنی ایجاد می‌کنند. وقتی من آن‌ها را دیدم، خیلی متأسف شدم. چطور ممکن است دولتی با چنین اسناد غیر معتبری چنین تصمیمات بزرگی بگیرد؟ یعنی ۱۶۰ هزار نیروی ارتش آمریکا و عراق در آنجا با چند تا تفنگ و مواد منفجره که معلوم نیست از کجا آمده، زمین گیر می‌شود؟ اشتباه است. ما نیازی به این کارها نداریم. نفوذ فرهنگی ما در عراق بسیار زیاد است، چون ما با هم دوست هستیم. هر یک نفری که در عراق کشته

می‌شود، انگار یک ایرانی کشته شده است. برای اینکه مردم ما با هم فامیل هستند. در ایران هم همین‌طور است. در ایران هم اگر یک ایرانی کشته شود، عراقیها احساس ناراحتی می‌کنند. ما چه نیازی به این داریم؟ وقتی همه مسئولین عراقی رابطه خوبی با ما دارند، ما چه نیازی به ناامنی در عراق داریم؟ ما اصلاً در کجا ناامنی ایجاد کرده‌ایم که در عراق بکنیم؟

گزارشگر:

فرض کنید مذاکراتی بین شما و رئیس‌جمهور فعلی یا آینده آمریکا صورت گیرد، در مورد آینده عراق چه مذاکره‌ای خواهید کرد؟

رئیس‌جمهور:

آینده عراق مربوط به مردم و دولت عراق است، ولی ما توصیه می‌کنیم و حاضریم کمک فکری بدهیم که ارتش آمریکا بتواند از عراق خارج شود و کار را به دست دولت قانونی عراق بسپرد. ما آمادگی کمک داریم. ما فکر می‌کنیم مسئولین آمریکایی درک درستی از شرایط خاورمیانه ندارند.

گزارشگر:

چه را درک نمی‌کنند؟

رئیس‌جمهور:

خیلی چیزها را؛ یکی اینکه اصلاً برای مردم آنجا احترام قائل نیستند، شرایط روحی و فرهنگی آن مردم را نمی‌دانند. سابقه مردم عراق را نمی‌شناسند، اگر می‌شناختند، حتماً با این ترتیب وارد عراق نمی‌شدند، یا بعد از سقوط صدام بلافاصله بیرون می‌رفتند، برای اینکه مردم عراق به لحاظ تاریخی به شدت ضد بیگانه و اشغالگرند.

گزارشگر:

شما می‌دانید که چگونه جنگ ایجاد شد و مشکلات و عواقب آن چه بود، این صحبت‌هایی که شما می‌کنید، در آمریکا هم زیاد زده شده، اما فکر می‌کنید که نتیجه مثبتی حاصل شود از مذاکره با آمریکا؟

رئیس جمهور:

ما فکر می‌کنیم اگر قصد مذاکره کنندگان اصلاح باشد، بله، چرا نمی‌شود. اما اگر قصد از مذاکره تسلط و فریب باشد، نه. اما اگر هدف اصلاح و درست کردن وضع و کمک به ملتها باشد، مذاکره مفید است.

گزارشگر:

می‌خواهید مذاکره صورت گیرد؟

رئیس جمهور:

اگر شرایط عادلانه باشد، بله.

گزارشگر:

و شما آماده‌اید که وارد این مذاکره شوید؟

رئیس جمهور:

ما که در مورد عراق چند بار مذاکره کردیم.

گزارشگر:

سفیر ما می‌گوید که مذاکرات عراق به جایی نرسید.

رئیس جمهور:

من فکر می‌کنم در دولت آمریکا اراده‌ای برای استفاده خوب از مذاکرات نبود. پیشنهادهای ما پیشنهادهای بسیار خوبی بود.

گزارشگر:

کدام پیشنهادها؟

رئیس جمهور:

ما گفتیم کمیته‌ای سه جانبه برای کمک به امنیت عراق و مبارزه با تروریسم ایجاد شود که پیشنهادهای خیلی خوبی بود، ولی دولتمردان آمریکا این فرصت را از دست دادند.

گزارشگر:

شما خیلی برای آمریکاییها جالب هستید. این سرفصل یک روزنامه آمریکایی است که می‌گوید خود ایرانیها نمی‌فهمند چرا آمریکا این قدر روی آقای احمدی‌نژاد تمرکز کرده است. شما دقیقاً می‌دانید چطور سرنخ را در دست خود بگیرید و حواس ما را به سمت خود بکشانید.

رئیس جمهور:

این هم از همان اشتباهات است. ما با همه ملتها از جمله مردم آمریکا دوست هستیم. ما هیچ دشمنی با هیچ ملتی نداریم. ما دوستدار همه ملتها هستیم.

من دیدگاههای خودم را مطرح می‌کنم، اگر با استقبال مردم آمریکا مواجه می‌شود، به خاطر این است که حرف درستی است. البته مسئولین آمریکایی حساسیت بی‌جهت نشان می‌دهند. آن‌ها باید حرفهای درست را هم گوش بدهند و ظرفیت شنیدن حرفها را پیدا کنند.

گزارشگر:

نیویورک تایمز امروز چنین می‌نویسد: با توجه به گفته‌های تحریک‌آمیز شما در مورد هولوکاست و حذف اسرائیل، اروپا و آمریکا هنوز نمی‌دانند چطور باید

با احمدی‌نژاد رفتار کنند، با جلوه دادن ایشان به عنوان فردی بد، سبب شده که موقعیت ایشان در ایران و منطقه بالا برود، وقتی که خود او از نظر سیاسی بسیار ایزوله شده‌است، به خاطر اینکه روشهای منفرد خود و سیاستهای اقتصادی بی‌ثمر را دارید، به گفته متخصصین ایرانی.

رئیس جمهور:

در مورد ایرانها اجازه بدهید خود من قضاوت کنم. بالاخره من با این مردم زندگی می‌کنم.

گزارشگر:

ایرانها این را می‌گویند.

رئیس جمهور:

نیویورک تایمز حرف خودش را زده است. من با مردم ایران زندگی می‌کنم، اما اجازه بدهید مطالبی را به شما بگویم. در همین جا تناقض است. از یک طرف می‌گویند موقعیت ایران در منطقه و جهان بالا رفته است، دو جمله بعد می‌گویند که ایران منزوی شده است. کدام یک را بپذیریم؟ بالاخره موقعیت ما بالا رفته است یا ایزوله شده‌ایم؟ مگر هر دوی این‌ها می‌شود؟ من فکر می‌کنم نویسنده درک درستی از وضعیت ایران و منطقه نداشته است.

گزارشگر:

پس شما بفرمایید که واقعیت چیست؟

رئیس جمهور:

حرفهایی که ما می‌زنیم، حرفهای واقعی و حقیقی است. من از شما سؤال می‌کنم که آیا همه آمریکا و اروپا در رژیم صهیونیستی خلاصه

می‌شود؟ چرا بعضی خیال می‌کنند همه مردم آمریکا و اروپا....

گزارشگر:

همه در غرب از حق اسرائیل برای بودن و در صلح زندگی کردن حمایت می‌کنند و نیز از حق فلسطینیها برای اینکه دولت خود را داشته باشند.

رئیس جمهور:

اما من نمی‌بینم، این روزنامه‌ها را ببینید. این همه به مردم فلسطین حمله می‌شود. زنها و بچه‌ها در خانه‌های خودشان کشته می‌شوند و شخصیت‌های فلسطینی ترور می‌شوند، سرزمین آن‌ها اشغال می‌شود، اما عکس العمل روزنامه‌ها و سیاستمداران آمریکایی کجاست؟

ممکن است شما هم این اعتقاد را داشته باشید، البته من معتقدم مردم آمریکا هم مردم خوبی هستند، اما قطعاً این رسانه‌ها و دولتمردان آمریکایی حرف مردم آمریکا را منعکس نمی‌کنند. برای اینکه ما می‌بینیم همه توان خودشان را فقط برای دفاع از صهیونیستها گذاشته‌اند.

گزارشگر:

آمریکا احساس‌های عمیقی در رابطه‌اش با اسرائیل به عنوان یک دموکراسی در خاورمیانه دارد. ما باید متوجه باشیم که این رابطه بین آن‌ها و ما هست.

رئیس جمهور:

بله، بین سیاستمداران اینجا من می‌دانم که هست، ولی مردم آمریکا چه؟ مردم آمریکا چرا باید هزینه‌های رژیم صهیونیستی را بدهند؟ آنجا ترور می‌شود، آدم کشته می‌شود، بچه‌ها کشته می‌شوند، آیا مردم آمریکا از این‌ها اطلاع دارند و راضی هستند؟ هرگز. مردم اروپا هم قبول ندارند. اصلاً رژیم صهیونیستی یک پدیده سیاسی است.

گزارشگر:

شما می‌دانید مطبوعات ما اینجا آزاد است. من می‌خواهم این داستان را که راجع به شماست، ادامه بدهم. حتی یک بلوک کوچکی در پارلمان زمانی طرف آقای احمدی‌نژاد بودند، حتی آن‌ها هم دیگر دستشان را بالا برده‌اند. شاید خودتان هم متعجب بشوید، یکی از نماینده‌های محافظه‌کار گفت من به ایشان رأی دادم، از صحبتشان خوشم آمد، اما شما نمی‌توانید براساس سیاستهای شخصی دولت را بچرخانید و باید با دیگران مشورت بکنید. در خود کشورتان دارند این طور از شما انتقاد می‌کنند.

رئیس جمهور:

شما الان ناراحت من یا ناراحت مردم ایران یا ناراحت رژیم صهیونیستی و مردم آمریکا هستید؟ اجازه بدهید، ما با مردم خودمان بلد هستیم چگونه رفتار کنیم.

گزارشگر:

من می‌خواهم بدانم شما کی هستید، از کجا می‌آید و آینده سیاسی خودتان را چطور می‌بینید؟

رئیس جمهور:

من یک ایرانی و معلم دانشگاه هستم و آینده سیاسی و اقتصادی ایران را هم بسیار درخشان می‌بینم. می‌بینیم که ایران هر روز در حال پیشرفت در همه زمینه‌هاست.

اما سؤال من این است که چرا بعضی از دولتمردان سرنوشت مردم آمریکا را به رژیم صهیونیستی گره می‌زنند؟ اصلاً این رژیم، رژیمی سیاسی است.

گزارشگر:

چرا شما می‌خواهید راجع به صهیونیستها صحبت کنید؟ ما می‌دانیم که موضع شما در مورد اسرائیل چیست؟

رئیس جمهور:

موضع ما چیست؟

گزارشگر:

این کار را می‌کنید و می‌خواهید این حرف را وسط بکشانید، چرا؟

رئیس جمهور:

شما فکر می‌کنید چرا راجع به آنها صحبت می‌کنم؟ فکر می‌کنید مسئله فلسطین مسئله مهمی نیست؟ آیا در منطقه ما تأثیر نمی‌گذارد؟ آیا امنیت منطقه ما را به خطر نینداخته؟ آیا صهیونیستها نگفته‌اند که می‌خواهند از نیل تا فرات را تصرف کنیم؟ آیا صهیونیستها تا حالا بارها و بارها ایران را تهدید به حمله نظامی نکرده‌اند؟ آیا به لبنان حمله نکرده‌اند؟

گزارشگر:

من نمی‌خواهم وارد منازعه با شما بشوم، اما پیشنهاد می‌کنم این منازعه را با آمریکا و اسرائیلیها داشته باشید. شما این قدرت را دارید و آنها هم این قدرت را دارند؛ شما این ظرفیت را دارید که وارد منازعه با آنها بشوید و شما این ظرفیت را دارید که کاری بکنید. این سؤالها را از من نپرسید، خودتان یک کاری بکنید.

رئیس جمهور:

من که دارم نظراتم را می‌گویم. ما هم برای فلسطین و هم برای عراق راه حل داریم که به نفع همه و راه‌حل انسانی است. ما می‌گوییم اجازه

بدهید مردم فلسطین خودشان انتخاب کنند. شصت سال نزاع به خاطر آن است.

گزارشگر:

پس چرا شما از برنامه صلح پادشاه عربستان سعودی در مورد فلسطین حمایت نمی کنید؟ ایشان می گویند که برگردیم به مرزهای سال ۱۹۶۷ میلادی، قبل از اشغال سرزمینهای اضافی اسرائیل و اسرائیل را به رسمیت بشناسیم و حقوق مردم فلسطین را به آن‌ها بدهیم و چرا شما آماده نیستید آن کاری که برادران عرب شما می خواهند انجام بدهند، در مورد فلسطین، انجام بدهید؟

رئیس جمهور:

ما از هر تلاشی که برای صلح پایدار انجام بشود، حمایت می کنیم. شصت سال است که طرحهای گوناگون داده شده است، اما مسئله حل نشده است. برای اینکه راه حلها، راه حلهای بنیادی نیست و فکر می کنیم که باید راه حل اساسی بدهیم. ما همان چیزی که دولت آمریکا ادعا می کند پیشنهاد می دهیم. ما می گوئیم اجازه بدهید مردم فلسطین خودشان برای آینده خود تصمیم بگیرند.

گزارشگر:

وقتی من می گویم برادران، منظورم به طور کلی برادران مسلمان است. می دانم که ملت شما عرب نیست.

اما الان یک پیشنهادی شده است. چرا شما از همین طرح آقای عبدالله حمایت نمی کنید؟ حماس را بیاورید سر میز مذاکره تا راه حلی پیدا شود. شما مشکل نباشید، راه حل باشید.

رئیس جمهور:

یعنی شما از من می‌خواهید که نظریات خودمان را بر مردم فلسطین
تحمیل کنیم؟

گزارشگر:

نه، از طرح عربستان سعودی حمایت کنید.

رئیس جمهور:

من می‌گویم از هر طرحی که منجر به صلح پایدار بشود، حمایت
می‌کنیم. شصت سال است که طرح‌های متعددی داده شده و هیچ کدام
مشکل را حل نکرده. اجازه بدهید مردم فلسطین خودشان تصمیم بگیرند.
این راه حل انسانی و منطبق بر منشور سازمان ملل متحد است.

گزارشگر:

شما آماده هستید که اسرائیل را به رسمیت بشناسید و نیز برگشت به مرزهای
سال ۱۹۶۷ را، اگر طرح صلحی بین همه باشد و فلسطینیها هم کشور خودشان
را داشته باشند؟

رئیس جمهور:

ما حق ملت فلسطین را به رسمیت می‌شناسیم و هر تصمیمی که ملت
فلسطین بگیرد، برای ما محترم است.

حرف ما این است که اجازه بدهید مردم فلسطین تصمیم بگیرند. چرا
دولت آمریکا یا اروپا یا ما باید چیزی را به آنها تحمیل کنیم؟ اجازه بدهیم
خودشان تصمیم بگیرند. آیا دولتمردان آمریکایی حاضرند که تصمیم مردم
فلسطین را بپذیرند؟ اصلاً این ظرفیت را دارند؟ این یک سؤال جدی
است.

گزارشگر:

بله، یک سؤال جدی است و من فقط دارم می‌پرسم چرا شما از طرحهای همسایه‌های عربتان حمایت نمی‌کنید؟ نگران کارهای آمریکا نباشید. آن‌ها هم به اندازه شما در راه حلی برای فلسطینیها منافع دارند. درست است یا نه؟

رئیس جمهور:

ببینید، ما یک پدیده واقعی داریم و کسانی که دارند در آنجا دخالت می‌کنند. ما می‌گوییم همه کنار بروند و اجازه بدهند مردم فلسطین تصمیم بگیرند. اینکه بهترین چیز است؛ نه منافع آمریکا، نه منافع اروپا، نه منافع ایران و دیگران باشد؛ بلکه منافع مردم فلسطین باشد. ما فکر می‌کنیم که آن‌ها خودشان می‌توانند تشخیص بدهند چه به نفعشان است.

این پیشنهاد خیلی روشنی است. چرا با آن مخالفت می‌کنند؟ اجازه بدهند مردم فلسطین در یک انتخاب آزاد سرنوشت خودشان را تعیین کنند. اینکه خیلی چیز خوبی است. چرا با این مخالفت می‌شود؟ من نمی‌دانم چرا؟

گزارشگر:

این سؤال مطرح است که چرا شما با طرحهای عربها مخالفت می‌کنید؟

رئیس جمهور:

برای اینکه حق برای مردم فلسطین است، نه برای ما یا دولت آمریکا یا دیگران. مردم فلسطین باید تصمیم بگیرند. چرا ما باید تصمیم بگیریم؟ این دخالت در امور مردم فلسطین است و خوب نیست که عده‌ای برای مردم فلسطین تصمیم بگیرند. بر کدام قواعد بین الملل استوار است که دیگران برای آن‌ها تصمیم بگیرند؟

گزارشگر:

نقش شما الان در فلسطین برای ارتقای صلح چیست؟ آیا نقش مثبتی ایفا می‌کنید یا منفی؟

رئیس جمهور:

نقش ما همین است که می‌گوییم آمریکا و اروپا و همه کنار برویم، اجازه بدهیم مردم فلسطین تصمیم بگیرند.

گزارشگر:

آیا آماده‌اید از فتح حمایت کنید، همان قدر که از حماس حمایت می‌کنید؟
رئیس جمهور:

رابطه ما با همه گروه‌های فلسطینی رابطه خوبی است. الان سفیر فتح در تهران است و با ما رابطه خوبی دارد و ما آن‌ها را به همکاری و همفکری با هم تشویق می‌کنیم.

ما حق ملت فلسطین را به رسمیت می‌شناسیم. ما می‌گوییم این ادبیات سیاسی باید عوض شود. دیگران نباید در سرنوشت ملتها دخالت کنند و این حرف خیلی روشنی است.

گزارشگر:

من می‌خواهم به این مقاله نیویورک تایمز برگردم که می‌گوید: مردم می‌گویند ما باید درباره آزادیها و ایدئولوژی داخل ایران صحبت کنیم، به جای تمرکز بر رئیس جمهوری. آنچه در ایران مهم است، ایدئولوژی جمهوری اسلامی است. طبق گفته سیاستمداران و تحلیلگران سیاسی بعد از اینکه شاه قدرت را از دست داد، در ایران گروهی ایجاد شد که برای مردم تعیین تکلیف می‌کند مثل شورای نگهبان. بنابراین با این ایدئولوژی جمهوری اسلامی اصلاً جایی برای مذاکره با

شما می‌ماند؟

رئیس جمهور:

ببینید، اشکال دولتمردان آمریکایی این است که نمی‌خواهند ایدئولوژی انقلاب را بشناسند.

گزارشگر:

شما به ما بگویید چرا؟

رئیس جمهور:

آیا در آمریکا و بین دولتمردان گوش شنوایی است؟ من دیدم حتی رئیس دانشگاه کلمبیا را تحت فشار قرار دادند که چرا از احمدی‌نژاد دعوت کردید؟ دانشگاه که باید مرکز آزادی اندیشه باشد. بعضی شبکه‌های دولتی را دیدم که دائم دارند تشدید تنش می‌کنند و می‌خواهند فضایی درست کنند که اصلاً صدای احمدی‌نژاد به مردم نرسد و من دیدم که گفتند اصلاً نباید به او گوش داد.

اما ایدئولوژی انقلاب می‌گوید که همه حرفها را باید گوش داد و به همین خاطر ما همه حرفها را گوش می‌دهیم.

گزارشگر:

واقعیت این است، شما در دانشگاه کلمبیا امروز صحبت خواهید کرد. شما می‌دانید که چرا این قدر خصومت در مورد شما هست. به خاطر گفته‌های تحریک آمیز شما در گذشته، اما به هر حال شما امروز صحبت خواهید کرد.

رئیس جمهور:

من فکر می‌کنم آنهایی که خیلی خودخواه هستند، اصلاً نمی‌پسندند که دیگران بتوانند حرفشان را بزنند. من چه گفتم؟ من راجع به فلسطین دو

سؤال مطرح کردم. بعضی از رسانه‌های آمریکایی وابسته به دولت گوش فلک را کر کرده‌اند. دو سؤال خیلی روشن مطرح کردم، پاسخ بدهند. سؤال و پرسشگری که آزاد است. من یک معلم هستم و چیزی در اختیار ندارم. سؤال می‌کنم.

ایدئولوژی انقلاب ما می‌گوید که همه انسانها از هر رنگ، نژاد، ملیت و دینی که باشند، محترم‌اند و به همین خاطر شما می‌بینید که در ایران مسیحی، یهودی و مسلمان با هم زندگی می‌کنند.

ایدئولوژی ما می‌گوید که مردم حق دارند انتخاب کنند. بیست و نه سال است مردم در ایران انتخاب می‌کنند. من تعجب می‌کنم از این حرفهایی که اینجا نوشته شده است. ما تنها کشوری هستیم که رهبر، رئیس‌جمهور، نمایندگان، شوراها و شهرداریها توسط مردم انتخاب می‌شوند. همین مردمی که گزارشگر نیویورک تایمز سعی کرده به نمایندگی از آنها حرفش را بزند.

گزارشگر:

شما می‌دانید شورای نگهبان که تحت کنترل تندروهاست باید تمام کاندیداها را قبل از انتخابات تأیید کند.

رئیس جمهور:

من سؤال می‌کنم که در آمریکا هرکس می‌تواند کاندید ریاست جمهوری بشود؟ هرکس آزاد است؟

گزارشگر:

می‌تواند کاندید بشود، اما ممکن است تأیید نشود.

رئیس جمهور:

اصلاً نمی‌تواند بشود، برای اینکه در اینجا سلطه حزبی است و یک نفر باید از بچگی در یک حزب برود و صدمبار گزینش بشود تا بتواند کاندید بشود، و الا پولها و رسانه‌ها از او حمایت نمی‌کنند.

از شما سؤال می‌کنم که اصلاً در آمریکا رئیس‌جمهور غیر حزبی سر کار آمده؟ بدترین کنترل در آمریکاست. هرکس عضو حزب باشد رئیس‌جمهور می‌شود و گرنه نمی‌تواند.

گزارشگر:

ما کاندیداهای مستقلی داشتیم که جزء حزب نبودند. مثل شهردار نیویورک. کسی نباید آن‌ها را تأیید کند، ولی می‌توانند کاندید بشوند.

رئیس‌جمهور:

زمانی می‌شود حرف شما را پذیرفت که حداقل یک رئیس‌جمهور مستقل و آزاد آمده باشد، الان نیامده، برای اینکه دیکتاتوری حزبی است. اما در ایران قانون است. شورای نگهبان را هم همان مردم به قانون اساسی رأی داده‌اند و بعد از تصمیم شورای نگهبان همین مردم رأی می‌دهند.

اگر مردم علاقه نداشته باشند رأی نمی‌دهند، اما همین مردم ۸۰ درصد رأی دادند. شما می‌دانید ایران یکی از بالاترین معیارهای دموکراسی را به نمایش گذاشته است. مشکل دولت آمریکا هم همین است که ایران به لحاظ دموکراسی بسیار پیشرفته است و آمریکا از دولتهای دیکتاتوری حمایت می‌کند و دچار تناقض شده است.

گزارشگر:

ولی شما رأی آوردید و انتخاب شدید و توانستید از آقای رفسنجانی که همه می‌شناختند، بپرید و ایشان را بیشتر از شما می‌شناختند.

رئیس جمهور:

بله، برای اینکه مردم ما آزاد هستند و کسی نمی‌تواند به مردم ما تحمیل کند، حتی هیچ حزبی. مردم ما آزادند. حرفهای من را شنیدند و رأی دادند. این بهترین نوع آزادی و دموکراسی است.

گزارشگر:

دوباره خودتان را کاندیدای ریاست جمهوری می‌کنید؟

رئیس جمهور:

هنوز دو سال مانده. نظر شما چیست؟

گزارشگر:

بله فکر می‌کنم که شما خودتان را کاندید می‌کنید. خیلی فکر می‌کنند تحریک‌آمیزترین حرفهایی که شما زدید، به خاطر داخل ایران است. از ایرانیها می‌خواهید که به نوعی به حرفهای شما گوش بدهند، نه مردم جهان.

رئیس جمهور:

من فکر می‌کنم همه آزاد هستند هر جور که دوست دارند فکر کنند. چرا باید راجع به دیدگاههای دیگران اظهار نظر کنم. آزادند این جور فکر کنند، اشکالی ندارد.

گزارشگر:

می‌خواهم راجع به مسائل داخلی ایران صحبت کنم. به شما در اینجا فرصت داده شد که نظرهای خود را بگویید. الان نهضت اصلاحات در ایران که در گذشته آقای خاتمی نماینده آن بودند، چقدر قوی است؟

رئیس جمهور:

آن اصلاحاتی که شما برداشت می‌کنید، با آنچه مردم ایران برداشت می‌کنند، دو چیز کاملاً متفاوت است. اصل انقلاب ما بزرگ‌ترین اصلاحات بود. یک حکومت دیکتاتوری وابسته به دیگران رفت و یک حکومت مستقل مردمی، آزادی، حق انتخاب، آزادی بیان و حق اندیشه، حق پیشرفت و همبستگی ملی آمد. امروز ملت ایران ملتی بسیار پر نشاط و رو به پیشرفت است.

بگذارید مطلبی را به شما بگویم. قبل از انقلاب یک حکومت وابسته به دولت آمریکا در ایران روی کار بود، اما کشور ما در فقر مطلق بود و شخصیت آن تحقیر می‌شد، استقلالش مخدوش و منابع آن در اختیار دیگران بود، زندانهای آن پر از زندانی و شکنجه‌گاه بود؛ اما الان ملت تصمیم می‌گیرد و در همهٔ صحنه‌ها حضور دارد. ملت ایران عزم جدی برای پیشرفت دارد و هر روز اخبار پیشرفتهای علمی، صنعتی و اجتماعی ایران را می‌شنوید.

گزارشگر:

آمریکا به عنوان یک ملت در جهان می‌تواند در موقعیتی باشد که به ایران کمک کند تا ایران جزئی از جامعهٔ جهانی بشود. انگار نمی‌خواهید این امکان را اصلاً در نظر بگیرید و بنابراین با آمریکا به جای اینکه با هم کار کنید، مناقشه دارید و مشکل همین جاست.

رئیس جمهور:

این حرف شما دو قسمت است. اینکه ما می‌خواهیم با همهٔ ملتها دوست باشیم و همکاری بکنیم، حرف درستی است و مطمئن هستم که ملت آمریکا هم همین احساس را دارد، اما اینکه ما انتظار داشته باشیم دولت آمریکا بخواهد ما را وارد جامعهٔ جهانی کند، این همان اشتباهی

است که دولتمردان آمریکا مرتکب می‌شوند. ما یک ملت بزرگ و دارای روابط تاریخی با همه ملت‌ها هستیم. هزاران سال رابطه تاریخی با ملت‌ها داریم. هر جای دنیا بروید، فرهنگ، نام و ملت ایران مطرح است. در همین آمریکا الان هزاران دانشمند ایرانی هستند که کار می‌کنند و به جامعه بشری خدمت می‌کنند. ایران نیاز ندارد که دولت آمریکا او را وارد جامعه جهانی بکند، ایران در جامعه جهانی هست، اما رابطه دوستانه بین ملت‌ها را قبول دارم.

گزارشگر:

نه اینکه آمریکا به شما اجازه بدهد، بلکه با هم از طریق گفتگو می‌توانید از این اختلافات ممانعت کنید و کنار بگذاریم و در منطقه کار مثبت انجام دهیم.

رئیس جمهور:

این نظر انسانی خوبی است و من قبول دارم، ولی می‌شود از دولت آمریکا پرسید چرا از صدام علیه ما حمایت کرد؟ چرا تروریست‌هایی که مسئولین و مردم ما را ترور کردند، الان در عراق تحت حمایت آمریکا هستند و در آمریکا آزادانه فعالیت می‌کنند؟ چرا دولت آمریکا در مقابل پیشرفت مردم ما مقاومت می‌کند؟ این کارها را نکند، زمینه فراهم می‌شود.

گزارشگر:

دقیقاً چه کار می‌کنند که شما می‌خواهید نکنند؟

رئیس جمهور:

برای شما مثال زدیم. همین الان در قضیه هسته‌ای، واقعاً دولت آمریکا لجبازی می‌کند. آژانس گزارش می‌دهد که فعالیتهای ایران صلح آمیز است،

اما دولت آمریکا می گوید ایران حق ندارد، چرا؟
مردم ما این ها را می بینند. مردم می بینند کسانی که فرزندان آن ها را در
خیابانها کشتند، تحت حمایت دولت آمریکا در عراق هستند. مردم می بینند
که رئیس جمهور آمریکا به آن ها توهین می کند. چرا توهین می کند؟

گزارشگر:

ولی شما از مردمی که به دولت آمریکا حمله کردند و سازمانهای تروریستی،
حمایت کردید.

رئیس جمهور:

ما از کدام سازمان تروریستی حمایت کردیم؟

گزارشگر:

در توصیفی که آمریکا از این سازمانها دارد، به گفته آمریکا حزب الله یکی
از آنهاست.

رئیس جمهور:

اجازه بدهید من به شما بگویم. در افغانستان جریان تروریست را چه
کسی راه انداخت؟ همه می دانند که سازمانهای اطلاعاتی آمریکا پشت
قضیه است. ما مخالف بودیم. همین الان ما با جریان تروریستی که وارد
عراق می شود، مخالفیم.

گزارشگر:

کدام تروریسم؟ القاعده یا طالبان را می گوید؟

رئیس جمهور:

تمام گروههای تروریسم، علیه بشریت اند. ما با همه آن ها مخالف بودیم.

چه کسی این‌ها را راه انداخت؟ من از شما سؤال می‌کنم، آیا حزب الله خارج از لبنان کاری انجام داده؟ حزب الله از سرزمین خودش دفاع می‌کند و این حقی است که منشور ملل متحد به آن‌ها داده‌است.

گزارشگر:

کدام سرزمین؟ حزب الله کجاست؟

رئیس جمهور:

حزب الله در مجلس و دولت لبنان حضور دارد و گروهی شناخته شده است.

گزارشگر:

اما آن‌ها سلاحهایشان را تحویل ندادند.

رئیس جمهور:

این به عهده ملت لبنان است و به ما مربوط نیست.

گزارشگر:

اما به نفع مردم لبنان نیست.

رئیس جمهور:

ما نباید تشخیص بدهیم. اجازه بدهید مردم لبنان تشخیص بدهند. چرا ما خیال می‌کنیم منافع ملت لبنان را بهتر از ملت لبنان تشخیص می‌دهیم؟ این چیز بدی است. به ملت لبنان اجازه بدهیم خودش تصمیم بگیرد. اما سؤال این است، منشور ملل متحد به همه ملتها اجازه می‌دهد در مقابل اشغالگری و تجاوز مقاومت کنند. سؤال این است که حزب الله کجاست؟ در لبنان. رژیم صهیونیستی کجا بود؟ در بیروت و جنوب لبنان.

ما باید به ملت لبنان حق بدهیم.

گزارشگر:

آن‌ها از لبنان عقب نشینی کردند.

رئیس جمهور:

سال گذشته همین موقع کدام شهرها تحت بمباران هواپیماهای رژیم صهیونیستی بود؟

گزارشگر:

هر دو داشتند به هم حمله می‌کردند. حزب الله هم داشت به آن‌ها حمله می‌کرد.

رئیس جمهور:

چه کسانی ۳۳ روز قطعنامهٔ آتش بس را عقب انداختند و چرا؟ چه کسانی گفتند ما خاورمیانهٔ جدید می‌خواهیم؟ چه کسانی گفتند ما می‌خواهیم نقشهٔ سیاسی خاورمیانه را به هم بزنییم و چرا؟

این‌ها توهین به ملت‌های خاورمیانه است. وزیر خارجه آمریکا می‌آید پشت تلویزیون می‌گوید ما می‌خواهیم خاورمیانهٔ جدید درست بکنیم، نقشهٔ سیاسی را به هم بزنییم و... مردم می‌گویند شما چه کاره هستید؟ حرف‌ها این‌هاست خیلی روشن است. من فکر می‌کنم اگر دولتمردان آمریکا همین حرف‌ها را متوجه بشوند، مشکل حل می‌شود.

ما علاقه‌مند به همکاری هستیم. ما الان با ۱۸۰ کشور دنیا روابط بسیار خوبی داریم و ما مشکلی نداریم و حتی با کشورهای اروپایی روابط بسیار خوبی داریم. قراردادهای وسیع اقتصادی داریم و بیش از صد میلیارد دلار در سال رابطهٔ اقتصادی با کشور اروپایی داریم و مشکلی نداریم.

می تواند با آمریکا هم همین باشد. آمریکا خودش خود را تحریم کرده است. اشتباه می کنند. باید دوست ملت ایران باشند و ادیبانشان را با ملت ایران اصلاح کنند و به ملت ایران و حق انتخاب مردم احترام بگذارند، درست می شود.

گزارشگر:

دوباره می خواهم به مسئله هسته ای برگردم. فکر می کنید تحریمهای بیشتری از جانب شورای امنیت صورت بگیرد؟

رئیس جمهور:

من احتمال نمی دهم، برای اینکه دلیلی برای آن نیست. برای چه؟

گزارشگر:

برای اینکه روسها و چینها ممکن است از این تحریم ممانعت کنند؟

رئیس جمهور:

نه، ما عضو آژانس هستیم و طبق اساسنامه آژانس حق داریم چرخه سوخت را داشته باشیم. آنها هم طبق قانون عمل می کنند.

گزارشگر:

ما می دانیم اگر شما واقعاً می خواستید که سلاح هسته ای صلح آمیز داشته باشید، می توانستید هر چه قدر بخواهید، بگیرید. لزومی ندارد که همسایه هایتان را بترسانید. می توانید از تحریمها خودداری بکنید. روسها خودشان پیشنهاد دادند که این ظرفیت را به شما بدهند که برنامه های صلح آمیز هسته ای داشته باشید، بدون اینکه خودتان ۵ هزار سانتریفیوژ بسازید؛ یعنی آنها این کار را برای شما انجام دهند.

رئیس جمهور:

من از شما سؤال می‌کنم. دقت کنید؛ اگر شما جای ما باشید چه می‌کنید؟ ما هم با دولت آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه و کانادا قراردادهای هسته‌ای داشتیم. برخلاف قوانین بین الملل یک طرفه قرار دادشان را لغو کردند و میلیاردها دلار به مردم ما صدمه زدند. همین نیروگاه بوشهر بیش از ۳۲ سال سابقه دارد. آلمانها شروع کردند و میلیاردها مارک از ما پول گرفتند و یک طرفه قرار داد را لغو کردند، از قدرت سیاسی خود استفاده کردند و حق ملت ما را ندادند.

همین الان دوازده سال است که ما با روسها قرار داد داریم. در دست ملت ما چیست؟ ما به چه کسی باید اعتماد کنیم؟ به کسانی که یک طرفه قراردادهایشان را لغو کردند؟ چرا؟ کدام انسان عاقلی این کار را می‌کند؟ وقتی ما خودمان توانمندی این را داریم که انرژی صلح آمیز داشته باشیم، چرا باید نیازمند دیگران باشیم؟

من قبلاً گفته‌ام، ما حاضریم تضمین بدهیم که نفت اروپا را تأمین کنیم، آن‌ها هم دنبال انرژی هسته‌ای نروند. چرا آن‌ها دنبال انرژی هسته‌ای هستند؟ برای اینکه این انرژی مورد نیاز همگان است. همه باید استفاده کنند. انرژی پاک است و به نفع محیط زیست است. چرا عده خاصی استفاده کنند و بقیه ملت‌ها استفاده نکنند؟

آیا شما دوست دارید آمریکا برای نیازمندیهای خودش دستش را مقابل دیگران دراز بکند، در حالی که خودش می‌تواند تأمین کند؟ چرا از ملت ما انتظار هست که چیزی را که خودش می‌تواند درست کند، درست نکند و دستش را جلوی دیگرانی دراز کند که قرار دادهایشان را یک طرفه لغو می‌کنند.

این چیز خوبی نیست. کدام قانون این را تجویز می‌کند؟ ما می‌گوییم

حق اگر هست، برای همه. ما عضو آژانس هستیم. ما ملتی هستیم که به هیچ کشوری تجاوز نکرده‌ایم، اما مورد تجاوز قرار گرفته‌ایم. ما هیچ وقت برای کسی خطر نبوده‌ایم و دوست همه هستیم. شما دیدید دو سال قبل طوفان کاترینا آمد، من پیام دادم که حاضریم به مردم آسیب دیده کمک کنیم؛ برای اینکه ما دوست همه ملت‌ها هستیم. ما هیچ وقت دشمن کسی نیستیم.

گزارشگر:

هیچ کس مخالفت نمی‌کند و همه می‌خواهند برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز داشته باشید اما نگرانی اینجاست که اگر شما سلاح هسته‌ای داشته باشید، ممکن است همه در آن منطقه سلاح هسته‌ای بخواهند. پاکستان و اسرائیل الان دارند و اگر شما، عربستان سعودی، مصر و اردن هم بخواهند سلاح هسته‌ای داشته باشند، پس آینده NPT که خودتان آن را امضا کرده‌اید، از بین می‌رود. مشکل این است، نه اینکه از شما نگران هستند که شما از آن سلاح استفاده کنید، بلکه در واقع آینده کل منطقه به مخاطره می‌افتد و همه سلاح خواهند خواست.

رئیس جمهور:

ما بارها اعلام کرده‌ایم که اصلاً نیازی به سلاح اتمی نداریم. نه در برنامه دفاعی ما سلاح اتمی هست و نه به لحاظ اعتقادی سلاح اتمی را قبول داریم. ما اعلام کردیم که مردود است و به لحاظ سیاسی هم بی‌اثر است و فایده‌ای ندارد. اصلاً به درد نمی‌خورد.

از شما سؤال می‌کنم که آیا اتحاد جماهیر شوروی سلاح اتمی داشت یا نداشت؟ آیا سلاح اتمی مانع فروپاشی آن شد؟ رژیم صهیونیستی سلاح اتمی دارد، آیا مشککش با فلسطینیها حل شد.

دولت آمریکا سلاح هسته‌ای دارد، آیا به حل مشکلات آمریکا در عراق کمک می‌کند؟

پاکستان سلاح هسته‌ای دارد؟ آیا به حل مسائل داخلی پاکستان کمک می‌کند؟

امروز دیگر سلاح هسته‌ای در مناسبات انسانی کاربردی ندارد، بی‌تأثیر است و قابل استفاده نیست. ما توصیه می‌کنیم کسی سرمایه‌گذاری نکند. ضمن اینکه ما عضو آژانس هستیم. آژانس بر فعالیتهای ما نظارت می‌کند، اما بعضی اینجا فریبکاری می‌کنند. آن‌ها می‌گویند برای اینکه ما مطمئن باشیم که شما سلاح هسته‌ای نمی‌سازید، اصل چرخه سوخت را نداشته باشید و این فریبکاری است.

ما می‌خواهیم چرخه را داشته باشیم و سلاح هم نمی‌خواهیم و بیش‌ترین همکاری را با آژانس انجام می‌دهیم. شما بدانید سؤالی که آژانس از ما می‌پرسد، سؤالی خیلی معمولی است. اما سؤالی که از کشورهای اروپایی و آمریکا دارد، سؤالی بسیار پیچیده‌ای است. اما آن‌ها از قدرتشان استفاده می‌کنند و پاسخگو نیستند و این چیز خوبی نیست.

ایران در دنیا دارای نفوذ فرهنگی است. ایران را به عنوان یک فرهنگ می‌شناسند، نه به عنوان یک قدرت نظامی و تمام برنامه‌های نظامی ما هم حالت دفاعی دارد. ما اصلاً حالت هجومی نداریم، به همین خاطر همیشه با همسایه‌هایمان در دوستی بوده‌ایم.

صدام را هم همین کشورها تحریک کردند که علیه ما حمله کرد. ما با صدام کاری نداشتیم. دولت آمریکا و بعضی از کشورهای اروپایی از صدام حمایت کردند؛ ما که جنگی با کسی نداشتیم. وقتی صدام حمله کرد، ما حتی ارتش هم نداشتیم. ما حرفه‌ایمان را خیلی روشن می‌زنیم. بگذارید یک نکته دیگر بگویم. می‌خواهم صمیمانه با هم گفتگو کنیم.

اصلاً این روش دولت آمریکا روش غلطی است و هیچ وقت جواب نمی‌دهد. ایران سرزمین خیلی بزرگی است. اگر ایران بخواهد کاری انجام بدهد حتماً می‌تواند انجام بدهد. دلیلی ندارد ما همه تأسیساتمان را بیاوریم جلوی چشم بگذاریم. وقتی این کار را می‌کنیم، معنایش این است که ما صداقت داریم.

همه فعالیت‌های ما زیر نظر آژانس است و کارهایی را که انجام می‌دهیم از قبل اعلام می‌کنیم؛ خود من هم همه را اعلام می‌کنم. ما اجازه دادیم که خبرنگارها بیایند و از تأسیسات هسته‌ای ما بازدید کنند و آژانس مرتب در حال بازرسی است. آیا دولت آمریکا اجازه داده که تأسیسات هسته‌ای‌اش مورد بازدید قرار بگیرد؟ خیر، پس چرا بمب می‌سازد؟ چرا بمب نسل پنجم می‌سازد؟ این خلاف معاهدات است.

گزارشگر:

وقتی با کاندولیزا رایس صحبت می‌کنید این را مطرح کنید، اما من دو سؤال آخر را می‌خواهم مطرح کنم. آیا شما واقعاً در مورد تمام سؤالهایی که آقای البرادعی در طول سالها از شما پرسیدند، شفاف بودید؟

رئیس جمهور:

چرا نباید شفاف باشد؟ باید شفاف باشد.

گزارشگر:

آمریکاییها می‌خواهند این را باور کنند. شما به دانشگاه کلمبیا می‌روید. وقتی هاله اسفندیاری به ایران آمد شما او را به زندان بردید تا قبل از اینکه آزاد شود. متفکران دیگری هم در زندان هستند.

چرا این کار لازم است برای ملتی که این قدر پر افتخار و قدرتمند است؟

آیا این ملت بزرگ واقعاً احتیاج دارد که مخالفان خودش را به زندان بیندازد؟

رئیس جمهور:

شما می‌گویید که خانم اسفندیاری مخالف دولت ایران است؟

گزارشگر:

نه، من دارم می‌گویم ایشان یک متفکر بوده؛ خانم ۶۷ ساله‌ای که به ایران آمدند تا مادرشان را ببینند.

رئیس جمهور:

شما می‌گویید چرا مخالفین خودتان را به زندان می‌اندازید. بعد از شما سؤال می‌کنم که خانم اسفندیاری مخالف ایران است؟ شما می‌گویید که نه.

گزارشگر:

شما خیلی هوشمند هستید.

رئیس جمهور:

سؤالتان متفی است.

گزارشگر:

سؤال این است که آیا اشتباه بود که ایشان را به زندان بیندازید؟

رئیس جمهور:

ببینید، در هر سیستم حکومتی اولاً یک تقسیم کار است، در ثانی ممکن است اتفاقاتی بیفتد. آیا در آمریکا افراد زندانی نمی‌شوند؟ طبق قانون زندانی می‌شوند یا غیر قانونی؟ اگر قانونی زندانی می‌شود، خب قانونی است دیگر.

بررسی می‌کنند، اگر کسی خطاکار بود، مجازات می‌شود، و اگر خطاکار نبود، آزاد می‌شود. این در همه جای دنیا اتفاق می‌افتد و این چیز خیلی مهمی نیست. البته ما آرزو داریم روزی برسد که اصلاً زندانی وجود نداشته باشد.

گزارشگر:

یعنی آزادی بیان برای هر نظر و ایده‌ای در ایران باشد؟ چون یک کشور قوی نباید نگران از ایده‌های دیگران و چالش با ایدئولوژی خود باشد.

رئیس جمهور:

اتفاقاً من همین حرف را می‌زنم و به همین خاطر می‌گویم چرا عده‌ای ناراحت هستند که ما به دعوت دانشگاه کلمبیا می‌خواهیم برویم آنجا صحبت کنیم. چرا دارند تحریک می‌کنند؟

گزارشگر:

به هر حال شما امروز صحبت می‌کنید. این اجازه داده شد.

رئیس جمهور:

وقتی تحریک و تشویق به درگیری می‌کنند، این خیلی بد است. من دیدم بعضیها کلماتی به کار بردند که خیلی خشونت آمیز بود، در صورتی که برعکس این را بایستی می‌گفتند. باید به شنیدن دعوت می‌کردند که یک رئیس جمهور می‌آید حرفش را بشنوید.

گزارشگر:

من هم دارم حرف شما را می‌شنوم.

رئیس جمهور:

اتفاقاً در ایران آزادی خیلی بالاست. الان روزنامه‌های مخالف دولت پنج برابر روزنامه‌های موافق دولت است و از کمکهای دولت هم استفاده می‌کنند، پول و یارانه می‌گیرند. دولت هم کاری به آن‌ها ندارد. به خود من انتقادهای زیادی می‌کنند. هیچ مشکلی نیست.

گزارشگر:

من همین الان بعضی از انتقادهای را برایتان خواندم.

رئیس جمهور:

دیدید که من ناراحت نشدم. در ایران آزادی خیلی بالاست. باید به فضای ایران آمد تا این را متوجه شد.

گزارشگر:

باید از شما تشکر کنم که این وقت را گذاشتید و در مورد ایران، آمریکا، اسرائیل و آینده عراق و ایده‌های خود با من صحبت کردید. واقعاً ممنونم.

رئیس جمهور:

ان شاءالله شما و همین طور مردم آمریکا موفق باشند. این مشکلات خواهند گذشت. آینده روشن در انتظار همه ملت‌هاست؛ آینده پر از صلح و برادری.

اخلاق و گزارشگر:

سیاست^۱ خیلی متشکر از اینکه با ما صحبت می کنید. تنها فردی هستید که همه بیش از دیگران این هفته در نیویورک می خواهند با شما مصاحبه کنند، چه احساسی دارید؟

رئیس جمهور:

احساس خاصی ندارم، اما خوشحالم که با دوستان زیادی ملاقات می کنم.

گزارشگر:

ما هم از این فرصت ممنون هستیم. شما می توانید در مورد اهداف سیاست خارجی ایران به ما اطلاعاتی بدهید. ممکن است لطف کنید بگویید هدف سیاست خارجی شما چیست؟

رئیس جمهور:

اهداف سیاست خارجی ما کاملاً روشن است. ما خواستار صلح و امنیت پایدار برای همه جهان هستیم و فکر می کنیم صلح و امنیت پایدار بر پایه خدایپرستی و عدالت ایجاد می شود. ما فکر می کنیم ریشه مشکلات در همین دو نکته نهفته است؛ دوری از خدایپرستی و عدالت. این دو بیاید دوستی و برادری هم برای همه می آید. ما دنبال رابطه دوستانه با همه ملتها

۱. مصاحبه با خبرنگاری AP (نیویورک) ۱۳۸۶/۷/۲

هستیم؛ رابطه‌ای که همه به هم برای پیشرفت و دوستی کمک بکنند.

گزارشگر:

شما عنوان کردید که ایران نمی‌خواهد به سمت جنگ برود، آیا دنبال تلاش برای گفت‌وگو با آمریکا هستید و این به نفع شماست؟ آیا خواهان صلح با همه همسایه‌هایتان از جمله اسرائیل هستید؟

رئیس‌جمهور:

حالا ما با رژیم صهیونیستی مستقیماً همسایه نیستیم، اما با همه همسایه‌هایمان رابطه تاریخی و دوستانه داریم.

اگر تحریک و حمایت برخی کشورهای غربی نبود، صدام به ما حمله نمی‌کرد و جنگی اتفاق نمی‌افتاد، چون رابطه ملت ما با ملت عراق دیرینه و دوستانه است. ما دنبال تنش زدایی هستیم. اصلاً موضع‌گیری‌های ما در جهت صلح است.

ما برای حل مسائل جهان راه‌های بسیار روشنی پیشنهاد دادیم؛ راه‌هایی که انسانی و مبتنی بر عدالت است. ما مخالف جنگ هستیم. ما فکر می‌کنیم مسائل جهان با گفتگو قابل حل است. به شرط اینکه طرفین گفتگو به قانون و عدالت پایبند باشند. البته ما مسئول عملکرد دیگران نیستیم. نصایحی که ما به دولتمردان آمریکایی در موضوع عراق و لبنان و فلسطین می‌کنیم دقیقاً در جهت صلح پایدار است.

ما خیلی ناراحت هستیم که هر روز انسانها کشته می‌شوند و ناامنی و نگرانی و تهدید بر مناطقی از جهان حاکم است. این شرایط بستری است برای رشد تروریسم و کینه‌ورزی، و ما مخالف این شرایط هستیم و پیشنهاد انسانی بر پایه عدالت داریم. فکر می‌کنیم مسائل را با راه‌های کم هزینه و بهتری می‌توان حل کرد.

گزارشگر:

آقای رئیس جمهور شما عنوان کردید که برنامه هسته‌ای ایران صرفاً صلح‌آمیز و در جهت تولید صلح‌آمیز برق است، ولی علی‌رغم تمام این اظهارات جناب‌عالی، بسیاری از کشورهای دیگر از جمله اعضای شورای امنیت سازمان ملل اهداف واقعی ایران را زیر سؤال می‌برند.

شما چه گامهایی می‌توانید بردارید تا این نگرانیها را کم کنید، چون تا زمانی که وضعیت حاضر ادامه پیدا بکند، به نظر می‌رسد که باز هم تحریمات بیشتر و تلاشهای بیشتری در خصوص جنگ با ایران صورت بگیرد.

رئیس جمهور:

شما می‌دانید که موضوع هسته‌ای ایران اصولاً یک موضوع سیاسی است و حقوقی نیست، چرا که آژانس به عنوان یک مرجع حقوقی، صلح‌آمیز بودن فعالیتهای ما را بارها تأیید کرده‌اند.

بنابراین، مشکل این نیست که در فعالیتهای هسته‌ای ما مشکل وجود دارد، بلکه مشکل از نوع نگاه چند کشور محدود است که اتفاقاً در اقلیت محض هم هستند. اما دارای قدرت نظامی و سیاسی هستند و نظریات خودشان را بر سازمانهای جهانی تحمیل می‌کنند. بخشهایی از دولت آمریکا و یکی دو کشور اروپایی، ولی اکثریت کشورهای دنیا حق ملت ما را به رسمیت شناختند و تأیید کردند. ضمن اینکه مرجع تشخیص فعالیتهای درست در موضع هسته‌ای آژانس بین‌المللی است و کاملاً بر فعالیتهای ما نظارت دارد.

البته رفتار آن چند کشور برای ما عجیب نیست و تازگی ندارد، برای اینکه ۲۹ سال است که با ملت ما دشمنی می‌کنند. دشمنیهای آنها برای ملت ما عادی شده و مردم ما یاد گرفته‌اند که در این شرایط زندگی و

پیشرفت کنند. البته ما از رفتار آن‌ها متأسف هستیم، برای اینکه سازمانهای جهانی را بی‌خاصیت می‌کند و اعتماد عمومی را به این سازمانها از بین می‌برند. وقتی یک یا دو کشور اراده سیاسی خودشان را بر یک سازمان حقوقی تحمیل می‌کنند، در واقع دارند کارآیی آن سازمان را از بین می‌برند. ما فکر می‌کنیم تنها راه، ادامه همکاریهای سازنده ما با آژانس است؛ چیزی که از ابتدا وجود داشته و اگر این قدرتها دخالت نکنند، مشکلی باقی نمی‌ماند.

گزارشگر:

شما مطلع هستید که آمریکا دارد آماده نوعی جنگ علیه ایران می‌شود؟

رئیس جمهور:

من چنین تلقی‌ای ندارم. من فکر می‌کنم بعضی حرفهایی که زده می‌شود، اولاً از روی عصبانیت است؛ در ثانی کاربرد انتخاباتی داخل آمریکا دارد و ثالثاً سرپوش گذاشتن بر شکستهای متوالی از ناحیه سیاستهای غلط در عراق است. ما فکر می‌کنیم یک اشتباه را با اشتباه دیگر نمی‌توان جبران کرد.

گزارشگر:

دختر من سؤالی داشتند، ایشان دبیرستانی هستند و می‌خواستند بدانند که ایران در شرایطی ممکن است به اسرائیل حمله بکند، آیا ایران احتمال دارد که حمله اول را علیه اسرائیل انجام بدهد؟

رئیس جمهور:

ایران به هیچ کشوری حمله نخواهد کرد. اصولاً حمله در استراتژی دفاعی ما جایگاهی ندارد. سازماندهی نظامی ما سازماندهی دفاعی است.

ایران کشوری است که صدها سال با همسایگان خود در صلح و دوستی زندگی کرده‌است و اصولاً هیچ‌گاه به دنبال توسعه سرزمین یا تسلط بر سایر کشورها و منافع ملتها نبوده‌است. البته ملت ایران به خوبی قادر است از خود و تمامیت ارضی کشورش دفاع کند. اما هیچ‌گاه به هیچ‌جا تجاوز نخواهد کرد. ما راه‌حلهایی هم که برای فلسطین می‌گوییم، راه‌حلهایی انسانی و صلح‌آمیز است. ما معتقدیم سرنوشت فلسطین باید به مردم فلسطین سپرده شود. به همین دلیل پیشنهاد ما یک انتخابات و همه‌پرسی آزاد است. اجازه بدهیم مردم فلسطین خودشان انتخاب کنند و همه به انتخاب مردم فلسطین متعهد باشند، آن وقت یک مشکل شصت ساله حل خواهد شد و مسئولیت به عهده ملت فلسطین است.

در مورد عراق هم نظر ما همین است. می‌گوییم اجازه بدهید اراده مردم عراق حاکم باشد. خودشان تصمیم بگیرند. این بهترین شکل زندگی دوستانه است.

گزارشگر:

ایران برنامه‌ای ندارد برای اینکه بمب بسازد؟

رئیس‌جمهور:

نه! ما برنامه برای تهاجم به هیچ‌کجا نداریم؟

گزارشگر:

خواستم روشن کنم؛ یعنی یهودیها و اعراب با هم در کشور اسرائیل و مناطق فلسطینی با هم رأی بدهند؛ یعنی یک انتخابات واحد؟ منظورتان این است؟

رئیس‌جمهور:

ببینید، تمام فلسطینیهایی که اصیل هستند چه مسلمان، چه مسیحی چه یهودی؛ آنهایی که اصالتاً فلسطینی هستند، آنها تصمیم بگیرند.

گزارشگر:

آمریکا گفته که ایران به افغانستان و شورشیان عراق سلاح می‌دهد، آیا این حقیقت دارد؟

رئیس‌جمهور:

به چه دلیل ما باید این کار را بکنیم؟ آیا سلاحهای ما موجب شکست سیاستهای آمریکاست؟ اینکه برای آمریکا خیلی بد است.

ما با افغانستان و عراق دوست هستیم. ناامنی در افغانستان و عراق به ضرر امنیت ملی ماست؛ به ضرر ماست. ما تنها کشوری هستیم که از ناامنی در افغانستان و عراق مستقیماً آسیب می‌بینیم. ضمن اینکه ملتهای ما با هم دوست قدیمی و صمیمی هستند. روابط فامیلی و رفت و آمدهای گسترده دارند. همین الان دو و نیم میلیون افغانی در ایران زندگی می‌کنند و هر سال بیش از یک میلیون افغانی تردد می‌کنند. همین الان یک میلیون عراقی در ایران زندگی می‌کنند و سالانه بیش از شش میلیون ایرانی و عراقی با هم رفت و آمد می‌کنند. بسیاری با هم ازدواج می‌کنند و فامیل هستند.

ما با هم دوست هستیم. امنیت آنها امنیت ماست و امنیت ما، امنیت آنهاست. ما با هم رقیب نیستیم. با هم دوستیم.

ما از شرایطی که در عراق و افغانستان است، به شدت ناراحت هستیم؛ از اینکه مردم در عراق کشته می‌شوند، خیلی ناراحت هستیم. حتی برای سربازان آمریکایی هم که کشته می‌شوند، متأسف هستیم. ما فکر می‌کنیم این‌ها به خاطر سیاستهای غلط است؛ کسانی که در مقابل ملت عراق

ایستاده‌اند و شکستهای خودشان را به گردن دیگران می‌اندازند. این سیاستها غلط است.

مسئله عراق خیلی راحت تر قابل حل است. احترام بگذارند به حقوق ملت عراق. دوست مردم عراق باشند. به استقلال و حق تعیین سرنوشت و رأی مردم عراق احترام بگذارند، مشکل حل می‌شود. وقتی می‌گویند عراق فقط منظورشان نفت عراق نباشد، بلکه مردم عراق هم مهم هستند. می‌دانید طی چهار سال و نیم بیش از ششصد هزار نفر کشته شدند؟ همه خانواده‌ها عزادار هستند. در حالی که شرایط می‌توانست به گونه‌ای دیگر باشد. ابتدا که ارتش آمریکا آمد و صدام رفت، مردم خوشحال شدند. اما امروز چه؟ چه کسی مقصر است؟ چه کسی سیاستهای غلط را اعمال کرد؟ چه کسی اصرار دارد زنها و بچه‌های مردم را به رگبار ببندد؟ چه کسی الان عشایر را دارد مسلح می‌کند؟ چه کسی اصرار دارد بین مردم عراق تفرقه درست کند؟

این‌ها سیاستهای خوبی نیست. مردم عراق صدها سال در دوستی با هم زندگی کرده‌اند. قادر هستند خودشان را اداره کنند. نیاز ندارند کسی در امور آن‌ها دخالت کند و به آن‌ها بگوید چه بکنند.

افغانستان هم همین طور است؛ اگر از ابتدا از تروریستها حمایت نمی‌شد، نیازی به لشکرکشی پیدا نمی‌شد. ما متأسفیم.

گزارشگر:

شما معتقد هستید آمریکا در عراق دنبال سیاستی است که بین شیعه‌ها و سنیها و کردها تفرقه بیندازد و یک سیستم فدرالی سه گانه بر آن حاکم باشد؟

رئیس‌جمهور:

من نمی‌گویم دنبال سیستم فدرالی هستند، اما اسنادی داریم که نشان

می‌دهد بخشهایی از دولت آمریکا برای کاهش مشکلات خودشان و تعمیق تسلط بر عراق دنبال ایجاد تفرقه هستند.

ما فکر می‌کنیم راه نجات سیاستهای آمریکا در عراق ادامه اشتباهات گذشته نیست، اصلاً باید راه و روش عوض شود. باید حقوق مردم عراق به رسمیت شناخته بشود و به رأی آنها احترام بگذارند. همه کمک کنند که دولت عراق بتواند کشور را اداره کند. اجازه بدهیم دولتی که برآمده از رأی مردم است، کشور را اداره بکند. کسی نباید در امور دولت عراق دخالت کند و به آن دستور دهد. یا خارج از اراده دولت عراق، درون مردم سلاح تقسیم بکند یا تفرقه ایجاد کند. اینها به هیچ کس کمک نمی‌کند و آینده روشنی را در مقابل قرار نمی‌دهد.

گزارشگر:

امروز ما خبردار شدیم که ایران مرزهایش را با عراق بسته است، این برای چیست؟ آیا به خاطر دستگیری شهروندان ایرانی توسط نظامیان آمریکایی در عراق است؟

رئیس جمهور:

نه خیر. می‌دانید سالانه چند میلیون نفر از مردم ما برای زیارت مراکز مقدس عراق می‌روند. اخیراً در اثر انفجار بمب و درگیری چند نفر از شهروندان ایرانی کشته شدند. دولت از شهروندان خواسته تا برقراری امنیت کامل از سفر زیارتی خودداری کنند، اما رفت و آمدهای کالای تجاری و سفرهای تجارتی برقرار است.

گزارشگر:

آیا ایران ارتباطی با نقاطی در سوریه که اوایل ماه گذشته توسط اسرائیل بمب باران شد، دارد؟

رئیس جمهور:

شما می دانید برای چه این کار انجام شد. چرا یک کشور مستقل بمباران شد؟

گزارشگر:

اطلاعات خیلی کمی در این مورد دارم.

رئیس جمهور:

ما فکر می کنیم این همان خوی توسعه طلبی رژیم صهیونیستی است و یک کار بدون هدف و فقط قدرت نمایی. ارتباطی هم به ایران نداشت. سوریه یک کشور مستقل است و سیاستهای خودش را دارد. البته بخشی از کشورش در اشغال است.

گزارشگر:

آقای رئیس جمهور، در مورد امکان ارتباط بین مقامهای ارشد ایرانی و آمریکایی نظر شما چیست و آیا شما معتقد هستید که این ارتباطات نتیجه ای دارد یا اینکه ایران منتظر است انتخابات ریاست جمهوری بعدی آمریکا به وقوع بپیوندد؟

رئیس جمهور:

ببینید، نگاه ما متفاوت از این است. ما می گوئیم هر یک نفر که کشته می شود، این دیگر جبران ناپذیر است. بنابراین، اگر یک نفر را بتوانیم نجات بدهیم، باید این کار را بکنیم و وقتی فرصتهای یک ملت حتی یک ثانیه از بین رفت، جبران ناپذیر است.

بنابراین نگاه ما نگاه سیاسی معمولی نیست، بلکه نگاه انسانی است. به همین دلیل در مذاکرات عراق شرکت کردیم و پیشنهادهای عملیاتی بسیار خوبی دادیم. از جمله اینکه یک کمیته سه جانبه برای توسعه امنیت در

عراق تشکیل بدهیم. اما فکر می‌کنیم موفقیت این فعالیتها نیازمند دو عامل اساسی است: جدیت و صداقت. اگر این دو باشد، نتیجه بخش خواهد بود.

گزارشگر:

آیا شما معتقد هستید که از جانب آمریکا این شرایط هست و شما آن جدیت و صداقت را در آن‌ها می‌بینید؟

رئیس جمهور:

باید منتظر بمانیم؛ امیدواریم.

گزارشگر:

یعنی منتظر رئیس‌جمهور بعدی یا انتخابات بعدی آمریکا؟

رئیس جمهور:

نه خیر. باید ببینیم از مذاکرات چگونه استفاده می‌کنند و چگونه به پیشنهادهای مثبت ایران جواب می‌دهند.

تحولات داخلی آمریکا برای ما مهم نیست. ما فکر می‌کنیم این اختیار و حق مردم آمریکاست. مردم آمریکا هستند که باید تشخیص بدهند چه بکنند. ما فکر می‌کنیم مسائل عراق راه حل انسانی سریع دارد و آماده‌ایم کمک کنیم. مهم نیست چه کسی مقابل ماست. مهم مردم عراق هستند که کشته می‌شوند.

جهان در آستانه گزارشگر:

تحول^۱ بخش عمده این سفر اختصاص به آمریکا و حضور در مجمع عمومی سازمان ملل داشت و در کنار آن نیز برنامه‌های مفصلی داشتید. یکی از این برنامه‌ها سخنرانی در دانشگاه کلمبیا بود که خیلی پر هیاهو شد.

جناب عالی به عنوان رئیس‌جمهور کشور جمهوری اسلامی ایران و نماینده ۷۰ میلیون نفر ملت ایران در این جلسه شرکت کردید و ملت و همه دنیا هم در جریان هستند که چه برخوردی از سوی آمریکاییها صورت گرفت. می‌خواهم ببینم تحلیل شما از دستاورد حضور جناب عالی در این جلسه برای ملت و کشور ما چه بوده است؟

رئیس‌جمهور:

بسم الله الرحمن الرحيم. من به ملت بزرگ ایران سلام عرض می‌کنم؛ ملت تمدن ساز و فرهنگی. چند نکته را کنار هم بگذاریم، پاسخ سؤال شما داده خواهد شد.

نکته اول اینکه هیچ ملتی جدای از سایر ملتها نمی‌تواند زندگی کند. زندگی ملتها به هم پیوند خورده و تأثیر و تأثر متقابل دارد. اصولاً بدون تأثیرگذاری مثبت بر مناسبات جهانی، شما نمی‌توانید معادلات کشور خودتان را هم به درستی حل کنید.

۱. مصاحبه با شبکه خبر سیمای جمهوری اسلامی ایران. این مصاحبه در مسیر بازگشت رئیس‌جمهور از سفر آمریکا و در تاریخ ۱۳۸۶/۷/۶ انجام پذیرفت.

فرض کنید حتی اگر نگاه ما اقتصادی باشد، اگر بر مناسبات اقتصادی جهان تأثیرگذاری مثبت و متناسب با آرمانها و خواسته‌های خودتان نگذارید، نمی‌توانید اقتصاد خود را بسازید. این جریان دو سویه است و شما نمی‌توانید یک طرفه کار خود را جلو ببرید، مگر اینکه فراتر از اقتصاد ملی، در اقتصاد جهانی تأثیرگذاری کنید که بعد تعامل اقتصاد شما با اقتصاد جهانی مجموعاً در جهت مثبتی قرار گیرد.

همین بحث در موضوع سیاسی است که شما باید بتوانید تأثیرگذاری درستی بر محیط سیاسی جهان بگذارید تا بتوانید امنیت ملی و منافع ملی خودتان را حفظ کنید. در بخش فرهنگ هم همین است. این نکته اول. نکته دوم اینکه اعتقاد ما این است که اساس مناسبات و تعاملات جهانی باید بر بستری از فرهنگ متعالی شکل بگیرد، والا روحیه برتری‌جویی، زیاده‌خواهی، خودخواهی و دروغ‌گویی اجازه نمی‌دهد که انسانها و ملتها در مناسبات بین خود یک فضای دوستی، محبت، عدالت و تکامل متقابل را تجربه کنند و همه فضا فضای تزام، کینه‌ورزی و درگیری می‌شود.

بنابراین کار فرهنگ و تأثیرگذاری فرهنگی، کاری مبنایی است. الان ببینید، بسیاری از این رفتارهایی که در دنیاست برپایه یک سری اصول اعتقادی، جهان‌بینی و نوع نگاه به انسان و جهان شکل می‌گیرد. اولاً این‌ها شکل می‌گیرد و بعد رفتارها شکل می‌گیرد.

اگر این مبانی درست نشود یا به تبع آن مناسبات فرهنگی اصلاح نشود، فضای سیاسی و اقتصادی هم اصلاح نمی‌شود. طبیعی است که ما به موازات فعالیتهای سیاسی و اقتصادی، باید یک نگاه قوی به تعاملات فرهنگی و تأثیرگذاری بر مبانی فرهنگی داشته باشیم. می‌دانید در کشورهایی که ما می‌رویم، با علما، دانشمندان، شخصیتها و رسانه‌ها گفتگو می‌کنیم و

بخش قابل توجهی از سخنرانیهای مهم من در مجامع جهانی نیز به همان نوع نگاه و مبانی فرهنگی و جهان بینی بر می گردد.

طبیعی است که دانشگاه کانون این تعاملات است و همه می دانیم که امروز بالاخره آمریکا میدان دار بسیاری از میدانهای اقتصادی و سیاسی دنیاست و می دانیم که حامی نوعی نگاه خاص است و برپایه سلسله مبانی ویژه ای کارش را جلو می برد. اصلاح این مبانی هم به اصلاح رفتار دولتمردان آمریکا کمک می کند و هم به انتخاب سایر ملتها و سیاستمداران و فرهنگیان جهان.

طبیعی است که در سفر به آمریکا ما دعوت دانشگاه کلمبیا را بپذیریم، نمی توانیم بگوییم نمی آییم.

سال گذشته هم من دعوت دانشگاه کلمبیا را پذیرفتیم، منتها دولت آمریکا فشار آورد و آن جلسه لغو شد. پارسال هم استقبال فراوانی شد و دانشگاه از افراد و پلاکاردها و... پر شد.

گزارشگر:

در کشوری که ادعا می کند مهد دموکراسی و آزادی است، ما را داخل سالن راه ندادند، ولی تمام حیاط دانشگاه و خیابانهای اطراف دانشگاه مملو از دانشگاهیان بود.

رئیس جمهور:

چون اصلاً پیام اصلی ملت ما فرهنگی است و هویت اصلی ایران فرهنگی است، جاذبه دارد و حرف ملت ایران شنوا دارد و گوشهای فراوانی منتظر شنیدن پیام ملت ایران هستند و من هم پیش بینی می کردم و پارسال به دوستان گفتم که دولت آمریکا اجازه برپایی چنین مراسمی را نخواهد داد. آن ها گفتند چطور، گفتم صبر کنید، خواهید دید، می دانستم که تحمل

تعامل درست و بدون حاشیه فرهنگی را ندارند؛ یعنی نمی‌توانند اجازه دهند در فضایی آرام و دوستانه دیدگاه‌های فرهنگی ایران مطرح شود، چون این دیدگاه‌ها مطرح شود، بلافاصله قبول می‌شود، چون مبتنی بر فطرت است و پشتوانه منطقی بسیار قوی دارد و از یک حقیقت زلال سرچشمه می‌گیرد.

در هر حال ما حضور در این مراسم را پذیرفتیم و بعد هم اتفاقاتی افتاد که شما در جریان هستید.

به نظر من دستاورد این حضور برای ملت ایران و اصلاً همه کسانی که خواهان تعامل مثبت فرهنگی هستند، که ما اسم آن‌ها را موحدان و عدالت‌طلبان می‌گذاریم، چون موحدان به انسان و جهان نگاه درست دارند، نگاه توحیدی است که نگاه حقیقی و واقعی است و منشأ کمال، خوبیها و زیباییها، دوست داشتن، عدالت‌طلبی، ایثار و فداکاری است.

من فکر می‌کنم دستاورد، دستاورد بسیار بزرگی بود؛ حتی خود ما تصور دستاوردی در این وسعت را نداشتیم، گرچه به طور اجمال می‌دانستم که این حضور، حضور طبیعی و آرامی نخواهد بود. علت آن هم مشخص بود، می‌دانستم که بخشهایی از دولت آمریکا و صهیونیستها حتماً تحمل نمی‌کنند که رئیس‌جمهور ایران که چهره‌ای فرهنگی و دانشگاهی است و به صراحت دیدگاه‌های ملت ایران را مطرح می‌کند، راضی نمی‌شوند که بدون واسطه و رودرو در فضایی صمیمی صحبت کند. البته بعضی نظریات هست که اصلاً دعوت آن‌ها برای این بود که همین پیام را مخدوش کنند و اصولاً برای این کار هم سازماندهی انجام شده بود.

یک هفته قبل از حضور ما در این دانشگاه حداقل سه شبکه آمریکایی جنگ روانی بسیار سنگینی راه انداخته بودند؛ از تخریب شخصیت من تا شخصیت ملت ایران، حرکت و حتی تاریخ و تمدن ملت ایران و با

دروغ‌پردازی و تهمت سعی کردند دو اتفاق بیفتد، یا من احساس کنم که فضا سنگین است و نرم، یا اگر رفتیم با اجتماعات معترض هیجانی گروه‌های گوناگون مواجه شوم و تخریب صورت گیرد و در کنار آن هم بتوانند همان حرفهایی را بزنند که در متنی که به رئیس دانشگاه داده بودند، مطرح شده بود؛ بالاخره هر چیزی که یک نفر می‌تواند بگوید، به نظرم دیگر واژه‌ای نداشتند که به کار نبرند برای اینکه عمق کینه خود را نسبت به فرهنگ و مناسبات فرهنگی بیان کنند.

ما را در مقابل دو انتخاب قرار دادند، طبیعی بود که ما انتخاب اول را نمی‌توانیم بپذیریم، بالاخره دعوت رسمی شدیم، با اصرار، نمی‌شود دانشگاه از رئیس‌جمهور ایران دعوت کند و او بگوید نمی‌آیم. این در واقع نوعی تلقی تسلیم و شکست و پذیرش تمام ادعاهایی خواهد بود که علیه مبانی فکری ملت ایران مطرح می‌کردند.

ما بایستی می‌رفتیم. رفتیم و صحنه‌ای که اتفاق افتاد به نظرم صحنه‌ای الهی بود؛ یعنی خدا خواست که بدخواهان را در یک تابلوی نقاشی کاملاً به بشریت نشان دهد. آن‌ها اگر ۱۰ درصد احتمال می‌دادند که چنین صحنه‌ای پیش می‌آید، حتماً چنین کاری نمی‌کردند و همه چیزشان را هزینه نمی‌کردند، نام دانشگاه و رئیس دانشگاه که باید شخصیتی علمی، آکادمیک و فرهنگی باشد.

همچنین همه شعارهای دایر بر آزادی اندیشه و گردش آزاد اطلاعات، به نظرم تابلویی در مقابل بشریت امروز قرار گرفت که دو صحنه کاملاً مجزا در آن بود.

یک صحنه شعارهایی که طی این ۱۰۰ - ۲۰۰ سال داده شده و به خصوص ۵۰ - ۶۰ سال اخیر در مورد گردش آزاد اطلاعات، احترام به انسانها، آزادی اندیشه، گفتگوی آزاد، حق تفکر و... همه این‌ها را یک‌جا به

چالش کشیده شد. و از آن طرف، مظلومیت پیام توحید و پیام ملت ایران و ارزشهای ذاتی که در ملت ایران و فرهنگ او وجود دارد که می‌تواند بستر بهترین تعاملات بشری بین ملتها باشد؛ که در آن عشق، دوستی، انسانیت، احترام به دیگران، تحمل، ظرفیت شنیدن، پاسخگویی، آرامش بخشی، ایجاد دوستی و محو کینه‌ورزی‌ها و خشونتها هست. به تعبیر دیگر همان چیزی که امروز می‌تواند الگو برای بشریت قرار گیرد.

خدای متعال در یک تابلو، در فرصتی کوتاه و مختصر و به زیباترین نحو این را در مقابل چشم بشریت به تصویر کشید. من فکر می‌کنم علت انعکاس وسیع آن هم همین است که خدای متعال در اینجا از مظلومیت و حقانیت دفاع کرد و بدخلقی، بدطینتی و دروغ‌گویی را طرد کرد.

اگر بخواهیم جزئی بشویم، سرفصلهای گوناگون را می‌شود بیان کرد. همین قدر به شما بگویم که بعد از مراسم دانشگاه کلمبیا، من ۱۵-۱۶ ملاقات با شخصیت‌های گوناگون داشتم، همچنین در راهروها و مسیرها با شخصیت‌های گوناگون سیاسی و فرهنگی که برخورد می‌کردم، همچنین بسیاری از خبرنگاران رسانه‌های گوناگون از من عکس می‌انداختند؛ افراد گوناگون، خانم، آقا، سیاسی، غیر سیاسی، فرهنگی، به خصوص جوانان، اولین حرفی که به من زدند راجع به همین مراسم بود که می‌گفتند: خیلی عالی بود، به ما هویت، شخصیت و اعتبار داد و به انسانیت عزت داد.

این‌ها که می‌گویم ربطی به احمدی‌نژاد ندارد، چون من فردی معمولی از ملت ایران هستم و سعی‌ام این است که از هویت ملت ایران و حقانیت پیام ملت ایران دفاع کنم، حرف ملت ایران را می‌زنم. همه این حرفهایی که من می‌زنم، ملت ایران متوجه‌اند که حرف خودشان است. عده زیادی فکر می‌کنند که خودشان هستند که دارند حرف می‌زنند. من کوچک ملت ایران هستم. اینکه می‌گویم شما اصلاً احمدی‌نژاد را از این صحنه کنار

بگذارید. من مطمئنم هرکس از ملت ایران بود، همین عکس العمل را نشان می‌داد.

اما این مختص به ملت ایران نیست، به همین دلیل می‌بینید که انعکاس جهانی پیدا می‌کند. رؤسای جمهور فراوانی به من گفتند که ما از تلویزیون این صحنه را دیدیم و افتخار کردیم و احساس کردیم دنیا در آستانه یک تحول است؛ یعنی یک نگاه نو و حقیقتی دارد در جهان مطرح می‌شود. به لحاظ فرهنگی و سیاسی نیز بار دیگر ملت ایران را به نقطه اوج برد و عظمت‌های ملت ایران را نشان داد. ایرانی‌های فراوانی در آنجا به من و همچنین به شما مراجعه کردند، و با یک عشقی می‌گفتند که ما احساس عزت می‌کنیم که ملت ایران چقدر خوب است.

من می‌خواهم در اینجا یک نتیجه‌گیری برای ملت خودمان بکنم. ملت ایران باید قدر خودش را بداند، برجستگی‌های فرهنگی یک شبه و لحظه‌ای به وجود نمی‌آید، حاصل قرن‌ها و سال‌ها ممارست و تربیت یافتگی ملت ایران و کار علما و بزرگان است.

خود ملت ایران به ارزش‌ها، اعتقادات و سنت‌های ایران اهتمام نشان می‌دهد. همین اهتمام ملت ایران به ماه مبارک رمضان را ببینید، بعضی این را دست کم می‌گیرند، حتی آنها که به هر دلیل نمی‌توانند روزه بگیرند، اما یک بخش از ماه رمضان غذا نخوردن است و کسی که مریض و... است، به این معنی نیست که از ماه رمضان بی‌بهره است.

ماه رمضان ماه ضیافت الهی است و درهای رحمت باز است. رحمت الهی چیست؟ همین خداپرستی، محبت، عشق و صفات برجسته انسانی است که در دل انسان جا می‌گیرد و اندیشه‌ها و رفتارها اصلاح می‌شود. ما فکر می‌کنیم رحمت الهی فقط مثلاً روزی مادی بیشتر است. آن هم در آن هست، چون برکت هم زیاد می‌شود؛ اما اصل رحمت و برکات رحمت و

برکات انسانی و معنوی است.

وقتی ملتی سالهای طولانی به رمضان یا محرم یا صله ارحام یا احترام به بزرگ تر و... اهتمام می‌ورزد، این‌ها را کنار هم بگذاریم، به مرور تربیت آن، تربیت ملت ایران می‌شود، که اگر در جایی خالص و بدون پیرایه بتوانیم برجستگیهای ملت ایران را در یک تصویر کنار دیگران بگذاریم، آن وقت فرقهها معلوم می‌شود.

البته اینکه می‌گوییم براساس تعصب قومی نیست، چون ملت ایران هم متشکل از اقوام گوناگون است، گرچه همه ایرانی هستند؛ این تعصب نیست و فکر می‌کنم که متعلق به همه بشریت است؛ همان طور که محیط‌زیست متعلق به همه بشریت است، فرهنگ هم متعلق به همه است و این نیست که در انحصار ما باشد؛ کما اینکه در آن جلسه هم این در خدمت بشریت قرار گرفت. می‌توانست به یک نقطه نزاع و کینه ورزی سنگین تبدیل شود. اما ویژگیهای ملت ایران آن را به نقطه دوستی و محبت برای همه ملتها تبدیل کرد؛ یعنی در اختیار و منحصر به ملت ایران نیست، فرصت و رحمتی برای همه ملتهاست.

من می‌خواهم به ملت ایران به خصوص جوانها توصیه کنم که قدر خودمان را بدانیم و این صفات را تقویت کنیم، این‌ها چیزهایی نیست که آسان و لحظه‌ای به دست بیاید. خدا هم فرصتهای مناسب را برای شکوفایی، برجسته شدن و افتخار کردن به این ویژگیها فراهم خواهد کرد؛ کما اینکه در این سفر خدای متعال در صحنه‌ای که دشمنان ملت ایران پرداختند، آن را تبدیل به افتخار برای ملت ایران کرد.

یک نصیحت هم می‌خواهم به بعضی از دولتمردان آمریکا بکنم. این چه رفتاری است؟ چرا حاضر شدید یک شخصیت دانشگاهی را این قدر تحت فشار قرار دهید تا مجبور شود حیثیت دانشگاهی خود را این گونه

تخریب کند؟

البته احتمال زیاد می‌دهم که ایشان را قربانی کنند و به عنوان مقصر این حادثه او را کنار بگذارند، مهم نیست که چه اتفاقی می‌افتد، مهم اتفاقی است که افتاد. آخر به چه مناسبت؟ این همه دروغ و توهین به یک ملت برای چه؟

بارها هم تجربه کرده‌اید و نتیجه نگرفته‌اید. شما هم به همین مفاهیم برگردید. شعار تحمل می‌دهید، پس تحمل کنید. شعار احترام به ملتها می‌دهید، پس به این عمل کنید. شما احترام به دانشگاهیان می‌دهید، این قدر تحمل نداشتید که فردی با دانشگاهیان شما حرف بزند و تمام سال را هم شما حرف بزنید. خواستید در همین جلسه کاری کنید که این‌ها دیگر گوش ندهند یا این قدر ذهن آن‌ها را مخدوش کنید که اگر حرفی زده شد، اثر نکند.

این یعنی چه؟ اینکه دیگر دوره آن تمام شده است. همین حادثه ارتقاء بسیار بالایی در سطح دانش دانشگاهیان و ملتهای جهان بود. من فکر می‌کنم از این به بعد شاهد تحولات سنگینی در مناسبات دانشگاه و نوع نگاه به دانشگاهها خواهیم بود.

گزارشگر:

زمانی که رئیس دانشگاه کلمبیا آن بی‌ادبی و رفتار ناشایست را کرد، جناب عالی به عنوان یک انسان ناراحت نشدید یا این فکر را نکردید که جلسه را ترک کنید یا ادامه ندهید و برخوردی مثل خودشان داشته باشید؟

رئیس جمهور:

طبیعی است، در آن لحظه انواع افکار به ذهن آدم می‌آید، منتها من به آن رئیس دانشکده که کنار من نشسته بود، گفتم من برای شما واقعاً

متأسفم.

من بیشتر برای آن‌ها متأسف بودم، و هرچه جلوتر می‌رفت تأسفم بیشتر می‌شد.

گزارشگر:

شما خیلی عادی، می‌خندیدید.

رئیس جمهور:

من می‌خندم، واقعاً تأسفم برای آن‌ها بیش‌تر می‌شود و از طرف دیگر می‌گفتم این‌ها از نظر سیاسی چقدر ابتدایی و ساده لوح هستند، هرچه جلوتر می‌رود، فرصتهایی برای من ایجاد می‌کند. چون بالاخره حرف ما روشن است، ما که دروغ نمی‌گوییم و نمی‌خواهیم کسی را فریب بدهیم. هرچه جلو می‌رفت، می‌دیدم که مثلاً مثل بازی والیبال چقدر دارند پاسهای روی تور آماده می‌دهند که من با یک اشاره می‌توانم آن‌ها در زمین خودشان به لحاظ سیاسی بخوابانم. من مطمئن بودم خدای متعال کمک می‌کند و حق را آشکار می‌کند. آن قدر دلم مطمئن بود که آرام آرام بودم و بیش‌تر دلم برای آن‌ها می‌سوخت و می‌گفتم چقدر انسان باید سقوط کند و بعضی از دولتمردان این قدر از مرزهای انسانی پایین بیایند. بیش‌تر دلم برای آن‌ها سوخت و مطمئن بودم که عزت ملت ایران از این صحنه آشکار خواهد شد.

گزارشگر:

شما قرار بود به بازدید از برجهای دو قلو بروید که این باعث صحبتها و اختلاف نظرهای زیادی در رسانه‌های آنها شد، نظر خود شما در این مورد چیست؟

رئیس جمهور:

آن‌ها سعی می‌کنند با دروغ پراکنی، مثلاً تصویر من را نشان می‌دهند کنار بن لادن یا اینکه با تانک دارم آدم می‌کشم و... این‌ها کارهای روانی است.

حادثه ۱۱ سپتامبر حادثه‌ای بود که مبدأ تحولات بزرگ شد و به بهانه آن افغانستان و عراق را اشغال کردند و صدها هزار نفر کشته شدند، طبیعی است که ما باید عکس العمل مناسبی نشان دهیم.

سال قبل ما می‌خواستیم برویم، نشد. امسال می‌خواستم بروم که هم با خانواده‌های بازماندگان ابراز همدردی و ادای احترام کنم و هم می‌خواستم دو سه سؤال و دیدگاه‌هایم را مطرح کنم، که به نظر ما این حادثه نتیجه مدیریت غلط و غیرانسانی در جهان است.

باید ریشه‌یابی کنیم که چرا چنین حادثه‌ای رخ داد. دوباره ۲۰ سال دیگر آن را مثل بت هولوکاست درست کنیم و ملت‌ها را به بهانه آن بکشیم و اجازه ندهیم کسی در جعبه را باز کند تا ببیند حادثه چه بود. با ۱۱ سپتامبر یک امر قدسی درست کنند که هرکس آن را نپذیرفت، کافر است و هرکس پذیرفت نیز باید به تمام جنایات بعدی تن بدهد.

بایستی دیدگاه‌هایمان را مطرح می‌کردیم و فکر می‌کنم در این قضیه یک ارتباط عاطفی هم با مردم آمریکا برقرار می‌شد و موضوع هم باز می‌شد و آن‌ها هم نمی‌خواستند که چنین چیزی رخ دهد.

عکسها

حضور دکتر محمود
احمدی نژاد رییس
جمهور اسلامی
ایران در دانشگاه
کلمبیا
۱۳۸۶/۷/۲



یکی از تالارهای
دانشگاه کلمبیا که
به صورت مستقیم
سخنرانی دکتر احمدی
نژاد را برای دانشجویان
پخش می کند
۱۳۸۶/۷/۲

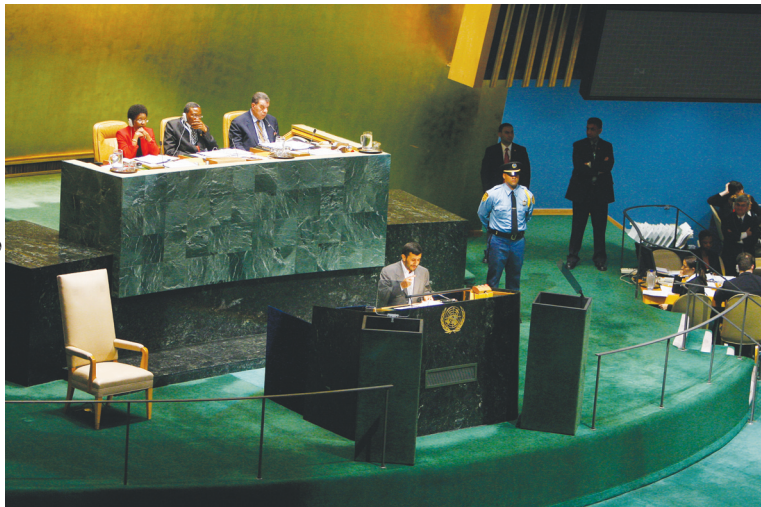


نمایی از محوطه بیرونی
دانشگاه کلمبیا به هنگام
سخنرانی دکتر احمدی نژاد
۱۳۸۶/۷/۲





حضور دکتر احمدی نژاد
در سازمان ملل قبل از
سخنرانی
۱۳۸۶/۷/۳



دکتر احمدی نژاد در حال
سخنرانی در سازمان ملل
۱۳۸۶/۷/۳



دکتر احمدی نژاد در حال
سخنرانی در سازمان ملل
۱۳۸۶/۷/۳

دیندار دکتر
احمدی نژاد با ایرانیان
مقیم آمریکا
۱۳۸۶/۷/۱



دیندار دکتر
احمدی نژاد با
ایرانیان مقیم آمریکا
۱۳۸۶/۷/۱

سخنرانی دکتر
احمدی نژاد در
جمع پژوهشگران
سیاسی و اصحاب
رسانه های آمریکا
۱۳۸۶/۷/۳



مصاحبه رئیس جمهور
ایران با رسانه‌ها در
سازمان ملل
۱۳۸۶/۷/۳



سخنرانی دکتر احمدی نژاد
با علما و روحانیون مسلمان
سراسر آمریکا
۱۳۸۶/۷/۲

نمایی از نشست
احمدی نژاد با علما
و روحانیون مسلمان
سراسر آمریکا
۱۳۸۶/۷/۲





سخنرانی رئیس جمهور
در جمع ناخامهای
آمریکا و اهدای جام به
ایشان
۱۳۸۶/۷/۲



سخنرانی رئیس
جمهور در جمع
اصحاب کلیسا
و شماری از
رهبران یهودی
در آمریکا
۱۳۸۶/۷/۴



مصاحبه رئیس جمهور
با چارلی رز
خبرنگار شبکه سیزده
آمریکا
۱۳۸۶/۷/۲

مقدمه نمایه

در انتخاب شناسه‌ها و بیانگرهای موضوعی بیشتر از زبان طبیعی و در تهیه نمایه با توجه به حجم کتاب و محتوای اثر از نظام ساده یا تک سطحی استفاده شده است و مدخلها مستقل‌اند تا خوانندگان به راحتی واژگان مورد نظر خود را بازیابی نمایند. شیوه تنظیم نمایه بر اساس الفبای حرف به حرف است. عمق نمایه یعنی مبنای حضور هر اصطلاح در نمایه موضوعی - در بیشتر موارد - ارائه حداقل یک سطر اطلاعات است، اما در نمایه نامها صرف حضور یک نام در متن در نمایه آورده شده است.

مفاهیم و نامهای بکار رفته در پیشگفتار و پانویسها در صورت داشتن بار اطلاعاتی در نمایه گنجانده شده‌اند که برای پیشگفتار حرف اختصاری "پ" و برای پانویس از حرف اختصاری "پا" استفاده شده است. با توجه به اینکه بخشی از کتاب شامل پرسشهای خبرنگاران خارجی و نیز پژوهشگران سیاسی از ریاست محترم جمهوری است و از طرفی منبعی جهت مستندسازی اسامی آنها در دسترس نبود، لذا بجای اسم کوچک آنها علامت سه نقطه "... انتخاب شده است. ارجاعهای جایز به شماره صفحات است و اگر یک مدخل از نمایه گستره‌ای از صفحه‌ها را شامل شده باشد از خط تیره - استفاده شده است. (ع.خ)

آ

۱۰۲	اسناد و مدارک	۱۶۰، ۴۳	آپارتاید آفریقای جنوبی
۴۸، ۴۷	اشغالگری	۱۲۹	آرژانتین
۷۰	اصل ۴۴ قانون اساسی	۱۹	آزادی اندیشه
۵۴	اصلاح پایدار	۱۱۲	آزادی بیان
۳۸، ۳۷	اعدام در ایران	۳۷	آزادی زنان
۱۰۴، ۱۲۰، ۱۲۱	افغانستان	۱۲۷، ۱۷۴	آزادی مطبوعات
۲۰۲، ۲۰۳		۱۲۷	آزادی واقعی
۱۹۳	البرادعی، محمد	۱۹، ۴۱، ۵۵، ۵۶، ۷۶	آژانس بین المللی انرژی
۱۶۴، ۱۶۷، ۱۸۶	القاعده	۷۸، ۷۷	اتمی
۱۶۶	المشهدانی، محمود (رییس مجلس عراق)	۹۶	آلترمان، ...
۸۰	الهام، غلامحسین (وزیر دادگستری)	۹۱، ۱۹۰	آلمان
۱۰۵، ۱۳۶	امام خمینی (ره)	۹۳، ۱۰۹، ۱۱۰	آلودگی محیط زیست
۵۱	امنیت بین المللی، نقض	۹۳	آیسون، ...
۸۷	امنیت پایدار	۴۸، ۹۱، ۱۲۷، ۱۹۰	آمریکا
۱۰۱، ۱۱۵، ۱۶۵	امنیت در عراق	۱۲۹	آوارگی در فلسطین
۱۷۱			
۹۶	امیراحمدی، ...		
۱۵۱، ۱۵۰	انبیای الهی	۱۶۶، ۱۶۷	اختلاف شیعه و سنی
۱۸۲، ۱۸۱	انتخابات ریاست جمهوری (آمریکا)	۱۴۶	ادیان توحیدی
۱۱۸، ۱۱۹	انرژی بادی	۱۶۶، ۱۶۷	ارتش آمریکا
۱۱۸، ۱۱۹	انرژی خورشیدی	۱۶۷، ۱۹۱	اردن
۸۴-۸۷، ۱۰۷، ۱۴۹	انسان (آفرینش)	۲۰۲	ارسال سلاح به افغانستان
۳۳	انفجار دفتر نخست وزیر	۱۶۲، ۲۰۲	ارسال سلاح به عراق
۷۰	انقلاب اقتصادی	۵۴، ۵۰	ارزشهای الهی
۱۸۰	انقلاب اسلامی، ایدئولوژی	۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۷	استادان دانشگاهها در ایران
۱۲ پ	انقلاب مخملین	۷ پ	استالین، ژوزف
۹۸	انگشت نگاری	۵۱	استقرار سامانه موشکی
۹۱، ۹۶، ۱۹۰	انگلیس	۴۳، ۹۶، ۱۲۷، ۱۶۰	اسرائیل
۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹	ایران	۱۷۳، ۱۷۴، ۱۹۱	اسرائیل (گزارشگر تلویزیون)
۹۷	ایران (روزنامه)	۱۰۹	اسفندیاری، هاله
۶۷، ۶۶	ایران، آثار فرهنگی	۱۰۰، ۱۰۲، ۱۹۳	
۷۸-۸۱	ایرانیان خارج از کشور	۱۹۴	
		۱۳۹	اسلام، تبلیغ

ب

باربارا، ...
 بازدید از محل انفجار ۱۱ سپتامبر
 بازگشت به تعلیمات الهی
 بحرینی، ...
 برن، ...
 بری، ...
 بمبهای نسل پنجم
 بوش، جرج
 بولت، ...
 بولینگر، لی (رئیس دانشگاه کلمبیا)
 بهاییان در ایران
 بیداری ملتها

۱۰۳
 ۳۹، ۴۰، ۲۱۶
 ۱۳۱
 ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱
 ۱۰۲
 ۱۳۹
 ۴۲، ۱۹۳
 ۴۳، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۹
 ۹۸
 پ ۱۰، ۱۵، ۱۷، ۱۸۰
 ۲۱۴، ۲۱۵
 ۱۲۲
 ۵۸

جانسون، ...
 جنبه همبستگی برای صلح
 جعفری، محمدعلی (فرمانده سپاه)
 جنگ ۳۳ روزه مقاومت
 اسلامی
 جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷)
 جنگ جهانی دوم
 جنگ روانی علیه ایران
 جنگ روانی علیه حزب الله
 جنگ نیابتی در عراق
 جهان صالحی، ...

۹۸
 ۵۵
 ۱۰۴
 پ ۵، ۵۳، ۱۸۸
 ۱۶۱، ۱۰۸، ۴۴
 ۵۲، ۶۰، ۱۳۵
 پ ۷، پ ۱۱، ۷۳، ۷۴
 ۲۱۰
 پ ۶
 ۱۶۳
 ۹۷

ب

پاکستان
 پاکستان (گزارشگر تلویزیون)
 پرواز مستقیم تهران - نیویورک
 پرونده هسته‌ای ایران
 پناهندگان افغانی
 پیشرفتهای علمی

۱۹۲، ۱۹۱
 ۱۰۸
 ۸۱، ۹۵، ۱۰۳

چالشهای مهم جهان
 چرخه سوخت هسته‌ای
 چین

۴۵
 ۷۱، ۷۶، ۹۲، ۱۹۲
 ۱۸۹

ح

۴۱، ۴۲، ۵۵، ۹۰
 ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۹۹
 ۱۲۰
 ۶۹، ۷۰

حزب الله لبنان
 حضرت آدم (ع)
 حضرت دانیال نبی (ع)
 حضرت عیسی (ع)

پ ۶، ۱۸۶-۱۸۸
 ۲۱
 ۱۴۶
 ۲۱، ۶۱، ۹۵، ۱۴۱
 ۱۴۲، ۱۵۱، ۱۵۲

حضرت موسی (ع)
 حضرت مهدی (عج)

۱۵۱
 ۶۱، ۹۵

حق و تو
 حقوق بشر، نقض
 حماس (جنبش اسلامی)
 حمله نظامی آمریکا به عراق

۱۰۸، ۵۳
 ۴۷
 ۱۷۶، ۱۷۹
 ۵۳، ۱۳۸

ت

تأسیسات هسته‌ای اصفهان
 تحریمهای بین المللی
 تحقیق در هولوکاست
 تحقیقات هسته ای
 تروریسم

۷۵، ۱۹۰
 ۱۷، ۱۸، ۳۵، ۳۶
 ۷۵
 ۳۳، ۳۴، ۴۷، ۱۸۵

تفرقه در عراق

۲۰۴

توحید
 تولید سوخت هسته ای
 تهدید ایران علیه اسرائیل
 تهدید نظامی آمریکا

۱۴۳، ۱۴۴
 ۵۷، ۵۶
 ۲۰۱، ۲۰۰
 ۷۴، ۷۵، ۱۰۰، ۱۰۱
 ۲۰۰، ۱۲۰

خانمی، سید محمد
 خاخامهای یهودی
 خانواده
 خاورمیانه

۱۸۳
 پ ۱۴۳
 ۴۶
 ۳۶، ۱۶۱، ۱۶۲

خ

۱۲۰	زنان پناهنده	۱۹۷ پا	خبرگزاری P.A.(نیویورک)
۳۹، ۳۸، ۳۷	زنان در ایران	۹۳، ۹۴، ۱۶۸، ۱۶۹	خروج آمریکا از عراق
۱۰۰	زندانیان ایرانی	۷۱	خزایی، محمد(سفر و
۹۹	زندانیان در آمریکا		نماینده ایران در سازمان

(ملل)

	س	۹۲	خلیج فارس
۱۱۴	سازمان ملل متحد	۲۲	خواندن(اهمیت علم)

۶۷	سازمان میراث فرهنگی،		د
	صنایع دستی و گردشگری		داریوش کبیر
۱۸۶، ۱۰۵	سازمانهای اطلاعاتی آمریکا	۶۷	دانشگاه امیرکبیر
۱۸۹	سانتریفیوژ(ساخت)	۱۱۲	دانشگاه صنعتی شریف
۷۱	سرمایه گذاری خارجی	۱۱۶	دانشگاه کلمبیا
۱۲۹، ۴۴	سلاحهای هسته‌ای	۸۹، ۸۸	دانشگاه هاروارد
۱۳۷	سلاحهای هسته‌ای، افول	۱۱۶	دخالت ایران در عراق
۹۸	سناریو صلح	۱۶۸	دستگیری ملوانان انگلیسی
۲۲	سوره علق	۱۳۸	دولت نازی
۱۰۹، ۱۶۷، ۲۰۴	سوریه	۳۵	دین اسلام
۲۰۵		۱۳۳، ۱۳۲	دینا، ساشا
۱۱۷	سی. بی. اس. (گزارشگر)	۱۳۹	
۱۹۷	سیاست خارجی ایران		
۹۷، ۶۷	سپید (فیلم سینمایی)		
۱۰۲، ۱۰۰	سیمور، گری		

	ش	۱۷۳	ر
۲۰۷ پا	شبکه خبر ج.ا.	۹۰، ۱۶۰	رابطه آمریکا با اسرائیل
۱۱۴	شبه نظامیان عراقی	۱۶۳	رابطه ایران و آمریکا
۱۳۰	شرکتهای اسلحه‌سازی	۱۱۱	رابطه ایران و عراق
۱۰۵	شعارهای انقلاب اسلامی	۱۱۸، ۱۱۷	رادپو فردا(گزارشگر)
۵۲، ۵۳، ۵۷، ۵۸	شورای امنیت سازمان ملل	۱۹۳	راکتور آب سنگین
۱۸۹، ۱۱۸، ۱۰۸		۸۰، ۷۹	رایس، کاندولیزا
۵۸	شورای حکام		رحیم مشایی،
۸۰، ۷۹	شورای عالی ایرانیان		اسفندیار(رییس سازمان
۱۸۲، ۱۸۱، ۱۷۹	شورای نگهبان	۱۵۹ پا	میراث فرهنگی)
۱۳۸، ۱۱۴، ۷۳	شوروی	۱۸۱، ۱۱۷	رز، چارلی (شبکه ۱۳
۹۵	شیعیان	۱۲۸، ۱۲۷	آمریکا)
۱۶۶، ۱۱۴	شیعیان عراق	۱۱۳	رسانه‌های آمریکایی

	ص	۲۰۸	رسانه‌های غربی
۱۹۲، ۱۸۵، ۱۶۶	صدام حسین	۹۵، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵	رسمیت شناختن اسرائیل
۱۹۸		۱۸۹	روابط اقتصادی
۱۲۲، ۱۲۰	صدای آمریکا (گزارشگر)	۱۸۹	روبین، ...
۱۹	صلح آمیز بودن فعالیت‌های	۱۴۹ پا	روسیه
	هسته ای	۱۴۹ پا	رهبران کلیسا
۱۹۸	صلح پایدار	۱۴۱	رهبران یهودی
۱۴۵	صهیونیسم		ریاح، ...

	ز	۸۱	زبان فارسی
		۱۵۷	زمینه‌سازی ظهور
		۴۶	زنان

ط

طالبان	۱۸۶	کانادا	۱۹۰، ۹۱
طالبانی، جلال (رییس)	۱۶۶	کرامت انسانی	۱۳۰
جمهور عراق	۱۹۱	کرزای، حامد (رییس جمهور افغانستان)	۱۰۴
طوفان کاترینا	۱۶۴	کره شمالی	۱۰۹
	۴۸، ۹۰-۹۴، ۱۶۲-	کریچ، مایکل	۹۲
	۲۰۳، ۲۰۲، ۱۶۸	کسینجر، هنری	۱۶۱
	۱۹۱، ۱۷۶، ۱۶۷	کشورهای جنبش عدم تعهد	۵۸
	۲۷-۲۳	کشورهای عربی کوک چان، ...	۱۷۸، ۱۱۱، ۱۱۰، ۹۷
	۲۲، ۲۱، ۲۰		
	۲۳		
	پ ۱۰		
	۴۱، ۱۱۷، ۱۱۸		

ع

عدالت
عراق

عربستان سعودی
علم و دانش (آفات)
علم و دانش (ارزش)
علوم تجربی
عملیات والفجر ۸
غنی سازی اورانیوم

گ

گالیله	۶۸
گرانوف، ...	۹۲
گرایش به ارزشهای الهی	۶۰
گری سیک، ...	۹۸، ۹۹، ۱۰۰

ف

فاکس نیوز	۱۱۳	لبنان	۱۸۷، ۱۸۸
فاو	پ ۱۰، ۱۲	لوترز، ...	۸۸
فتح (جنبش اسلامی)	۱۷۹	لیتواک، ...	۱۰۲، ۹۹
فرانسه	پ ۶، ۹۱، ۱۹۰		
فرهنگ های بومی	۲۵، ۴۸، ۴۹		
فطرت پرستگری انسانها	۲۷، ۲۸		
فقر جهانی	۴۹، ۱۳۰		
فلسطین	۱۶، ۱۸، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۴۷، ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۷۹، ۲۰۱		
فلسطین، برگزاری انتخابات آزاد	۹۳، ۱۷۸		

م

ماتسکی، ریچارد	۱۰۳
مارشال، ...	۱۰۳
ماه رمضان	۶۴، ۱۲۵، ۲۱۲
متکی، منوچهر (وزیر امور خارجه)	۸۰
مجمع عمومی سازمان ملل	۵۵
محرومیت آموزشی و درمانی	۴۹
محیط زیست	۵۰
مذاکره با آمریکا	۴۲، ۴۳، ۱۰۱، ۱۷۰
مردخای (همدان)	۱۹۸
مردم آمریکا	۱۴۶
مرز ایران و عراق	۸۹، ۱۳۳، ۱۷۳، ۲۰۶
مسابقه تسلیحاتی	۹۲، ۹۳، ۲۰۴
مصر	۵۱
مصرف سوخت	۱۹۱
معاهده منع گسترش سلاحهای هسته ای (ان پی تی)	۱۱۰، ۱۹۱

ق

قابیل	۱۵۴
قاچاق مواد مخدر	۱۰۳
قرآن	۵۹
قراردادهای هسته ای	۹۱، ۱۹۰
قطعه نامه ها	۷۶
قوانین بین المللی، نقض قوه قضاییه	۵۰، ۱۱۳

ک

کارگر، بهمن (رییس سازمان نظام وظيفه)	۸۰، ۱۰۳
--------------------------------------	---------

۱۶، ۱۷، ۳۶، ۱۳۴،	هولوکاست	۱۷۶	ملک عبدالله (پادشاه عربستان)
۱۳۵، ۱۷۱	هیتلر، آدولف	۱۴۵	منافقان
۷، ۹۶، ۲۶	هیروشیما (بمباران اتمی)	۱۸۵	منافقان در عراق
	ی	۳۴	منوکسیدکربن
۴۸	یهودیان	۱۰۹	موجودیت اسرائیل
۳۱	یهودیان در ایران	۳۱، ۳۲، ۱۷۷	موشک شهاب ۳
۱۴۵	یهودیت	۷۲	موعود
		۱۵۸	مولانا، ...
		۱۰۲، ۸۳	

ن

۴۰	ناامنی در خاورمیانه		
۲۶	ناکازاکی (بمباران اتمی)		
۹پ	نبرد بیانی		
۱۹۲	نفوذ فرهنگی ایران در دنیا		
۱۶۸	نفوذ فرهنگی ایران در عراق		
۱۱۴	نقش ایران در عراق		
۱۸۸	نقشه خاورمیانه جدید		
۱۶۶	نوری المالکی (نخست وزیر عراق)		
۱۸۳، ۱۸۴	نهضت اصلاحات در ایران		
۱۹۰	نیروگاه هسته‌ای بوشهر		
۱۰۴	نیروهای ائتلاف در افغانستان		
۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۹،	نیویورک تایمز		
۱۸۱			
۱۳۴	نیهاد، ...		

و

۳۴	واقعه هفت تیر، ۱۳۶۰		
۲۱۷، ۴۰	واقعه یازده سپتامبر، ۲۰۰۱		
۹۱	والش، ...		
۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۸	وحدت ادیان		
۱۸۴، ۱۸۵	ورود ایران به جامعه جهانی		
۱۰۲	وزارت امور خارجه		
۹۵	وزارت راه و ترابری		

ه

۱۸۲	هاشمی رفسنجانی، اکبر		
۹۴	هانتینگتون، پاتریشیا		
۱۱۷، ۱۱۶	همجنس بازی در ایران		
۹۶	هندوستان		

Manifestation of the Iranian Identity in New York

Dr. Mahmoud Ahmadinejad